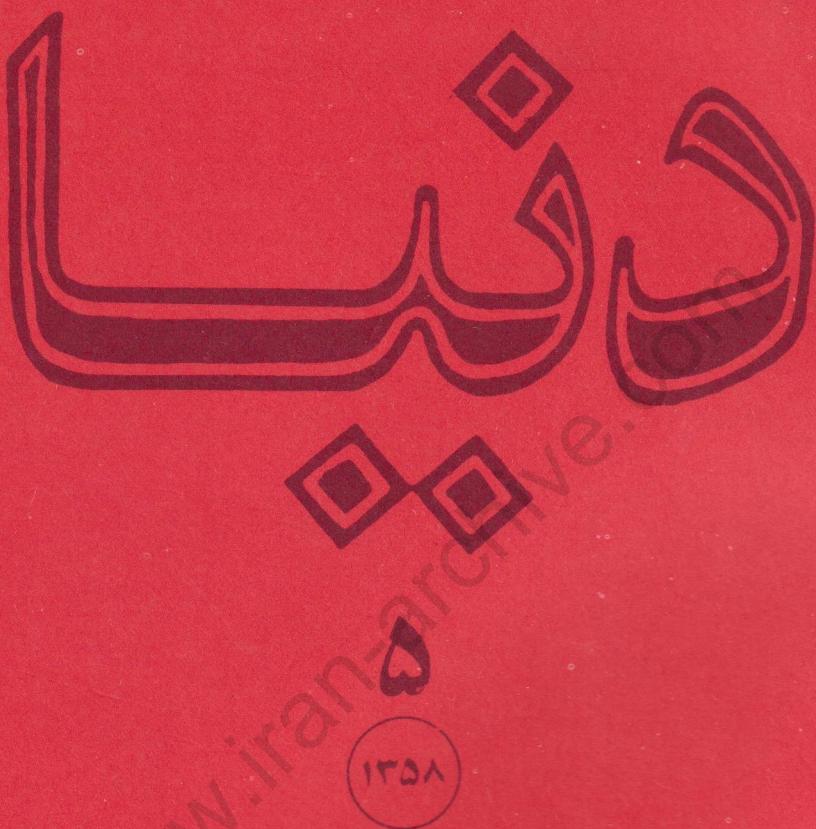


ویژه نامه بمناسبت سالگرد انقلاب بزرگ مردم ایران



نشریه سیاسی و تئوریک  
کمپینه مرکزی حزب توده ایران

بنیادگذار: دکتر تقی ارانی

کارگران همه کشورها متحد شوید!

# دنیا

نشریه سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی  
حزب توده ایران

بنیاد گذار: دکتر تقی ارانی  
شماره پنجم، سال اول، دوره چهارم

دی ۱۳۵۸



انتشارات حزب توده ایران

# انقلاب

اُن کی آمد زین رامی شکافت	اُن کی آمد زین رامی شکافت
کاین زین رازچه ویران سیکنی	کاین زین رازچه ویران سیکنی
گفت امی ابله برو بمن مرن	گفت امی ابله برو بمن مرن
کی شود گلزار و گفت مرا زین	کی شود گلزار و گفت مرا زین
کی شود بستان و کشت و برگ بَ	کی شود بستان و کشت و برگ بَ
تائنو بی گندم اندرا آسیا	تائنو بی گندم اندرا آسیا
پاره پاره کرد درزے جامِ	پاره پاره کرد درزے جامِ
که چرا این طاس بگزیده را	که چرا این طاس بگزیده را
ہر بنا می کھن کھن کا با دا کھن نہ	ہر بنا می کھن کھن کا با دا کھن نہ
ظاہر کار تو ویران سیکنم	ظاہر کار تو ویران سیکنم
لیک خاری را گستان سیکنم	لیک خاری را گستان سیکنم
نہ کہ اول کھن کھن کا با دا کھن نہ	نہ کہ اول کھن کھن کا با دا کھن نہ
بر دریدے بے چکنم بد ریده را	بر دریدے بے چکنم بد ریده را
کس نہ مَ آن دزی علامہ	کس نہ مَ آن دزی علامہ



الآلام خميني

# سرفروود

ما دربرابر خلقهای ایران، آفرینندگان جان باز انقلاب بهمن، سرفروود می‌آوریم!  
ما دربرابر رهبر انقلاب، امام خمینی، ولادوری و پی‌گیری خردمندانه‌اش سرفروود  
می‌آوریم!

ما دربرابر مادران و پدران داغدار که فرزندان خود را نثار انقلاب کردند، سر فرود  
می‌آوریم!

ما دربرابر شهیدان گلگون کفن انقلاب سر فرود می‌آوریم!

ما دربرابر نوانان بازمانده از درگیری‌های انقلابی سرفروود می‌آوریم!

ما در برابر کارگران، بویژه دربرابر روشنفکران، که با اعتصابهای گسترده چرخ  
ابليس را چنبر کردند سر فرود می‌آوریم!

ما دربرابر دهقانان که باشکت در راه پیمانی شهرها و شهرکها کاخ طاغوت را  
لرزاندند، سرفروود می‌آوریم!

ما در برابر دانشجویان پیکارجو که نقش بزرگی در انقلاب ایفاء کردند و از آنجمله  
دانشجویان خط امام سرفروود می‌آوریم!

ما دربرابر زنان دلاور میهن که سهی بزرگ در انقلاب داشتند سرفروود می‌آوریم!

ما دربرابر روحانیون متعدد که نقش شایسته‌ای در گشرش انقلاب داشته‌اند  
سر فرود می‌آوریم!

ما دربرابر روشنفکران و کارمندانی که به انقلاب یاری رساندند سرفروود می‌آوریم!

ما دربرابر بازاریان و پیشوaran که مشت تعطیل را برپوزه ضدانقلاب کوختند  
سر فرود می‌آوریم!

ما در برابر ارتشیان، بویژه دربرابر همافرانی که با خرید خطر در کنار خلق ایستادند  
سر فرود می‌آوریم!

ما دربرابر توده‌ایها، چریکهای فدائی خلق، مجاهدین خلق که همه جا پاسدار  
انقلاب بودند سرفروود می‌آوریم!

ما دربرابر همه کسانی که انقلاب را به پیش رانند و حفظ کردند و می‌کنند، بویژه  
دربرابر پاسداران صادق به انقلاب سرفروود می‌آوریم!

ما دربرابر شهیدان دوران سیاه پهلوی که آغازگران انقلاب بودند سرفروود می‌آوریم!

ما در برابر زندانیان سیاسی دوران پهلوی که طلوع انقلاب آنها را بهنور و امید  
رساند سر فرود می‌آوریم!

ما در برابر انقلاب بزرگ بهمن که سرفصل یک تعول کیفی در جامعه‌ماست سر فرود  
می‌آوریم!

ما دربرابر همه دوستان جهانی انقلاب که آنرا استوond و یاری دادند سرفروود می‌آوریم!

# ننگباد

ننگ باد بر محمدرضا پهلوی یکی از شومنترین جباران و خائنان تاریخ و طاغوت  
نقرت اتفیز قرن !

ننگ باد بر خاندان خائن، جانی، فاسد و غارتکر پهلوی که نزدیک به شصت سال  
میهن مارا به دشمن فروخت !

ننگ باد بر چاکران چکمهای این خاندان که به آذ زد و ذور و هشت، وجدان را  
پایمال کردند ؟

ننگ باد بر امپریالیسم، آفریننده و حامی استبداد سلطنتی پهلوی و غارتکر اصلی  
لر و تهای کشور ما !

ننگ باد بر امپریالیسم امریکا سالار نزدان و حرامیان تیره‌اندیش جهان !

ننگ باد بر دستگاه اهریمنی سواک، کشتارگاه بیشترین جوانان ما !

ننگ باد بر سیاستمداران خودفروخته که اراده خاندان پهلوی و اربابان امپریالیستیش  
را اجراه کردند !

ننگ باد بر سرمایه‌داران بزرگ خارتکر، تکیه‌گاه سلطنت و امپریالیسم !

ننگ باد بر دیوان سالاران و تیمساران خودفروخته و ویکر کارگزاران سرسپرده  
دستگاه جور و غارت !

ننگ باد بر همه کسانی که با انقلاب مردم در پرده یا بی‌پرده دشمنی ورزیدند!

ننگ باد بر شاپور بختیار عامل فرمایه امپریالیسم و هوادارانش !

ننگ باد بر جلادان خلق ایران که بدستور شاه مردم بی‌سلاح و گناه را بگلوله بستند!

ننگ باد بر همه آنانی که طی دوران پهلوی در آستانه این دوران خونخوار قلم زدند  
و علم و هنر را در پای جور و ستم نثار کردند !

ننگ باد بر عقیداران ضد انقلاب که برای شکست جنبش مردم توطئه می‌کنند !

ننگ باد بر همه کسانی که با ایجاد مشکلات عملی در تضعیف انقلاب ایران می‌کوشند !

ننگ باد بر نیمدراهان و سست‌عهدان و پیمان شکنان و دور ویان و مفسده جویان !



ویژه نامه دنیا

بمناسبت سالگرد انقلاب بزرگ مردم ایران

بنیاد گذار: دکتر تقی ارانی  
تأسیس ۱۳۱۲

زیرنظر شورای نویسندگان

نشریه ماهانه سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران

شماره پنجم، سال اول، دوره چهارم

آدرس: تهران، خیابان شانزده آذر، شماره ۶۸

دراین شماره میخواستید:

صفحه

۸	انقلاب بزرگ و شکوهمند میهن ما
۳۰	در آستان انقلاب
۴۲	برخی مسائل نظری مربوط به انقلاب ایران
۵۴	حزب توده ایران و نقش آن در انقلاب
۶۳	تفنگ من
۶۵	نقش طبقه کارگر ایران در انقلاب بزرگ خدا مپریالیستی و خلقی میهن ما
۷۶	نقش زن در انقلاب ایران
۹۰	ارتش و انقلاب ایران
۹۵	دستاورد های انقلاب
۱۰۳	دوستان و دشمنان انقلاب ایران
۱۰۹	انقلاب ایران و امپریالیسم آمریکا
۱۲۰	پرچم پنهان سرخ
۱۲۱	تیرروی ایمان ، تیرروی طنز
۱۲۹	نقاشی و فعالیت هنری در انقلاب ایران
۱۴۳	رقابت
۱۴۶	موسیقی ملی در روند انقلاب ایران
۱۵۰	دکتری ارانی ، چهره ای تابان در تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران
۱۵۷	درست پس از چهل سال
۱۶۰	من میزایم ، توبکش ...
۱۷۲	گاهنامه انقلاب ایران
۱۸۴	آن تاج را وارون کنید !
۱۸۵	با یادبودها و لحظه های انقلاب

## ★ انقلاب بزرگ و شکوهمند میهن ما

ن. کیانوری

بزودی مردم قهرمان شاه براندازوا مپریا لیسم شکن ایران سالگرد انقلاب کبیر خود را، که بدون تردیدیکی از درخشنده‌ترین حماسه‌های خلقی دوران ماست، جشن خواهند گرفت. هر روزکه میگذرد بزرگی وزرفنا و پهنهای این انقلاب فراگیر میهن ما چشمگیر تر جلوه میکند. خلق قهرمان ایران دلاورانه قدر علمکرد و با اراده‌ای تزلزل ناپذیر، در تبری دماغه میکنند، یکی از کهنه‌ترین و سفاک ترین نظامیان خونخوار سلطنتی مزدور ایران اسرائیل‌گوون ساخت و بنا این پیروزی خودیکی از زنیرو مندترین پایکاهای غارت و جنایت امپریا لیسم و ارتفاع را در جهان درهم‌شکست. بعلت همین بزرگی وزرفنا و پهنهای است که انقلاب ایران به عنوان بزرگترین رویداد معاصر، توجه همه جهان بیان را بخود معطوف ساخته است.

این بزرگی و اهمیت باز هم بمراتب بیشتر جلوه‌گر میکردد، اگر اوضاع ایران و جهان و موقعیت ایران در جهان را در سالهای بلطفاً مله پیش از آغاز دوران اوج جنبش انقلابی اخیر پیش چشم خودیگذازیم.

وضع چنین بودکه امپریا لیستهای جهانخوار بسیار کردگی امپریا لیسم آمریکا، و بآ صحته گردنی مستقیم صهیونیستهای اسرائیل طی پیش از بیست سال یکی از زنیرو مندترین پایکاهای غارت و تجاوز خود را در میهن ما برپا ساخته و با هزار شکرده آنرا محکم کاری کرده و به خیال خود تزلزل ناپذیرترین "جزیره شبات" را در جهان بوجود آوردند و طیفه‌این "جزیره شبات" و گردنی‌ندکان آن محمدرضا جladodستیاران ساواکیش این بودکه:

۱- ایران را به گورستان آزادی و آزادگی مبدل سازند و درسا به برقراری مخفف ترین رژیم اختناق پلیسی ، امکان هرگونه مبارزه را از مردم ایران علیه غارتگران امپریا - لیستی و کارگزاران ایرانی آنها سلب ننمایند.

۲- درسا به این رژیم اختناق ، غارت لجام گشته انحصارهای نفتی و سایر انحصارهای چندملیتی امپریالیستی را با همکاری سرمایه داران وابسته وزمینداران بزرگ بی - دردسر و مراحت ممکن سازند ، نفت ایران را که بزرگترین ثروت ملی ماست در کوتو هتریس مدت ممکن به امپریالیستها تحویل دهدند و بجا آن ایران را بمورث خاکروبه داشت - افزارهای امپریالیستی درآوردند . علاوه بر غارت نفت ما با تحمیل استثمار روحشانهای که نظریش در سراسر جهان به ندرت پیدا می شود ، محمول دسترنج دهها میلیون زحمتشک شهر و روستای میهن ما را به غارت برند.

۳- دولت دست نشانده و فرمانبردا رکشور ما که از موقعیت استثنائی در مهمترین منطقه سوق الجیشی برای جهان امپریالیستی ، یعنی منطقه ای که ۸۵٪ نفت و سوخت جهان امپریا - لیستی را تامین می کند و سالیانه بدها میلیار دلار بجهیزی بفمامکران آمریکائی و انگلیسی و سایر همکارانشان سرازیر می سازد ، به زاندارم منطقه مبدل سازند و بدوست این زاندارم هر گونه جنبش انقلابی و رهایی بخش خدا امپریالیستی وضد رنجاعی را در تمام منطقه سرکوب و در نطفه خفه ننمایند .

۴- در چهار رچوب نقشه جهانی امپریالیسم برای محاصره اتحاد شوروی ، بزرگترین سنگرهای خدا امپریالیستی جهان ، ایران را به پایگاه تجاوز علیه آن کشور مبدل سازند و از این راه حلقه محاصره علیه شوروی را که در شرق از راه پسند و چین آغاز می شود ، از پاکستان و ایران و ترکیه و یونان گذرانده و به کشورهای ناتود مرکزو شمال اروپا متصل سازند .

امپریالیستهای آمریکائی و دستیارانشان با یک نقشه درازمدت که از سالهای جنگ جهانی دوم در ایران آغاز گردید و با اولین قرارداد اعزام مستشاران نظامی برای ارشاد و زاندارمی و میسیون جاسوس میلیسپو برای تسلط بر اقتصاد ایران پایه گذاشت ، لیکن سلسله توطئه های خوبین و جنایت با رمانندسکوب جنبش خلقی وضد امپریالیستی در آذربایجان و کردستان در سال ۱۳۲۵ و در بیان آن غیرقانونی کردن حزب توده ای ایران در سال ۱۳۲۷ و با لاخره با کودتا ننگین و خائن از ۲۸ مرداد ۱۳۳۴ شرایط لازم را برای انجام این نقشه جهانی خود بوجود آوردند . در این توطئه ها امپریالیستهای جهان به سرکردگی امپریا - لیسم آمریکا بکی پس از دیگری موافق را از سرمه خود برانداختند و جاده را برای استقرار حاکمیت مطلق غارتگرانه خوبی هموار ساختند . از یکسوجانوران خون آشامی مانند محمد رضا پهلوی و خاندان فاسدش را بر مردم حاکم کردند و با دست آنان سازمان جهانی ساواک را از جناب پیکاران حرفه ای بوجود آوردند و رتش شاهنشاهی را با تربیت هزاران جنیزه خوار و طن فروش در مکتب دزدی و خیانت ، به هستی و نیستی بیش از ۳۵ میلیون مردم را حتمشک میهن ما مسلط ساختند .

از سوی دیگر درسا به این نظام جهانی هرسال دهها میلیار دلار از ثروت ملی ما را از راههای مستقیم و غیرمستقیم بنا بر تبرند و کشور مارا به بازار معرف بتجلهای خود مبدل ساختند .

برای نشان دادن ابعاد غارتی که نسبت به میهن ما انجام گرفته ، کافی است بسادآور

شوم که در دوران تسلط کنسرسیون بین المللی نفت از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۲ جمعاً "بیش از بیست میلیارد بشکه از نفت خام ایران بوسیله امپریا لیستها به غارت برده شد. ارزش اموالی این نفت، با احتساب هر بشکه ۲۵ دلار، از ۵۵۰ میلیارد دلار میگذرد. تنها این واقعیت که در مقابل این غارتگری که خودبخشی از غارتگری امپریا لیستی از مجموعه شروت ملی و محصول دسترنج رحمتکشان ایران است، بجز چندواحد منتعی مونتاژ وسائل صحرافی، حتی یک موسسه بزرگ و چشمگیر صنعتی خودکفا و غیرها بسته به امپریا لیسم به ایران نیا مده است، به گویا ترین شکل بیان نگرما هیت ضمیمی، ضدا نسانی امپریا لیسم و رژیم سلطنتی مزدور و روا بسته به آن است.

نژدیک به ۴۰ میلیارد دلار، یعنی بیش از ۴ درصد از تمام درآمد نفت برای خرید جنگ افرا رهایی که قسمت عده آنها تنها برای انجام هدفهای تجاوز کاراندو جا سوسی خودا میبریم ایسم امریکا در منطقه بکار رمیرفته، بدورو ریخته شده است. در مقابل این شروت عظیم غارت شده، اکثریت مطلق مردم ایران در شرایط طاقت فرسا ادا مزندگی میداند و حقیقت در بخش عظیمی از تهران، پا یاخت کشوری که به ادعای ابرجنایتکارنا ریخته بران به "در روازه های تمدن بزرگ" نژدیک شده بود، اکثریت ۵ میلیون ساکنین شهر از بندادی ترین وسائل زندگی معروف بودند و در همان یکی قصرهای چند مدد میلیون تو مانی طاغوتیان در میان غهای خرم دامن البرز، بیفوله زارهای چند مدد هزار نفری جنوب و شرق و غرب تهران ماسک ریما و تزوییر را از چهره رشت رژیم غارتگرdest نشانده امپریا لیسم پاره میکردند. نطفه های جنبش انقلابی ایران هم در همین نابرا بری در آوار، در همین دره های ژرف میان غارت کنندگان بیگانه و خودی از یکسو و غارت شدگان از سوی دیگر، میان خلقهای ستمکش ایران و جبهه جنایتکار امپریا لیسم بسرگردگی امپریا لیسم امریکا و طبقات حاکمه مشکل از بزرگ سرما به داران و باسته و بزرگ زمینداران فئodal منش، به سرگردگی شاه و رژیم خون آشام سلطنتی - ساواکی - نظامی او، بوجود دمیا مد، نیرو و میکرت و با سرعتی روز افزون رشد میکرد.

برای یه شناخت علمی همین واقعیت بود که حزب توده ایران در تحلیل سیاسی خود در آغاز سال ۱۳۵۴ به نتیجه زیرین رسید:

"بررسی اقدامات سیاسی و اقتصادی رژیم و شرایط و خیم زندگی توده های مردم تردیدی با قیمتیگذا رکده دیکتا توری رژیم مدلی و ضد دموکراتیک شاه با نظر ما فاشیستی ترور و اختناق که بر میهن ما سلط ساخته است، با بازگذا ردن دست غارتگرانه امپریا لیسم در تاراج شروتهای ملی ما و همداستانی با نقشه های تجاوز کارانه امپریا لیستی، هم استقلال و حاکمیت ملی کشور ما را بخطر میاندا - زده هم در بر ایستگاه مل دموکراتیک جا معه ما بزرگترین ما نع است. در واقع جا معه ما دیرزماشی است که برای یک تکا ململی و دموکراتیک نفع یافته است، ولی امپریا لیسم امریکا و انگلستان و ارتفاع ایران بوسیله دیکتا توری خودکاره محمد رضا شاه رژیمی را در کشور ما مستقر ساخته اند که بزور و ترور سیاسی و سلب همه آرا - دیهای اجتماعی در بر ایین خواست واقعی مردم ایران سدی بوجود آورده است. بنا بر این از میان برداشتن این مانع اصلی

یا بدبختن واژگون ساختن این رژیم ارتقا عی، جا بروتاج و زگر ضرورتا "شرط مقدم حرکت جامعه مابسوی هدفهای ملی و دموکراتیک مردم ایران است".

در همین تاریخ برنا مه حزب توده ایران به تمویب نهاد رسیدوا ننتشاریا فت. در این برنا مه برآنداختن نظام پوسیده سلطنتی واستقرار رجمهوری دموکرا تیک بعنوان مهمترین آماج سیاسی مرحله کنونی انقلاب ایران مورد تائید و تأکید قرار گرفت. حزب توده ایران در همان روزهای که رژیم شاه درا وح قدرت داخلی و جهانی خود بود، سقوط نزدیک اورا پیش بینی میکرد. در سرمهاله مجله "دنیا" (شماره دوم سال ۱۳۵۴) در تحلیل علت تشکیل "حزب فراگیر رستاخیز" گفته شده است:

"سیاست شاه را با یدیک حمله به هنگام عقب نشینی اجباری داشت. شاه خوب میبینند که دوران فرمانروائی رژیم جنایت با را و هر روز به پایان ننگیش نزدیکتر میشود. تمام مروندهایان این را با ویا مو- زد. تمام کوشش اورا بینست که این آخرین مرحله را تا آنجا که ممکن است به درازا بکشود در این راه از هیچ جنایتی فروگذاشته باشد".

زندگی درستی این ارزیابیها را با دقت بی نظیری شان داد. رژیم خون آشام و غارتگرشاه و سلط امپریالیستی در ایران سالهای آخر عمر خود را میگذراندند. در این سالها جنایات این رژیم هر روز شدیدتر گردید و در سالهای ۵۶ و ۵۷ با وح خود رسید. ولی قدرت مقاومت خلق که در سالهای آغازدهه ۵۵ هنوز بصورت نطفه های اولیه شکل میگرفت، با سرعت و شتاب بی نظیری رشد کرد و فراگیر شد.

#### شا شیرجهان انقلاب و پیروزیهای انقلابی درجهان در رویداد انقلاب ایران

بزرگ اشتباهی است اگر این نظرور پیشیریم که انقلاب ایران پدیده ای است که تنها پیا مد تشید تفاههای درونی جامعه ایران است. این طرز پنداشت اکثراً "ازطرف آن مبلغین سیاسی پخش میشود که یا از کلاف بفرنخ و بهم پیچیده مناسبات جهان امروز، یا للاعنه و یا اینکه بر عکس، کاملاً با اطلاعه نهاده و لی در چهار رچوب تلاش برای تحمیل نظریات سوداگرانه سیاسی خود میکوشند پیوند روندهای انقلابی جهان را از نظر مردم پوشیده نگهدا رند و مستگیری قضاوت مردم را درجهت مورد علاقه خویش منحرف سازند.

واقعیت اینست که انقلاب ایران مانند هر انقلاب واقعی خلقی دوران، حلقه ای است از زنجیر عظیم تاریخی انقلابهای رهایی بخش از سلطه مرکب امپریالیسم جهانی. کشور ما میدانی است از جبهه عظیم نبرد جهانی خلقهای محروم وزیر استم علیه سلطه غارتگرانه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، جبهه ای که سه بخش اصلی آسرا جامعه کشورهای سویا لیستی، جنبش اصیل کارکری در کشورهای رشید افتخار مایه داری و جنبه ای رهایی بخش خدا امپریالیستی در کشورهای در حال رشد تشکیل میدهند. پیروزی و یا شکست در این بیان میدان نبرد این جبهه عظیم جهانی در عین حال که در درجه اول رابطه مستقیم با وضع نیروهای خودی و دشمن در این میدان نبرد دارد، تحت تاثیر عمیق و بسیار با اهمیت تناسب نیروهای درجهان و قدرت نیروهای دوست در تسامح جهه قرارداد. هر پیروزی خلقی علیه نیروهای سیاه امپریالیستی در هر نقطه جهان در تسامح جبهه اش

میگذا ردونیروهای سق رادرتما می طول جبهه تقویت مینماید .  
 جه کسی میتواند به سیاست جهان و یا انقلاب ایران برخورده جدی داشته باشد ، و در عین حال بتواند تاثیر تغییراتنا سب نیروها را که درده سال اخیر بسودا ردوگاه خدا مپریا لیستی و بزیان نیروهای امپریا لیستی انجام یافته ، برایین سیاست و این انقلاب نادیده بگیرد .  
 پیروزی تاریخی خلقهای ویتنام ، لائوس و کامبوج و پا به گذا ری نظام موسیا لیستی  
 بجای نظام موا بسته با مپریا لیسم در این کشورها ، علیرغم خیانت رهبری چنین به منافع خلقهای محروم جهان ، پیروزی خلقهای موزا میک ، آنکولا ، گینه بیسا شو ، جزا پرکاپ وردی ،  
 آتیوبی و بندین در جنگهای طولانی علیه جبهه متحدا مپریا لیستها واستنما رگران و ارجاع داخلی و جانشین ساختن نظام نوین اجتماعی با سمتگیری سوسیا لیستی بجای نظام استعمای ری و یا و استه با مپریا لیسم ؟ در همکشته شدن رژیمهای فاشیستی در آسپانیا و بیونان و انجام انقلاب دموکراستیک در کشور استعمای رگربرتغال و یک سلسه تحولات عمیق اجتماعی در جهت تحکیم مواضع خدا مپریا لیستی در بسیاری از کشورهای دیگر "جهان سوم" همه محصول تغییر تناسب نیروها در جهت ضعیفتر شدن اردوگاه امپریا لیستی بوده است . این تحولات جهانی از یک سکوی خلقهای محروم در سایر میدانهای نیروهای علیه مپریا لیسم نیرو میبخشد و از سوی دیگر با ضرباتی که با پیروزی خلقها بر بھولای سلطه گرا مپریا لیستی وارد میگردند ،  
 امکانات اعمال فشار و تجاوز مپریا لیسم را هر روز محدود تر و محدود میکند .

این واقعیت چشمگیر دوران کنونی است که امپریا لیسم آمریکا که روزی بخود اجازه میداد به کوه و ویتنام لشکرکشی کند و با رانداختن همه ماشین جهنمه نظامی خود را از خود سالم پیروزی انقلابهای خلقی را در این کشورها ترمیم میکند ، امروز دیگر جرئت آن را داده در نیکاراگوئه ، زیرگوش خود ، رژیم دست نشانده مذور خود سوموزا را در مقابله خشم خلق پا بر جا نگهدازد . آنچه رهبری سیاسی آمریکا را از بکار بردن شیوه های گذشته بازمیدارد ،  
 تغییر ماهیت سیاست امپریا لیستی کارتراها و روکفلرها نیست ، بلکه این قدرت روزافزون جبهه عظیم خدا مپریا لیستی جهان و سنگر عمدان آن جامعه کشورهای سوسیا لیستی است ،  
 که امپریا لیسم را از این اقدامات جنایتکارانه بازمیدارد .

توجه با این ارتباط جهانی انقلاب ایران تنها دارای اهمیت تاریخی برای قضاوت واقع -  
 بینانه نسبت بگذشته نیست . اهمیت امده این توجه ، برای حال و آینده است . نیروهای امپریا لیستی و خدا انقلاب داخلی و سازشکاران که تلاش میکنند انقلاب را از سمتگیری اساسیش که علیه اردوگاه امپریا لیستی بسکردنگی امپریا لیسم آمریکا ، علیه غارگیری سرما بیداری و استه و بقا یابی فشود ایزم است ، منحرف سازند ، در درجه اول میکوشندانقلاب ایران را از جبهه جهانی نیروهای خدا مپریا لیستی و بیش از همه از دوستی با کشورهای سوسیا لیستی دور کنند . بطور مثال ، شاهدان هستیم که چگونه محافل معینی میکوشند حما بیت از گروههای افغانی را که و استه طغوت افغانی ، محمدظا هرشا و امپریا لیسم آمریکا و انگلیس و مرتدان جینی هستند و از طرف عربستان سعودی - اسرائیل - انور سادات و پاکستان بطور علنی پشتیبانی میشوند ، جانشین حمایت از جبهه آزادی بخش فلسطین سازند . را دیوبو وتلویزیون ایران به مرکز پخش همه تحریکات و دروغ پراکنیهای آنها ، خبرگزاریهای امپریا لیستی بدله است که نهاین دنگان آنها یکی پس از دیگری بعلت انتشار اخبار دروغ و تحریک آمیز درباره ایران از کشور اخراج شده و میشوند . این تنها بعنوان یک نمونه برای روشن کردن این مسئله است که توجه همه جانبیه به تاثیر متقابل انقلابهای سوسیا لیستی و رهایی بخش ملی و خلقی در جهان

که از انقلاب کبیر اکتبر در روسیه آغاز شد و اتفاقاً نیکاراگوئه و فنلاند است. آخربین نمونه‌های آن در دوران معاصر ماست، در روند سترش و پیروزی جنبش انقلابی و روند تثبیت و تحکیم و گسترش آن در سراسر جهان دارای اهمیت است. رازیکی بوازی تمام دوران آینده نبرد خلق ماست، هرگونه تلاش برای منحرف ساختن توجه، از این مسئله حیاتی حتی اگر ناگاهانه باشد کمکی است به این انقلاب و مپریالیسم.

با این ترتیب انقلاب بزرگ مردم ایران، برپا به تشید و تثبیت دهای درونی و پیروزی‌گاه جامعه و تحت تاثیر شرایط مساعد پیشرفت‌های چشمگیر مجموعه جبهه‌های مپریالیستی‌جهانی که بتویزه در دهه‌الاخير شتاب بسیار بقدامی یافته است، اوج گرفت و پیروز شد.

### جنش انقلابی ایران تمامی خلق را در بر گرفت

یکی از ویژگی‌های انقلاب ایران پهنه‌ای طیفی است که نیروهای شرکت‌کننده فعال در جنبش انقلابی را فراگرفت.

برپا یه تضا دهای درونی و پیروزی جامعه، که عمدۀ ترین آنها تفا دمیان همه خلق با امپریالیسم در خارج و رژیم دست‌نشانه سلطنتی که سرمایه‌داران بزرگ و استه و زمین‌داران بزرگ پا یکاهای اصلی آنرا تشکیل میدانند، در درون کشور بود. جبهه‌پهناوری از طبقه‌کارگر، دهقانان، پیشه‌وران و قشرهای بینا بینی جامعه در شهر و روستا و سرمایه‌داران ملی بوجود آمد. این جبهه، همان‌طور که تمام روندانقلاب و تنظاهرات دهها میلیونی نشان داد، همه خلق را یکپارچه فراگرفت و علیرغم تلاش طبقات حاکم و قشکوچکی مركب از جنابستکاران خرفه‌ای و استه به رژیم و حیره‌خواران چهاردا رواچه‌قوش و فاسدان، با شتا بسی کم‌نظیر مانند سیلی نیرومندتمام پایه‌های کاخهای فرما نروا شی رژیم را در هم کوبید.

همه مردم، یعنی زنان و مردان ایران و جوانان و حتی خردسالان؛ و استکان به همه کراپشها سیاسی خلقی و انقلابی، یعنی روحانیون مبارزه همدوش با روشنگران انقلابی چپ؛ نیروهای مذهبی که زیر پرچم اسلام بیمیدان آمده بودند، درکنار مبارزه ای که زیر پرچم سوسیالیسم علمی مبارزه میکردند. همه و همه با هم در این جنبش عظیم خلقی شرکت جستند.

البته باید یاد آور شد که این فراگیری به آن معنا داشت که اقتدار و طبقات اجتماعی و گروههای سیاسی گوناگون که در این جنبش یکپارچه انقلابی علیه تسلط امپریالیسم و بتویزه تسلط امپریالیسم آمریکا و فرزندان میمونیس مهیوب‌نیسم علیه رژیم استبدادی خاندان فاسد بهلوی شرکت داشتند، در تکیه‌ها و آماجهای شان همیکی بودند. بهیچوجه، در جنبش فراگیر، اقتدار و طبقات اجتماعی هر کدام باین تکیه‌های مشخص که در درجه‌اول در درجه رچوب خواسته‌ای طبقاً تیشان محدود نمیشد، شرکت داشتند و گروههای سیاسی فعال به تسا ب اینکه به کدامیک از این اقتدار و طبقات و استه بودند، شعارها بشان درجه راچوب آن خواسته شکل میگرفت و تکا مل میباشد.

طیف جنبش ضد امپریالیستی و دموکرا تیک از یکسو طبقه کارگر ادر بر میگرفت. این طبقه جزوی شیوه‌ی کارخود را حب‌چیز نمود. و هدف نهایی این بود و تنها این میتوانست باشد که استشمار فرد از فرد پایان پذیرد و جامعه‌ای بوجود آید که در آن همه استعدادها بسا حقوق برابر باشند شکوفا شوند و هر کس با ندازه کاری که واقعاً "انجام میدهد" از محصول کارش بهره مند گردد.

این طبق از سوی دیگرسما به داران ملی را در بر میگرفت. با وجود محدودیت‌هایی که

که از طرف سرمايه‌های انحصاری امپریا لیستی ورزیم حاکم برای رشد بلامانع سرمايه‌داری ملی بوجود نمی‌آمد، به حال آنان درجه رچوب منافع کلی سرمايه‌داران، یعنی حفظ نظام سرمايه‌داری و آزادی استثمار عمل نمی‌کردند. بدینجهت سرمايه‌داری ملی در مبارزه علیه امپریا لیسم ورزیم فقط میکوشید این محدودیتها و موانع را زمیان بردارد. در میان این دو انتهای طیف، نیروهای عظیم قشرهای بینا بینی ازدهقانان بی‌زمین و کم زمین و زحمتکشان غیرکارگر شهری درست چپ تا قشرهای مرغه بینا بینی تولیدکشندگان متوسط و روشنفکران وغیره درست راست قرار میگرفتند.

#### دو گرا بش عنده در جنبش انقلابی

از همان آغاز جنبش گرایشها گوناگون درستگیری اساسی انقلاب پدید آمد و مبارزه بین این گرایشها بصورت مبارزه پایه‌ای در درون جنبش و حتی در درون هرگروه و سازمان سیاسی بروزگرد. راست ترین جناح در طبق مبارزان، جناح بورژوازی لیبرال بود که بطور عمده "جبهه ملی" ، "نهضت آزادی" ، "نهضت رادیکال" ، "جمعیت حقوق دانان" جمعیت هوا داران حقوق بشر" ، و فرقاً بل ملاحظه‌ای از روحانیون سخن گویان سیاسی و اجتماعی آن بودند، این جناح هدفهای خود را درجه رجوب سازش با رژیم سلطنتی و کنار آمدن با امپریا لیسم آمریکا تعیین کرده بود. محتوى شعارهای این سازمانها که در اطهارات رسمی و اعلامیه‌های آنها با زتاب می‌باشد، عبارت بود از تماشی حقوق آزادیها مفرج در فلانون اساسی سابق، یعنی حفظ نظام سلطنت درجه رجوب "شاه با پسلطنت کنده حکومت". بخشی از این لیبرالها معتقد است الله شریعت مدعا و دکترست جای حقیقت را بقاء محمد رضا بعنوان شاه در صورتیکه مثلاً "اگر از خود استقاد کند و شوشهای غارت شده را به مردم بازگرداند، موافق داشتندویخش دیگری مانند مهندس بازگران و هوا دارنش با بقاء سلطنت بعنوان یک شهادت می‌داند، ولی بقاء شخص شاه را با آنهمه جناح یا تی که مرتكب شده بود غیر ممکن میدانستند، یعنی برای حفظ نظام سلطنتی فدا کردن شخص محمد رضا را ضروری میدانستند.

در برآ ره مبارزه با پایکا هطبقاتی رژیم یعنی بزرگ سرمايه‌داری و استه و بزرگ زمین داری هم این جناح بورژوازی لیبرال هیچ‌گونه شعار مشخصی نداشت. در برآ ره مبارزه با امپریا لیسم نیز وضع جنین بود.

شعربایانی بورژوازی لیبرال ایران بطور روش این بود که مبارزه علیه استبداد شاه را سایه زمای ره علیه آمریکا جدا کرد. با آمریکا و سلط امپریا لیستی اش در ایران، با سلط مستشاران آمریکائی، با وایستگی ارش ایران به آمریکا، با قراردادهای اسارت - آوریطا می‌فلا" تبا یادکاری داشت تا از این تراه بتوان موافق و کمک آمریکایی امپریا لیست را برای برکناری رژیم ساواکی شاه و روی کار آوردن نمایندگان بورژوازی لیبرال جلب نمود.

خلامه، سیاست بورژوازی لیبرال این بود که ضمن دادن اطمینان به امپریا لیسم آمریکا مبنی بر اینکه بمنافع غارنکرانه آن در ایران هیچ‌گونه لطمه‌ای وارد نخواهد شد، سالتماس و تقدیم کل از کارتروهلمز و سولیوان سخا هدتا اجازه دهنداه قلدربرای مرخصی شریف بسرید.

ولی در مقابل این سیروی سارشکار تسلیم طلب نیروی عظیم و تزلزل ناپذیر خلق

قرا رداشت که هر روز بهتر و زرفتار شد و اقعی خود را می شناخت و نا بودی سلطنت همه جا نباید  
سیاسی، اقتناعی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم آمریکا و رژیم دست نشانده ووابسته به آن  
یعنی نظام غارتگر سرمایه داری وابسته به سکردنی شاه و جلادانش را خواستا ربود. این  
جهنه عظیم خلق خیلی زود نقش تعیین کننده خود را در تمام روندانقلاب ایفاء کرد و  
نقشه " کام به کام " سازشکاران و تسلیم طلبان بورژوازی لیبرال را خنثی کرد و جنبش  
انقلابی را با قدرتی و شتابی کم نظر بررسی پیروزی به پیش برد.

### کراپش مذهبی در جنبش انقلابی ایران

اینکه جنبش انقلابی خلق، با آن محتوی پیگیر خدا امپریالیستی، مذهبیونیستی و ضد  
رژیم حاکم سلطنتی سرمایه داران وابسته وزمینداران بزرگ بطور عمده و تعیین کننده رنگ  
مذهبی بخود گرفت، نه تعجب آور است و نه غیر عادی و نه تصاعدی. یک رشته عوامل تاریخی،  
اجتماعی، و شرایط مشخص مبارزه در سالهای اختناق ساواکی رژیم محمد رضا پایه های  
عینی این پدیده را بوجود آورد و بود.

واقعیت اجتماعی دوران اوج جنبش انقلابی ایران چنین بود که: بر اثر سلطنت دهها  
ساله رژیم اختناق سیاسی که در نوع خودی کی از مخفوق ترین رژیمهای ضد مردمی جهان بوده با  
بکار رفتن همه تجزیه های سازمانهای اختناق وجا سویی یعنی سیا، انتلیجنت سرویس،  
موساد و بایزمانندگان گشتابی آلمان نازی که در همه این سازمانهای جای پادشاه، بخش عمده  
نیروهای راستین انقلابی وابسته به طبقه کارگر سرکوب شده و خون ریخته و در زندانها بسر  
میبردند. علاوه برایین بر اثر خیانت رهبری چین که با سازش ننگین خود را امپریالیسم در درون  
جنبش های کارگری کم تجربه و تا پخته کشورهای در حال رشد ایجاد شکاف کرده و قشرقاً بل توجهی  
را به گرا پیشہ ای حادثه جویانه و آنا رشیستی و بویژه خصوصت کورس این جنبش اصلی کارگری کشانده و  
کمرا کرده بود، پیش از طبقه کارگر که میتوانست رهبری جنبش انقلابی را بدست گیرد،  
دچار پراکندگی، ضعف تشكیلاتی گشته و از امکانات لازم برای برقراری پیوند با جنبش  
انقلابی محروم شده بود.

بورژوازی لیبرال هم بنایه ما هیت سازشکارانه طبقه ای خود خیلی زود نشان داد که  
لیاقت رهبری جنبش انقلابی را که هر روز بطور چشمگیر گسترش میباشد، نداردو تبا به عالم  
ترمز کننده حرکت شتاب گیرنده جنبش تبدیل شده است.

رژیم هرگونه مبارزه سیاسی را با شفاقت سرکوب میکرد، تنها مساجد برای اجتماع مردم  
نمایند. نا راضی باز بودو آنهم به آن علت که رژیم وابسته و اربابان امپریالیستی اش از دیرزمانی  
متوجه آن بودند که از " عاظ السلاطین " علیه جنبش های راستین حق طلبانه خلقها بهره کنند  
سطوح گوناکون در اختیار رداشت و با قشرقاً بل توجهی از روحانیون هم " قرارداد عدم  
تھا جم " بسته بود. اینهم بدبده مشخص ایران نبود در غرب هم کلیسا رسمی کاتولیک  
از پا کرفته ناپائین با غارتکران و تحارهای سرمایه داری " قرارداد عدم تھا جم " بسته  
است و درجه راچوب این قرارداد مردم را به تحمل جنایات رژیم حاکم تبلیغ مینماید. ولی  
رژیم و اربابان امپریالیستی اش به این واقعیت توجه نکردنده جنبش خلق وقتی بر اثر  
تشدید تناقضات آشتبی نا بدیر حرکت درآید، مانند سیلی عظیم راه خود را رمکند و سطور  
طبیعی از بستری سرازیر میشود که مانع کمتری بر سر راهش باشد.

مسجدها برای خدمت به رژیم بازنگهداشته میشدند، جنبش خلق از مسجدها سرازیر شد. جامعه روحانیت را رژیم ساواکی شاه برای خدمت به خود تحمل میکرد، ولی بخش عظیم روحانیت ایران از میان خلق بیرون آمد و بدو خلق پیوندداشت و بطور طبیعی در دورانی چنین بحرانی بازتاب دهنده خواستهای انقلابی خلق گردید. بویژه اقشار میانی و پائینی روحانیت ایران که هم‌جوان تر و فعال‌تر و مبارز تر بودند وهم پیوندشان با خلق استوار تربود در این دوران نقش سیاسی را ایفاء نمودند. جهات مشخص انقلابی و اجتماعی دین اسلام و بویژه سنت‌های انقلابی مذهب شیعه بصورت پرچم انقلابی و سیعترین قشنهای مردم ایران درآمد.

حزب توده ایران خیلی زود این گرایش و این ویژگی جنبش انقلابی خدا مپریا لیستی دموکراتیک و خلقی ایران را شناخت و لزوم ایجاد پیوند انسانی اینقلابی بین نیروهای مذهبی و هواداران سویا لیستی علمی را بعنوان یکی از پایه‌ای ترین شرایط برای وجود نیروها و بهم پیوستگی انقلابی آنان مطرح ساخت و آن تاریخ با پیگیری و بدون تزلزل با وجود همه تحریکات، اشها مات، لجن پراکنیهای وابستگان به امپریا لیستی، تفرقه‌اندازان و بورژوا لیبرال‌ها این سمتگیری را ادامه میدهد. در مقاله‌های اساسی مجله "دنیا" این موضوعگیری حزب، بروشی مشخص شده است. ما به دو نمونه اکتفا می‌کنیم:

"در موردگروههای مبارز اسلامی، حزب توده ایران بدون چون و چرا آماده‌همکاری، کمک متقابل و یگانگی عمل با آنهاست. تاریخ ۲۵ ساله حزب ما شاهد است که ما همیشه اعتقادات مذهبی را از مبارزه سیاسی جدا کرده‌ایم... از دیدنگاه ما برای همکاری هواداران راستین راه طبقه‌کارگر و مبارز انقلابی مذهبی در زمینه تحولات متفرقی جامعه دورنمای عملی و واقعی و درازمدت و بدون اشکال وجود دارد. تجربه اجتماعات سویا لیستی با امدادهای گوناگون، تجربه همکاری انقلابی کشورهای سویا لیستی با کشورهایی که در آنها سازمانهای سیاسی با ایدئولوژی مذهبی قدرت دولتی را در دست دارند، ندواز پیشتبانی بیدریغ کشورهای سویا لیستی برخوردارند بهترین شاهد برای این ادعای است." ("دنیا" مرداد ۱۳۵۵، صفحه ۱۵۷)

و در مقاله "دنیا" (آذر ۱۳۵۵، صفحه ۷۰) چنین گفته می‌شود: "برای حزب ما همکاری با نیروهای بالعلو و بالقوه خلق که معتقد به دین اسلام هستند یک مسئله تاکتیکی و گذرا نیست. حزب ما این همکاری را یکی از پایه‌های استراتژی درازمدت خود برای پایان دادن به فرما نفرمایی رژیم کتوشی، استقرار رژیم ملی و دموکراتیک متمکی به رای اکثریت خلق و حوزه‌گست بسوی ایجاد پایه‌های جامعه سویا لیستی و ساختمان جامعه سویا لیستی گسترش بافتند. ما اطمینان داریم که علیرغم همه بیشداوریهای موجود میان مبارزان مذهبی و سایر

گروههای مبارز را استین راه خلق و علیرغم همه تلاشهای تفرقه اند -  
زانه رژیم سیاه ساواکی، جنبش آزادخواهانه و میهن پرستانه مردم  
کام بگام بسوی ایجاد جنین حبشهای پیش خواهد رفت :

### نقش بر جسته و تاریخی امام خمینی - وحدت شعا رو وحدت عمل

جنبشهای انتقلابی مردم ایران بطور عمده در چهار رجوب پیش انتقلابی و اجتماعی و خلقی اسلام کراه خود را از مساوی حدبه درون جا مده بازمیگرد، شکل میگرفت . این جنبش عینقا " خلقی و انتقلابی که علیه امپریالیسم، صهیونیسم و رژیم وایسته سلطنتی ساواکی سمتگیری داشت و خواستار تغییرات بنیادی وریشهای در نظام سیاسی و اجتماعی واقتمادی ، در زیر بنی و روپناهی جامعه ایران بود، هر روز قاطع تروپیگیرتر میشد . ولی بخش مهمی از هبران سنتی مذهبی در ایران و در پیشاپیش آنها بیت الله شریعت‌داری حاضر بودا زمانه بورژوا - ری لیبرال یعنی چهار رجوب مشروطیت سلطنتی پافرا ترنده و با شیوه‌های مبارزه خلق، با تنظاهرات و برخورد با نیروهای طاغوت مخالفت علیه میورزید . روش بودکه جنبش خلق جنبش رهبران مذهبی را در گوش سجدای قی میگذاشت و به خیا بانها میریخت و رهبر واقعی انتقلابی خود را مستجوگیرد . جنبش انتقلابی ایران خیلی زود و خیلی درست این انتخاب خود را عملی ساخت و امام خمینی را بر هبری خود بگزید، یعنی همان شخصیت استثنائی روحانی را که بر پایه خصوصیات بزرگ انسانی خویش همیشه از زرجه محرومان جا معدرونچ میبرد و در زندگی هدفی جزکمک به این محروم‌مان که همان طبقات رحمتکش استثمار شده و غارت شده جا مده ما هستند برای خود انتخاب نکرده بودوا زده‌های سال پیش با پیگیری و قاطعیت اصولیت و درایت عده ترین ریشه‌های بدیختی این محروم‌مان و همه محروم‌مان ( مستضعان ) جهان را در پیکرا میریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا ، در پیکرا سرانیل و مادا تها و نظر شرمان در منطقه و در پیکر سا ط طاغوتی سلطنت و بیویژه محدرضا و خاندان نتگیش و دستیاران ساواکی اش و طبقات غارتگر جامعه ( مستکران ) شناخته بود .

کاملاً طبیعی بودکه امام خمینی با آن شناخت دقیق ریشه بدیختی ها با آن قاطعیت و پیگیری و تزلزل ناپذیری و با آن شهادت کم نظریه‌یک انسان مبارز پر جم و واحد جنبش انتقلابی ایران گردید .

حزب توده ایران خط امام خمینی را شناخت و پشتیبانی بیدریخ خود را از این خط اعلام کرد . حزب ما در خط امام پنج عنصر تعیین کننده سیاسی - اجتماعی تشخیص داد و بر پایه این پنج عنصر که با زتاب خواستهای وسیع‌ترین قشرهای انتقلابی میهن ما در مرحله کنونی انتقلاب ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی میباشد، سیاست همگامی و پشتیبانی خود را به ریزی نمود .

- سمتگیری قاطع ، پیگیری و آشتی ناپذیر برای ریشه‌کن کردن همه اشکال سیاسی، اقتضا - دی ، نظامی و فرهنگی تسلط امپریالیستی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا .
- سمتگیری قاطع ، پیگیری و آشتی ناپذیر برای برانداختن رژیم پوسیده و فاسد سلطنتی و نظام طاغوتی استبدادی .
- سمتگیری قاطع برای تامین کلیه آزادیهای سیاسی و اجتماعی برای خلق و در درجه اول برای زحمتکشان ( مستضعین ) .

۴- سمتگیری قاطع برای عملی ساختن تغییرات بنیادی در نظام اقتضای جامعه برای کوتاه کردن دست غازتگران نسرا میداران و مالکان و درجهت بهبود همه جانب شرایط زندگی توده های دهها میلیونی رحمتشان و رنجبران شهرور وستا.

۵- سمتگیری قاطع پیگیر درجهت گردا وردن و اتحاد همه نیروهای راستین خلق برای رسیدن باین هدفهای والی ملی و خلقی.

شعا رهای تاریخی ما خمینی که آمریکا دشمن شماره یکم خلقهای ما و شاه سوکرا و دشمن شماره دوم است، همه باهم متحد شوید و بای خیزید و هجوم بباوریدتا این دودشمن را از با درآوریم، به شعارهای مشترک همه نیروهای خلق بدل شد. در زیراین شعارها، تنظاهرات عظیم خلق، شردهای تاریخی خیابانی کی پس از دیگری نه تنها در شهرهای بزرگ بلکه در شهرک ها و حتی بسیاری از روستاها شکل یافت و ما نند سیل خروشانی سدهای آهنین تا نکها و مسلسل های رژیم را مانند پوشالی از جلوی راه خود رو بید.

در مقابل این سمتگیری جنبش، بورژوازی لیبرال، یعنی همان اردوگاه انقلابی- نمایان سازشکار و تسلیم طلب به تکapo افتاده کوشیدتا امپریا لیسم و رژیم شاه را به برخی عقب نشینی ها و ادارسازد.

اما م خمینی رهنمود میداد؛ مردم متحد شوید، بای خیزید، به خیابانها بر بیزید و بای نیروی عظیم خود این لانه فسادربار سلطنتی را درهم کوبیدوا میریا لیسم خونخوار آمریکا را ریشه کن سازید.

سازشکاران بورژوازی لیبرال در مقابل آزادی اعلیحضرت میخواستند که چندما هی به استراحت تشریف فرماده شوند تا آتش خشم مردم فرونشیند و با غسل تعمید مانند شاه دموکرات آزا- دیخواه به میهن بازگردند.

مردم بدنبال امام خمینی حرکت کردند.

این دوگرا بش ازا و اسط سال ۱۳۵۷ با شتاب زیاد دشکل میگرفت.

حزب توده ایران با اعلامیه تاریخی خود در ۱۲ شهریور ۱۳۵۷ بطور روش راه انقلابی آشنا ناپذیر را در مقابل جنبش خلق فرازداد که محتوى عملی آن برآنداختن رژیم سلطنتی، محکمه و مجازات شاه و هم دستاش، ریشه کن ساختن سلط امپریا لیسم در همه زمینه های سیاسی و اقتصادی و تنظیمی و فرهنگی بود و مردم را برای ایجاد جبهه متحده از همه نیروهای رسیدن به این آماجهای ملی و خلقی دعوت نمود.

امپریا لیسم آمریکا و رژیم شاه که از گسترش جنبش انقلابی بوحشت افتاده بودند و از طرف دیگر بورژوازی لیبرال را آماده سازشکاری میدیدند تا کنیک جدیدی برای سرکوب انقلاب در پیش گرفتند و آن عبارت بود از جدا کردن قطعی بورژوازی لیبرال از جنبش. این تا کنیک دوجهت داشت:

بکی سرکوب خونین جنبش به شیوه ۱۷ شهریور در تهران.

دیگری پیشنهادی سازشکاران برای تشکیل دولت "اتحاد ملی".

اویسی و از هاری و سایر جنایت کاران چکمه پوش سرپرده به امپریا لیسم و صهیونیسم ما مورا حرای نقشه اول و تسلیم طلبان سازشکار ما مورا حرای نقشه دوم گردیدند. پس از ایک رشته معا ملات پشت پورده، با الاخره شاپور بختیار خا شن بعنوان نماینده جناح بورژوازی لیبرال ما موریت انجام این نقشه خائنانه را بعهده کرد.

تصور اینکه شاپور بختیار فراری از جمهه مبارزان ضد امپریا لیست بهاردوگاه امپریا لیستی است بکلی نادرست و گمراه کننده است. شاپور بختیار مظہرساز بورژوازی لیبرال با امپریا لیسم ورزیم وابسته به آن، و بمسکار آمدن او ولين تلاش عملی برای اجرای سیاست "کام بگام" و درواقع سیاست "یک گام به پیش و دو گام به پس" تابرقرا- ری مجدد "نظم و اضباط شاهنشاهی" و "فروکش خشم" خلق بود. زمامداری شاپور بختیار او لین مرحله خیانت عملی بورژوازی لیبرال به انقلاب ضد امپریا لیستی و خلقی ایران بود.

بیجهت نیست که گروهها و شخصیتها روحانی و سیاسی وابسته به بورژوازی لیبرال هنوز هم حاضر نشده اند بختیار را بعنوان خائن به جنبش انقلابی ارزیابی کنند. بعضی از این گروهها، مانند "حزب ایران" و گروههای مشابهش حتی اورا "قهرمان ملی" خود میدانند و در این ارزیابی صدرصد گروههای ضد انقلابی وابسته به ساواک و گارد "آریا مهری" شریکند. تعدادی نیست که پیما مهای بختیار بوسیله را دیوبی بیان نگلستان بخش میشود در تهران بوسیله "حزب ایران" تکثیر بوسیله ساواکی ها به تبروهای ضد انقلابی رسانیده میشود.

این سیاست دوگانه امپریا لیسم ورزیم شاه یعنی سرکوب تظاهرات خلق از یکسو و برآوردن محدود برخی خواستهای جنبش درجه رججه را منع بورژوازی لیبرال ایران زسو دیگر در دوران حکومت بختیار بده صورت سیاست واحد دولتی به مرحله اجرا کذا شد. این آخرین تیرترکش امپریا لیسم برای لجا مزدن به جنبش انقلابی و حفظ عمدۀ تربیت موضع امپریا لیستی در ایران با آخرین انفجارهای انقلابی در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن بی اثر ماند و طوفان خشم خلق انقلابی بصورت اتحاد انقلابیون در ارشت و در خیابانها آخرین سنگر ضد انقلاب را که در "گاردحا ویدان" پای بر جا مانده بود، درهم کوبید.

### قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن را با بدحلقه نهائی انقلاب شکوهمند و بزرگ خلقهای ایران برای پایان بخشیدن به تسلط امپریا لیستی و سرنگون ساختن رژیم سیاه و بوسیله سلطنتی و آغاز مرحله حدیدی از تاریخ تکامل اجتماعی خلقهای ایران ارزیابی کرد.

قیام بهمن ماه دارای این اهمیت و ویژگی هم هست که برای او لین بار در حسره ای انقلاب فراکیر خلقهای ما در سال ۱۳۵۷ واحدهای از ارشت سطور فعلی به جنبش ان-

پیوستند. یکی از بیانگریهای قبل از قیام بهمن این بود که ارتش در دوران تشدید مبارزات خیابانی، بیوژه پس از شهریورماه بطور فعال وارد مبارزه انقلابی شده بود. بموازات آنکه رژیم از واحدهای ویژه برای سرکوب تظاهرات خلق بهره گیری میکرد، گروههای زیادی از افراد وابسته‌به‌خلق در ارتشن از سربازخانه‌ها میگریختند. گریز از واحدهای ارتشن تحت فرمان افسران سرسپرده بخودی خود شرکت در مبارزه انقلابی بود و پیا مدنیت ایجاد کرد و غیرقابل اعتماد شدن واحدهای ارتشن برای خدمت به امپریالیستها و رژیم شاه بود. ولی این شیوه‌های مبارزه فعال آنطورکه هما فران در جریان قیام بهمن عمل کردند تفاوت کیفی وجود داشت.

قیام بهمن نشان داد که امپریالیسم و رژیم حتی در آخرین پاپکاهشان در کشور، که ارتش بود - با استثنای واحد ویژه تربیت شده "گارد جاویدان" که اکثرها از خود فروختگان و آدمکشان حرفه‌ای تشکیل شده بود منفرد شده بودند و انقلاب فراگیر خلق تقریباً تمام بخش خلقی ارتشن را بخود جلب کرده بود. و تنها افسران سرسپرده به رژیم که متأسفانه بخش مهمی از افسران را تشکیل میدادند، وفادار به اربابان داخلی و بیگانه خود باقی مانده بودند. ولی از آنها هم علیه طوفان خشم خلق دیگر کاری ساخته نبود.

اهمیت ویژه قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه در این بود که یکی از خطوط اکترین نقشه‌های خدا انقلابی را خنثی نمود. پس از آنکه امپریالیسم آمریکا در همه نقشه‌ها یعنی سرکوب ویا لااقل منحرف ساختن انقلاب ناکام گردید، آخرین نقشه اش را که بین ژنرال هویزر و نماینده‌گان جناح سازشکار بورژوا لیبرال ایران مورد موافقت قرار گرفته بود، به پیش‌کشید.

محتوی این نقشه‌این بود که ارتشن آمریکائی زده‌ایران را دست نخورده نگهداشته و آنرا به حکومت انقلابی که دیگر اجتناب ناپذیر شده بود "جا بیزندند". این نقشه با تصمیم "سرداران" سی سرباز داشت بر اعلام بیطوفی ارتشن وارد عمل گردید. ولی کیست که نداند که اقدام مذبوحانه‌شکر "گارد جاویدان" در آخرین لحظه برای عملی ساختن کودتا نافرجام با موافقت پنهانی همین سران ارتشن بوده است.

قیام متهورانه هما فران و مبارزان خلق این نقشه‌جهنمی را ناکام ساخت و ضربه خردکننده‌ای به آخرین بقایای سنگرد انقلاب وارد نمود. این تجربه هم تائیدی بود برای دعوت حزب توده ایران (در دیما ۱۳۵۷) از همه نیروهای راستین انقلابی برای مبارزه مسلحانه بمنظور درهم شکستن آخرین مقاومت لجوچانه نیروهای سیا هضد

## انقلاب سرسپرده به آمریکا و رژیم شاه

دولت وقت انقلابی - دوگرا بین درستیجه‌گیری از پیروزی

با درهم شکسته شدن آخرین سنتگرهای مسلح رژیم پسیده و امپریالیسم و فرا رشا پور بختیاروبا زداشت عده‌ای از سرسپرده‌گان نظاًم و غیرنظامی و تشکیل دولت وقت انقلابی پیروزی انقلاب در مرحله اولش یعنی مرحله واژگون ساخت رژیم منفور قطعی گردید. ولی از همان اولین روز پیروزی یک دوگانگی در رهبری دولتی و سیاستی کشور بوجود آمد. پایه عینی این دوگانگی یکی از ویژگیهای انقلاب ایران بود. این ویژگی در این بودکه جناح پیکری و آشتی ناپذیر انقلاب کامام خمینی در پیش‌آن قرار داشت و حرکت خلق انقلابی را رهبری میکردازکا دوهای لازم برای اداره دستگاه دولتی و ارتضی به دوعلت محروم بود.

اول اینکه تقریباً "اکثریت مطلق کارهای فعلی جنبش مذهبی که زیر پرجم امام خمینی حرکت میکرد از روحانیون مبارزه‌کثرا از روحانیون مبارزه‌گوان بودند و هیچ‌گونه تجربه‌ای مادرگی برای گرداندن چرخه‌ای سازمانهای دولتی و انتظامی و اقتضاًی کشور انداشتند.

دوم اینکه نیروهای اصل چپ انقلابی که دوش بدوش این نیروهای مذهبی در خط آشتی ناپذیر انقلاب حرکت میکردند بعلت یک رشته‌عوامل تاریخی و تبلیغات شدید رژیم منفور در وضعی قرار نداشتندکه بتوازنند این خلاه را پرکنند.

نداشتن کار لازم خودی و عدم آمادگی نیروهای اصل انقلابی پیروخط اما خمینی در قبول همکاری نیروهای اصل انقلابی چپ موجب آن شدکه تقریباً "بدون استثناء" گردا - نندگی تمام سازمان دولتی بدست جناح بورژوازی لیبرا ل. یعنی سازشکارترین قشری که لنگ لشگان در انقلاب شرکت کرده بود، افتاد. مهندس بازگان نماینده‌شاخص خط سازشکار در جریان انقلاب رهبری دولت را بدست گرفت و کابینه‌ای ناهمگون بوجود آورده که سازشکاران اکثریت قاطع آنرا تشکیل میداند و بیویژه کسانیکه برای مردم ایران بکلی ناشناخته بودند و درباره سوابقشان هیچ پرده‌روشنی وجود نداشت حساس‌ترین پست‌ها را اشغال کردند. مهندس بازگان با تمام روشی و بدون پوشش برها اعلام داشت که دولت او و دولت انقلابی نیست و به روش‌های انقلابی اعتقاد ندارد. و همیشه مخالف این روند انقلابی بود و از سیاست "گام بگام" پیروی میکرده است.

ساین ترتیب یک دوگانگی بودکه خواستا ریبورخوردا نقلابی به عده‌های ترین مسائل حیات اجتماعی جامعه از سیاست خارجی گرفته تا سیاست داخلی و مسائل مربوط به تغیرات بنیادی بسود طبقات محروم و زحمتکش بود. و مرکز دوم را دولت "گام بگام" تشکیل میداد که عقیده داشت انقلاب با بیرون انداختن شاه پایان یافته و باید وضع گذشته را در تما م ترکیب بشیر قرار گنگهداشت و هرجا هم که ضریب‌های به آن وارد شده باید ترمیم شود.

در دولت "گام بگام"، میراث نظام به معادن نخست وزیر بروگزیده شد و بزرگ مالکی نظیر ایزدی در مقام مهم وزارت کشاورزی و رفاه و وزارت دارائی به خلعت بری و ریاست بانک مرکزی به مولوی و شرکت ملی نفت ایران به نزدیه، استانداری آذربایجان شرقی بجا سوس "سیا" مقدم مرااغه‌ای و... سپرده شد.

دولت "گام بگام" با تمام نیرو و کوشیده به فعالیت انقلابی دادگاه‌های انقلاب که نقش

میشد. درسا یه همین سیاست بود که حتی ساواکیهای کهنه کاری ما نندنیک خلق به توصیه ایزدیها تا پست معاونت وزارت ارتقاء میباشد و داد طلاعاتی های جاسوس دوباره به واحدهای ارتش تحمیل میشند و شهربا نی و زاندار مری تقریباً دست نخورده در دست همان کا درهائی که تا آخرین دقیقه به رژیم جنایت با رامحمد رضا خدمت کرده و اکنون هم به شدیدترین وجهی با انقلاب و بیویژه با رهبری آن خصوصت میبورزند، با قیامت.

اینست بطور مختصر کارنا مسیاه دولت "کامبگام" محصول گرا یش سازشکارانه در جریان پس از پیروزی انقلاب. سیاست و عمل این دولت با کمال تأسیس نزدیک به ۸ ماه از پرازش ترین دوره های انقلاب ایران را به هدر داد.

حزب توده ایران ضمن اینکه از همان آغازگرایش سازشکارانه بورژوازی لیبرال و احتمال پشت کردن این بخش را به انقلاب روش بینانه نشان داد، اعلام کرد که از همه کامهای مشتبی که دولت بردارد پشتیبانی خواهد کرد. حزب توده ایران در مراجعت گوناگون در نامه های سرگشا ده تحلیلی جنبه های سازشکارانه سیاست دولت در همه زمینه ها را فاش کرده راه حل های مشخص و عملی برای حل مشکلات را در مقابل دولت و رهبری انقلاب قرارداد.

خط امام - شورای انقلاب و نهادهای انقلابی: کمیته ها، دادگاهها، سپاه پاسداران

در مقابل گرا یش سازشکارانه دولت بورژوازی لیبرال گرا یش قاطع و پیگیرا مام قرار داشت که بطور آشتی نا پذیری درجه همان هدفهای خلقی و خدا مهربا لیستی عمل میکرد. حزب توده ایران علی رغم همه اهانت ها و شماته ها که از طرف روشنگران و باسته به بورژوازی لیبرال و جنبه ایان دنباله روبرو بورژوازی لیبرال وارد میشد، این خط انقلابی را شاخت و بیدریغ از آن پشتیبانی کرد.

خط امام بخلاف خط سازشکارانه کام بگام در این جهت عمل میکرد که دادگاه های انقلاب جنایتکاران رژیم منفور سرگون شده را به تناسب جنایتها بشان مجازات نماید، با تشکیل سپاه پاسداران و کمیته های خلقی انقلاب کاریا که شهربا نی و زاندار مری بعلت و استگی به رژیم کذشته انجام نمیدادند یعنی برقراری نظم و تعقیب و با زداشت چوام مل رژیم و جنایتکاران فراری را بدست گیرند.

تردیدی نیست که با همه نواقصی که در کارکمیته ها، سپاه پاسداران و دادگاه های انقلاب وجود داشت، با وجودیکه عوامل ضاد انقلاب از همان آغاز با همه تیزی خود کوشیدند در این نهادهاره یا بندوانه را زدرون دچار انحراف، فسادوازهم گسیختگی نمایند، این نهاده دارای محتوى عمده "انقلابی بوده و نقش تعیین کننده ای در تحکیم پیروزی انقلاب و جلوگیری از خرابکاریهای ضاد انقلاب داشتند.

ضاد انقلاب، هوادران امیریا لیستی و صهیونیستی اش در دستگاههای تبلیغاتی جهان سرمایه داری و دولت سازشکار "کام بگام" بورژوازی لیبرال از همان اولین روزهای پس از انقلاب در مقابل عمل انقلابی این نهادها قد عمل کردن دو بوق و کرنا، با استفاده از بیرونی اشعارافت و کج رویها و نابسا مانی ها که در درجه اول بعلت نفوذ عناصر ضد انقلاب در این نهادها انجام میگرفت، برای برآن دادختن این نهادها و انتقال فدرت به پلیس و زاندار مری و ارشاد آریا مهربی تصفیه نشده و تحول نیافتند دست بکار رشدند. خوشبختانه این تلاش دولت "کام بگام" در مقابل اراده و تصمیم رهبری انقلاب نقش برآب گردید.

اینکه در ماههای اخیر شمونه های زیادتری از نفوذ عناصر حادثه جو و فرستادگان خود

برجسته‌ای در مجازات جنایت کاران رژیم گذشته داشتند، خاتمه‌دهدو همزمان با دستگاه‌های تبلیغاتی دشمنان خارجی انقلاب ایران درجهت تضعیف نهادهای انقلابی، که بدون تردید نمیتوانستند بدون عیب باشد، مصراوه و فعالانه گام برمیداشت.

ولی دولت وقت آنچه زیرفشارستگین افکار عمومی قراردادشت و مجبور بسود لاقل تا حد معینی رهنمودهای امام خمینی را مورد توجه قراردهد، نمیتوانست از آنچه شدیا مصراو افریقای جنوبی قطع را بظیاسی سی نمایدواز فروش نفت به اسرائیل و افریقای جنوبی خودداری کند. مجبور شدکه قانون ملی کردن بانکها و شرکتها بیمه و همچنین مصادره اموال خائنین و قانون ملی کردن بخش از صنایع را آنهم با تاخیر بسیار بپذیرد، ولی صرف نظر از اقدامات که در همه موارد مبتکران شخص امام خمینی بود، در همه زمینه های مهم و اساسی سیاست کشور، دولت "کام بکام" بورژوا لیبرال بیش از پیش به صورت ترمز جدی در ارتضیت و تحکیم و گسترش انقلاب در می‌آمد.

در سیاست خارجی، سیاست دولت در این جهت بود که با سربیوش گذاشت به سیاست خاص‌نمایانه مپریا لیسم آمریکا مستگیری سیاست خارجی را از جهت تشدید مبارزه علیه دشمن اصلی و آشتبانی ناپذیر انقلاب یعنی آمریکا منحرف کرده و بتدریج شرایط را برای برقراری مجدد روابط "دوستانه" با آن آماده سازد. در این راه بیویزه امیرانتظام که اکنون با افشاگری دانشجویان پیرو خط امام چهره نامیمودنش آشکار شده و همکاران دیگوش نقش بسیار مذوی نهاد را ایفا می‌کردند.

این سیاست سازشکارانه تا آنچه پیش رفت که با وجود روش شدن توشه خطرناک امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران که با دعوت شاه و اشتنگتن وارد محله عمل گردید، دولت "کام بکام" نه تنها اعترافی ننمود، بلکه حاضر شد بعون اطلاع امام با گردانش اصلی همه تحریکات خدا نقلابی و جنایتکارانه علیه ایران، بزینسکی ملاقات نماید و تا امروز هم مردم ایران از محتواهای مذاکرات مهندس بازرگان و دکتر بیزدی و دکتر چمران با این فرستاده "شیطان بزرگ" اطلاقی ندارد.

در زمینه سیاست داخلی دولت "کام بکام"، برای نزنجاندن کنسرسیون، نزیهه ضد انقلابی را به مقام مهم و حیاتی ریاست هیئت مدیره شرکت نفت رساند، از خارج کردن ارزهای ایران از بانکهای آمریکائی لجو جانه خودداری کرد، بزرگ مالک و استهانی میزدی را بررسی نمود که به ۲۰ میلیون دهقان ایرانی مسلط ساخت، در مسئله ملی لجو جانه از پیدا کردن راه حلی برای جلوگیری از حوادثی که ضدانقلاب میتوانست بوجود آورد سر باز زد. این دولت امکان داد تا هزاران نفر از ضدانقلابیون و غارتگران و استهانی میلیاردها دلار و جواهرا از مزد ها خارج شوند. بکارانداختن چرخهای از کار افتاده اقتضا درا با بهانه های گوناگون به تاخیر نداشت. اکثریت سازشکار دولت "کام بکام" تطور روش درجهت احیاء کامل نهادهای سرمایه داری و تحمل آن به جا مده انقلابی ایران کام برمیداشت و سینما را "تاریخی" مسائل اقتضا دی در سازمان برداشت ها دین تلاش ارتقا عی بود.

دولت "کام بکام" تحت تاثیر اکثریت سازشکار خود، لجو جانه از تصفیه سازمانهای دولتی و ارتش از عناصر سپرده به رژیم گذشته، ساواکی ها و ضدانقلابیون سر بازمیزدواجین اقدام ضروری با وجود تاکیدات مکرر امام خمینی بطور منظم و آگاهانه عقب انداده

ضد انقلاب، هوا داران امپریالیستی و صهیونیستی اش در دستگاههای تبلیغاتی جهان سرمایه‌داری و دولت سازشکار "کام بگام" بورژوازی لیبرال از همان اولین روزهای پس از انقلاب در مقابل عمل انقلابی این نهادها قد علم کردند و باعوق و گردن، با استفاده از برخی انحرافات و گجراییها و ناسایا مانیها که در درجه اول بعلت نفوذ عناصر ضد انقلاب در این نهادها انجام می‌گرفت، برای برآنداختن این نهادها و انتقال قدرت به پلیس وزارت دارمی و ارتض آریا مهری تخفیه نشده و تحول نیافته دست بکار رساند. خوب‌بختانه این تلاش دولت "کام بگام" در مقابل اراده و تضمیم رهبری انقلاب نقش برجای گردید.

اینکه در ماههای اخیر شرمنهای زیادتری از نفوذ عناصر حادثه‌جو و فرستادگان ضد انقلاب در برخی از کمیته‌ها و یا نفوذ عناصر سازشکار در دادگاههای انقلاب و هجین افراد کم اعتقاد دوسوچو در سپاه پاسداران آشکار شده و تخفیه این نهادها را بیش از پیش ضرور ساخته است، نسبتاً ندموجی برای ازبین بردن این نهادها باشد.

تا وقتیکه دستگاههای دولتی از ارتض وزارت دارمی و پلیس گرفته‌تادا دگسترنی دگرگون نشده و نهد در حرف، بلکه در عمل درجه‌تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب قرا و نگرفته‌اند، ازبین بردن نهادهای انقلابی و خلع سلاح تیروهای مسلح راستین خلق ضربه خطناکی برانقلاب است. حزب توده ایران بازهم مانندگذشته همه هوا داران راستین انقلاب و بیویژه رهبری انقلاب را از چنین اقدام عجولانه‌ای برحد مریداً دارد.

در میان نهادهای انقلاب باید به نقش شورای انقلاب توجه بیشتری بینما نیم. حزب توده ایران اولین سازمان سیاسی ایران بودکه ابتکار امام خمینی را در تشکیل شورای انقلاب موردن تائید قرارداد و تاریخ ثابت کردکه این ارزیابی سبک‌کمالاً درست بود.

تحلیل اقدامات و تضمیمات شورای انقلاب در دوران موجو بیش‌شان مبدهد که، علیرغم کارشکنی‌های ترمزکننده جنایح سازشکاری که در این شورا همیشه تاثیرداشته و هنوز هم دارد، این شورا بطور عمد در خط امام خمینی عمل کرده است. ولی با وجود این ارزیابی کلی با بدصریحا "بگوییم که در کار شورای انقلاب به تنا سب و ظائف فیوق" - العاده سنگینی که در برآ برانقلاب قرارداد، در موارد مهمی کمبودهای جدی، موضع‌گیری‌های غیرقاطعانه، بی‌تصمیمی و از همه بدتر و خطرناکتر عدم‌های هنگی و یک‌بارگی که لازمه یک مرکز رهبری در دوران این چنین حساس میباشد، دیده میشود.

اما نظرور که گفتم فعالیت ترمز کننده بورژوازی لیبرال که در خود شورا هم بیند- گانی دارد با این وضع کمک کرده است.

#### تا شیر منفی فعالیت گروههای افراطی چپ و راست

یکی از عوامل منفی در دوران پس از انقلاب فعالیت گروههای افراطی چپ، گرا و راست گرا در جبهه نیروهای انقلابی خلق بوده و هنوز هم هست. این گروههای افراطی راست و چپ، بخشی زیرپرچم‌های افراطی مذهبی و بخش دیگر زیرپرچم‌های افراطی هوا داری از سوی ایلیس و طبقه کارگر متگیری انسجام رطلبانه ای را در پیش گرفته و گوشیده‌اند تحمیل موضع‌گیری‌های تندگ نظرانه خود را به مجموعه جنبش جانشین کوشش برای ایجاد جبهه متحد برپا یه برنا مه مورد توافق که بازتاب واقعیت‌ها، خواستها و مکانت انتقلاب ایران در مرحله کنونی باشد، بینما یند. این روش انسجام رطلبان راست و چپ چه در میدان سیاست عمومی کشور و چه در میدان مبارزات برای پایان دادن به محرومیت‌های ملی خلق‌های

غیرفارس‌ضورهای جبران ناپذیری به روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب وارد ساخته و بطورچشمگیری از طرف خدا انقلاب برای تضعیف مجموعه انقلاب بهره‌گیری شده است. گروههای افراطی و انحصار طلب راست‌گرای مذهبی بجای سمت دادن مبارزه علیه دشمن املی و عدمه یعنی امپریالیسم‌خوتخوار آمریکا، آنطورکه‌ما م خمینی همیشه و همیشه‌یا داری کرده، نیروی عدمه خود را برای تضعیف ووا رد و ردن فشار و محدود کردن فعالیت سیروهای چپ راستین کرده و آتش‌نفا و دشمنی را در میان نیروهای راستین انقلاب دام زده‌اند. این نیروها ضمن اینکه در حرف خود راه‌هادار پیگیر راه امام خمینی اعلام میکنند، در عمل یکی از عدمه‌ترین رهنمودهای امام را در زمینه لزوم وحدت همه نیروها، صرف‌نظر از اعتقادات سیاسی و ایدئولوژیکی، زیرپا گذاشته جنگ علیه افکار و عقاید را جانشین جنگ علیه امپریالیسم آمریکا ساخته و می‌سازند. نگاهی به تماشماره‌های برخی از روزنامه‌های وابسته به نیروهای راست‌گرا و انحصار طلب و یا گفتگوهای سخنگویان این جریانات بخوبی نشان میدهد که مبارزه علیه حزب توده‌ایران، که پیکر از اخط امام پشتیبانی میکند، برای این گروهها بمراقب جای‌بیشتری را اشغال میکند تا مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا که فعالانه در صدد تاریخی بزرگترین توطئه‌ها برای نابودی انقلاب ایران است.

فعالیت منفی گروههای چپ‌گرا هم دست کمی از این راستگرایان نداشته است. این گروهها در دوره طولانی، تا همین چند‌هفته اخیر، در مبارزه با خط اصلی انقلاب ایران امپریالیسم آمریکا را فرا موش کرد و بتویزه رهبری امام خمینی و حزب توده‌ایران را آغاز شدیدترین حملات خود قرارداده بودندو در این دشمنی از همکاری عملی با نیروهای ضدانقلاب هم خودداری نکرده‌اند. نیروهای چپ‌گرا مستگیری اصلی مبارزه نجات‌بخش ملی ماراکه همان مستگیری علیه امپریالیسم و بتویزه امپریالیسم آمریکا است، در درجه دوم اهمیت قرارداده و با مطرح کردن شعارهای غیرواقع بینانه و چپ‌گرایانه و بنا اتخاذ شیوه‌های تحریک‌زننده‌انسانی سد جدی بر سر راه تثبیت دستاوردیهای سیاسی و اجتماعی انقلاب بوجود آورده‌اند. برگرگری زیانی که چپ‌گرایان به جنبش انقلابی می‌هین ما وارد ساخته‌اند اینست که آنها با موضوع‌گیریهای نادرست و روشهای حادث‌جویانه خود دریک دوران طولانی پس از پیروزی بهمن ۵۷ دقیقاً "در همان جبهه‌ای قرار گرفتند که ضدانقلاب، ساکیها، بورژوازی لیبرال و سیاستهای امپریالیستی برای مبارزه علیه انقلاب بوجود آورده بودند.

تحريم فرآندوم درباره اعلام جمهوری اسلامی از طرف سازمان چریکهای فدائی خلق و حزب دموکرات‌کردستان، تحريم شرکت در تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی، با وجود انتقاداتی که به آن وارد بود، با عنایت شدکه نیروهای راستگرایانحصار طلب شکافی جدی در میان نیروهای مبارز مذهبی وبخشی از نیروهای چپ بوجود آورند. این یک ضربه جدی به پیشرفت درجهت تشکیل جبهه متحد خلق که یگانه‌خانه من پیروزی قطعی و با زکشت ناپذیر در نبرد زندگی و مرگ علیه امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب و بورژوازی لیبرال است، بود.

با اعث خوشوقتی است که در هفته‌های اخیر، با لآخره زیرفشا روا قعیتها، در موضوع‌گیری های بخشی از چریکهای فدائی خلق و حزب دموکرات‌کردستان ایران که مرکز تجمع بخشی مهمی از سالم ترین نیروهای خلقی در کردستان است، مستگیری های واقع بینانه

بتدربیج جای کرا یشهای نادرست و چپ کرا یانه را میگیرد. ولی در میان گروههای گوناگون ورنگ که خود را هوا دار چریکهای فدائی خلق معرفی میکنند نه تنها کرا یشهای نادرست و درنتیجه همکاری با نیروهای فدا نقلاب ریشه کن نشده، بلکه در مواردی درحال شدت یا فتن است.

### نقش خرابکارانه چپ نماها

درکنار نیروهای چپ کرا که با وجود موضعگیری های نادرستشان در احالت انقلابی اشان نمیتوان تردید داشت، خیل گروههای خرابکار نفاق افکن مشغول فعالیت هستند. این گروهکهای سرمنشاء همه شان، بدون استثناء، جریانات ضد انقلابی و انحرافی تسلیم شده به امپریالیسم جهانی است (تروتسکیسم و ماوشیسم) تنها و تنها در جهت ایجاد اختشاش، ایجاد تفرقه و نفاق و چندستگی میان نیروهای خلق و بویژه جوانان کمتجربه فعالیت میکنند.

با اینکه در شعارها و خط مشی و موضع کبیری سیاسی آنها، که سمتگیری عمدۀ اش مبارزه علیه امام خمینی، رهبر انقلاب، علیه سمتگیری خلقی و ضد امپریالیستی انقلاب، علیه حزب توده ایران، علیه تلاش برای تشکیل جبهه متحده خلق و علیه جنبش کمونیستی جهانی و بویژه علیه اتحادشوری است، هیچگونه اختلاف محسوسی وجود ندارد، معاذالک این سؤال بدون پاسخ میماند که چرا این گروهکهای متعدد ماوشیستی - تروتسکیستی و طرفداران ماوشیسم نو و آلبانی وغیره با یکدیگر متعدد نمیشنوندو سازمان واحدی را بوجود دهیا ورند. یکی از بزرگترین این گروهکهای این شیوه مبارزه ضد انقلاب و امپریالیسم ایجاد تعداد بیشماری از این گروهکهای نفاق افکن که هدف اساسی آنها نفاق افکنی و پراکنده کردن نیروهای خلق است. عملکرد این گروهکهای رفاقت از اینکه افراد اساده و حتی در مواردی گرداشتن افراد گمراه و تناکاً باشند و تداشته میکنند، در جهت اهداف ضد انقلاب است و بدون چون و چرا آب به آسیاب دشمنان انقلاب ایران میریزند. اینها با شعارهای توحیلی و غیره واقعی خود، با موضعگیری خود در جبهه ضد انقلاب و در زیر نقاب کمونیسم و سوسیالیسم و طبقه کارگروهیه بهترین سهنه را بدست نیروهای راست انصاصاً رطلب افراطی مذهبی میدهند تا مردم ساده مبارز مذهبی را علیه هوا داران راستین سوسیالیسم علمی که پیگیر ترین و پا بر جا ترین متعددین طبیعی آنان در مبارزه برای استقلال و آزادی و تغییرات بنیادی بسود محروم از جامعه میباشد، بشورانند. اینست خیانت تاریخی این گروهکهای چپ نما

### وضع کنونی و دشواریهای انقلاب

بدنبال شبرد بین دو گرایش، با لآخره با پیامهای تاریخی امام خمینی در مسورد تمرکز همه نیروها علیه امپریالیسم آمریکا، دشمن شماره یک همه محروم و مستضعفین جهان، پیام به خلق کرد برای حل مسالمت آمیز مسئله ملی، پیام به مردم درباره محتوى اساسی انقلاب ایران و سمتگیری آینده آن که دفاع از منافع کوچ نشینان در مقابل غارتگری کاخ نشینان و با لآخره پیام به دانشجویان و دانش آموزان و همه مبارزان بعنایت ۱۳ آبان برای نشاندادن تنفر و انتزجار خودتسبیت به امپریالیسم آمریکا، انقلاب

ایران وارد مرحله نوبن ، مرحله با لاتر ، مرحله ژرفتری گردید . سمتگیری خدا میریا - لیستی و خلقی انقلاب بیروزی چشمگیری بر سمتگیری سازشکارانه و بورژوا لیبرال منشاء کرفت . این پیا مد کاملاً "قانونمند بود . امپریالیسم وضاد انقلاب داخلی با استفاده از سیاست سازشکارانه و تسلیم طلبانه دولت بورژوا لیبرال ، مانور همه جانبه ای برای درهم شکست انقلاب ایران تدارک دیدند و این تدارک به مراحل عملی نزدیک میشد . امپریالیسم وضاد انقلاب هم نیروهای آشکار و نهان وابسته به خودرا ، برای یک حمله عمومی تجهیز میکرد . استاد فشناء شده از جاسوسخانه آمریکا بخوبی نشان میدهد که این جبهه وسیع خدا نقلابی از امیرا منتظم مها ، مقدم مراغه ای ها و نزیه ها در مرکز دولت و نزدیکی بلا واسطه رهبری انقلاب آغاز میشد و جبهه ملی و حزب ایران و حزب خلق مسلمان و گروه کهای ما ظوئیستی و شبی ما ظوئیستی کومله و شیخ عزالدین حسینی و خانه ای بلوج و افسران سرسپرده آریا مهری مانند علیارها و همدستانش در واحد های ارش و شیخ عثمانها و شیخ جلال ها ، دست نشانندگان خائن حکومت ارتقا عی بعثت عراق در کردستان و خوزستان را در بر میگرفت .

نقشه امپریالیسم وضاد انقلاب این بود که با تکیه به این نیروها و با بمیدان ریختن همه نیروهای سیاه ساکنیها ، دزدان ، اویاشان ، هروشین فروشان ، باج بکیران آریا مهری و هواداران "قانون اسلامی" و شاپور بختیار رودار و دست اش آتش اغتشاش را در سراسر کشور شعله ور سازند و از این راه نظام انقلابی را متزلزل کرده وانتظا مها و نزیه ها و مقدم ها و همکاران دیگران را برکشون حاکم سازند .

ضریب شکننده ای که با رهنموده ای انقلابی امام خمینی برای نشوه وارد آمدوب بروکناری دولت با زرگان انجام مید این نقشه خطرناک را درهم شکست . اشغال جاسوسخانه آمریکا، مرکز همه توطئه های خدا نقلابی در ایران و منطقه این ضربه شدید انقلابی را بیزار چشمگیری نیرو بخشید . افشار استاد پیدا شده در جاسوسخانه صفت بندی نیروهای خدا نقلاب را درهم ریخت و بخشای گوناگون آن با سراسیمکی و دست . پاچکی به ایجاد یک سلسه تحریکات و آشوبها در قم ، در کردستان ، در آذربایجان ، در بلوچستان ، در بیندر لنگه و ... دست زدند .

پردا منه ترین و خطرناک ترین و در عین حال ظاهر آراسته ترین این آشوبها در آذربایجان بود که به گردا نشدنگی حزب خلق مسلمان با شرکت حزب ایران و حماقت کومله کردستان که همگی خود را از براذران آیت الله شریعت داری معرفی میکنند عملی گردید و هنوز ادامه دارد . امپریالیسم وضاد انقلاب با همه امکانات تبلیغاتی خود در جهان کوشیده به این حادثه دامن زند آنرا به مبداء یک آشوب عمومی در سراسر کشور مبدل کرد . ولی بیداری جنبش انقلابی ایران بزودی ماسک ریا و تزوییر را زچهره خائنها و خدا نقلابی رهبران و گردا نشانندگان و حامیان این آشوبها پاره کرد .

شکست توطئه خدا نقلاب در آذربایجان را بایدیکی از مهمترین پیروزیهای انقلابی خط امام خمینی و مجموعه جنبش امیل انقلابی ایران بحساب آورد .

بدون تردید موضعگیری قاطع و آشتی ناپذیر انقلاب ایران در مقابل امپریالیسم آمریکا خشم روز افزون نه تنها غارشگران آمریکائی و صهیونیستی ، بلکه خشم دیوانه وار همه امپریالیستهای غربی ، همه دستیاران ارتقا عی امپریالیسم مانند این سعودها ، ساداتها ، فیاء الحقها و مدام حسینها را هر روز بیشتر برخواهدا فروخت . با بیشتر

برا فروخته شدن این خشم کین شوزانه داده تحریکات این دشمنان بشریت برای ناتوان ساختن و از پادرآ وردن انقلاب ایران که با زتابش هر روز در منطقه و در سراسر جهان محرومان بیشتر می شود و بصورت عالم شیوه دهنده ای در تشدید عصیانها خدا میریا لیستیا شرمیگزاده، توسعه خواهد داشت. فشارهای سیاسی و اقتصادی و تحریکات برای برا فروختن آشوب و جنگها را برادرکشی، آنطور که در کردستان شاهد هستیم، ادامه خواهد داشت. بورژوازی لیبرال ایران و همه گروههای سیاسی و استثنای آن دوش شیوه های سنتی خدا انقلاب و کارگزاران رنگارنگ چپ نما و راست نمای امپریالیسم و ماشیسم هم مجری این دسائی خواهند بود. برای روپردازی در پیشگفتگان و پیشگفتگان ساختن این توطئه ها نیروی عظیم و شکست نا پذیرانقلابی بالقوه ای در درون خلق ایران موجود است. با رهبری انقلاب است که این نیرو را سازمان دهد و بایک آن ضربه قطعی به دشمن وارد سازد و این را برای گسترش بازگشت نا پذیر دستاورد دهای انقلاب هموار کند و از اهانتان پاک سازد.

رهنمودا مام خمینی، رهبر انقلاب در زمینه لزوم اتحاد همه نیروهای خلق کلید پیروزی در این نبرد حیاتی خلق ما است. تنها با تشکیل جبهه متحده خلق از همه نیروهایی که هوا دار خلط امام خمینی، خط اصلی انقلاب ایران هستند، صرف نظر از اعتقادات فلسفی و اجتماعی، یکانه با خواستین و بیدون غل و غش به این رهنمودا مام است. همه نیروهای اصلی انقلابی با یددر زرادرخانه اندیشه و فعلیت سیاسی خودخانه تکانی کنند و آنچه را که موجب نفاق و پراکندگی است ب دور بریزند و قلمها و تفنگها را بجای روپا روئی با هم، متوجه دشمنان اصلی انقلاب در خارج یعنی امپریالیسم برگردانی امپریالیسم آمریکا و در داخل علیه باز مانند گان رژیم سرنگون شده سرما یه داران و استه و زمینداران بزرگ و سازشکاران و تسلیم طلبان سازند.

با یدرهبری دولتی انقلاب هر چه زودتر برای رفع مشکلات عظیمی که اکنون در مقابل انقلاب قرار دارد و ادامه آنها هر روز بrixil ناراضیان در میان طبقات زحمتکش میافزا بده راه حل ها و تضمیمات انقلابی بگیرد و بآجراده ورد. همانطور که امام بارها یاد آور شده نیروی اصلی انقلاب همین طبقات محروم زحمتکشان شهروروستا بودند آنها بهترین فرزندان خود را قربانی دادند تا نظم غارتگر و جنایت پیشه را سرنشون سازند. آنها انتظار را و خواسته ای بحقی دارند و انقلاب امکان برا وردن این خواسته را دارد. باید "قرطاس بازی" را برآورد آنچه شیوه انقلابی آنطور که انقلابهای بزرگ تاریخ معاصر عمل کردند به این انتظار توده ها پاسخ مثبت عملی داد.

سخن کوتاه، اتحاد همه نیروهای اصلی انقلاب در جبهه متحده خلق، در راه امام خمینی، تحقق انقلابی خواسته ای بحق توده های زحمتکش و خلقهای محروم و تشدید مبارزه علیه امپریالیسم و ارتقا علیه اینست رمز اصلی و منحصر بفرد تثبیت و تحکیم و گسترش دستاورد دهای انقلاب بزرگ و شکوهمند خلق های محروم میهیم ما.

حزب توده ایران که در تمام دوران موجودیت خود برای این هدفهای والی جنبش ملی و دموکرا تیک مردم می هستم ب بدون تزلزل نبرد کرده، آن داده است با همه نیروهای دیگر را استین انقلابی برای ایجاد چنین جبهه ای و به شمر رساندن هدفهای مشترک آن همکاری نماید. حزب توده ایران برای حل همه مشکلات اجتماعی پیشنهادهای شخص و روش عرضه داشته است. حزب توده ایران امیدوار است که تشدید نبرد نیروهای ملی و خلقی علیه دشمنان خارجی و داخلی پایه های عینی برای همکاری و بهم پیوستگی این نیروها را هر روز بیشتر

(۲۹)

یم کند. بر سازمانهای سیاسی وابسته به نیروهای خلق است که با شجاعت انقلابی برداوریهای کهنه شده و پوسیده غلبه کنند و راه را برای سرانجام یافتن این ضرورت یخی انقلاب ایران هموار سازند.

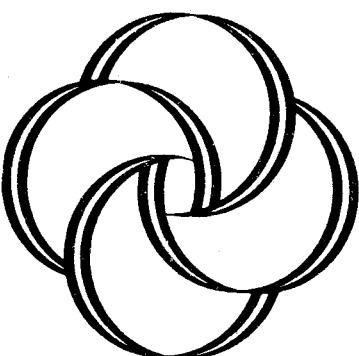
۱۳۵۸ دی ۲۰

## در رویاروئی لیبرالها با دموکراتهای انقلابی

در انقلاب ما، حزب ما با تمام نیرو از -

دموکراتهای انقلابی که پیرو خط امامند

پشتیبانی می کند.



# ★ در آستان انقلاب

حمید صفری

میگویند در روند انقلابی و انقلاب، روز دوم آن (یعنی آغاز جهاد در راه بازسازی جامعه)، دشوارتر از روز اول است. این حقیقت ناشی از نقش دولتی هر انقلاب اصل است: نقش ویرانگری و نقش سازندگی. اولی نسبتاً آسان و دومی بسیار دشوار است.

درهم کوبیدن نظام فرتوت، برانداختن شهادهای اسارت و برداشتن آن و خنثی ساختن توطئه‌های امپریالیسم و ارجاع داخلی، کار ویرانگری نظام کهن ازسوی هر انقلاب خلقی است. انقلاب با این عمل، از خود دفاع میکنند و وظیفه تدافعی را انجام میدهد. اما، انقلاب که در عین حال موظف است به مسئولیت خطیر تاریخی خود عمل کند، میباید به موازات انجام وظیفه تدافعی، همه زحمتکشان را در راه ایجاد تحول بینیادی اقتصادی اجتماعی و سیاسی بسیج کند و دست به عمل تعرضی بزند.

در این رهگذر درگ مضمون بحران عمیق و ریشه‌دار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و همچنین بیکاری علل و عوامل زاینده آن، در آستان انقلاب پیروزمند مردم ایران برای نیروهای انقلابی که در راه بازسازی جامعه، تحکیم مبانی انقلاب و پیشبرد اهداف آن مبارزه میکنند، اهمیت ویژه‌ای کسب میکنند.

در این زمینه سخن بسیار میتوان گفت. ولی ما در اینجا فقط بر روی علت عمده، یعنی استراتژی نواستعمالی امپریالیسم تکیه میکنیم و مکانیسم عملکرد آنرا مورد بررسی قرار میدهیم.

نواستعمال مجموعه‌ایست از منافع عمومی طبقاتی و اهداف و عملکردهای مشغص دول امپریالیستی. نواستعمال رکلیه‌جوانی استراتژی و تاکتیک امپریالیسم را در کشورهای "جهان سوم" در بر میگیرد و نقش اساسی آن هم‌نهنگ ساختن غارتگری و بهره‌کشی امپریالیستی با اوضاع و احوال نویینی است که پس از فروپاشی سیستم نواستعمالی امپریالیسم در جهان بدید آمده است. ولی از آنجا شیکه ما هیئت تجاوز کاراندا امپریالیسم تغییرپنا پذیراست، خصلت ذاتی آن مانند

گذشته عبارت است از غارت منابع طبیعی و بهره‌کشی از منابع انسانی، کرچه‌جو و جودسیستم پرتوان سوسیالیسم جهانی و جنبش‌های رهائی بخش، امپریالیسم را مجبور می‌سازد که در این راه به انواع حیله و تزویزرسانی جوید.

امپریالیسم برای برقراری کنترل بیرونی اقتصادی - اجتماعی ایران بطور عمده ازدواج هرم سیاسی و اقتصادی بهره‌گرفت و به‌کمک آنها توانست طی ربع قرن اخیر در کلیه شئون اجتماعی فرهنگی و نظمی نیز ریشه دواده.

**۱- اهرم سیاسی** . هدف اساسی استراتژی نواستعمالی امپریالیسم در کشورمان گاهداز ایران در مدار اقتصاد سرمایه‌داری به عنوان کشوری وابسته و استثمار شونده بود. زیرا فقط در چنین صورتی است که قوانین اقتصادی (در شرایط سلطنه انحصارهای سرمایه‌داری برای رجهانی) میتوانند خود را بخود بگیرند و باستگی کشور را به امپریالیسم تشدید بخشد و زمینه را برای تجدید بهره‌کشی از آن فراهم کند.

کشاندن ایران به سیستم سیاسی امپریالیسم، شرط لازم تحقق استراتژی نواستعمال امپریالیسم در ایران بود که کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ راه آنرا هموار ساخت. روزنامه فرانسوی "ماتن" در ۵ سپتامبر ۱۹۷۸ غمن تحلیل حوا داشت خونین آستان انقلاب نوشته که گناه اصلی به گردن سازمان "سیا" است که "با خشونت کامل و با جنایات با ورنکردنشی، پا دشای صفير را به تخت سلطنت نشاند و سیس اندک آن را به دزخیمی کبیر تبدیل کرد". رئیس جمهور ساق آمریکا آیزنهاور، در کتاب خاطرات خود، کودتای ۲۸ مرداد را چنین توصیف می‌کند: "صدق تسلیم شد... نیروهای مسلح سلسکرزا هدی، رهبران حزب توده را دستگیر و زندانی کردند. همه چیز پایان یافت". (۱)

آنچه را که طراحان استراتژی نواستعمالی امپریالیسم برای خود پایان یافته تلقی می‌کردند، برای مردم ایران سرگازفا جمهوری بود که ریبیل حوا ادامه دیافت. ربع قرن سلطه بیرحمانه امپریالیسم، ربع قرن اسارت و بندگی، ربع قرن کشتار بیرحمانه، زجر و شکجه و خشایانه - نتیجه مستقیم کودتای شوم ۲۸ مرداد در کشور ما بود. فقط از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۱۰ اوج جنبش رهائی بخش ملی اخیر مردم ایران، بیش از ۲۵ هزار فراز بهترین فرزندان خلق بدت دزخیمان شاه مخلوع به قتل رسیدند. (۲)

اندکی پس از کودتای ۲۸ مرداد، ایران به پیمان سنتوبیوست و سپس قرارداد دوچانبه نظامی با ایالات متحده آمریکا منعقد شد. این دو پیمان شرایط مناسبی برای دخالت امپریالیسم آمریکا در امور داخلی ایران بوجود آورد. رژیم با مستگیری یک جانبی بسودا امپریالیسم، "علملا" حق حاکمیت کشور را استقلال سیاسی آنرا تحت سؤال قرارداد. نظریه "ناسیونالیسم مثبت" که از جانب شاه مخلوع اعلام گردید و از گرا بش های ظاهری ناسیونالیسم ناشی می‌شد، دفاع از منابع آمندانه امپریالیسم و دست - نشاندگان ایرانی آن و همچنین تحکیم پایه‌های دیکتاتوری مطلق سلطنتی را هدف خود قرار میداد. این نظریه از دکترین "پیشگیری از انقلابهای اجتماعی" رئیس سازمان جاسوسی "سیا" آلن دالس واز تئوری "سرکردگی سیاسی" که برای نقش "شحصیت نیرومند" اهمیت مطلق قائل بود، سرجشمه می‌گرفت.

سیاست نظامیگری زیربوش "تقویت بنیه دفاعی" که تجاوز کارترین نیروهای امپریالیستی، یعنی مجتمع نظامی - صنعتی جهان سرمایه‌داری به کشور ما تحمیل کردند، ضربات مهلكی بر پیکراقتامدملی وارد ساخت و باستگی سیاسی کشور را به ایالات متحده

### آمریکا تشدیدکرد.

رسوخ گسترده نظامی ایالات متحده آمریکا به ایران از ماه مه ۱۹۷۲ پس از مسافرت نیکسون به ایران آغاز شد. ۹ سپتامبر ۱۹۷۲ روزنامه "واشنگتن پست" نوشت که بموجب طلاعات بدست آمده تصمیم درباره اعزام گروه کارشناسان پنتاگون به ایران درسطح بال پس از پذیراشی گرفته که در ماه مه از نیکسون در ایران بعمل آمد اتخاذ گردید. منظور نویسنده قرارداد محروم‌های بود، که بین شاه مخلوع و نیکسون به اعفاء رسیده بود و بعد از موضع آن با راهدار مجلس سنای ایالات متحده آمریکا مطرح گردید. بنوشه طبع‌وعای خارجی در ماه مه ۱۹۷۲ نیکسون به شاه مخلوع "کارت بلانش" برای خریدکلیه انواع علاج‌های عادی را داده بود. (۲)

فروش تمام‌عده جنگ‌افزارهای نظامی بموازات اعزام خیل کارشناسان نظامی، یکی از مهمترین جنبه‌های استراتژی نواستعمالی ایالات متحده آمریکا در مورد ایران تشکیل می‌داد، که هدفش عبارت بود از: تبدیل ایران به "ابرقدرت" منطقه‌ای قدریه دفعه هرگونه خطر، تغییر وضع موجود در منطقه خلیج فارس به نظرورتا می‌سلط ایالات متحده بر منابع نفت، تقویت بندیه نظامی برای حفظ امنیت داخلی، برقراری ارتباط نزدیکتر با نظامیان ایران و تشدیدواستگی ایران به تکنیک نظامی آمریکا برای تأمین امکان کنترل عملیات نظامی ایران در آینده. (۴)

رسانه‌های گروهی وابسته به اتحاد افزاوهای آمریکا شی پنهان نمیداشتند که استراتژی نواستعمالی آمریکا در مورد ایران ب محور نفت - اسلحه استوار بود. بنوشه روزنامه‌های آمریکایی بهنگام ملاقات نیکسون و شاه مخلوع دوستله مرتبه بهم، یعنی اسلحه و نفت دیگر مسائل را تحت الشاعر قرارداده بود. هفته‌ها مه "یونا پتد استیس نیوزاندورلد - ریپورت" (۵) (۱۹۷۳) بی‌پرده نوشت که ایران تنها کشور باندازه کافی شرطمند از لحاظ منابع طبیعی و نیروی انسانی در منطقه است، که میتواند برای حفظ منافع غرب نقش "زاندارم" را بعده گیرد.

محاذل رسمی واشنگتن ایران را "نیروی تشییب کننده در منطقه" می‌شمردند و معتقد بودند که رژیم ایران از منافع ایالات متحده آمریکا دفاع میکند و برآسا س دکترین نیکسون، نیروهای نظامی ایران، در صورت لزوم، جای ارشاد آمریکا را در منطقه خواهند گرفت. (۶)

بدینسان انواع اشکال وابستگی به امپریالیسم بوجود می‌آمد، که نمیتوانست در عرصه اقتصادی - اجتماعی موثر نیفتند. مثلًا "بهنگام بازدید از واشنگتن (نیوا مبر ۱۹۷۷)" شاه مخلوع خواهان تضمین دریافت مدام و مستمر جنگ افزارهای نظامی از ایالات متحده شود و عین حال به مقامات واشنگتن اطمینان داد، که در کنفرانس نوبتی اوپک، ایران از افزایش قیمت نفت جانبداری نخواهد کرد. (۷)

سیاست نظامیگری، یعنی صرف سهم قابل ملاحظه‌ای از درآمد مملی برای خرید جنگ افزارهای نظامی، احداث منابع نظامی، استفاده فزاینده از منابع تولید داخلی برای تأمین نیازمندیهای ارشاد، جلب هرجه بیشتر کارهای فنی برای صنایع نظامی و خدمت در ارشاد، تشدید همپیوندی رژیم با مجتمع نظامی - صنعتی امپریالیسم، که پس از کودتای ۲۸ مرداد آغاز و با افزایش درآمد نفت به تدریج به سیاست حاکم دیکته شده از جانب امپریالیسم تبدیل گردید. آن اهرمی بود که وابستگی سیاسی - روحی افزون رویم به امپریالیسم

آمریکا و پی آمدهای شوم آنرا موجب شد.

محله آمریکائی "تايم" در ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۸ نوشت که طی ۲۰ سال اخیر شاه ۴۶ میلیارد دلار اسلحه و دیگر جنگ افزارهای نظامی از کشورهای غرب خریداری کرده که ۱۸ میلیارد آن مستقیماً از ایالات متحده خریداری شده است. محله درباره چگونگی صرف این مبلغ سراسر آور برای تجهیزات نظامی در کشوری که فقر و تنگدستی داشتگیراکشیت ساکنیش بود، نوشت: "کمترکشوری در جهان بافت میشود که از لحاظ استراتژیک و ژئوپولیتیک اینهمه دارای اهمیت برای آمریکا باشد. این بمعنای مستگیری رژیم بسود غرب، وضع خاص جغرافیائی ایران (هم سرحدبودن با اتحاد شوروی)، مناسبات آن با همسایگان بسیار مهم وکم ثبات در منطقه خلیج فارس و نقش آن در خاورمیانه است. خلاصه اینکه شاه پا یگاه ضدکمونیسم در منطقه است، که مشتریان نفت خلیج فارس بشمیار میروند".

اگر به این اظهار نظر، اعتراض صریح روزنامه "فاینانشل تایمز" ارگان نحصارهای بریتانیا را در ۱۳ اکتبر ۱۹۷۸ بیافزاییم، که نوشت شاه غیر از ارشاد هیچ گروه اجتماعی تکیندارد و حمایت واشنگتن ولندن است که اورا بر تخت سلطنت نگاهداشته است، رابطه مستقیم اشتراک منافع سیاسی رژیم سابق ضدخلی ایران با امپریالیسم جهانی و در راس آن امپریالیسم آمریکا که علت اساسی بحران سیاسی رژیم بود، بیش از پیش روش خواهد شد.

۲- اهرم اقتصادی. استراتژی نواستعما ری امپریالیسم دوهدف اساسی را در زمینه اقتصادی درکشور ما تعقیب میکرد: جلوگیری از کسب استقلال اقتصادی، حفظ ایران بعنوان کشور تولیدکننده نفت خام موردنیاز صنایع روبه گسترش جهان غرب و عرصه سرمایه‌گذاری و بازار فروش. تحمیل نظام سرمایه‌داری و استبداد امپریالیسم هسته مرکزی استراتژی نواستعما را در میهن ما تشکیل میداد. این استراتژی که در نتیجه خیانت فرستاد سلطنتی در میهن بلاکشده مایپا داشد، عمدت ترین عامل ورشکست اقتصادی ایران بود. با تحقق این استراتژی چنان اقتصادی بدیدآمد، که در کلیه زمینه‌ها به بازار جهانی سرمایه‌داری و استبداد بود و بدوین آن نمیتوانست به حیات خود دادمه کند.

در واقع نواستعما رتوانست مدل "رشاد اقتصادی متمکی به مناسبات خارجی" را که "مدرشیزه کردن" و یا "استراتژی رشد" نیز نامیده میشد و ساخته و پرداخته اقتصاددان سرمایه‌داری بود، به کشور ما تحمیل کند. مضمون و محتوی این با مظلوم رشد اقتصادی عبارت بود از تکیه به بازار جهان سرمایه‌داری، قبول مناسبات اقتصادی و فنی نابرابر، نا- متعادل و غارتگرانه، تا مین آزادی عمل بی بندوبه سرمایه‌ای اనحصاری خارجی در بازار داخلی، عدم استفاده وسیع از امکانات و منابع مادی و انسانی داخلی و بالآخره تن دردادن به تشدید و استگی کشوریه مراکز صنعتی جهان غرب.

مهمنترین وسیله غارتگری و سیطره امپریالیسم درکشور ما تسلط بر صنایع نفت بود، که در عین حال بزرگترین رشته صنعتی و شریان حیاتی ایران را تشکیل میدهد. اگر پیش از ملی شدن صنایع نفت فقط یک کمپانی خارجی به بهره‌کشی از منابع نفت ایران مشغول بود و با ملی شدن صنایع نفت در دوران زمامداری دکتر مصدق به تاراج گری آن کمپانی نیز پایان داده شد، بعداً زکودتای ۲۸ مرداد، تعداً دانحصارهای خارجی مسلط بر منطقه قرار داد کمپانی ساقی نفت به ۱۳ شرکت رسید، یعنی غارت و نواستعما رجندکشوری جانشین

استعما ریک کشوری شد. ولی رژیم مخلوع به اینهم اکتفا نکرد. در سالهای بعد از کودتا و اگذاری امتیاز به گروههای جدید مرکب از ۳۰ کمپانی خصوصی دولتی کشورهای سرما یه داری غرب ادا مهیافت. این گروهها، "مجموعاً" مناطقی به مساحت بیش از ۱/۶ میلیون کیلومتر مربع را در اختیار گرفتند و بینان تعداد کمپانیهای نفتی متعلق به کشورهای ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، فرانسه، هلند، آلمان غربی، ژاپن، ایتالیا، اسپانیا، بلژیک و اتریش در ایران به ۵ رسید. این هجوم سرما یه انحصاری خارجی به مهمترین رشته صنعتی کشور، وابستگی ایران را به جهان سرما یه داری بیش از پیش تشید کرد.

کشورمانهای از طریق تولید و صدور نفت خام، بلکه از لحاظ ماشین آلات و تکنولوژی موردنیاز منابع نفت و گاز و حمل و نقل نفت خام و فرآوردهای نفتی هم به انحصارهای غول پیکر چندملیتی جهان سرما یه داری وا بسته شد. انحصارهای خارجی، بوسیله انحصار رهای چندملیتی ایالات متحده آمریکا با رسوخ در منابع نوبنیا دپتروشیمی ایران و کنترل آن ضربات مهلكی برپیکر نحیف صنعتی ایران وارد ساختند.

رسوخ سرما یه انحصاری فقط به منابع نفت و پتروشیمی خاتمه نیافت. رژیم مخلوع با وضع یک سلسله قوانین و مقررات شرایط نفوذ انحصارهای جهان غرب را به کلی شئون اقتضا دی کشور فراهم آورد.

به جرات میتوان گفت که در تاریخ معاصر ایران، در هیچ دورانی باندازه دوران بعد از کودتای ۲۸ مرداد شرایط مناسب برای سرما یه های انحصاری امپریالیستی بوجود آمد. رژیم منفور سلطنتی سرما یه و سودا نحصارهای خارجی را تحت حمایت قانونی گرفت، کلیه حقوق و مزایایی که به سرما یه خصوصی داخلی داده میشد به سرما یه ها و موسسات خارجی در کشور نیز تعلق گرفت.

در اسفندماه سال ۱۳۵۴ رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران در جلسه شورای دادوستاد ایران و آمریکا گفت: "ایران از سیاست آغاز باز" بپروری میکند و بواسطه این روابط با زرگانی خود را برای استقبال و هدایت و حمایت سرما یه گذازی خارجی آماده کرده است". وی سپس خطاب به سرما یه داران آمریکائی افزود که شما علاوه بر این وجود "کارگران ارزان و کاردار و مدیریت دلبلسته و پرتحرک و مصالح اصلی ارزان قیمت و گنجینهای از منابع طبیعی و موقع غرافیا شی سودمند، دسترسی به افریقا شرقی و آسیا جنوب شرقی وقدرت و تصریح نفت و با لآخره سرما یه گذازیهای ایران در کشورهای دیگر را رویهم بگذازد رید و حساب کنید". (۷) این سیاست ضدملی در کشور متأذی نداشت.

بعد از حنگجهانی دوم، انحصارهای امپریالیستی با استفاده از تمهیلاتی که سیاست اقتضا دی رژیم بوجود میآورد، نخست با صدور کالاهای ساخته شده مصرفی خود بازار ایران را بdest آوردند، سپس به تدریج کارگاههای متوسط و کوچک، که موا داولیه و نیمی از خانه و یا قطعات ولوازم دیگر آنها میباشد از خارج وارد شدند احداث نمودند. در عین حال دول امپریالیستی از اینجا دستنای تولید و سایل تولید در کشور جلوگیری بعمل آوردند.

بعداز کودتای ۲۸ مرداد، نفوذ انحصارهای چندملیتی گسترش بیشتری یافت و تسلط امپریالیسم بر شئون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ای ابعاد گستردگری بخود گرفت. با گذشت زمان تنوع کالاهای مصرفی موردنیاز ایران را داخلی توسعه دیافت. تنوع معرف و خدمات که بازتاب تقاضا در بازار داخلی بود، تنوع سایل تولید و مواد اولیه و

نیمساخته را ایجا ب میکردوچون تولیدگروه اخیر یعنی تولیدمواد اولیه و نیمساخته بعلت سیاست خدمتی رژیم حاکم و کارشناسی‌های امپریالیسم و نواستعمال در داخل کشور امکان - پذیرش نبود، میزان کالاهای وارداتی سالبیسال رویخوئی گذارد. واردات از ۴۵۳/۲ میلیارد ریال (۳۷۳۷۷ میلیون دلار) در سال ۱۳۵۲ به ۱۰۲۹/۲ میلیاردریال (۵۵۶۱۴ میلیون دلار) در سال ۱۳۵۶ رسید<sup>(۸)</sup>، یعنی طی چهار سال چهار ریال افزایش یافت. هدف امپریالیسم از تعمیل این بازرگانی خارجی ازبین بردن انگیزه اقتضا دی ایجاد منابع دارای پیوند تولیدی متناسب با منظور جلوگیری از صنعتی شدن مغقول کشیده بود. از آنجاشیکه ایران وارد در سیستم جهانی اقتضا دسرمایه داری بود و در این سیستم بمنابع دیگر کشور عقب مانده - سرمایه داری شرکت داشت، انحصارهای چندملیتی توانستند شکل نواستعمالی صنعتی شدن را در ایران بسوزانند. بینظیریکی از مهمترین عوامل دستیابی به استقلال اقتضا دی، یعنی روند صنعتی شدن در ایران مسخر شد. منابعی در کشور بوجود آمد که در بسته به ماشین آلات، تکنولوژی و مدیریت خارجی گردید و بهره بردازی آنها جواز طریق واردات و روزافزون مواد اولیه، نیمساخته و قطعات منفصله واستفاده از خدمات روبه‌گسترش دول امپریالیستی می‌رسند. و این نیز عملیاتی جیزی جزباً ز تولید و مستمر باستگی نمی‌توانست باشد.

عدمه ترین شکل رسوخ سرمایه امپریالیستی خارجی در آمیزی آن با سرمایه محلی در شرکتهای مختلف بود، که بینظیری راهی از ایدئولوگی‌های جهان سرمایه داری می‌باشد. مانع "اوجگیری احساسات ناسیونالیستی" شود. سران رژیم سابق در توجیه جلب و حمایت از سرمایه اتحادی خارجی چنین دلائلی می‌آوردند: شرکتهای مختلف با مشاکل سرمایه اتحادی خارجی شرایط دستیابی به تکنولوژی پیشرفته و مدیریت مدرن را فراهم خواهد آورد، استخدام کارشناسان و متخصصین خارجی را به حداقل شکل خواهد دوکشورهای امپریالیستی را به "امنتی و استقلال" ایران علاقمند خواهد ساخت.

سران خائن رژیم سابق بدین طریق دوچندانی اقتضا دی و سیاست تشکیل شرکتهای مختلف را توجیه می‌کردند. درز مبنیه اقتضا دی، سرمایه‌های خارجی امپریالیستی، نه تنها حاصل تکنولوژی مدرن به معنای واقعی کلمه نشدند بلکه جنای هوج و مرغ صنعتی در کشور پدید آورده‌اند که پی‌آمدهای خیم آن اکنون برای همکان آشکار است. حتی در مواردی که اتحادی های خارجی تکنولوژی پیشرفته را به ایران سفر و ختنند، از آنجاشیکه این تکنولوژی پاسخگوی سطح رشد نیروی انسانی از نظر تخصص و مهارت‌ها در داخل کشور نبود، سایه ای استخدا روزافزون کارشناسان و تکنسین های خارجی همراه گردید که این نیز بنوبه خود وابستگی فنی و تکنولوژی صنایع را به جهان سرمایه داری ژرفتر ساخت.

در واقع جزاینم انتظاری نمیرفت. استراتژی نواستعمالی امپریالیسم حفظ و تحکیم وابستگی اقتضاد ایران به جهان غرب را در عین میدان دادن به نوعی از رشد نیرو-های مولد هدف خود قرار داده بود. این استراتژی تحقق دو اصل را مورد نظر قرار میداد: بهره‌کشی سریع از منابع زیرزمینی و گسترش هرچه بیشترما زا دفروش محصولات صنایع در حال رشدجهان غرب. بهمین سبب عملکرد اتحادی خارجی هم درجا رجوب موسسات مختلف و هم خارج از آن، بموازات افزایش سریع تولید نفت خام و بهره‌کشی فرازیندها زدیگر منابع معدنی، متوجه تامین منابع دراز مدت دول امپریالیستی از طریق نوعی تقسیم کار جدید محدوده سیستم سرمایه داری جهانی بود. محتوى این تقسیم کار، ایجاد جناب صنایع بود، که با زیران را بنفع صنایع غرب گسترش دهد. اینکه واردات از ایالات متحده آمریکا

(بدون احتساب جنگ افزارها) از ۴۲۲ میلیون دلار در سال ۱۳۵۱ به ۲۰۲۵ میلیون دلار در سال ۱۳۵۵ افزایش یافت ممید این نظر است. این ارقام کویا آنستکه، رسالت موسسات مختلف و سرما یه اتحادیه اتحادیه شرکت کننده در آن بهمیوجوه رشد صنعتی ایران نبود و نمیتوانست باشد. هدف موسسات نا مبرده تابع ساختن رشد تبروهای مولود را ایران به نیازهای عینی رشد صنعتی جهان غرب بود. آنچه در این موسسات مختلف برای شاه مخلوع در درجه اول اهمیت قرار داشت، جنبه سیاسی آن به معنای تحکیم موقعیت رژیم از طریق شدید و استگی به امپریالیسم جهانی بود.

سرما یه های اتحادیه ای الات متحده آمریکا، بریتانیا، آلمان غربی، فرانسه، زاپن و دیگر کشورهای امپریالیستی امکان آنرا یافتند که با استفاده از این با مطلاع جنبه سیاسی در صنایع، معادن، کشاورزی، بازرگانی، بانکداری، خدمات وغیره و خنده کرده، مستقلان" ویا توأم با سرما یه های دولتی و خصوصی در این عرصه ها مواضع مهمی را اشغال کنند. بدینسان اتحادیه های خارجی توانستند صنایع ایران را درجهت تشدید و استگی به خارج سوق دهند. برای بدست آوردن تمور درست و مستند از رفای و استگی صنایع موجود ایوان، به گوشه های از آن در شونه های مشخص زیرا شاره میکنیم:

۱- صنایع دیزل سازی . مواد اولیه وارداتی: مواد اولیه فلزی، پیستون، تورهای دیزل، جعبه دنده های مخصوص، قطعات ریخته گری و قطعات پیچیده ماشین کاری شده، میل لنگ، شاتون و میل سوپاپ، لوازم برقی، لوازم وقطعات سوت خست رسانی، موتور، گیربکس، دفرانسیل، بولیرینگ و دیگر قطعات پیچیده مشابه.

۲- صنایع تولید موتورسیکلت . مواد اولیه وارداتی: مواد اولیه وارداتی: موتور، گیربکس، اگزوز کامل، میل، رکاب، دسته کا ز کامل، کلاچ کامل، لاستیک توئی، کلیه لوازم الکتریکی، رنگ، مواد دخام فولادی.

۳- صنایع الکتریکی وغیر الکتریکی . مواد اولیه وارداتی: وزق آهن، کمپرسور، ترمومترات، لوله های فولادی، آلومینیومی و مسی، رنگ، لامپ، خمیر بیرون، نوار مغناطیسی، کا ز، مواد دیلاستیکی، قفل، انواع نوار جسب، لوله موئی، فیلتر، شیر آبرسانکن، ابرسدن کن های غیر فشاری، سردهخانه های پیش ساخته، اندازه قطعات نشیم ساخته، بیمپ والکترو موتور، قطعات شماره بیمپ چودر مفتول جوشکاری، پیزور، پیچ و مهره وغیره.

۴- صنایع تولید لامپ . مواد اولیه وارداتی: سیمه های داخل لامپ، لوله های شیشه ای، نوارهای آلومینیومی و برنزی، فسفر، انواع سرپیچ، انواع حبا بهای شیشه ای، انواع لامپ های فلور استنست وجیوه ای.

۵- صنایع ساخت تلویزیون . مواد اولیه وارداتی: قطعات پیش ساخته تلویزیون، شیشه، لامپ تمویر، مواد شیمیائی و پلاستیکی، ورق آهن، انواع لامپ، خاذن، مواد دیلی آمید، مواد دیبی کربنات، پلی اتیلن، مفتول برقه، کنتاکت، پیچ و مهره وغیره.

کلیه رشته های صنعتی ایران در چنین وضع اسفناکی قرار داردند. حتی آن بخش کوچکی از قطعات موردنیاز صنایع مونتاژ نیز که طبق آما رسمی در ایران تولید می شوند، وابسته به مواد اولیه وارداتی هستند. صنایع اتومبیل سازی ایران بارهای از لوازم از قبیل لاستیک روئی، باطری، شیشه اتومبیل، رنگ وغیره را از کارگاه های داخلی تهیه میکند، که خودا بین کارگاه ها هم از لحاظ مواد اولیه وابسته بخارجند. مثلاً، صنایع

با طری سازی، مواد اولیه و نیم ساخته موردنیاز مانند دوده، منکن، نشادر، شمش، روی را از خارج وارد می‌کنند و باید مواد اولیه صنایع لاستیک سازی نیز کاملاً وارداتی باشد. کوتاه سخن، بیش از ۹۰ درصد مواد اولیه و قطعات منفصله صنایع اتومبیل سازی، الکتریکی و غیرالکتریکی، لاستیک سازی از خارج وارد می‌شود. بهمین ترتیب، صنایع دارو سازی ۹۵ تا ۱۰۰ درصد، صنایع شیمیائی ۶۵ تا ۱۰۰ درصد، صنایع نساجی ۸۰ درصد، صنایع مواد غذایی ۷۸ درصد، صنایع کاغذ ۶۶ درصد، صنایع ساختمانی ۵۷ درصد ممکن است به واردات مواد اولیه، نیم ساخته و قطعات ساخته شده هستند.

چنین است ژرفای وحشت زای وابستگی ایران به دول امپریا لیستی. استراتژی نواستماری امپریا لیستی، که متوجه مسخ کردن و تا بهنجا رساندن هرچه بیشتر صنایع و کشاورزی و بالمال جلوگیری از روند تکامل سالم و مستقل اقتصادی بود، به تبعکارانه ترین شیوه‌ها در کشور ما بموردا جراحت گذاشتند.

در پیدایش این فاحده بزرگ، انحصارهای چندملیتی جهان غرب نقش ویژه‌ای داشتند. آنچه در این مورد جلب نظر می‌کنند شرکت فعال بزرگترین انحصارهای چندملیتی، مانند "جنرال موتورز"، "اکسون"، "بریتیش پترولیوم"، "کرافت ورک پیونیو"، "میتسویی" "موریس نادسن"، "آنکوندا"، "کروب"، "زیمنس"، "بریتیش استیبل کورپوریشن"، "آمریکن بل اینترنشنال"، "تایسون"، "شرینگ" وغیره در غارت بی بندوبارها منابع شرکت‌کشور ما و بهره‌کشی شتابان از نیروی انسانی آن بود.

این انحصارهای دارای چنان قدرت مانع هستند که بسهولت میتوانند استراتژی تو استعمالی را بموردا جراحت گذارند. مثلاً کل فروش هریک از دوغول "جنرال موتورز" و "اکسون" که نقش بر جسته در تحقق سیاست نواستماری در کشور ما داشتند، بیش از تولید ناخالص ملی کشورهای چون ایران و پاکستان است، عملکرد این انحصارهای چندملیتی نامتوات است با معالج ملی ایران در اصطکاک نباشد. این حقیقتی است که حتی مجله "فورین آفرز" بدان اعتراف کرده و مینویسد: "هر شاهای ازموسات چندملیتی در اراضی و دولت مستقلی عمل می‌کنند، ولی تابع ... سیل فرمانها از خارج" است. (۹)

عملکرد انحصارهای چندملیتی، مسئله مهم و حیاتی چون ایجاد توسعه رشته‌های کلیدی تولید مادی و دگرگونیهای بنیادی زیبناشی را در کشور ما مشکل ساخت و کارآشی و بازآمد اقتصادی را به حداقل ممکن کاوش داد. مناسبات نابراابر و غارتگرانه فنی و بازگانی بادول امپریا لیستی کاربرد مطلوب منابع طبیعی داخلی و منابع مالی را غیرممکن کرد و بی‌آمدهای بحرانهای اقتصادی غرب، هرج و مرچ در سیستمهای ارزی، تورم مدام و مستمر و دیگر مظاہر هرج و مرچ تولیدسرما بداری را گریبانگیران ساخت.

وابستگی اقتصادی به درآمد نفت به تدریج اثرات منفی خود را آشکار ساخت. هزینه‌های سنگین ناشی از طرحهای جاهطلبانه که مستقیم و یا غیرمستقیم در خدمت اهداف امپریا لیستی بسیار کردگی امپریا لیستی آمریکا بود، به موازات سیاست نظا میگری از سوی دیگر، بحرانی را که جامعه ما را فراگرفته بود، حاد تر کرد و آنرا بسیار خانه نفجا روسانید.

### ۳- برخی عوایق سیطره امپریا لیستی

هدف عمده استراتژی نواستماری امپریا لیست در عرصه اجتماعی- گسترش مناسبات سرمایه‌داری در کشور ما بود. اقتصادی بهم ریخته، بیمار، علیل، ورشکسته و وابسته‌ای که

انقلاب از رژیم مخلوع شاه به ارت برده با نظام اجتماعی - اقتصادی سرمایه داری وابسته که امپریالیسم به ایران تحمیل کرد را بخط مستقیم دارد.

سلطه امپریالیسم چنان شرایطی بوجود آورد، که سیستم با نکی و اعتباری، سیاست مالیاتی و گمرکی در بست در خدمت انحصارهای خارجی و دست نشاندگان ایرانی آنها قرار گرفت. بخودگیهای مالیاتی، کاهش چشمگیر تعرفه های گمرکی، اعطای اعتبارات کلان و در اکثر موارد با بهره اندک و حتی بدون بهره، کمک های ارزی وغیره، همکام با حمایت همه جانبه انحصارهای خارجی، گروههای منعنه بزرگ را بر اقتصاد ملی مسلط ساخت. کاف به عمل آمدکه ۴۵ فا میل ۸۵ درصد از شرکتهاشی را که سرمایه هریک از آنها از ۱۰۰ میلیون ریال بیشتر بود کنترل میکردند. بدینسان، گروههای صنعتی همدستان انحصارهای خارجی استخراج از ساختهای اقتصادی وا پس مانده نیز مشغول بودند.

تسربیع مصنوعی رومندی سرمایه صنعتی سرمایه داری در شرایط ناهمکوئی رشد مناسبات سرمایه داری در شهرها و روستاها وجود مناسبات تولیدی ما قبل سرمایه داری و با زمانده های فتووالیسم که از ویژگیهای سلطه تو استعما ردرکشور ما بود، روند قطبیت را درجا معا تشید بخشید.

زايش نارس گروههای صنعتی بزرگ وهم پیوندی این گروهها با یکدیگرا ز طریق شارکت و خرید سهام از سوی، و با انحصارهای خارجی و با نکهای خصوصی ایرانی و مختلط، از سوی دیگر (بیش از ۱۷۰ شرکت و موسسه خارجی با شارکت سرمایه گذاران ایرانی در صنایع و معادن کشور بوجود آمده بود)، زمینه را برای گرايش به سوی انحصارهای فراهم آورد.

در گسترش هرچه بیشتر سرمایه داری وابسته، انحصارهای امپریالیستی و با نکهای بزرگ چندملیتی جهان غرب نقش موثری داشتند. نمونه با رز آن "بانک توسعه صنعتی و معدن ایران" بود. این بانک که در سال ۱۳۲۸ با شرکت ۴۲ بانک از عمدترین موسسات مالی کشورهای امپریالیستی به قدر رشد دادن سرمایه داری وابسته به امپریالیسم، در ایران با سرمایه اولیه ۴۰۰ میلیون ریال، تاسیس شده بود، ظرف ۱۵ الی ۱۶ سال تا مبلغ ۱۳۵ میلیارد ریال درجه ایجاد صنایع، هم از طریق سرمایه گذاری مستقیم و هم از طریق شارکت، اقدام کرد. طی این مدت بانک علاوه بر ۱۳۰ شرکتی که مستقیماً "در آنها سرمایه گذاری کرده بود به ۸۰۰ طرح صنعتی نیزوا م پرداخت.

"بانک توسعه صنعتی و معدن ایران" و با نکهای مشابه گوناگونی که در سالهای سلطنت منفور بهلوی مانند قارچ یکی پس از دیگری می روشنیدندواز محل درآمد نفت، سپرده های سازمان بیمه های اجتماعی و مردم تغذیه میشدند، بنوبه خود منبع اساسی تغذیه صنایع وابسته به امپریالیسم بودند. طبق ارقامی که پس از ملی شدن با نکها انتشار یافت، نزدیک به ۹۰۰ کارگاه، بانک و دیگر موسسات بیش از ۵۲۸ میلیارد ریال فقط ازدواج بانک "توسعه صنعتی و معدن ایران" و "بانک اعتبارات صنعتی" بعنوان وام و شارکت در سرمایه گذاری دریافت کرده بودند.

هم پیوندی بخش دولتی و بخش خصوصی در صنایع و سیستم بانکی با انحصارهای خارجی که یکی از اهداف استراتژی نواستعما ری امپریالیسم بود، ورطه بین دو قطب متضاد، یعنی اقلیت ممتاز و اکثریت محروم را عیقتراشت.

بورسی پیکره های رسمی نشانگر وضع اسفناک کارگران در دوران رژیم سابق است. در

سمینا رمحمانه‌ای که در آن ایام درباره وضع ۲۲۳۵۱۶ نفر از کارگران بخش‌های خصوصی دولتی (که با درنظرگرفتن تعداد افراد خانوارهای آنها به ۸۰۰ هزار نفر می‌رسید) بعمل آورش گردید که مزد ساعتی کارگران غیرماهر (۱۳/۵ درصد کل افراد موبدپوری) ۱۶ ریال، مزد ساعتی کارگران ماهر (۷۸/۴ درصد از آن) ۲۱ ریال و مزد ساعتی استادکاران (۹/۵ درصد از آن) ۴۳ ریال و با لآخره مزد ساعتی تکنسین‌ها، یعنی ۱/۱۰ درصد بقیه ۶۹ ریال بو درصد این کارگران بیسوا بودند.

گرچه ارقام فوق، که میانگین دستمزدهاست، اختلافهای عظیم منطقه‌ای را ازدین پنهان میدارد، با وجود این درمجموع نمایانگر گروه اسفناک اکثریت قابل ملاحظه کارگردانی شده مخلوع است.

زندگی در روستاهای از اینهم بدتربود. میزان درآمد ۶۷۶ درصد از خانوارهای روستا در میان ۵۰۰۰۰ ریال تجاوز نمیکرد. ۹۱ درصد از خانوارهای روستائی در فقر و تنگدست بیسا بهای بسرمی برداشتند و تا ۹۰ درصد کارگران روستاها بیسوا بودند. وضع هولناک بهداشت عمومی را، ارقام سازمان ملل متعدد، بطور جسته نشان میدهد: از هر هزار کوکد ایرانی ۱۶ نفر شان می‌مردند و حد متوسط سن زندگی در ایران ۵۵ سال تجاوز نمیکرد. (۱۵) به نوشته مطبوعات، ایران پس از توپس دومین کشور جهان بود که بیلان تلفات کودکان آن بالاترین رقم را در جهان داشت. (۱۶)

رشد سریع کپرهای زاغه‌ها و آلونک‌ها در اطراف کلیه شهرهای بزرگ وجود دهها هزار مسکن غیربدها شتی نشانگر گروه در دنیاک مسکن است. طبق یک محاسبه تقریبی بیش از ۷/۰ میلیون شهرنشین ایرانی فاقد مسکن بودند. در روستاها مسئله مسکن بمراقب و خیتمتر بود. آمار سازمان ملل متعدد حاکیست، که ۱/۱۰ درصد از مسکن روستائی (که اکثر آنها "از خشت ساخته شده") دارای یک آتاق بودند و در ۸/۴ درصد مسکن‌های روستائی در هر آتاق سه نفر و یا بیشتر زندگی میکردند و فقط ۳/۷ درصد مسکن روستائی از بیرون و تنها ۷/۰ درصد آنها از آب‌لوکه کشی استفاده میکردند. (۱۷)

و این در شرایط بودکه طی شش سال، یعنی از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ رژیم سرمه به داران وابسته به امپریالیسم مبلغ ۷۲ میلیارد دلار صرف احداث خانه‌های لوکس یک میلیارد دلار صرف احداث عشرتکده در خارج و ۸/۴ میلیارددلار صرف خرید منازل در خارج از کشور کرده بودند.

نابرا بری در توزیع درآمد ملی فرق فاصله سطح معرف درده و شهر و همچنین در بین شهرهای بزرگ و کوچک را ژرف تر ساخته بود. شکاف بین شهر و روستا روز بروز عمیقتر میشد. سیر صعودی هزینه زندگی با رسانگین دیگری برداش توده‌های میلیونی زحمتکشان بود. بیکاری یکی دیگر از عوارض گریزنا پذیر سلطه امپریالیسم و دست نشاندگان محلی آن در کشور بود. بیکاری پنهان و آشکارا منگر بری بیش از سه میلیون نفر از زده میلیون جمعیت فعال جامعه بود. بیکاری پنهان در روستاهای ایران، که در نتیجه خیانت شاه مخلوع به ویرانه تبدیل شده بوده نقطه اتفاق روسیده بود. مدها هزار و رو شکسته به شهرها روی آورد و به کارهای تولیدی راه نیافتند، در حاشیه این اقتضا دور شکسته به امور غیر تولیدی سرگرم بودند.

فاسد سرا سرجا مدراء فراگرفته بود. دو میلیون نفر از ساکنین کشور کرفتا را عتیاد به تریاک و هروئین و دیگر مواد مخدر بودند. هفت‌تاه فرانسوی "لوموند دیپلماتیک" در شماره ۱۹۷۵ مه

پس از اشاره به این مطلب، که بارتبی بازی و خودفروشی در میان مقامات دولتی ایران رواج دارد، نوشت: "رواج رشو و ارتشاء بهترین حربه‌اداره‌انسانهاست. بهتر است با افراد خودفروخته و سریزیر سروکار داشت تا با انسانهای شرافتمند و عمیانگر".

این حقیقتی است اثکار ناپذیر. استبداد فاسد با هم وحدت ارگانیک دارند. رژیم استبدادی افرادی را میتوانست در خدمت گیرده‌کهدا و طلبانه به خفت و سنگ زا شیده رژیم ترور و اختناق تن در دهد و خود بدست خویشتن حلقه برده‌گی برگردان نمی‌دانند. این نیز بدن اشاعه فساد رشو و ارتشاء امکان پذیر نبود. این یگانه‌وسیله‌ای بود که رژیم سابق با توصل بدان توانسته بودگردهای از قشرها و طبقات را گرداند.

مشکلات، نابسامانیها و رنجهای روزافزون توده‌های انبوه مردم که مافقط گوشی‌ای از آنرا برشمیدیم، با زتاب نظام اقتصادی وابسته و روپنا سیاسی آن بود. تجربه خلقهای ستمدیده در اکثر کشورهای "جهان سوم" با راه به شیوه رسانده، که گسترش سلطه امپریالیسم قهراً "نتیجه‌دوگانه از خودبیجای می‌گذارد؛ از سوی زمینه‌رابرای غارتی بین‌دوازه رمنابع شروت و بهره‌کشی ددمنشانه نیروی انسانی فراموش می‌ورد، ولی از سوی دیگر و علیرغم میل خودچشم و گوش توده‌های انبوه زحمتکشان را بناجا ربارز و عزم آنان را بایاری مبارزه علیه امپریالیسم وبا یان دادن به سطحه جهنمی آن، راستخرا می‌سازد. در این میان کشور ما نمیتوانست مستثنی باشد. رشد نیروهای مولد، حتی در شکل مسخ شده آن، دیگر بی‌ازود، می‌باشد مبارزه علیه امپریالیسم جهانی بسیاریکی امپریالیسم آمریکا، که دشمن شماره‌یک خلقه است، در دستور روز قرار دارد. پیاده‌کنندگان استراتژی نواستعمالی می‌پرسند. پی‌لیستی در ایران نمیتوانستند این واقعیت عیان را نادیده گیرند که نظام اقتصادی وابسته، تضادهای جامعه و در درجه‌اول تضاد عمدۀ بین خلق‌ها می‌پرسند خواهد بخشید. سلطنت مستبد و خونریز و تشبیه آن به کمک ارتش، پلیس، زاندارمی، ساواک و همچنین تشکیل سازمانهای ایدئولوژیک آن مانند حزب و سندیکا وغیره، که در مجموع روپنا سیاسی نظام اقتصادی وابسته به امپریالیسم بشما ریزی‌رفتند، آن عالمی بود که به نظر مجریان استراتژی نواستعمالی امپریالیسم می‌باشد از بروز تضاد عمدۀ در جا متعجل و گیری کند. ولی این توهی بیش نبود. بر عکس جنایات هولناک، ترور و اختناق و حشت زا و فساد و ارتشاء همراه با تشدد در روز افزون نابرابری اقتصادی و اجتماعی و گسترش دامنه فقر و تهمیدستی، از جمله عالمی بودند که شرایط عینی اتفاقاً خشم و نفرت عمومی را بوجود آورد.

چنین بود وضع کشور در آستان انقلاب شکوهمند مردم ایران که به رهبری قاطع امام خمینی به پیروزی درخانی شائل گردید. اینک، پس از بیان قرن، اکثریت قاطع مردم ما به این نتیجه‌نهایی و منطقی رسیده‌اند، که امپریالیسم جهانی و پراس آن امپریالیسم آمریکا، که رژیم خونخوار و منفور بهلوی را به میهن ما تحمیل کرده بود، عامل عمدۀ تبا هی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و بزرگترین مروج فساد و ارتشاء در ایران بود. واذا بینروست که باید برای ریشه‌کن ساختن نفوذ امپریالیسم در تمام اشکال و ابعادش با آن مبارزه کرد، مبارزه‌ای متعدد، بی امان، بیکیر و کوبنده.

- ۰۳ "Washington Post ", July 27, 1977
- ۰۴ "Nation", Jan, 21, 1976
- ۰۵ "The state Department ", Nov, 1975
- ۰۶ "Journal of Commerce", Nov, 15, 1977
- ۰۷ "تهران اکونومیست", ۲۲، ۱ سند ۱۳۵۴
- ۰۸ "مجله بانک مرکزی ایران", شماره ۱۷۷۵، سال ۱۳۵۲
- ۰۹ "Foreign Affairs", Vol, 49( July 1971)
- ۱۰ "کیهان", ۱۱ آبان ۱۳۵۳
- ۱۱ "کیهان", ۲۳ ذر ۱۳۵۴
- ۱۲ "Statistical Yearbook 1974"

حزب توده ایران یک خوشگزین از  
 جانبازان و شهیدان مردم دوست را به  
 خلق قهرمان ایران عرضه داشته، زیرا این  
 حزب اینار برای منافع خلق و میهن را  
 میآموزد.

# ۶- برخی مسائل نظری مربوط به انقلاب ایران

(کوششی مقدماتی برای یک ترازبندی)

۱ طبقی

در بررسی حاضر ممکن است سائلی که در بررسی های دیگر مربوط به انقلاب ایران آمده از هشت برخی مسائل و جهات تکرار شود، ولی مسلم "وظیفه و عملکرد این بررسی، یعنی طرح سائل نظری (یا تئوریک) انقلاب ایران و بسته دادن نیمرخی از حل این مسائل، وظیفه پژوه خود است و از این بابت تکراری در میان نیست.

ما در این بررسی به نکات زیرین می پردازیم

- ۱) مختصات جامعه ای که در آن انقلاب روی داد،
- ۲) خصلت عمومی انقلاب ایران،
- ۳) نیروی عمدۀ محرك انقلاب ایران،
- ۴) ایده‌ثولوژی اساسی انقلاب ایران،
- ۵) مراحل طی شده و آینده انقلاب

خن خود را بدون درازگوئی رائد از نکته نخست آغاز می‌کنیم:

## ۱- مختصات جامعه ای که در آن انقلاب روی داد.

جامعه ایران که در آن انقلاب اخیر روی داد چگونه جامعه ای بود. این جامعه ای است متعلق به همان درحال رسیدگاه ترا ملیق یک اصطلاح روزنا مهترانه (که دارای دقیقت علمی نیست) "جهان سوم" می تواند. در این نوع جوامع هنوز مرزبندی طبقاتی، مانند حوا مع رشیدیان فته اروپائی و آمریکای شمالی، دقیق و تشییت شده نیست و تولیدسرما به داری که بوسیله از خارج بوسیله استعمال روتواسترمادر کشور مانشان شده، هنوز در قید و بند تولید خردۀ کالائی عم ازستی وبا نو، و حتی "تولید طبیعی" (یعنی تولید فقط برای مصرف) در حال "محصوریت" *Enclavite* است و تضاد تولید بزرگ کالائی سرمایه داری و این اشکال خردۀ کالائی و طبیعی تولید از تفاهم های مهم جامعه محسوب می شود و نیز این پدیده

بیان نگر عقب ما ندگی نسچا جتماً عی، توضیح گر آن و بیزگیها و خودبودگیها شی است که، ویدا دهای تا ر-  
یخی در کشور ما بخود میگیرند. در ذیل هر کاه ما از این جوا مع سخن میگوئیم برا نرا در نظردا ریم.  
هنوز در این جوا مع بیسواند قریب ۶۰٪ جامعه را در بر میگیرد. دهقانان بی زمین  
وکم زمین اکثریت اهالی روستا را تشکیل میدهد. طبقه کارگر در اکثریت خودداری سطح  
سوادومهار فنی کمی است و کارگران موسمی (عمله‌ها و فعله‌ها) فراوانند. طبقه کارگر  
صنعتی در مجموع مزدگیران در صدکوچکی را تشکیل میدهد. صنایع بطور کلی معدنی یا صنایع  
تولیدی مواد مصرفی است که آنهم غالباً "بصورت موتناز وجوددار و دوگاه مواد نیمساز آن از  
خارج وارد میگردند و اتفاق می‌افتد که مواد اولیه از ایران خارج میشود و بصورت نیمساز و  
صالح نخستین دوباره با بهای گران با ایران فروخته میشود.

در این جوا مع بیشهوران و دست ورزان و کاسبان اندک مایه و کوچک و شاگردان دکان-  
ها و کاساهای دست فروشان و واسطه کاران و دلالان کوچک (خواه از منوع استثنی و خواه از منوع  
جدید) درده و شهریسیارند که زمرة‌های کم‌درآمد شهری و روستائی را تشکیل میدهند و در واقع  
بقایای تنهی دستان (بلب) قرون وسطائی هستند و برخی مختصات آنها را بنا خوددارند.

ساختا رستنی قرون وسطائی هنوز در پیکره جامعه به زندگی خود داده میدهد.

اما فاهنفوس سریع (تا ۳٪) موجب تشدید مسئله اشتغال و دشواری تامین کالا شی  
وغذای اهالی است. بهمین جهت مسئله "انقلاب سبز" یا "اصلاح ارضی" مدت‌هاست که  
طرح شده است. ولی امپریالیسم و هیئت حاکمه آنرا بآقاداماتی برای ایجاد نوعی  
"فئوالهای حدید" یعنی زمینداران و دامداران بزرگ (که از وسائل امروزی کشت و کار  
مزدوری استفاده میکنند تا بر عاید خود بسیار فزا بند) بدل میسازد. در عین حال توجه  
دارد که یک قشر "دهقانان مرغه" (کولاک) بوجود آورده تا پایگاه اجتماعی عیش درده باشد.  
امپریالیسم میکوشد تا این کشورها از جهت تامین غله و دیگر محصولات کشاورزی بتواند  
داشته باشد. با این امر هم از جهت اقتصادی، هم از جهت سیاسی نیازمند است.

شکاف با کشورهای صنعتی روزافزون است. بطور متوسط سطح زندگی در کشورهای جهان  
سوم موفق برخی آمارها  $\frac{1}{5}$  کشورهای رشدیا فته صنعتی است. البته در ایران امپریالیسم  
آمریکا سیاست قدیمی خود را که در کشورهای آمریکای لاتین نیازاً عمل کرده، در جهت ایجاد  
یک طبقه متوسط مرغه بعنوان پایگاه ضد انقلاب، بکاربرده است. امپریالیسم و رژیم با  
استفاده از پول نفت و برآه انداختن بورس بازی و وام دهی بآنها، چنین طبقه‌ای بوجود  
آورده‌اند ولی در مجموع جامعه بیسواند، بیمار، فقر و ناداری و دشواری ممکن (زاغه  
نشینی) بليه اجتماعی است. مجموعاً "جهان سوم" (حتی کشوری مانند ایران) به جهان  
امپریالیستی و امداد است که این و امدادی دائمی افزایش می‌یابد.

این جهان در هم پیوندی (یا استگاراسیون اقتصادی) جهان سرمایه‌داری وارد میگردد.  
ددوا امپریالیستها آنرا در " تقسیم کار" بین المللی خود (که فرمولهای کار آن به تناسب  
وضع تغییر می‌یابد) شرکت می‌دهند و سیاست اقتصادی خود را بین جهان دیگر میکنند.  
این سیاست همان سیاست گران فروختن محصولات صنعتی و ارزان خریدن محصولات معدنی و  
یا کشاورزی این کشورهاست که به سیاست "قیحی" معروف است.

برای نشان دادن چهره شوم و استگتی ایران (علیرغم شرود عظیم نفت و درآمد بیش  
از بیست میلیارد دلاری در سال) به کشورهای رشدیا فته سرمایه‌داری، میتوانیم رقا می‌ذکر  
کنیم.

موافق بولتن " بررسی مسائل و معضلات صنایع ایران " که از طرف اداره آماریانک مرکزی نشریا فته، وابستگی ایران در عرصه مواد اولیه و ماشین ویدکی صنایع بقرا رزیبرین بیان شده است : روغن نباتی و دیگر مواد روغنی ۷۸/۵٪ ، اتوموبیل سازی ، لاستیک، وسائل الکتریکی، لوازم خانه ۸۰٪ ، مواد اولیه نساجی ۵۷٪ ، صنایع کاغذ ۶۶٪ ، دارو سازی ۸۵ الی ۱۰۰٪ ، صنایع شیمیائی از ۶۰ تا ۱۰۰٪ . ( منبع : بررسی اقتصادی کشور از انتشارات با نک مرکزی بزبان انگلیسی شماره ۳۵۶ مورخ ۲۶/۱۱/۷۹ )

آیا این پیکره ها نبایزی به تفسیر دارد ؟ ایران در زمان صفویه به ریختن تپ آغاز کرد و صنایع نساجی او با صنایع نساجی لیون ( فرانسه ) رقابت داشت . اکنون پس از قریب سیصد سال گرانبه که به عبث گذشت و طی آن اروپا و آمریکا و زاین ، به او جی حیرت - انگیز رسیده اند، درسا یه استعمال رسوداگران بیگانه و خیانت غارتگران داخلی ایران حتی روغن نباتی خود را بعیزان ۸۰٪ و وسائل لوازم عادی زندگی را بعیزان ۸۰٪ وارد میکند !

آیا وحشتناک نیست ؟ آیا برای محکوم کردن خاندانهای پلیدقا جاری و پهلوی که بعیذه در دوران آنها این عقب ماندگی تو س آور پدیدشده این ارقام بخودی خودست محکوم گشته ای نیست ؟

درست بعلت همین وابستگی است که امپریا لیستها هم اکنون ما را به محاصره اقتصادی تهدید میکنند . تنها تهدید نمیکنند بلکه این محاصره مدت‌هاست که شروع شده است : موافق جدول منتشره در بولتن رسمی اطاق بازرگانی آلمان در تهران ( ۶ دسامبر ۱۹۷۹ ) صفحه (۴) در نیمه اول سال ۱۹۷۹ ( ششماه اول پس از انقلاب ) ازوارات آلمان غربی به ایران ۵۴/۶۳٪ ، فرانسه ۹۰/۲۲٪ ، آمریکا ۲۶/۷۱٪ ، انگلیس ۷۵/۱۷٪ و ژاپن ۸۵/۸۵٪ کاسته شده است . البته این امداد را دوجه است . کاهش واردات غیر لزم و افزایش صادرات کمکی به پیدا یش تعادل بسودکشور است . ولی فسوس که این ارقام مشان - دهنده تلاش استقلال طلبانه از سوی ما نیست بلکه نشان دهنده اجراء نقشه تحریر اقتصادی از سوی آنهاست .

وابستگی ما به کشورهای عمدتاً امپریا لیستی جهان است که امکان میدهد، حریم تحریریم با این طرز بکار بسته شود .

البته جامعه منتظر است ببینند رژیم انقلابی این مسائل مهم و معلم اقتصادی را چگونه درگ میکند ؟ چگونه طرح میکند ؟ چگونه حل میکند ؟ زیرا میقات انقلاب تنها بدان نیست که چگونه قدرت را بایست میگیرد، بلکه نیز چگونه قدرت را نگاه میدارد .

به سریع خود درباره مختصات جوامع جهان سوم که ایران قبل از انقلاب هم در آن زمرة بود، بازگردیدم . این جوامع جهان سوم غالباً " نک محصولی " هستند، چنانکه کشورهای بطریعه برای امپریا لیس تولیدکننده نفت بودونهای دنیا را اینها اخیر محبور شدیه بپیدا یش برخی رشته های صنایع بنتیا دی ( مانند پتروشیمی، بولاد، مس و غیره ) در کشور ماتن دردهد . در کشور ما یک نظام مصرفی بتمام معنی وحشت آور ایجاد شده است . مصرف بدون کمترین تناسب با پایگاه تولیدی آن در داخل کشور و در کنار این مصرف . ایجاد رشته های مختلف خدمات ، نوعی جهله بظا هر " فعال و متحرك " به اقتصاد میدهد ولی اقتضا دار چهت انسجام درونی خود در واقع بسیار بیوک و بی پایه است .

الیگارشی یا اشرافیت نوین که از بازی " نفت - اسلحه " و " سورس بازی " و " امکیری

گیری ازبانکها" و "واسطه‌کاری" و بدرین شیوه‌های غارت و انباشت سرما یسته داری (احتکار، برداشت اموال دولتی، غصب اموال دیگران، سفته بازی، فاچاق وغیره) پدید آمده بود، برکشور حکمرانی میکرد.

بورژوازی در بخش عمده‌خود" وابسته" یا "کمپرا دوریزه" شده بود، کمپرا دوریعنی دلال و واسطه بین تولیدکننده‌خواجی و مصرف‌کننده داخلی و این خصلت نه تنها در بازارگانی بلکه در صنعت وکشاورزی نیز به سرما یه داران بزرگ ایرانی ساخته شده بود.

"نوکیسکان" خواهد درستگاه دولتی کشوری و لشکری که سرما یه داران بورکرات و تکنوقرات نام دارند، زالووار سخن دولتی را می‌کنند. برپایه سیاست "بساز و بفروش" و ایجاد شرکت‌های موهومی و دفاتر متشاوره‌های مهندسی و حقوقی و خردورفروش و ایجاد مرآکز سودورزی حتی در موسسات بهداشتی و فرهنگی، گروه انتبوهی قشر مردم و سوکیسکان" بودکه تا همین چندسال پیش جزء طبقه متوسط کم درآمدکشور محاسب میشدند. این نوکیسکان "اخلاق" نوکیسکی خود را که حاکی از اولع شروع و هیجان عیش و عشرت بود، نیز با خود آورده بودند و تقلید از "شیوه زندگی آمریکائی" مهمترین ایده‌آل حیاتی آنها بود.

برراس الیگارشی (گروه ممتاز) سلطنت پهلوی قرارداد است که حد تصادب دزدی، خیانت به کشور، خیانت به ملت، فساد عیاش و قاچاق و پا اندادی را در جهان شکانده است. موحدات مکار و دغلی ما نند محمرضا پهلوی وزنش فرج و ما در زنش فریبد و ما در شتاج الملوك و خواهش اشرف و فرزند اشرف، شهرا در عالم افرادی کمنظیرند. تیره بخت مردمی که سالیان در ازد کا سوس شوم این افراد و گروه انتبوه چکمه لیسان و شکنجه گران و حارچیان و باج بکیران و قتلدران این دستگاه محبوبه زندگی بودند. این الیگارشی طلایی در زیر چتر حمایت "بزرگترین دمکراسیهای جهان" و "نیرومندترین حامی حقوق بشر" که در واقع کنایم "شیطان زرد" یعنی زرادری سرما یه داری است (یعنی ایالات متحده آمریکا) قرارداد است و ریچار دهلم رئیس جا سوسی این کشور (سیا)، صاف و ساده سفیر و مشاور مستقیم "خدای گان بزرگ ارتشتاران فرمانده شاهنشاه آریا مهر" و باندرا هزنان و گردنه گیران، قداره بیندان تحت حما یتش بود.

کلان دزدان بی مغز، فاسدو آستان بوسی مانند ولیان، طوفانیان، هژبریزدانی، رحیم‌علی خرم، هوشک انصاری، اویسی، القانیان، میرا شرافی و دهها و دهها امثال اینها پروردۀ نعمت این خاندان پلیدی بودند و همه اینها نظا می ایحا دکرده بودکه مفت "طا غوتی" برای آن، صفت مناسبی است، زیراستگری، فساد، خیانت را در کسیول زهراگین وجود خود بحد اعلا متراکم ساخته و مظہر طفیان علیه هرجیز شریف و عالانه و حقیقی بود. حا معداً مریکا بدرین مختصات نظام سرما یه داری انحصاری دولتی و شیوه‌های فاشیستی و جا سوسی سرما یه داران را همراه کا لاهای خود بین کشورها در کرده بودند و بینجا "علم صغيری" از آن "علم کبیر" بوجود آورده بود.

دستگاه دوزخی ساواک که انتقال تنها گوشه‌ای از تبعه‌کاریهای هولناک آنرا بر می‌ساخت و در رابطه نزدیک با "سیا" و "موساد" و "اینتلجنس سرویس" کار میکرد، بدون اغراق از لحاظ برخی جنایات ضدبشری خود را زمانهای سیه‌کاری مانندگشتا پو بشی گرفته است. جنین بافت حیرت انگیزی از عقب ماندگی، وابستگی، مصروفی بودن، داشتن رژیمی بحدا علا اشرافی، داشتن نظا می بحدا علا فاشیست ماب، یک طرفه تما معا رتا ریخی ایجاد

کرده است که نمی توانست با انفجاریک انقلاب بزرگ درب و داغان نشود، گرچه بندهای اسارت محکم و ظاهراً پر طنطنه بود و رژیم در اتفاق دکورا سیونی<sup>۱</sup> را "تحول" نیز اینجا دکرده بود

## ۲- خصلت عمومی انقلاب ایران

انقلاب ایران را باید در سلسله حبشهای رهائی بخش ملی خلقهای با صلح "جهان سوم" وارد ساخت. زیرا انقلابها در این نوع کشورها که برآن امپریالیسم سیطره دارد، انقلاب رهائی بخش ملی، یعنی خدا میریالیستی است. منتها این نوعی انقلاب رهائی بخش ملی نوین است که در آن دیگر بورژوازی (مانند انقلاب مشروطیت ما) نمی تواند نقش مهمی ایفاء کند، بلکه رهبری بدست قشراهای متوسط جامعه و هسته سیاسی آن "دموکراسی انقلابی" می افتد یا بدست طبقه کارگر و متحدینش (دهقانان و دیگر کارهای دستان شهر و داد) درآید. در این دوران، انقلاب بخشی از روند واحد انقلاب جهانی است که خود از همه جزء تشکیل می شود؛ کشورهای سوسیالیستی، حبشهای انقلابی کارگری جهان رشدیا فته سرما یه داری و جنبش رهائی بخش جهان رشدیا بنده یا "جهان سوم" لذای برای انقلاب نوع سوم دوچندین اول در حکم متعددان طبیعی محسوب می شوند زیرا هدف هر سه جزء نبرد علیه سرما یه داری بزرگ جهانی (امپریالیسم) بمنظور استقرار رنظام نوینی مبتنی بر عدالت اقتصادی و صلح است. انقلابی بودن (یعنی خواستار ساخت رنمونی اجتماعی بودن) و خدا میریا لیست بودن (یعنی با سرمایه داری بزرگ جهانی رزمیدن) ما هیئت مشترک این هر سه جزء است.

حبشه رهائی بخش ملی در کشورهای "جهان سوم" (آسیا و افریقا و آمریکای لاتین) با وجود داشتن ما هیئت واحد خدا میریا لیستی و خلقی از جهت نوع سرکردگی (اینکه کدام طبقه و قشر از جامعه تمام جامعه را بخوبای انقلاب سوق میدهد) و شیوه زججهت آن ایده ثولوژی که مسلط بر انقلاب است و همچنین زججهت شیوه رسیدن به قدرت (از طریق قیام خلقی یا جنگ انقلابی یا کودتای انقلابی وغیره) با هم تفاوت می یابند. لذا در عین وحدت ما هیئت (انقلابی بودن، خدا میریا لیست بودن) کثرت و تنوع شکل بروز (سرکردگی، ایده ثولوژی، شکل عمل انقلابی) وجود دارد.

این انقلابات باید دو مسئله را حل کنند. مسئله اول عبارت است از تحکیم استقلال سیاسی که در گذشته تنها جنبه صوری و ترتیبی داشت و مسئله دوم عبارت است از نیل به استقلال اقتصادی و رهائی ازوابستگی که بدون حل این مسئله دوم، حل مسئله اول محال است. مسئله نیل به استقلال اقتصادی ناچار موضوع راه رشد را بیان می آورد. یعنی چگونه راهی را باید برای تأمین رشد اقتصادی کشور در پیش گرفت که سرانجام به ملیه و استگی خاتمه دهد. آیا ادا مهر را هر دشمنی یه داری قادر است، کشوری را از دا متقسیم کار بین المللی و هم پیوندی با امپریالیسم خارج سازد و آنرا بطور عمد خودکفا و متکی برخوبی کند؟ پاسخ منفی است.

درا ینجا البته باید تصریح کنیم که ما طرفدار خودکفا شی مطلق با قطع ارتباط اقتصادی با جهان سرمایه داری نیستیم. ولی به خودکفا شی نسبی (نا آنجاکه میسر است و مانع رشد عمومی کشور نمی شود و به مصالح اساسی استقلال کشور زیان نمیرساند) و نیز را بطری باید کردن بر اساس برا بربی حقوق معتقدیم.

مسئله راه رشد ناچار انقلاب را از جا رجوب صوفا<sup>۲</sup> ملی (خدا میریا لیستی) خارج می کند وع رژیم سیاسی و اقتصادی را مطرح می سازد. حل این مسئله وابسته است به نوع رهبری ایاب. آنچه که "دموکراسی انقلابی" نام گرفته است این مسئله را اطواری حل می کند؛

ورهبری طبقه‌کارگران مسئله را طور دیگر حل می‌کند. ما بین این دوران محل تمادنیست و نی تفا و تهاشی وجود ندارد. بدین‌جهت می‌تواند در شرایطی، برای حل دیگر بدل شود، اعتلاً یا بد.

در کشور ما انقلابی که روی داده است انقلابی است ملی و دمکراتیک. انقلابی است که در زیررهبری دمکراسی انقلابی انجام گرفته است و اهمیت اصولی دارد که ما با این اصطلاح مه آشنا شویم، زیرا برخی‌ها به غلط دمکراسی انقلابی را با خوردگی بورژوازی هستگ می‌گیرند، در صورتیکه مسئله چنین نیست.

### ۳- نیروی عده محرک انقلاب ایران

نیروی عده محرک انقلاب ایران قشراهای متوسط شهر و ده بودند که نهاد سیاسی آنها دمکراسی انقلابی است.

مفهوم "قشراهای متوسط" که از بورژوازی کوچک تا لایه‌هایی از کارگران و دهقانان را در بر می‌گیرد، در جهان سوم، مانند مفهوم نظیر آن در اروپای قرن هجدهم و آغاز قرن نوزدهم، که در فرانسه Mittelstand و در آلمان Tiers etat نام داشت) اهمیت بسیار دارد.

"قشراهای متوسط" حاصله‌تنها بمعنای خودگی بورژوازی نیست (که البته بخش مهمی از این قشراهای متوسط است)، قشراهای متوسط حاصله در کشورهای جهان سوم علاوه بر خودگی بورژوازی، جناح‌گفتیم، لایه‌هایی از بورژوازی کوچک، بخشی از کارگران و دهقانان، بخش مهمی از کارمندان و روشنگران، افسران ارش و روحانیون را در بر می‌گیرد.

این قشراها با آنکه در تکامل آتی حاصله سرمایه‌داری از همان‌جا می‌گیرند، ولی در مراحل آغازین تکامل سرمایه‌داری، از جهت شوه‌زنگی و طرز تکروشیو بروخورد مسائل باهم همانندی دارند. قشربندی در میان این لایه‌ها که آنها را از یک پارچه‌گی سنتی بیرون آورد، جناح‌گفتیم در حدا مع رشدیا فن‌سرمایه‌داری انجام می‌گیرد.

دمکراسی انقلابی بختی از جهت سیاسی فعل، ملت‌گرا (ناسیونالیست) و بنیاد-گرا (رادیکال) قشراهای متوسط است که یک کارپایه (یا پلاتفرم) سیاسی ضا میریا لیستی، خدیوئدالی، خدبدرسا لاری، خدمت‌سرمایه‌داری را می‌بذردو غرض می‌گیرند. وضع جهانی و وضع داخلی کشور و پیزت‌تحزب‌هایی که گردآورده، در نوع موضع کمیری دمکراسی انقلابی و در جهه پیگیریش موثر است. زمانی بود که حزب ما مقوله "بورژوازی ملی" را که در جنبش ملی کردن نفت نقش مهمی داشت نمی‌شناخت و امروز کسانی مقوله‌مهم "دمکراسی انقلابی" را که در انقلاب اخیر نیش، مهمی داردنمی شناستند و این پایه معرفتی خطاهاست.

در موضع کمیری دمکراسی انقلابی نوعی التفاوت دیده می‌شود. عناصرضا میریا لیستی، ملت‌گرایانه، دمکراتیک (خلقی)، روحیات مخالفت با سرمایه‌داری بزرگ و قبول نوعی عناصر سوسیالیستی (تصور دفاع از قسط و عدالت اجتماعی) در این موضع کی‌مری وارد می‌گردد. دمکراتهای انقلابی دوران ما، مانند دمکراتهای انقلابی قرن نوزدهم (مثل "نارودنیک‌ها در روسیه") توجه خاصی به حل مسئله دهقانی دارند. در عین حال آنها تحت تاثیر اندیشه‌های مختلف حاصله‌شناسی بورژوازی و خردگی بورژوازی غربی نیز قرار می‌گیرند و معمولاً شدیداً "ضدکمونیست" و "ضدما رکسیست" هستند. در کشور ما دمکراتهای انقلابی کاملاً مذهبی و کاملاً غیر مذهبی بروز کرده اند و نظریات "میانکین" خود را (که میان ایده‌ثولوژی سرمایه‌داری و ایده‌ثولوژی کارگری است) مطرح ساخته‌اند. در واقع توسل به "ملت‌گرایی" و مخالفت با "اعتنی" و توسل به "مذهب" صفت شاخصی در ایده‌ثولوژی التفاوتی دمکراسی

انقلابی است.

"مثلاً" قوام نکرده از رهبران جنبش رهاشی بخش غناء در نظریه موسوم به "کنسالیزم" خود، برآن بود که تفاوتی بین نظریات مسیح با ما رکس وجود ندارد. یولیوس نیروه رهبر جنبش رهاشی بخش تا نزا نیاید" اعلامیه آروشا" تصریح میکرد که تنها مذهب است که اورا از مارکسیزم جدا نمیکند. در ماده پنجم قانون اساسی جدیداً الحزاير تصریح شده است که اسلام و مدنیت عربی از سوئی سوسیالیسم کارگری و دهقانی از سوی دیگران جزء ایده‌ثولوزیک حکومت هستند. یا در برخاسته مذهب سوسیالیستی برمه‌ا زسوئی سالوس و ریا کاری مذهبی نفی شده ولی از سوی دیگر مذهبی که موجب تزکیه اخلاقی جامعه باشد همراه با سوسیالیسم توصیه شده است.

هدف دمکراسی انقلابی از توجه به مذهب، علاوه بر دلایل است که مذاقانه خود دمکرات‌های انقلابی به این عقاید مذهبی، حلب هرچه بیشتر عالم است که در "جهان سوم" به معتقدات مذهبی با وری عمیق دارد. زیاده رهبر جنبش رهاشی بخش سومالی صربیا "گفت که روش ما نسبت به مذهب در اشر" مذهبیت عمیق سومالی ها "است. هدف آنها اینست که این حربه از جنگ دشمن طبقاتی گرفته شود. جمال عبد‌اللنا صدر مصطفی خبیده روزنای "بلیتس" (سال ۱۹۶۶) تصریح کرد که مخالف کسانی است که اسلام را میخواهند فرازی در دست ارتفاع قرار دهند.

در میان دمکرات‌های انقلابی ناهمگونی حکم رواست. در میان آنها میتوان یک جناح چپ و بی‌گیرویک جناح را است که عمیقاً "ذکر کنیست و فا شیست مآب است و یک جناح معتدل و میانگین تشخیص داد. در مردم جناح را است دمکراسی انقلابی لشیں حتی اصطلاح" دموکراسی ارتجاعی" را بکار میبرد یعنی علیرغم خلقت و ملت کرائی خدا میریا لیستی و مترقبی، سنت پیروستی، ضدیت با عقاید انقلابی آنها را ب موضوع کنیریهای ارتجاعی سوق میدهد.

طبعی است که دمکراسی انقلابی بعلت یا یگانه‌ها همگون خوددارای گرایی شهای بالقوه تاریخی گوناگون است. بسته به وضع کشور و وضع جهان، یا به بیان دیگر بسته به فشار بورژوازی داخلی و فشار امپریالیسم و بسته به یکنده دمکرات‌های انقلابی متعلق به چه جناح یا دارای چه‌گونه‌لیدرهاشی هستند، یا تا چه حد از عهده‌حل مسائلی که با آن روپرده هستند؛ بر می‌آیند، سمت‌گیری آنها فرق میکند.

این سمت‌گیری‌ها میتوانند میورت چرخش برای اقتضا و جرخش سه‌جنب درآید. زیرینای اقتضا دی کشور معین در این چرخشها موثر است. درجه قوت بورژوازی محلی و یا برولتاریای محلی در این چرخشها موثر است.

بدینسان میتوان چنین قانونمندی را بیان کرد:

الف - اکرتناسیب نیرو در جهان (بین سوسیالیسم و امپریالیسم) بسودا نقلاب است، اکرزنیرینای اقتضا دی بسودا بورژوازی قوی است، اکرپیشدا و رسای سنتی در اندیشه اکشیون مردم نیرومند است، اکرپرولتا ریا در کشور معین ضعیف است، اکرحزب برولتاریا در این کشور دجا را شتابهای سکتا ریستی شود، خطر جرخش برای اقتضا دست را.

ب - بر عکس اکرتناسیب نیروها در جهان بسودا نقلاب است، اکرزنیرینای اقتضا دی سدلیسی از دلایل بسودا بورژوازی نیست و بورژوازی نتواند ابتکار را در اسیاست و اقتضا داد حفظ کند، اکرحا معه آکاه ساده و نیز منطق سیاسی روش عمل نماید، اکرپرولتا ریا و زحمتکشان روسا ها جشم با زونیدار رونستا" مشکل نماید، اکرحزب برولتاریا سیاست درستی را

تعقیب کند، امکان گرایش روزافزون دمکراسی انقلابی سوی چپ، زیادتر است. در انطباق با ایران باید گفت که عوامل "ب" زیادتر دیده می‌شود. تاریخ بفرنگ و بالعبق چگونه حکم کند.

از آنجاکه در انقلاب ایران بینش مذهبی بعنوان ایده‌ئولوژی سیاسی دمکراسی انقلابی نقش معتبری داشته است، بدینیت این مسئله را نیز مورد بررسی قرار دهیم.

#### ۴- ایده‌ئولوژی اساسی انقلاب ایران

ایده‌ئولوژی اساسی انقلاب ایران بصورت بیشتر مذهبی در آمد که آنرا بینش توحیدی می‌نمود کسانی مانند امام خمینی، آیت‌الله طاطقانی، دکتر علی شریعتی، ابوالحسن بنی صدر و جمعی دیگر در شکل گیری آن تأثیر فراوان داشته‌اند. طبیعی است که شخصیت پرجسته‌ها مخفینی که رهبر انقلاب اخیر است، نقش اورا در تشکیل این ایده‌ئولوژی نیز پرجسته می‌کند.

چرا بینش مذهبی اسلامی به ایده‌ئولوژی عده سیاسی انقلاب ایران بدل شد؟ برای آن دلایل متعددی میتوان ذکر کرد.

در تاریخ کشور ما (و هننه کشور ما) مذهب همیشه دارای دو عملکرد بود:

۱) عملکرد ارتقا عی برای تحریک جامعه و خوگرساختن آن به ستم و برداشت، بسود طبقات حاکمه یا همان نجیزی که آنرا مذهب "وعاظ الناطقین" نامیده‌اند.

۲) عملکرد انقلابی برای تحریک جامعه به قیام علیه طاغوت و ستم، بسود حلقو. جنبش‌های مانی و مزدک و قرامطه و اسماعیلیه و سربداران و مرعشیه، حروفیه و نقطه‌ویه و شیخیه در قرون وسطی و نقش رجال مذهبی از نوع سید جمال الدین اسدآبادی، میرزا شیرازی، نائینی، روحانیون مشروطه‌خواه، سیدحسن مدرس، شریعت سنگلچی و سرانجام امام خمینی ت漠دار مشخص عملکرد دوم است.

سیاست سطحی تجدد (مدرشیزاسیون) که از زمان ناصرالدین شاه باب شدد در دوران سلسله پهلوی به اوج خود رسید و میدان دادن امپریالیسم و ارتجاج ایران به برخی الحاد های ضدشیعی و تاخت و تاز علیه روحانیت و مذهبیون مسنه‌دی که تابع استبداد محمد رضا شاه نمی‌شدند، ذخیره‌هایی از ازفراز و طغیان نگری در درون تشیع معاصر ذخیره ساخت.

پیدایش جریان "اصلاح مذهبی" یا رفرمیس بنوبه خود یک جریان ضرور تاریخی است. بسیاری ادیان مانند مسیحیت در دوران پاپها، مزده‌یستا در دوران ساسانی، اسلام در ایران بوسیله تشیع خود را با شرایط دگرگون کشته محیط دمازگردند.

این دمسازی ادیان در دوران سرمایه‌داری نیز روی داد. کافی است از رفورمیس لوتر و کالون و انگلیکانیسم دوران هانزی هشتم در انگلستان نام ببریم.

جریان پوپرها زوشنشب اصلاح مذهبی در اسلام و پیرون آوددن از شکل و تعبیر قرآن وسطایی در کشور ما چنانکه گفتم از زمان سید جمال الدین اسدآبادی آغاز می‌شود و نوعی باخ اسلام به با بیکری از یکسو لیبرالیسم فراماسونی و تجدد گرایشی سطحی از سوی دیگر است.

این جریان تاریخ طولانی را طی کرد تا در "بینش توحیدی" معاصرها و خود را سید و در انقلاب اخیر کشور ما نقش غیرقابل انکاری را ایفاء نمود.

رهبران روحانی و مسلمانان مبارزی که در انقلاب اخیر ایران برآس سوی عترین اقتدار تهددها قرار گرفتند با آن می‌خشن عاطفه سیاسی (مخالفت با استبداد و میریالیسم)

با عاطفه مذهبی، توانستند بزرگترین ماشین جنگی و پلیسی رژیم گذشته را تقریباً "بشكل مسلط آمیز، با مقاومت مظلومانه خلقی سی سلاح، و آما دگیش برای "شادت" ، درهم بشکنند. و قشنهای منفصل و تا همکون (از بارگاهان و سرماوهدا ران با زارتاده فنا نان فقیر را) حتی در کوره دهه شهرکهای خاوش حرکت در آورند. تبدیل مسجد به پایگاه مبارزه، استفاده از طلاق حوزه های علمیه و منابر وعظ و مجلس روضه خوانی و راهپیمایی های مذهبی، برجسته کردن حماسه حسینی و عاشورا، واستفاده از اهمیت فتوحات مرچع تقلید بعنوان وظیفه مقدس شرعی درجهت اجراء وظایف سیاسی ( ولایت فقیه )، استفاده از آیات قرآنی و احادیث و مأثورات نبوی وائمه شیعه، برجسته کردن یک سلسله شعارها و کلمات مذهبی ( مانند شعار الله اکبر ) وغیره وغیره، یک سلسله از اسلامی صفا" مذهبی و سنتی است که توانست نقش شگرفی ایفاء کند.

وقایع انقلابی متعدد در ایران مانند جنبش تنبکو، جنبش مشروطیت، جنبهای خیابانی و کوچک خان، حوا دش مسجد گوهرشاد و محن قم و تهدام مذهب با سیاست تجدد رضا شاهی، جنبش مصدق، حادثه مسجد فیضه قم و قایع ۱۵ خرداد که بر هبری امام خمینی روی داد، همه وهمه مهروشنان فراوانی از تاثیر مذهب را با خوددارد. مذهب در کشور ما در دوران جدید رشد بورژوازی، مانند قرون وسطی دوران فئودالیسم، یکی از پرچمها مبشر مبارزات اجتماعی بوده است.

روش حزب توده ایران نه تنها در دوران انقلاب، بلکه سالها و سالها پیش از آن، درک عمیق این حقیقت بود. بهمین جهت حزب توده ایران، با ارزیابی واقع بینند بینش توحیدی، به جمهوری اسلامی و قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان رای مشتبه داد، زیرا حزب بر حسب تجربه خود می فهمید که کمونیست ها تنها با درک و ویژگی های جامعه "خود" میتوانند برای مجموع این جامعه نقش را هکشان ایفاء کنند.

دعای ناسنجهیده از "چپ" دائربرا یکه گویا مارکسیسم با مذهب هیچ زبان مشترکی ندارد ولذا مارکسیستها حق ندارند به یک جمهوری "اسلامی" و یک قانون اساسی "اسلامی" رای دهند، سطحی و تا درست است. حزب ما پیوسته به این نوع دعا وی پاسخ داده است که برای وی محتوى عملکرد تاریخی مهم است نه اشکال بروز که خودناشی از ضرورت های محیط اجتماعی است و اینکه حزب طبقه کارگر موظف است به معتقدات عالمگردان رای ریشه های عمیق و برد تاریخی است، احتمام کذا دارد، بویژه که این معتقدات نقشی متفرقی ایفاء میکنند.

#### ۵- مراحل طی شده و آینده انقلاب

انقلاب ایران تازمان تثبیت خود را یجادیک نظام نوین اجتماعی ( در صورتی که نیرو و های خدا شغل و راستگرا یعنی بورژوازی لیبرال نتوانند مسیر آن را مسخ کنند ) سه مرحله را از سرمهی گذراند. مرحله یا فاوا و لکه مرحله سرنگون ساختن استبداد سلطنتی بودیا موفقیت انجام گرفت. ما درباره آن در شماره نخست این مجله سخن گفتیم، مرحله دوم مرحله انتقالی "که بروکه" است یعنی روشن شدن این مطلب که کدام نیرو، نیروهای رقیب را از محنه خارج میسازد و تثبیت اجتماعی و اقتصادی را بسود خود برقرار میکند. و مرحله سوم مرحله نوسازی اجتماعی است.

ما اکنون هنوز مرحله انتقالی را به سرناجام قطعی آن نرسانده ایم و با آنکه حوا دشی مانند اشغال سفارت آمریکا از طرف داشجویان خط امام، کتاب رفتن آقای مهندس مهدی

با زرگان از نخست وزیری ، درگیری های مکرر رقم و تبریز که با نام آیت الله شریعت‌داری یکی دیگر از لیدرها سیاسی بورژوازی لیبرال ایران بستگی دارد، تمویب قانون اساسی جدید با رای نیرومند ۹۸٪ کسانی که در انتخابات شرکت جستند (در مجموع ۴۰٪ انتخاب کنندگان شرکت کردند)، همه نشانه آنست که خط امام بعنوان خطی که نما ینده دموکراستی انقلابی است در موارد متعدد برخط بورژوازی لیبرال چیره شده، با اینحال (تاریخ نگاش این سطون)، (یکشنبه ۱۶ دیماه ۱۳۵۸) نمیتوان از پیروزی قاطع در "که برکه" سخن گفت. شاید! زهم اکنون بتوان پیش‌بینی کردکه این مرحله با پیروزی سیاسی خط امام برخط بورژوازی لیبرال خاتمه‌یا بدوسای پیش از انتخابات رئیس جمهوری و مجلس و تشکیل دولت جدید واعلام برناه نوسازی جامعه، بتوان پایان این روندرا اعلام داشت. این مراحل در وقت نگاش این اوراق هنوز در پیش است و مسلمان "حوالث بسیاری را درز پریفیل دارد.

تازه پایان این روندنهنوز به معنای پایان "که برکه" نیست. "که برکه" در گستره اجتماعی - اقتصادی تازه وارد مراحل حاد خود می‌شود. حتی در مرحله انتقال نیزا بن تبرد بین اقتصاد، فرهنگ، مدیریت، ارتضی، سیاست داخلی، سیاست خارجی نوین با اشکال کهنه آن شروع شده ولی نبردا ساسی در پیش است. انقلاب خم رنگریزی نیست. ساده نیست که ساخت رنگین در همه گسترده‌ها، بشکل کارا و شمربیخ، جایگزین ساخت رکن شود. ابداً ساده نیست.

انقلاب یا یده‌مه چیز خود را بوجود آورد و در این زمینه باید کار غول آشائی انجام گیرد. "روندکه برکه" در اقتصاد و سیاست برای آنکه به متاثر روش برسد به زمان نیاز دارد. این زمان چه اندازه است؟ عوامل گوناگونی، از جمله عامل تناسب نیروهای انقلاب و ضد انقلاب در صحنه بین المللی در کوتاه‌یا بلندی این زمان موثر است.

ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا "که برکه" تنها بین بورژوازی لیبرال و دمکراسی انقلابی است و آیا بین پرولتا ریا و حزب ازوشی و دمکراسی انقلابی چنین "که برکه" ای روی نخواهد داد؟ این آرزوی ما نیست که در میان خلق تنافقی رخ دهد. بر عکس آرزوی ما آنست که در "جهبه واحد خلق" جامعه نو، بر اساس تواافق هم‌نیروهای راستین و صدیق خدا مهربا لیست و مردم دوست پدید آید. ما بنوبه خود در این راه کوشیده‌ایم، می‌کوشیم و خواهیم کوشید. ما دچار" ولع دست یازی به حکومت اتحادی" نیستیم. برای ما ما مرخلاق مطرح است و این مطرح نیست که چه کسی، چه گروهی ابتکار تحقق آن را بعده‌گیرد. بشتبانی صادقانه و پیکر و موثر و گرانبهای ما از رهبری ما م خمینی خودنموداری است برایان امر. ما در آینده نیز آمده‌ایم خدمتی را که از دست‌مان برآید در این زمینه انجام دهیم. این نیز روش است که اگر کسانی بخواهند انقلاب را از جاده ملی و خلقی آن منحوض کنند، ما بدون پیرو از عواقب فردی و جمعی آن، با تکاء اصول مقدسی که بدان با وردایم، با چنین نحراف و مсхی مبارزه خواهیم کرد. شهور میکنیم که افراد و گروههای دیگر دوست‌دار مردم، جزا این نیاز نداشته‌اند. لذا بگذارید آرزوکنیم که انجام "که برکه" در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، مانند شرایط کنونی، بصورت تمام‌خشن و عم انگیز در نیاید، بلکه در جریان توافق، ولو توافقی که لازمه آن بحث و مذاقه و روپیاروشی منطقی جدی و طولانی باشد، در جریان تکیه به نظر را ده خلق، از طریق توسل به سازوکاریک جامعه آزاد، بحمل آید. امید است سیرا مورا این سختان را به آرزو پرستی محض مبدل نسازد و انقلاب ایران از این بابت.

### نیز رو سپید شود و طرفگی و ویژگی خود را حفظ کند.

انقلاب ایران به برکت رهبری قاطع و پرازدراست امام خمینی تا کنون گردنه های دشواری را با کامیابی گذرانده است . همانطور که امام در سخنان خود در مجمع ملولیت انقلاب ( دیماه ۵۸ ) گفت انقلاب در راه رسداست و هنوز گردنده های فراوان در پیش دارد تا بتواند سازمان انقلابی مناسب خود را پیداورد، امیداست انقلاب در این راه که هنوز با دشواریها همراه است بتواند از رهبری امام برخوردار بگشود چرا خلاصه طرناک رهبری نشود .

انقلاب مشروطیت در اثر رهبری ضعیف اشاره فیت و روحانیت لیبرال همراه بورژوازی سنتی بازارتها توanst محدودیت میرزا را ( آنهم به همت مجاہدان مسلح آذربایجان و گیلان و دیگر شهرها ) براندولی قا در نشاند کا می علیه استعمار، رژیم اربابی و رعیتی بردا رد و طرح درستی برای رشد مستقل اقتضا دکشور ما بربیزد و دمکراسی را در کشور ما تحکیم کند .

انقلابات شمال ایران در دوران پیش از سلسه پهلوی با آنکه چشم با زبرو خلقي تر عمل کردقا در نشاند جز در مورد الگاء قرارداد ۱۹۱۹ ( که با نیز وقوع انقلاب در روسیه کمک کرد ) کار دیگری انجام دهد زیرا نقائص هم در رهبری انقلاب و هم در برنا مه عملش فراوان بود .

جنبیت ملی کردن نفت بر هبری مصدق که نماینده بورژوازی ملی ایران بود نیز بجائی نرسید و در خون و خیانت دفن شد .

اینکه آن وظایف سنتگین که انقلابات گذشته قا در به محل آن نشده اند: تا میں استقلال واقعی ، حل قطعی مسئله ارضی و مسئله ملی ، اتخاذ راه رشد عدالت آمیز خلقی، ایجاد انقلاب فرهنگی و امثال آن ، در مقابل انقلاب کنونی قرار داده زد . تجددگرایی سطحی و انتقال مکانیکی اشکال گذران غرب راه حل مسئله نیست و این با رهای امتحان شده است . بورژوازی بمنابه طبقه قادر نیست این مسائل را حل کند، زیرا دل بستگی او به سوداگری سرمایه داری اور ادرجه ای و باستگی به سرمایه داری جهانی، شرکت در تقسیم کار نواستعما ری و سرانجام تبعیت ازا میریا لیسم می افکند. الیکارشی بهلوی رفت ولی اگر نظام سرمایه داری ادا مهیا بود، الیکارشی تازه ای شکل خواهد گرفت . مکررا بین همه جانبه زی برای آن بود که استمکران و غارتگرانی بروند و ستمکران و غارتگران دیگری جای آنها را بگیرند؟ مگر ما بخاطر ناماها انقلاب کرده ایم؟ ممکن است بگویند میتوان " سرمایه داری مستقل " بوجود آورد، این سخن برای جهان ما و برای " جهان سوم " برآسان دهها تجربه پوچی خود را ثابت کرده است .

دمکراسی انقلابی در صورتیکه از روی بینا شی و واقع کرایی عمل کند، دچار رستگ نظری و انحصارگرایی نشود، قادر است در راه حل مسائل مطروحه گام بردا ردو نظم " ملی و دموکراتیک " را با راه رشد غیر سرمایه داری بوجود آورد و دواستقلال و آزادیها و حقوق دموکراتیک خلق را تأمین کند .

مسائل مطروحه شوختی نیست . مسئله بر سر رساندن کاروان مدنیت ایران در علم و هنر و صنعت و کشاورزی و رفاه عمومی و عدالت اجتماعی به عالی ترین سطح ممکن است وااین عالی ترین سطح با این سطح نازلی که اکنون علی رغم سیم دسال تلاش در آن هستیم تفاوت فاصله دارد. آری از زمان مفویه ما کوشیده ایم که خود را به سطح جهانی بر سر نیم و در حال یکه

دیگران نصف شهر عشق را گشته‌اند، ما هنوز اندراخم یک کوچه‌ایم  
 انقلاب ما کا رشو خی شود و آنرا بیانی شنیتوان گرفت. بگذا رید سخنگویان بورزوی  
 بگفته آقای بازگان "سه سه بار شنه بار" از این انقلاب پیشمان باشند، ولی مردم  
 ایران بآن می‌بالند و از آن حق چشم معجزه دارند و باید در این "عروة الوثقی" با تهمام  
 نیرو چند زندن و آنرا به هدف مراد بر سانند.  
 ما به پیروزی نهاشی انقلاب خوش بینیم و برا نیم که این پیروزی تنها و تنها در نبرد،  
 در حفظ هشیاری، در صحت رهبری، در حفظ وحدت نیروهای متعدد و اصیل، در درستی مشی  
 سیاسی و اقتضاً دی بددست می‌باید و به تحقق این شرایط نیز با امیدی تکریم، امیداست فردای  
 باز هم بهتری ما را پذیره شود:

چندین هزار امیدبینی آدم طوقی شده بگردان فردا بر

هر انقلابی تنها هنگامی توده‌ها را به درستی خود معتقد می‌کند که آنها را از نهاد  
 محسوس خود در زمینه زندگی مادی و معنوی برخوردار سازد. تنها با شور  
 انقلابی نمی‌توان جامعه را به جلو برد.



## ★ حزب توده ایران و نقش آن در انقلاب

ملکه محمدی

انقلاب ظفر مندی که روز ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ بر قله های پا یمروdi، شرف و ایثار، سرود فتح سرایید، یک نبرد مجزا با امپریالیسم و ارتقای ویک عمل منفرد ناگهانی توده ها نبود. فرایندی بود طولانی که شناسانه اش از طلوع و افول، فراز و فرود، کودکی و بلوغ، افتادن ها و برخاستن ها، فراگیری ها و تجربه ها روايات فراوان دارد. این رویداد تاریخی که منشورهای زحمتکشان را از شریک رژیم فاسد سلطنتی و امپریالیسم پشتیبان آن با خودبا رمغان آورد، متکی برگذشته ای سرش را زنرده های انقلابی در عرصه های گوناگون حیات اجتماعی بود.

حزب توده ایران افتخار دارکه نخستین سازمان سیاسی در ایران است که داد شر انقلاب اجتماعی را در دسترس طبقات و قشرهای مختلف زحمتکش قرارداد، پشتونه شوریک انقلاب ایران را تدارک دید، سمعت و جهت انقلاب را تعیین نمود و چراگ راهنمای راه رهنوردان راه استقلال و آزادی برافروخت، تاشکیل حزب توده ایران، دانش مارکسیسم لنسنیسم بصورتی فشرده بطور عمده در میان تعداد قلیلی از روشن فکران رواج داشت و این حزب توده ایران بود که طی موجودیت خود تو ایست از طریق انبوه روزه ها، مجلات، جزوای، کتابها، حوزه ها، کلاس های درس، جلسات و رادیوی مخفی خود (رادیو پیک ایران) به اشاعه مارکسیسم - لنسنیسم در میان مردم همت گما ردو آگاهی علمی توده ها را غنی سازد.

حزب توده ایران از یکسویه این اصل مهم با ورداد است که داشت شر انقلاب اجتماعی تنها زمانی میتواند، اهرم شمر بخش دگرگونی جا معه شود که به نیروی ما دی بدل گردد، یعنی زحمتکشان آنرا فراگیرند و از سوی دیگرا عتقا داده است که فعالیت خلاق توده های زحمتکش،

زمانی قادربه دگرگونی جامعه است که به داشتن انقلاب اجتماعی مجهز باشد. حزب توده ایران این دو رایک پدیده واحد در پیوندن گستنی با یکدیگر میدیدوازاً بین رو ترویج و تبلیغ جهان بینی علمی خود، مارکسیسم - لنینیسم را یکی از مهمترین وظایف خود میشمرد. حزب توده ایران که بخش مشتمل و عالیاترین شکل سازمان طبقه کارگر بود، حلقه پیوند میان بخش پیشاهنگ و آگا طبقه و توده های میلیونی مردم زحمتکش شد. حزب پیوند خود را با توده های بوسیله سندیکا ها، اتحادیه ها، سازمان های جوانان، زنان، دانشجویان، سازمانهای فرهنگی ورزشی برقرار میکرد و گسترش میداد و از این راه اندیشه های دموکراتیک را بین آنان میبرد.

حزب مانند فقط به ترویج مارکسیسم - لنینیسم پرداخت، بلکه آنرا از انحرافات "چپ" و راست نیز پاکیزه نگاه داشت.

"وفاداری به اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم و سوسیالیسم علمی، کاربرد خلاق آن در شرایط ویژه هرکورومبارزه علیه ایدئولوژی بوروزواشی و روزیونیسم برای بیروزی اهداف سوسیالیستی ضرور است".<sup>(۱)</sup>

حزب توده ایران علیه تمام جریانات اپورتونیستی، رفورمیستی و تمام اشکال نفوذ ایدئولوژی بوروزواشی بهمنبردی بی امان دست زد. هنگامیکه اپورتونیسم راست در میان خلیل ملکی ویا رانش مواضع حزب را مورد حمله قرارداد، آنها را بی امان و تا به آرافشان نمودوزمانی که اپورتونیسم "چپ" در قالب گروهکهای ماشیستی و جریانات چریکی با شعارهای بظاها نقلابی و درواقع ماجراجویانه در صدد تخطه مواضع راستین حزب طبقه کارگربرآمد، حزب با قاطعیت کامل آنرا درکرد و بیشتر به یک جریان غیرمارکسیستی افسنا نمود.

حزب توده ایران متکی به جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم، نخستین سازمان سیاسی بودکه اوضاع اجتماعی و اقتصادی کشور، طبقات و اقسام مختلف اجتماعی، مناسبات متقابل و وجود مشترک وجهات افتراق این طبقات و قشرها را مورد تحلیل علمی قرارداد، ماهیت رژیم حاکم، ضرورت تغییر آن، خصلت انقلاب، مراحل مختلف، تاکتیک واستراتژی آنرا توصیف نمود. نقش طبقه کارگر را در مراحل گوناگون انقلاب اجتماعی، مناسبات این طبقه را با سایر طبقات و اقسام، متحدهین بالقوه وبال فعل آنرا در هر مرحله مشخص کرد. حزب مسلطت را از شکال سپری شده حکومت شمردو برقان گزیری انقلاب اجتماعی به بثنا به:

درهم شکستن جبری روبنای سیاسی کهنه ای که تفاوت آن با مناسبات تولیدی نوین در لحظه معین موجب ورشکستگی سیاسی آن شده است.<sup>(۲)</sup> تاکید کرد.

حزب توده ایران به موازات کار سازماندهی در میان کارگران و دهقانان در میان مبارزه با استشماروبه رکشی، آماج اساسی مبارزه طبقات ستمکش را نظا منیمه فشودالی، رژیم استبدادی و امیریالیسم حا می آن قرار داد و بینسان میان مبارزه طبقه کی زحمتکشان، با مبارزه ضد فشودالی، ضد دیکتا توری و ضد امیریالیستی پیوند برقرا رسمود.

حزب مازمانی به مبارزه علیه فشودالیسم برخاست و شعار تقسیم زمین را بین دهقانان برداشته فشودالیسم به حمایت امیریالیسم انگلیس یا یگاهای نیرومندی در مقامات

۱) لنینیزم، سلاح موثرایده ظلولوژیک (با نکلیسی) مسکو - سال ۱۹۶۹ - صفحه ۶۹

۲) لنین - منتخبه آثار - جلد ۱ - قسمت دوم - صفحه ۱۵۷

حاکمه داشت، اما امروز شعار واگذاری زمین به دهقانان مانند اموی بدیهی به دورافتاده ترین روستاهای کشور رسوخ یافته و دهقانان را به عرصه مبارزه علیه اربابان و زمینداران کشانده است.

حزب توده ایران، هنگامی مردم را به مبارزه علیه امپریالیسم دعوت کردوا مهربا لیسم نازه از رهبری امریکا را خطر عمد برای استقلال میهن ما شمرد، که این خطر برای اکثریت مبارزان نه تنها ناشناخته بود، بلکه نسبت به امپریالیسم آمریکا حتی در میان ماقترین نیروهای خدا مهربا لیست خوشبینی وجود داشت. فریادی که ۳۵ سال پیش علیه خطر جدی امپریالیسم آمریکا از صفو حزب توده ایران برخاست، امروز به شاعت تمام خلق بدل شده است.

نظریه اهمیت مبارزه برای استقلال کشور، حزب ما از همان نخستین سالهای حیات خود، تشکیل جبهه واحد خدا مهربا لیست را مورد توجه قرارداد، زیرا ایجاد چنین جبهه ای برای کشوری که سلطه امپریالیسم برآن حاکم بود و نظام فشودالی برآن سلطه داشت، نمیتوانست برای یک حزب مارکسیستی بی اهمیت تلقی شود. با ینجهت از همان آغاز شعار: "علیه هر گونه استعمار کشور مبارزه کنید!" سرلوحة روزنا مههای ارگان حزب قرار گرفت. کوشش حزب در راه تشکیل جبهه آزادی (سال ۱۳۲۱) جبهه موتلف احزاب ملی و دموکراتیک

(سال ۱۳۲۵) گامهایی دزراه این هدف مهم سیاسی بود. سالهایی که دولت ملی دکتر مصدق رودروری امپریالیسم بینماگرا نگلیس قرار گرفته بود، حزب توده ایران به ضرورت تشکیل جبهه واحد با رها و بارها تا کیدکرد که متناسب نه عدم شناخت ها، سو تفاهم، و کارشناسیهای کارگزاران امپریالیسم مانع از تشکیل جبهه گردید و درنتیجه جنبش مردم ایران با کودتای ۲۸ مرداد سرکردگی آمریکا زیر چکمه کودتاگران منکوب شد.

با استقرار رژیم کودتا حزب توده ایران با ردیگر دعوت خود را از نیروهای ملی مخالف رژیم برای تشکیل جبهه واحد خدا مهربا لیستی تکرار کرد و تا انقلاب بهمن برآین خواست اساسی پافشید. تجربه انقلاب بهمن یعنی تشکیل جبهه واحد را حد از پائین، در میان توده های وسیع علیه ارتفاع و امپریالیسم پیروزی آن، دیگر برای احدی جای تردیدیابی نمیگذارد که اگر جبهه واحد نیروهای خدا مهربا لیستی بموقع، با بیرون معاون عمل تشکیل شده بود، اولاً "با احتمال زیاد کودتاگران امکان پیروزی نمی یافتد و بفرض پیروزی ادامه حیات ننگین شان دشوار بود.

حزب توده ایران زمانی مردم را به مبارزه علیه دیکتاتوری فراخوانده شاه مخلوع هنوز آهسته و سینه خیز بسوی استقرار حکومت مطلق پیش میرفت. حزب ما با توجه به این اصل لذتی که "طبقه کارگر در میان رژیسیاسی تنها نیست" و طبقات، لایه ها و عنصر دیگری وجود دارد که بمعنای متحدهن سیاسی اودراین مبارزه همراه و همکام او خواهند بود، از همه مخالفان رژیم استبدادی دعوت کردتا در جبهه ای متحدا عمل کنند. تشکیل جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری در سال ۱۳۲۷ نخستین میوه این تقلای مداوم حزب ما بود.

برینهای واقعیات پیش گفته، یعنی سلطه امپریالیسم و وجود رژیم مطلق سلطنتی، حزب توده ایران، انقلاب ایران را در موجه ملی و دموکراتیک ارزیابی کرد و محتوى آن را بر جیدن رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کودتا، استقرار حکومت ملی و دموکراتیک با هدف تأمین استقلال اقتصادی و سیاسی کشور، محبتا یا فشودالیسم، دموکراتیزه کردن حیات

سیاسی و فرهنگی و طرد راه رشد سرمایه داری داشت . حزب شرط ضرور برای تامین پیپروروزی انقلاب ملی و دموکراتیک را ایجاد نمی بود و احدکلیه نیروهای ملی و متفرقی شمرد و نخستین سازمان سیاسی کشور بود که سرنگویی رژیم شاه را بینا به حل تفاههای گرفته جامعه ایران ارزیا بی کرد .

حزب توده ایران چهار سال قبل از انقلاب بهمن ، سرنگویی رژیم شاه را هدف می سرم جنبش انقلابی ایران قرارداد و چنین پیش بینی نمود :

"اکثریت مردم موجود را که برای آنها موجب رنجها و محرومیت‌های فراوان شده است ، مکوم میدانند و برجیمه شدن بساط آنرا خواستارند . دیوارترس و سکوتی که دستگاه جهانی ساواک با کمک مبنی و ران آمریکا شیلی و اسرائیلی بزیاد شده بود ، فرومیریزد و می‌آرزو مردم به اشکال مختلف بروز می‌کند . همه اینها نشانه آنست که جنبش انقلابی تدریجیا " از مرحله فروکش خارج می‌شود و دوره جدید اعتله انقلابی بتدربیج آغاز می‌گردد "(۳)

هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران درگزارش به بلنوم با نزد هم از همه نیروهای انقلابی دعوت کرد تا برای سرنگویی رژیم متحدونند :

" وجود هدف مشترک میان همه سازمانها و گروههای انقلابی میهن ما ، یعنی همداستان بودن در این امر که بدون سرنگون ساختن رژیم موجود ، نمیتوان به آماجها ملی و دموکراتیک خلق در راه ترقی اجتماعی کشور ، آزادی و مصلح نائل گردید ، آن حلقة عمدۀ ای است که با توصل به آن میتوان اتحاد نیروها را پیرامون برنا م و خط مشی واحد عملی ساخت ." (۴)

انقلاب بهمن محت مشی حزب مارا اثبات نمود و نشان داد تنها زمانی جنبش ضد استبدادی و غذا میریا لیستی مردم تو انتست به پیپروروزی دست یابد که اکثریت مطلق نیروهای ملی و متفرقی و هواداران و معتقدانشان باین نتیجه واحد رسیدند که نهضت با یسدیزگ راه پیشرفت اجتماعی ، یعنی رژیم محضر را از میان برداشت . جبهه واحد هر چند که از سال سرنگرفت ولی با اور مردم به وحدت عمل جنان گستره وسیعی یافت و به آنچنان نیروی مادی بدل شد که تو انتست علیرغم توانمندی صوری رژیم ، ضربه قطعی را در لحظه مناسب بر آن فرسود آورد .

زمانیک بورژوازی لیبرال کوشش داشت بر اساس یک مشی سازشکارانه ، مصالح جنبش را با منافع خودخواهانه طبقاً تی خوبش و فق درده حکومت مشروطه سلطنتی را باندازی برویسا بدون او ، جانشین حکومت مطلقه سازد ، حزب ما با روش بینی یک حزب مارکسیستی در کنار دموکراتهای انقلابی که به رهبری امام خمینی ، زیر پرچم اسلام متفرقی گردانده بودند ، قرار گرفت و خواستار انحلال رژیم سلطنتی و استقرار جمهوری شد .

پشتیبانی حزب توده ایران از خط امام مربوط به دوران بعد از انقلاب نیست . حزب توده ایران سالها قبل از انقلاب ، در دورانی که سلطنت مطلقه ، سلطنه مطلق داشت ، مبارزه آیت الله خمینی را علیه رژیم شاه مخلوع جلوهای از مبارزه تمامی خلق تشخیص دادواز آن حما یت نمود . هنگامیکه مبارزه سرسختانه آیت الله خمینی علیه شاه سابق منجره تبعیید وی از ایران شد و در نجف نخستین اعلامیه خود را در مخالفت با اعطاء مصونیت به مستشاران

(۳) مجله دنیا - دوره سوم ، شماره ۱ ، تیر ۱۳۵۳ ، ص ۵

(۴) مردم - ۱۵ مرداد ۱۳۵۴

آمریکائی انتشار داد، حزب توده ایران این اعلامیه را در صفحه اول " مردم " منتشر ساخت و در مقدمه این اعلامیه نوشته :

" آیت الله خمینی کذا زمراجع بزرگ تقلید شیعیان است، در مخالفت با لایحه معونیت و معافیت مستشاران آمریکائی که اخیراً " از تمویب مجلسی گذشت اعلامیه‌ای منتشر کرده است که ما اهم مطالب آنرا نقل می‌کنیم . (۵)

ما از همان آغاز خط ندا میریا لیستی - خدا میریا کاشی امام را که منطبق با اهداف فد امیریا لیستی حزب توده ایران بود، مهمترین حلقه مبارزات مردم مستضعف تشخیص دادیم وازان حمایت نمودیم. در تمام سالهای که امام خمینی در منصب اقامت داشت، هرگاه پیامها و اعلامیه‌های ایشان را علیه رژیم سابق و در تاثید و تشویق مبارزات خلق، دریافت داشتیم، از ( رادیویی پیک ایران ) به تکرار پیغام‌گردیم، زیرا آنرا منطبق با اهداف فد ارتقا عی و خدا میریا لیستی حزب توده ایران تشخیص داده بودیم.

در دوران اقامت امام در پاریس نشریات حزب توده ایران و رادیویی پیک ایران موبید و مبلغ گفته‌ها و معاحبه‌های امام در ضرورت سرنگونی بی قید و شرط رژیم شاه بود، زیرا خواست سرنگونی آن رژیم ضدملی و ضد دموکراتیک را سالهای قبل حزب توده ایران مهمترین هدف خود قرار داده بود. هنگامیکه امام خمینی جمهوری اسلامی را خواستار شد، حزب ماس بدون تزلزل ازان پشتیبانی کرد، زیرا مابه محتوای آن که دفاع از منافع معرومان جا مده و مبارزه علیه مستکبرین و علیه امیریا لیسم بود، توجه داشتیم.

بورژوازی لیبرال که پس از انقلاب بر می‌ستند قدرت جای گرفت، عملًا نشان داد که نمیتوانند جسم پیشرفت اصلی اجتماعی باشد، با گسترش گرایش‌های مترقی و تعمیق انقلاب مخالف است، به محافظه‌گاری میل میکنند و با انقلاب و آغاز دوران آمش و شبات را رزو دارد. با توجه به این خصلت طبقه سازشکار، حزب توده ایران از وجوده خدا میریا لیسم آمریکا متوجه است و به خلقی خط امام که علیه امیریا لیسم بوبزه دشمن عده، امیریا لیسم آمریکا متوجه است و به سود طبقات مستضعف و محروم عمل می‌کند، پشتیبانی کرده است.

حزب توده ایران بعثت به سازمان سیاسی طبقه کارگر، حمایت از منافع سیاسی و اقتضا دی این طبقه زحمتکش را سزلوجه مبارزات خود قرار داد و آنرا از بیک نبرده بمنزد دیگر رهنمون شد. طی سالهای دیرپای اختناق مبارزه طبقه کارگر برای مطالبات منفی و سیاسی خویش کنندش ولی متوقف نشد. حتی در دوران که گروههای چپ روبروچ نما از نجا موظیفه حیاتی تربیت توده‌ها و واردکردن آگاهی انقلابی در مبارزه طبقه تی آنها، سرباز میزدند، کارگران را لخت و خمودمیخواندند و مدارای تک تیرهای خود را وائی برای بیداری طبقه کارگرمی نا میدند، طبقه کارگر در کارگری تدریجی بر مشکلات مبارزه خود بود و پیگیر و بی - تزلزل با توجه به شرایط مشخص تاریخی، راه امولی مبارزه برای نیل به اهداف اقتضا دی و سیاسی خود را می‌پیمود.

" فقط مبارزه انقلابی توده‌ها قدر است، زندگی کارگران و طرز اداره دولت را به نحوی نسبتاً " جدی بهبود بخشد. هیچ‌گونه هم‌رددی افراد تهمیل‌کرده با کارگران و هیچ‌گونه مبارزه دلیرانه تروریستها متفاوت، نمیتوانند برا رکان حکومت مطلقه تزا و قدرت مطلق سرما یه‌داران لطمہ وارد سازد، فقط مبارزه خود کارگران و فقط مبارزه خود بود و پیگیر و بی -

نفرقا در به انجام این عمل بوده است .<sup>(۶)</sup> در سالهای ۱۳۵۴-۱۳۵۵ کارگران بی اعتماد ملامت گروههای " چپ " اعتماد بهای کوچک ، کوتاه مدت و پراکنده خود را به اعتماد بات بزرگ و دراز مدت بدل کردند . در این اعتمادها ، همیستگی کارگران با یکدیگر بچشم میخورد . بتدربیج جو سکوت ، به جو مبارزه اجتماعی فرا روشیده بود . کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه‌ای که بمناسبت اول ماه مه سال ۱۳۵۷ انتشار داد بدرستی خاطرنشان ساخت :

" ... طبقه کارگران ایران طایله دار آن جنبش وسیعی است که طی دو سال اخیر در کشور مرا بسط یافته و می‌یابد . کارگران ایران با اعتماد بات بزرگ و دراز مدت خود در سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ سکوت را شکستند و مبارزات اجتماعی را نشان دادند ."<sup>(۷)</sup> در اعلامیه مشهور ۱۲ شهریور سال ۱۳۵۷ ، کمیته مرکزی حزب توده ایران وجود جزو اقلایی را در کشور را علام داشت :

" در کشور ما وضع اقلایی حکم فرماست . مردم نمیخواهند به شیوه گذشته زندگی کنند و حاضر نیستند و غیر استبداد شاه را تحمل نمایند . رژیم نمیتواند به شیوه گذشته حکومت کند ."<sup>(۸)</sup>

در جو جدید اقلایی ، طبقه کارگران اعتماد بهای پیاپی خود به صفت مقدم جنبش جهید . اعتماد کارگران برای خواسته‌ای اقتصادی ، به اعتماد سیاسی سراسری و سرانجام اعتماد سیاسی به انقلاب تما می‌خلق فرا روشید . هنگامیکه کارگران مبارزو قهرمان منصنعت نفت در آذربایجان شیرهای نفت را بستند ، ضربه قطعی برای مپریا لیسم و رژیم دست نشانده آن و ردا مدد . اعتماد کارگران نفت کمر رژیم را شکست و نگذاشت دگرگار وقد راست کند .

بطوریکه میدانیم طبقه کارگریه علل معین نشان نشانش رهبری جنبش خدا استبدادی و خدا مپریا لیستی را در دست گیرد . اختناق دیرپا و تبلیغات گسترشده خود را دارد . نبودن امکانات لازمو وسیع برای فعالیت همه جانبه حزب طبقه کارگر در صحنہ کشور موجب شد که اقدامات این نقش رهبری انقلاب را ایفا کنند ، اما این امر بهمیجه ازا همیت نقنق قاطع طبقه کارگر در پیروزی انقلاب نمی‌کند .

حزب توده ایران که بپیوسته بر خصلت خلقی بخش متفرقی ارتش در کشورها شی نظیر ایران توجه داشت ، توانست طی دوران فعالیت خود ، اندیشه‌های متفرقی را در ارتش محمد رضا شاهی رسوخ دهد و با جلب گلها و سرسید ارتش ایران ، بزرگترین سازمان افسری احراب کمونیست ، کشورهای خاورمیانه و ترددیک را بوجود آورد . سازمان افسری حزب توده ایران ببنویه خود دو سیله موثری برای رخنه ایده‌های خلقی در میان ارتش شد . افسران غفو حزب توده ایران نیز با رائمه نموده‌های درخشنان میهن پرستی ، مردم دوستی ، پایداری و قهرما - نی به نقطعه‌های جاذبه برای سربازان و افسران میهن پرست بدل گردیدند .

در سالهای قبل از انقلاب ، هنگامی که هنوز بنتظر میرسیدا رتش ایران یکپارچه و متحده بشد سرنخ اسلام خدالخواری و وابسته شاه بستاده است ، حزب توده ایران بخش متفرقی ارتشیش را مورخ طایب قرارداد :

(۶) لئین - آثار منتخبه - جلد ۱ - قسمت دوم - صفحه ۲۱۳

(۷) مردم - ۱۵ فروردین ۱۳۵۷

(۸) مردم - ۱۵ شهریور ۱۳۵۷

" آین پیام گویای انتظار تمام مردم زحمتکش ایران و تمام مردان آزادیخواهان از شماست . آنها از شما میخواهند که به آین مسئولیت شکر خود بیندیشید ، امکانات بزرگی که در دسترس شماست بسنجید و تماش نیرو و رسانا کنایت خود را ، نه در راه کمک به پاسدازی از پایه های حاکمیت ضعیف ، بلکه درگشودن زنجیرهایی که بست فرزندان کاوه یعنی نیروی عظیم مردم ایران ، نیروی زحمتکشان ایران و در پیا پیش آنها نیروی آزادیخواه و فد امیریا لیست کشیده شده است ، کام بردارید . با شماست که برجم پرافتخار میهن دوستی و آزادگی را که بسیانها ، سیاستکارها ، روزبه ها و حکمت جوها نسل به نسل دست بدست همدانند ، بر افزایید و با آن به خلق بیرون دید . "(۹)

مقام و ملت ها در میان سربازان و افسران میهن دوست ، نخست با رقه بود ، و سپس شعله شد . ابتدا سربازان اینجا و آنجا از پادگان ها فرا رکردند و مردم پیوستند ، اما بتدربیح کار بدانجا کشید که در تبریز سربازان همراه با مردم در خیابانها راه پیمانی کردند و شمار : " درو دیر خمینی " دادند ، روز پنجم شنبه ۱۹ بهمن ، نظامیان در برابر خانه آیت‌الله خمینی رژه رفستند ، در شهرستانها نظاهراتی توسط نظامیان علیه رژیم شاه انجام شد . گروههای از نیروهای مسلح همراه با سلاحها یشان به خانه امام مراجعه کردند و پشتیبانی خود را از امام اعلام داشتند (۱۰) و سرانجام در تبریز خونینی که میان لشکرگاه ردوهای فران درگرفت ، علناً " ارتش شکاف برداشت . هما فران با شعار درود بروزبه به گاری دیها عمله میبردند . راه و شیوه مبارزه برای سرنگوشنی نظام پیشین یکی از مهمترین مسائل موردا اختلاف میان حزب توده ایران و برخی از سازمانهای سیاسی بود . حزب ما معتقد بود که چگونگی راه انقلاب را نمیتوان بر پایه تمايلات ذهنی یکباره برای همیشه تعیین کرد و شیوه مبارزه را برای تمام دوران انقلابی مطلق شمود . انقلاب ملی و دموکراتیک تنها بوسیله مبارزه توده های مردم تحقق پذیراست و از قهرمانی این بایان گروه و حزب سیاسی ناشی نمیشود . حزب ما میان روزات گسترده سیاسی ، اقتصادی و ایدئولوژیک ابرابر انشاء نیروهای فدائیانی ، ایران بسیج مردم و تامین اتحاد میان آنان وظیفه هر سازمان انقلابی می شناخت و خسود بدون توجه به تاخت و تازگر و همایی چپ رو و چپ سما علیه این شیوه مبارزه ، بدان عمل میکرد . حزب ما در عین حال برای نکته مهم پا میفرشد که :

" حزب توده ایران از هیچ یک از اشکال مبارزه انقلابی رویگردان نیست و برآنست که هر شکلی از عمل انقلابی که بتوان در شرایط مشخص مورد پشتیبانی توده ها قرار گیرد ، برضد انقلاب ضربت جدی وارد سازد و راه پیروزی خلق را باز کند ، با یاری کار رزود . "(۱۱)

زمانی که موج بلند اعتماد سراسری از سردهشمن گذشت ، مقام و ملت توده ها اوج یافت و دشمن به اعمال فهروکشی از مردم دست بیا زید ، حزب ما با ارزیابی وضع جدید ، تشخیص داد که لحظه مقام و ملت و تعریض مصلحانه مردم فرا رسیده است . هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران طی اعلامیه ۱۰ بهمن از مردم خواست :

" با تدارک و سازماندهی مقام و ملت و تعریض مصلحانه خلق ، توطئه امیریا بیسرا در هم شکنیم ... مردم مبارز ایران ا در برابر کشتن رفعیع امیریا لیسم آمریکا و جاگران ایرانی اش مصلحانه از خود دفاع کنند ... با مقام و ملت و تعریض مسلح ، با اشغال واحد های نظامی و

(۹) مردم - ۳۵ مهر ۱۳۵۲

(۱۰) گیلان - ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

(۱۱) برنا مه حزب توده ایران - آذرماه ۱۳۵۴

موافع حساس دیگر دشمن ، با درهم شکستن ما شین نظامی دشمن به وظیفه ملی و میهمان خود عمل گنید ! " (۱۲)

توده‌های مردم‌گاه پسندین سال نسبت به مبارزات چریکی بیطرف مانند دویا این بنظری بررسی شریبدون بشی چریکی مهرتا شید گذا رشد ، دروزهای ۲۲ و ۲۱ بهمن که شرایط مشخص اجتماعی و سیاسی واژانه عمله روش طبقه حاکمه دربرابر جنبش انقلابی ، شیوه مبارزه مسلحه شدرا طلب میگردید ، لحظه‌ای تا خبرنگاردنده ، با تهور بهم نشانه گرفتند ، زمین پیاده راه را گشتنده و با گیشه‌های شن و خاک اشنا شتند ، درستگرها مسلسلهای سنتکین نصب کردند و زمین و پیروجوان و گوگرد دست در دست هم ، با وحدت شکفت انگیزو حسارتی کم شنیر ، تهدید شمن را با اسلحه‌ها سعی گفتند و گنایم زد زمان و غارنگران را زبرگردند . در این شرایط طبقه‌ی اعضاً حزب توده ایران ، حزب که بیوسته از سوی چپ روحها و هب نماها متهم به هواهاری از شیوه سالیست آمیز انقلاب بود ، درگنا و خلق سلاح در دست چنگیدند و متروخ و شهید شدند . روزهای روزهای ۲۲ و ۲۱ بهمن ، گواه شرکت فعال توده‌ای هادرشیرهای مسلحه اشنا باشی ، تسلیم پادگان ها و گلستانی ها و مراکز مهمات ارتقا است . روزهای که بیان روز ۲۲ بهمن در صفحه‌ای خود نوشت :

" معا هدین خلق ، چریکهای فداشی خلق ، چریکهای فداشی منشعب ، اخراج مسلح حزب توده ایران در پسردهای مسلحه نشانه فعال دارد . "

روزهای که بیان در همان شماره نوشت :

" در خیا مان فرج چند جوان که مسلسلهای کلاشنیکوف بدست داشتند ، و مورت خسود را سیاه کرده بودند ، به خبرنگار کیهان گفتند : " ماجرو گروه انشعابی از سازمان چریکهای فداشی خلق هستیم که به حزب توده ایران بیوسته ایم . "

روزهای که بیان ادامه میگدد :

" طبق گزارش خبرنگاران ما ، جوانان مسلحی که در میدان زاله حرکت میگردند ، خود را چریکهای توده‌ای معرفی کردند . " در اینستای تکامل انقلاب ملی و دموکراتیک ، طبق بیان حزب توده ایران اقدامات زبرباشد آنچه گفته شد :

- (۱) اصلاحات سیاسی ،
- (۲) تحولات اقتصادی ،
- (۳) اصلاحات اجتماعی .

اصلاحات سیاسی : تحول در سازمان دولتشی ، تعکیم حاکمیت ملی ، تأمین حقوق و آزادی های دموکرا تیک و حل مسئله ملی را در بر میگیرد که برخی جهات آن تحقق بذیرفته ، بعضی در دست اجراست و باقی باید انجام گیرد .

تحول اقتصادی : مستلزم یک سلسله تضمیمات و اقدامات درجهت تکامل سالم اقتصادکشی برای رشد غیرسو ما بهداری است .

صلاحات اجتماعی : که جهاز مختلف زندگی زحمتکشان را در بر میگیرد . در شرایط حساس کنونی حزب توده ایران ضمن طرح مطالبات خود برای تعمیق انقلاب ، مسئله دفاع از انقلاب و دستاوردهای آنرا وظیفه خطیر خود میشناسد و معتقد است در برآ بر سر توپهای همه رنگ دشمن باید به غایت هشیار بود . حزب توده ایران اینجا در جبهه متعدد خلق را پیشنهاد کرده است که نیروی تعریض و پایداری در برآ برآ مهربا لیسم و کارگزاران داخلی سرا چندبرابر برخواهد ساخت . در راه بفرنج و دشواری که در برآ برآ انقلاب ایران قرار دارد ، حزب ما از خط خدا مهربا لیستی و خلقی امام پشتیبانی میکند ، چراکه این پشتیبانی را به سود انقلاب ایران و منطبق با ضرورتهاي عيني جامعه میداند .

دانش ما را کسیسم - لینینیسم به حزب توده ایران امکان داد تا برای مسائل بخواهیم انقلاب پاسخهای صحیح و راه حل های منطقی بنا بدو مرغ فتنه از پرخی اشتباهات در راست ریشه طولانی و پرفراز و نشیب خود ، درست را از نا درست تشخیص دهد . در آینده نیز کاربست صحیح ما را کسیسم لینینیسم بر شرایط ویژه ایران به حزب طبقه کارگرا مکان میدهد تا زحمتکشان را از یک پیروزی به پیروزی دیگر را هبرشود . حزب ما قادره خواهد بود که از طریق سازماندهی طبقه کارگر و متحده ان طبیعی آن از طریق ترویج و تبلیغ میان آنان ، مبارزه این طبقه زحمتکش را به مبارزه تمام طبقه در راه آرمانهای آن تبدیل کند . حزب توده ایران اعتقاد دارد که طبقه کارگر تنها طبقه ای است که قادر است تا هدف نهائی که ساختن جامعه ای رها از استشمار است ، سااطمینان به پیش رود .

## برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و

### دمکراتیک ایران در جبهه متعدد خلق





به انقلابیون همه سنگرها



سیاوش کسرائی



## تفنگ من

چه دیر بست آمدی ای واژه آتشزا  
ای تفنگ پر غوغما ا  
با دوست سلامی  
با دشمن پا یان کلامی ا

جون دشمنم از هزارسو راه بست  
این شعله دلپذیر  
ناگزیر  
با دست نیاز موده بردم بتودست ا

ناکن با من  
مداراکن با من  
ای چوب تراش رنج با تن برد  
ای آهن سخت سرد صیقل خورده ا

ای یکشیه مهمان و مدرس له رفیق  
با من ماش  
درستینه تتنگ من  
در کنار من بمان وا یعن باش!

هر کس را  
ناکس را که جستجو داری  
سرمیوه دل که آرزو داری  
هر خواهش هر توان ازشت با من  
ای تفنگ دلستدم  
تیر ترکشید با من!

کوچک سوم  
تنها سوم و تک سوم  
اندک،

تابه بیمن آواشی  
برخاستن دستی  
پیش آمدن پاشی  
ده‌گشم ومد، هزار و میلیون  
مث را مف را بتنگر  
از شاره ببرونم.

یک عمر به ناروایی آن نا مود  
دیدی چه بروزگار مان آورد؟  
اینک توبگوهر آنجه با یادگفت  
اینک تو بکن هر آنجه با یادکرد.

بشكف بشکف ای دهان آتشخو  
کردمت نمیدهم ترا آسان  
شو آزادی بخانه ام آور  
رو داد مرا زناکان بستان

نیمه شب یکشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۵۷



## نقش طبقه کارگر ایران ★

### در انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و خلقی میهن ما

مهدی کیهان

همه طبقات زحمتکش و اقشار مترقی و ملي جامعه ایران در پیروزی انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و خلقی به رهبری امام خمینی نقشی مهم ایفا کردند. در این میان بیژه طبقه کارگر نقشی تاریخی و سرنوشت ساز داشت. طبقه کارگر ایران عده تربین عامل تدارک و تکوین انقلاب پیروزمند ضد امپریالیستی و خلقی بود. این طبقه در مراحل سرنوشت ساز و نهایی مبارزه علیه رژیم سلطنتی دست نشاند نقش نیریوی ضربتی را ایفا نمود. طبقه کارگر ایران اساسی تربین پایگاه اجتماعی انقلاب در مرحله کنونی مبارزه خدا امپریالیستی، به سرکردگی امپریالیسم امریکا بشمار می‌رود. بالاخره ظا من معتبر شثیب پیروزیهای بدست آمده و حرکت انقلاب در جهت اعلاء و تکامل از مرحله ضد امپریالیستی به مرحله خلقی طبقه کارگر ایران است. آنچه بر شمردیم احکام انتزاعی خیال‌بافانه نیست. این احکام واقعیت ملموس ناشی از انقلاب پیروزمند راستین مردم ایران و بیژه‌گیهای آن در لحظه کنونی است.

#### نقش طبقه کارگر در دوران تدارک و تکوین بلاواسطه انقلاب

از دوران تدارک و تکوین انقلاب کنونی ایران بدو صورت میتوان یاد کرد. دوران طولانی تدارک و تکوین انقلاب شامل جزر و مدهای انقلابی از انقلاب مشروطه به این‌طرف و دوران بلاواسطه تدارک و تکوین انقلاب، که آخرین مرحله اعلاء جنبش

عظیم خلق از چند سال به اینطرف را در بر میگیرد.

دوران طولانی تدارک و تکوین انقلاب عظیم کنونی شامل انقلاب مشروطه، جنبش انقلابی سالهای ۱۹۲۰-۲۲، مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک و ملی سالهای ۱۳۴۵-۲۹، جنبش ملی شدن نفت، مبارزات ضد رژیمی سالهای ۱۳۴۹-۴۰، ۱۳۴۴-۱۵ خرداد، و بالاخره حرکات اعتمادی و برازدهای انقلابی سالهای ۱۳۴۹-۱۳۵۰ و حوادث مهم دیگر میگردد. بررسی تحلیلی - تاریخی این دوران با همه اهمیتی که دارد موضوع بحث ما نیست، بحث ما دوران تدارک و تکوین بلاواسطه انقلاب عظیم کنونی را شامل میشود، یعنی دوره‌ای که امواج انقلاب در دریای جامعه ایران آهسته بحرکت درمی‌آید، بدتریغ به نیرو و توان خود میافزاید، مقاومتها اولیه رژیم پوسیده را یکی پس از دیگری از سر راه بر میدارد، یکباره اوج میگیرد و بصورت طوفانی سهمگین و خشمگین بساط دیکتاتوری پلیسی سلطنتی ۲۵۰۰ ساله و تسلط دو قرنی استعمار و امپریالیسم را درهم میروبد. بگمان ما و بشهادت وقایع تاریخی این دوره را میتوان شامل سالهای ۱۳۵۲ ببعد دانست.

مردم ایران در هر یک از ادوار قبلی مبارزه بخاطر کسب استقلال و آزادی، طرد رژیمهای دست نشانده و رهائی از تسلط استعمار و امپریالیسم مجاهدات عظیمی بکار برده اند، هریک از این ادوار بتویه خود ضرورت تاریخی داشته و در تدارک و تکوین مرحله بعد و تکامل انقلاب پیروزمند کنونی نقشی عظیم داشته است. با این وجود تنها دوران اخیر از سالهای ۱۳۵۲ ببعد را میتوان دوران بلاواسطه تدارک و تکوین انقلاب ظفرنمون کنونی دانست. ویزگی این دوره از تدارک و تکوین انقلاب ایران در آنست که از همان مرحله آغازین نبرد بین خلق و رژیم دست نشانده خد خلقی علیرغم تلاش ارتیاع درباری و امپریالیسم حامی آن امواج انقلابی همچنان روبه اعتله رفته و به نقطه نهائی اوج خود - سرنگونی رژیم منفور سلطنتی محمد رضا شاه و فروکوفتن کاخ استبداد و سلطه امپریالیستی نائل شده است.

انقلاب عظیم و سرگردان خلق ایران انقلابی به معنی واقعی کلمه مردمی و توده ای بود، این انقلاب انسجام سازمانی، تحرک خارق العاده و توان خروشان خود را از خلق الها مگرفت، انقلاب همتاوانی و خلاقیت خود را از توده های مردم کسب کرد، قدرت انفجاری انقلاب همان اندازه مرهون توده ها بود، که انسجام سازمانی و تجمع های دهها میلیون نفری آن، بیکلام انقلاب پیروزمند خلقی ایران مختصات خود را قبل از آنکه مرهون تاثیر عوامل ذهنی، فعالیت سیاسی و آگاهانه احزاب و اجتماعات باشد، مدبیون تاثیر عوامل عینی شرکت وسیع توده ها بود، بر اشرشک خودبخودی اینسان اوج گرفته با ابتکار اینان تشکل پیدا کرد، بهمث اینان سنگرهای دشمن را یکی پس از دیگری در هم کوبید، بیاری خود توده ها اشکال گوناگون مبارزه را خلق و ابداع نمود و با توانی که از خود توده ها نیرو میگرفت مراحل تکا ملی انقلاب از تظاهرات ساده تا قیام مسلحانه ۲۱ بهمن را سریع و جهشوار پیمود و به نتیجه مطلوب دست یافت.

پیدا یش چنین وضعی را چگونه میتوان توضیح داد؟ آیا این یک معجزه بود؟ بررسی شرایطی که در آن انقلاب صورت گرفت نشان میدهد، که انفجاری بودن، تشکل پذیری سریع توده های میلیونی، ابداع و اختراع اشکال موثر مبارزه و توان عظیم انقلاب

همه اینها ناشی و زائیده از قوانین تکاملی خود انقلاب بود، در اینجا معجزه‌ای، جز معجزه زایش انقلاب و اراده خلق وجود نداشت.

رژیم پوشیده استبداد سلطنتی دست نشانده بیش از آنچه تصور رود در برآبر خلق استادگی کرده بود، این رژیم میباشد بسته در انقلاب مشروطه و حتی در جنبش تنباکو در ۱۸۹۱ که مردم جلو شمس العماره فریاد میزدند "ما شاه نمیخواهیم" از بین میرفت. تزدیک به یک قرن رژیم پوشیده سلطنتی با انتکاء به حمایت ارجاع داخلیها امپریالیسم خارجی، بخصوص در ربع قرن گذشته با انتکاء به حمایت امپریالیسم امریکا در برابر تمایلات ترقیخواهانه مردم ایران استادگی کرد و مانع از استقلال و پیشرفت گردید. انفجار اخیر انقلابی طبیعی ترینها سخی بود که به رژیم سلطنتی دیرپا، فروخته شده و فاسد داده میشد. اگر غیر از این بود جای تعجب داشت.

توده‌ای و خلقی بودن انقلاب ایران خصیمه دیگری از جهش تاریخی بشمار می‌آید، که سال پیش در کشور ما ایران مورث گرفت. این پدیده نیز کاملاً نومند بود و از آنجا ناشی میشد، که مردم ایران بطور کلی زیر ستم دوکانه رژیم ساواکی-سلطنتی بهلوی و تسلط امپریالیستی و تواضع‌سازی امریکا قرار گرفته بودند. توده مردم از ستم بارهای سنتکین مالیاتی، هزینه‌های کمر شکن نظامی، کرانی سراسم آور، تورم شتابان، محرومیت از بهداشت، آموزش و مسکن رنج میبرندند و بیکلام بطرزی شدید و بیرحمانه استثمار و غارت میشوندند. اقتدار ملی و متوسط گرچه وضع معیشتی و رفاهی بهتری داشتند لیکن ازبودگی امپریالیستی و تفرعن مهمنهای ناخوانده امریکاشی، که ساواک و سیا را بر زندگی خصوصی آنها چیره ساخته بود، در عذاب بسر میبردند.

عنصر تعرک خارق العاده و ابداعات و ابتکارات سازمانی و سیاسی نیز، که توانست دشمن‌حبله گر، تبرومند و بقدر کافی دارای تجویه را از پا درآورد، در جامعه ایران پایه‌های نیرومند تاریخی، تجربی و طبقاتی داشت. بالآخر این واقعیت است که انقلاب‌کنونی بر درسهای تاریخی - تجربی انقلاب مشروطه (تشکیل انجمنها و خلع شاه از سلطنت)، جنبش ملی شدن نفت (اعتصابات عظیم کارگران منع نفت و تظاهرات عظیم عموم خلق) و دیگر جنبشها و نیروهای انقلابی تکیه داشت. درسهای آموزنده این انقلابات در کتابها نوشته شده بود، و اکرهم شده بود رژیم آنرا از دسترس مردم بویژه نسل جوان بدور نگاه داشته بود، ولی از خاطره مردم زدوفتی نبود و همینکه زمان انقلاب فرا رسید شیوه‌های تحریه شده و تو همه در دسترس میبازیم قرار گرفت.

بالآخره آنچه انقلاب عظیم کنونی توده‌ای خلق را از ادوار پیشین متمازیز می‌ساخت تشکل از پائین و سرعت آن بود که به معنی واقعی کلمه اعجاب آور بود. این پدیده را انقلاب مددیون دگرگونی در ترکیب جامعه ایران بود. جامعه‌ای که بیش از نیمی از نیروی کار آنرا کار مزدوری تشکیل میداد. جامعه انقلابی ایران در اکثریت خود مشکل بود از کارگران و سازیز شدگان از ده به شهر که گرچه فاقد انسجام و آکاھی پرولتا ریائی بودند، که از نقاط ضعف جدی انقلاب بشمار میرفت، ولی شکل یا بی سریع طبقاتی به آن نیروی میبخشید که هیچ قدرتی را در برابر آن یارای استادگی نبود. شکل یا بی سریع جامعه و طی مراحل تکاملی انقلاب از مبارزات ساده اولیه تا قیام مسلحه نیز تحت تاثیر و وجود چنین تحول طبقاتی مورث گرفت. انقلاب از نظر نسبت

توده شرکت کننده ، اشکال مبارزه (نمایشگاه خیابانی ، اعتمادیات اقتصادی و سیاسی) نظاهرات همکاریو با لآخره قیام مسلحانه) مهر و نشان جدی کارگری داشت ، طبقه رهبری طبقه کارگر در آن تا میان تکریدید.

هناز هم پیدا میشوند کسانیکه انقلاب ایران را دست پخت امیریالیسم امریکا میدانند و سرگرم این تبلیغ هستند که گویا همه چیز از بازی کارتر در دفاع از حقوق بشر آغاز شد . به این لبیرالهای پشمیمان شده باید گفت ، که قصه کاملاً برعکس بود . توصیه رعایت دروغین حقوق بشر کارتر به شاه نه قبل ، بلکه پس از مبارزات اعتمادی کارگران در سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ ابلاغ گردید ، سخن هنگامیکه وزیر شاه توان خودرا در سرگوب اعتمادیات از دست داده بود ، در مراحل قبلی اعتمادیات کارگران "با توافق " بایان میبافت : اما در اعتمادیات کارخانه جهان چیز در کسری در اردیبهشت ۱۳۵۲ ، در اعتماد دامنه دار رانندگان شرکت واحد در تبریز در تیر ماه ۱۳۵۳ و در اعتماد کارگران شاهی در تیر ۱۳۵۴ خاتمه اعتمادیات کشتارهای خونین و پهکارهای رزمی بین کارگران و نیروهای دولتی را در بی داشت که خبر از جو مقاومت جدی در میان کارگران علیه رژیم میداد .

در سال ۱۳۵۵ دیگر جلوگیری از اعتمادیات ممکن نبود . چنانکه اعتماد کارخانه چیز سازی تهران به مقاومت چند روزه کارگران انجامید و به رژیم شکست متفهمانه ای واورد شد . کارگران به قیمت خون پیروزی را در این اعتمادیات برای خود تا میان گردید و علا در افق تبریز دیکتا توری روزنهای بسوی آزادی گشودند . اعتمادیات کارگران در سالهای ۱۳۵۲-۱۳۵۵ تحول مطلوب و مورد انتظار در فضای سیاسی کشور را بایث شد و نه چنانکه مدعیان دروغین حقوق بشر میگویند توصیه کارتر به شاه ، طبقه کارگر ایران در دوران تدارک و تکوین مبارزات ضد رژیم نقش پیشگامی را ایذا کسرد ، بدنبال اقدامات قاطع این طبقه بود که روحانیون و جمعی از روشنفکران و سازمانهای منفی - سیاسی متعلق به دیگر طبقات با به میدان مبارزه گذاشتند . این سخن باید به تاکید گفته شود زیرا در مخالف روشنفکران لبیرال میان این ادعا وجود دارد که گویا بازگشایی فضای سیاسی ایران با منطق حقوق بشر کارتر آغاز گشت و رسالت این بازگشایی را نیز جمیعتهای منسوب به طبقات حاکم بعده داشتند . لیکن درست قصیه بیکن است . بازگشایی فضای سیاسی را کارگران ایران بعده داشتند که در جاده کرج ، در اعتماد تبریز ، در جواد شاهی و در اعتمادیات تابستان ۱۳۵۵ کشته " سیار دادند اما تسلیم رژیم خونخوار خود کارگری پهلوی نشدند . واقعیت چنین است که قربانیهای مکرر در مکرر طبقه کارگر و مبارزات راهگشای انقلاب ضد امیریالیستی و خلقی امروز بود . بدین سان انقلاب کنوتی ایران از همان بطن و کهواره انقلابی بپاشد از از میان توده زحمتکش است و نه از طبقات مرفه و متاز ، که گاه گاهی به ارث خواهی برخاسته و بر میخیزند .

### قلش طبقه کارگر در مراحل سرنوشت ساز و نهایی مبارزه علیه رژیم دست نشانده سلطنتی

ماههای بعد از شهریور تا بهمن ۱۳۵۷ را میتوان مراحل سرنوشت ساز و نهایی مبارزه

علیه رژیم دست نشانده پهلوی نا مید. حادثه خونین ۱۷ شهریور نشان داد که رژیم مرگبار شاه به توصیه آمریکا دست از "لیبرال منشی" ادعائی (آن لیبرال منشی، که عمل"هیچگاه وجود خارجی پیدا نکرد) برداشت و مصمم است با زورگلوله و مسلسل و به میدان آوردن نیرو - های ارتش جنبش انقلابی خلق را سرکوب نماید. توان اقشا رزوشنکری و داشنگاه ها و مساجد، با همه فدایکاری و از خود گذشتگی که تا این زمان در جریان نبرد علیه رژیم از خود نشان داده بودند برای درهم کوبیدن پیش از این رجایع سلطنتی تا دندان مسلح شده و نیروهای ارتقا عی و امپریالیستی که پشت سر آن جبهه گرفته بودند کافی بنتظرنمی آمد. در این شرایط دست - های قویتر و راده تزلزل نا پذیرتری لازم بود تا نه فقط پیش از ۱۷ شهریور خونین مقاومت زنده شده تا شی از آن را در محاذیک حاکمه درهم شکند، بلکه راه و سیستروفر اختر را در پیش پای جنبش عموم خلق بگشاید. این دست توانا و پرقدرت از آن کارگران بود، که بعنوان نیروی ضربتی انقلاب به صحته آمدوتا تا مین پیروزی کامل جنبش، طرد رژیم دست نشانه سلطنتی را استقرار جمهوری همچنان در صحنه ماندگرچه خودا دعای راهبری نکرد لیکن صادق ترین راهرو انقلاب خدا امپریالیستی و خلقی بود.

اما م خمینی بدفعمات به نقش قاطع کارگران در پیروزی بر رژیم دست نشانه پهلوی اشاره کرده و گفتند که این کارگران بودند که با اعتمادات عظیم و مشکل خویش گلوب رژیم خونخوار پهلوی را فشند و حان امپریالیسم حامی او، امپریالیسم آمریکا را در ایران گرفتند.

در دوران سرنوشتی ونهائی مبارزه علیه تسلط رژیم سلطنتی دست نشانه، طبقه کارگران با سلاحهای شناخته شده خود وارد مبارزه شد. ابتدا کارگران با حریبه اعتمادات اقتصادی که از سیزدهم شهریور آغاز و تا واش آبان ماه ادامه داشت به فلجه دولتی نائل شدند، سپس کارگران طی ما های آبان و آذر اعتمادات اقتصادی را به اعتمادات عظیم سیاسی فرا روان ندند و درنتیجه شهائی تلفیق همین مبارزه با اعتراضات عموم خلق در جریان ما های دی - بهمن بود که کارگران ابرگلوب گرگ درند. خوی گذاشت ابتدا شاه را به فرا روا دار نمود و سپس کا بینه فرمایشی و خائن بختیارا به زباله دان را ریخ سپرد.

از فاعله سینما رکس آبا دان در ۲۹ مرداد که به سقوط کا بینه آموزگارانجا مید تا ۲۱ بهمن که کا بینه فرمایشی بختیار سرینگون گردیده هم روزها و شبهه در ایران روزهای نبردو پیکار بسیار می‌آمد. لیکن او اس آبان، نیمه دوم آذر و هفته اول دیما که طی آنها سه موج اعتماد سیاسی پی درپی، یکی شدیدتر از دیگری به رژیم مرگبار رشاه تحمیل گردید، ما هیبت خاصی داشتند. در این سه نبرد سیاسی آشکار طبقه کارگران ایران ابتدا توطئه تعییض دولت "کشوری" شریف اما می با دولت "نظمه" از هاری را عقیم گذاشت، سپس به طرد دولت نظامی از هاری نائل آمده با لآخره با تحمیل شدیدترین و دامنه دارترین اعتمادات سیاسی به رژیم وظیفه ای را که مردم ایران از کارگران می خواستند، وظیفه طرد رژیم منفور سلطنتی و آزاد کذاشت خلق در تعیین سرنوشت را از قوه به فعل درآورد.

مجموعه مبارزات مردم ایران در آن ما های شهائی و سرنوشت ساز، مبارزاتی حماسه ای و افتخار آفرین بود. اعتراضات عظیم خلق در خیابانها، ندانهای یکزان تکبیر در پیش با مها، اجتماعات میلیونی و راه پیمائیهای ده میلیون نفری، که در همه آنها مردم ایران بیزاری و نفرت خود را از رژیم شاه و اربابان آمریکائی آن بیان میداشتند

صفحات درخشنده بی نظیری از جنبش انقلابی خلق را عرضه میداشتند و همه این مبارزات که در هر یک مدها و هزارها قربانی داده شد، در جریان انقلاب قدر و منزلت خود را داشت. لیکن جنبش اعتماداً با ت عظیم سیاسی زحمتکشان ایران، اعتماداً تی که مجموعه رژیم حاکم و بنیان اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی آن را به فلنج کشانید، جای ویژه خود را داشت. نبرد اعتمادی که مجموعه زحمتکشان ایران: از کارگران نفتگرفته تا کارکنان راه آهن، از فلزکاران و نساجان اصفهان گرفته تا معدنچیان و پاندگان زیرآب و شاهی، از صنعتگران تبریزگرفته تا قالیبا فان کرمان، با اعتماداً سیاسی خود به رژیم تحمل کردند بمعنی واقعی کلمه دورانساز بود. این نبرداً اعتمادی بین نگرنیرو و آگاهی طبقه کارگران ایران به وظایف تاریخی خود در جویان انقلاب ملی و دمکراتیک بود. این نبردی بود به معنی واقعی کلمه تاریخی و نقش اساسی را در تعیین سرنوشت جنبش و انقلاب و تا میان پیروزی آن ایفاء کرد. کارگران ایران در مرحله سرنوشت سازونهای مبارزه، با مبارزات عظیم اعتمادی خود، از مهرماه تابعمن ما، در ص مقدم جنبش عظیم خلق قرا رگرفتند و نقش نبروی ضربتی انقلاب دمکراتیک و ملی را ایفاء کردند. نبرداً اعتمادی که طبقه کارگران ایران و در پیش آن کارگران صنعت نفت ابتکار نجام و ادامه آن را تا طرد رژیم منحوس سلطنتی، در پیش گرفتند، نه تنها از نظر تعیین سرنوشت مجموعه جنبش بسود خلق، بلکه از نظر تجلی و تحقق نقش تاریخی خود طبقه کارگرداران جنبش نبردی دوران زیبود. اهمیت نقشی که طبقه کارگر در جریان پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایفاء کرد تنها در آن نبود که این طبقه را بعنوان نیروی ضربتی انقلاب به جا مه شناساند. اهمیت بیشتر در آن بود که بلوغ نسبی طبقه کارگر ادرا یفای نقش پیش آنگ به جا مهادا زیبود. اهمیت وثابت کرد که بجزای بورژوازی میرنده و درحال نزع که هیچگاه نتوانست ویا نخواست در استخلاص جا مه خود را از سلطه استعما روا میریا لیسم نقش داشته باشد، درجا مهادا زیبادا رشده و میشود. بویژه در از همان ابتدای پیدا شدن خودآما دگی خوبیش را برای مبارزه در راه رهائی ملت ایران از عقب ماندگی و از ستم استعما و امپریالیسم و نواستعما، غارتگران بیگانه و خودی با تمام نیروها علام داشته و در این راه متتحمل مدمات و فدا کاریهای بسیار شده و میشود. بویژه در شرایط کنونی که طبقه کارگر ایران حق میتوانست مدعی هژمونی در انقلاب دمکراتیک و ملی باشد طبقه کارگر ایران با اینکه نقش نیروی ضربتی انقلاب را به عده گرفت و معد لک از ادعای این نقش بسود آن اقتدار انقلابی که نظری پیشرا بیان طبقه کارگر را از مقبولیت بیشتری نزد اکثریت خلق برخوردار شدند مرغ فخر ننمود. بدینسان طبقه کارگر ایران در مرحله کنونی انقلاب نشان داد که تحمل طبقاتی پذیرش هژمونی دمکرا تیسم انقلابی را بهمراه بینش اجتناب از جمیع رویهای کودکانه، که میتوانست بزیان انقلاب و بسود امپریالیسم و ارتیاع باشد، در خود یکجا جمع دارد. چنین بینش اجتماعی پرا رزش، بزعم آنکه طبقه کارگر ایران را قادر آگاهی طبقاتی میداند، درست نشانه و علمات برخوردا ری این طبقه از شم سیاسی طبقاتی است، که بتویه خود میتوانند محصول دوران طولانی مبارزه و تجربه اندوزی باشد.

طبقه کارگر ایران نیروی ضربتی انقلاب رهائی بخش ضد امپریالیستی و خلقی کنونی بوده و هست. این خود پیروزی تاریخی بزرگی برای این طبقه آینده دارا بینده ساز جا مه ماست که بغير صحیه ای مبارزات سیاسی - اجتماعی آن ایجاد میکند هر آنکه ادعای راهبری دارد فن راهروی را بتمام و کمال آموخته باشد.

طبقه‌کارگر اساسی تربین پا یگاه اجتماعی انقلاب  
در مرحله کنونی مبارزه ضدا مپریالیستی است

ویژگی عمدۀ انقلاب ایران در آن است، که در حالیکه توده‌های واقعی این انقلاب را زحمتکشان بطور عالم تشکیل میدهند و طبقه‌کارگر با لاخن نیروی ضربتی آنست، مدد لشک مجموعه جنبش بطور عمدۀ در مراحل نهائی آن زیر پرچم ابی‌ثولوزی اسلامی قرار گرفت و در همین شرایط پیروزی و غلبه بر دشمن تحصیل گردید. این خود به انقلاب ایران ویژگی‌های خاصی بخشد. ما قصدوارد شدن در این بحث را نداریم. همین‌قدر ربا یادگوییم که بخورد طبقه‌کارگر، که هم توده اساسی جنبش و هم نیروی ضربتی آن را تشکیل میدارد، با این وضع میتوانست یکی از چند حالت زیر باشد:

یا اینکه بکلی از جنبش روی برگردانند و علم مخالفت علیه آن برافرازدی یعنی به چپ - روی کودکانه دست بزند، یا اینکه رهبری شناخته شده بورژوازی را تمام و کمال بپذیردو به دریافت جدا قل آزادیهاشی که آنان و عده‌میدادند دلخوش و بسته‌نمایید یعنی وارد در غرقاً با پورت‌تونیسم گردد، و یا با لآخره اینکه رهبری جنبش بوسیله‌ما م خمینی را که توده‌های عظیمی از جمله اقشار روسیعی از خود کارگران پشت سر آن در حرکت بودند بپذیردو در تحداباً انقلابی تربین نیروهای اجتماعی ممکن درجا ممکن در صدد سرکوب کامل ضداً انقلاب و راهکشانی انقلاب بجلوبرآید. واقعیت نشان میدهد که طبقه‌کارگر ایران به اعتبار شم سیاسی که بدان اشاره شد صحیح تربین راه را برگزید، خود را از گرایش‌های چپ روانه و اپورت‌تونیسم راست‌گرایانه بدرسی محفوظ داشت. طبقه‌کارگردان جمع و درکل خود را هم را پذیرفت که هم از امثال طبقاتی و سیاسی برخوردار است و هم دورنمای ادامه مبارزه را دربرابر دارد اند انقلاب می‌گذاشد.

برای ما رکسیست - لنینیست‌های ایران چه سعادتی با لاترا زان میتوانست منظور باشد که انقلاب ضدا مپریالیستی و دمکراتیک ایران نه تنها با شرکت و سیاست‌ترین اقشار و طبقات زحمتکش، بلکه با تامین رهبری طبقه‌کارگرداراًین مبارزه همراه باشد. مطمئناً "لنین انقلاب" شسته - رفته‌ای "مارا از بسیاری ندانم کاریها، سودرگمی‌ها و اعوجاجات انقلابی که گاه مرزاًن به آنارشیسم و بالاترا زان منتهی می‌گردد مصون و برحدار نگاه میداشت. اما با یددید در کجا و در کدام کشور چنین انقلاب" شسته - رفته‌ای "مورت گرفته است. انقلاب در همه جا با بفرنجیهای خاص خود همراه بوده است. در موردان انقلاب ضددامپریالیستی و خلقی کنونی نیز میتوان گفت که بفرنجیهای فزوون از شما راست و دروزای همه آنها این واقعیت قرار دارد که توده‌های انقلابی گرچه از زحمتکشان هستند مدد لک همین‌ها رهبری را پذیراًشده‌اند. طبقه‌کارگرها اینکه خود اساسی تربین پا یگاه اجتماعی عمل به توده مردم و کلیه طبقات و اقشار رذینفع در تحولات ملی و دمکراتیک بفهماند که حمول به خواسته‌ای که مورد نظر این طبقات است تنها وقتی میسر می‌گردد که طبقه‌کارگرها مقدرت را در اختیار داشته باشد. لیکن تا وقتی که چنین درکی درجا ممکن بوجود نمای مده طبیعی است که حزب طبقه‌کارگر موظف است تمام توان خود را در خدمت حفظ انقلاب از دستبردهاً انقلاب بکار ببرد. بخصوص که ضداً انقلاب صدباً رمحیل تر و مکاً و ترا زانست که اجازه دهد نظاماً انقلابی

جدید که دارای گرایش‌های دوگانه است ( نه از سرما به داری میتوانند دل برکنده بشه سوسیالیزم میتوانند تعاون داشته باشد، نه قاطعیت پرولتا ریا در مبارزه طبقاتی دارد و نه از تجربه حکومت کردن بشیوه خود نمونه‌های قابل اعتمادی بجهان نیان عرضه داشته است ) بسادگی بتوانند مدعینه فاضله خود را ایجاد نماید. پرولتا ریا به همه جهات ضعیف نیروی ای اموزی با او به کسب حاکمیت نائل شده آگاه است و به خطوات جدی که در کمین این حاکمیت نشسته واقع میباشد. معد لک از آنچه که در طرد حاکمیت کهنه با اقشار میانی همراه بوده و شکست انقلاب برای این اقشار بهمان اندازه مصیبت آور است که برای خودا و بدرستی ترجیح میدهد مادقاً نه با دمکراتیسم انقلابی همکام با شدوبخا طریق دستاوردها و پیشبرد و تعمیق انقلاب بحث برسر پیشوایی ( هژمونی ) را به انتخاب توده‌ها واگذا رنماید. تاریخ جنبش انقلابی در کشور ما تحمل و برداشای انقلابی را بنام پرولتا ریا و حزب سیاسی آن سکه زده است. جویان ۱۵ ماه پس از انقلاب نشان میدهد که طبقه کارگر ایران چنین تحمل و برداشای را پذیرفت و حزب توده ایران که در تئوری و تجربه مبلغ چنین برداشای بوده و هست برغم مخالفین، حزب واقعی طبقه کارگر ایران است. مگرنه اینست که مارکسیزم - لنسنیسم در انتقام با شرایط کشور ما یعنی درک درست و بموضع خواسته‌های زحمتکش که منافع طبقاتی درازمدت و خواسته‌های عملی کوتاه مدت را بهم گره زندورا هنمای عمل پرولتا ریا در شرایط مشخص موجود باشد.

طبقه کارگر ایران اساسی ترین پایگاه اجتماعی انقلاب ضد مپریا لیستی و خلقی است. با علم به این واقعیت حزب توده ایران - حزب طبقه کارگر بدرستی خاطر نشان می‌سازد که این هنوز برای تا مین هژمونی پرولتا ریا و کسب حاکمیت بوسیله آن کافی نیست. توده‌ها با یددور تجربه خود بیا موزنند و اتفاق نظر حاصل کنند، که تنها پرولتا ریا است که از قدرت حل مشکلات عظیم اجتماعی - اقتصادی که در برآ بر خلق قرار دارد بدریماید. پرولتا ریا و حزب آن بخودا جازه نمی‌دهد تا زمانی که چنین اتفاق نظری حاصل نشده مسئله کسب حاکمیت را مطرح سازد. در این دوران پرولتا ریا وظیفه خود میداند به "رقیبی" که مجموعه اوضاع واحوال کشور مسئله زمامداری را بنام او ضرب زده مادقاً در حل مشکلات و از بین برداشتن مواضع و مجاہدت به منظور تثبیت پیروزیهای بدست آمده واستحکام مواضع انقلاب کمک و باری برساند. پرولتا ریای کشیرالعده ایران پس از پیروزی انقلاب چنین راهی را برگزیده است حزب ما در فعالیت علمی و عملی خود به مثابه حزب طبقه کارگران نکاس دهنده این چنین گزینش تاریخی و تاکتیک واستراتژی است که یکبار دیگر نشان میدهد حزبی واقعاً " متعلق به طبقه کارگر است ولا غیر .

طبقه کارگر ایران ضا من معتبر پیروزیهای بدست آمده و حرکت انقلاب درجهت اعلاء و تکامل از مرحله ضد مپریا لیستی به مرحله خلقی است .

این فکردرهیئت‌های حاکمه مرتاجع و آلت دست در ایران ساخته طولانی دارد که جا معه معاصران میتوان بدون شرکت دادن کارگران در حیات اقتصادی - اجتماعی اداره کرد و حتی به حل مسائل سرنوشتی نائل آمد. اینکه پاسخ این فکر ابلنها نه را تاریخ چگونه داد و نه یک بار، بلکه بدفعات، همان سرنوشت فلکت با روزیم ساقط شده پهلوی است. آری پهلوی، پدر و پسر، هر روز کوشش داشتند، طبقه کارگر را درجا معاشران ندیده بگیرند

رضا خان ممنوع کرده بود که کلمه کارگر بکاربرند و بتوصیه ند عمله . و نخست وزیر محمد رضا ، اقبال بخود جرات میداد که از پشت تریبون مجلس بگوید " من از این کلمه اعتناب بدم می‌ایم . " و امروز که این سخن را می‌نویسیم از رضا خان واقعاً لاش شری نیست و محمد رضا بعنوان جوشوه مفساً در درروی زمین نمیتواند مفری آرام برای خود پیدا کند .

بدون طبقه کارگر کشور را اداره کردن ، بدون رعایت حقوق قانونی طبقه کارگر حکومت کردن ، این فکر ابله نه را بسیاری طبقات و زماً مداران مرتعج از دیدگر کشورها و حتی در مقیاس جهانی داشتند . سرنوشت این افکار چه بوده است ؟ با سخن سوال معلوم است و احتیاج به تکرار نیست . با این حال ما لازم میدانیم بعنوان بیدار باش به مغزهای کودکانه ای که امروز نیز حاضر نمیشوند واقعیت را پیدا کنند را ایدا آورشیم که بدون طبقه کارگر ، آنهم درجا معلوای نظریجاً معلوای ایران نمیتوان زندگی کرد . برخورداری از آزادی و دمکراسی ، اجتناب از احیاء حکومت زورو قلدری ، بوجود آوردن شرایط واقعی که مانع از برقراری اختتاق و دیکتاتوری مدهش گردد . همه اینها درگروشناسی طبقه کارگرها حترام گذاشت حقوق اجتماعی و سیاسی آنست .

طبقه کارگر ایران خا من شبیت پیروزیها بدت آمده است و این در صورتی است که آزادی فعالیت سیاسی و سدیکائی و حقوق دمکراتیک این طبقه بر سمت شناخته شود رعایت گردد . انقلاب ایران موافع اولیه را از میان برداشته و تا حصول پیروزی در مبارزه ضد امپریالیستی و نیل به هدفهای خلقی راه دشواری در پیش دارد . طی این مراحل دشوار می‌ارزه نه فقط بدون طبقه کارگر میسر نیست ، بلکه درگرو و خورداری طبقه و سازماندهی سیاسی آن - حزب توده ایران از مجموعه امکاناتی است که برای تشکیل طبقه و سازماندهی سیاسی حزب آن در شرایط آشکار و قانونی ضروری است . قانونی بودن فعالیت آزاد کارگر - ان در تجمع های منفی و سیاسی از شروط عمده اعتلاء انقلاب و تکا مل آنست .

بدون چنین فعالیتی نه فقط در نیل به هدفهای دمکراتیک انقلاب ، بلکه حصول پیروزی در مبارزه خدا امپریالیستی نیز میسر نخواهد بود . محافلی که تنگ نظرانه جلوگیری یا تحدید فعالیت حزب توده ایران را در ان دیدیه دارند ، به مقدار این گفته سعدی عمل میکنند که میگوید : یکی بر سر شاخ و بن میپرید ...

بلی درخت آزادی و دمکراسی در کشور ما بال و پرخواهد گشترد مگر آن که یکی از شاخه های مهم این درخت شناور که جزو لاینک دوا موقعاً درخت آزادی شمار میرود بینی طبقه کارگر و حزب توده ایران ، در فعالیت قانونی خود آزاد باشد .

انقلاب احتیاج به نیروهای احتمالی مشکل دارد . در شرایط کنونی چه نیروی بیش از کارگران ، بالقوه برای جنین تشکل آمادگی دارند ؟ لیکن ضعف این نیرو در عدم تشکل بالفعل صفتی و سیاسی آنست . بنا بر این تشکل صفتی و سیاسی کارگران بعنوان مهمترین وظیفه ، در برآبر انقلاب قرار میگیرد .

در انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی کنونی طبقه کارگر ایران نه فقط آغازگر مبارزه ای عظیم و میلیونی بود ، بلکه نیروی ضربتی آن شمار آمد و در لحظات حساس نهایی نیروی خود را رای سرکوب رژیم سلطنتی وابسته و پیروزی خلف بکار برد . با این وجود طبقه کارگر

موفق نشدنش بیشواری انقلاب را برای خودتا مین نموده دیگر طبقات مبارزه‌ذینفع در مبارزه علیه امیریالیسم و ارتاج را زیربرجم خودگردآورد. طبقه‌کارگران تا روزیکه به‌همیت تشكل در حزب سیاسی خودبی نبرد، ولوبزرگترین فداکاریها را در جریان انقلاب بعمل آوردند لکه‌حای کمیت نخواهد رسید. ضرورت تشكل در حزب طبقه‌کارگر- حزب توده ایران، اینست عمدۀ درسی که از حوا داد اقلابی یک‌ساله‌ای خیرگرفته می‌شود.

هر انقلابی محتاج حمایت و پشتیبانی متکل از جانب آن نیروهاشی است که بلا اسطه از انقلاب نفع می‌برند، ازا انقلاب خدا مپریا لیستی و خلقی ایران در درجه‌اول کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشکران منصب به‌این طبقات نفع می‌برند. بدینجهت حمایت متکل ازا این انقلاب درنوبه‌اول وظیفه‌این طبقات است که بر شمردیم و در راس همه و قبل از همه طبقه‌کارگران ایران است که باید بطور متکل ازا انقلاب خدا مپریا لیستی و خلقی کنونی حمایت و پشتیبانی بعمل آورد و این میسر و ممکن نیست مگر آنکه کارگران به‌تشکل صنفی و سیاسی دست یابند.

حزب ما قبل ازا انقلاب ضرورت تشكل صنفی کارگران را یاد آورده است. "دنیا" در نوشتۀ‌ای تحت عنوان "طبقه‌کارگر و مبارزات ضد دیکتاتوری" که در مرداد ۱۳۵۷ انتشار یافت بهمراه اقتدار، بکارگران هشدارا داده با استفاده‌ای موقعيت "فعالیت آزاد استندیکائی، اتحادیه‌های خود را زقوه‌بغل در آورند و از پنجه میلیون نفری خود را به مورث نیروی محدود و مجهزی متکل سازند" (مرا جمه شودیه "دنیا" مرداد ۱۳۵۷، صفحه ۱۴)

در جریان مبارزه‌ضد دیکتاتوری و سپس انقلاب دمکراتیک و ملی کارگران شکه‌گشترده استندیکا و اتحادیه‌های قلابی و پلیسی‌ای از هم درین دنده خود را از قبید و بندنا بین سازمانهای قلابی که بر زیم و باسته‌پهلوی و امیریا لیسم خدمت می‌کرد، رها ساختند. لیکن شگفتی کار در آن بود که به همراه سازمانهای قلابی استندیکائی و اتحادیه‌های کارگران شفیربا "بکلی از سازمانهای صنفی روی برگردانند و بکلی بساط هر نوع تشكیل را در هم ریختند. گوئی عیب و نقص در خود استندیکا ها و اتحادیه‌ها بود و نه در هیئت رهبری و تحملی این استندیکا ها و اتحادیه‌ها بدبستان پایه نظم و تشکل کارگری که قدرت کارگران در وجود آنهاست بهم ریخته شد و کارگران بقول معروف آب لکن را بهمراه بچه‌ای که در آن شسته شده بودند و در ریختند. بجهه که احتیاج به نگهداری و مواضعیت و مر-اقبت داشت همان سازمانهای صنفی تجدید سازمان داده شده بود که می‌باشد بجهه نگهداری و شکل تازه تشكیل اقلابی- نهاد شورا ای حفظ می‌شود و تقویت می‌گردد. متن سفاه‌چینی شد و در جریان انقلاب و پس از آن اهمیت تشكیل در سازمانهای صنفی استندیکا و اتحادیه‌به هیچ شمرده شد که ضربت جدی به طبقه‌کارگران در آورد. برخی نیز داشتند که نداشته‌های این تشكیل شورا را جا نشینند استندیکا و اتحادیه‌ها ساختند و بدینسان سردرگمی در مسائل تشكیلاتی کارگری بوجود آورند که در نتیجه‌نهایی جزپراکنندگی تشكیلاتی و سازمانی کارگران فایده‌ای از آن بدست نیامد، آنهم در لحظه‌تا ریخی که بیش از هر وقت دیگری وجود تشكیلات برای طبقه‌کارگران ضروری بوده و هست.

در این نوشته‌جا بحث در تفاوت بین سازمانهای صنفی و اقلابی کارگران نیست. ما فعلاً بهمین مختصر قناعت می‌کنیم که تذکردهیم استندیکا و اتحادیه‌ها دهای صنفی هستند و شوری شهادی اقلابی است. استندیکا و اتحادیه‌های بعنوان انجمنهای صنفی از نظر تشكیل صنفی کارگران ورعا بیت حقوق خاص صنفی آنان ضرورت دارد حال آنکه تشكیل در شوری امیریست اقلابی و عموم‌خلقی وجود آن از نظر حفظ و حراست دستاورد های اقلاب ضرور است. انجمنهای صنفی (استندیکا و اتحادیه) سازمانهای ضروری هستند که وجودشان قبل و بعد از انقلاب

ضروری است و دروغظاً یف آن تغییری حاصل نمیشود. حال آنکه شوری نهادی است که در جویان انقلاب پدیدار میگردد و به نسبت آنکه تحول انقلابی به چه مرحله‌ای رسیده باشد و ظاً یف واختیارات آنان تغییر می‌پذیرد.

درین مورد میتوان بحث را بدراز اکشاند. لیکن به اختصار میتوان گفت که انجمنهای صنفی (سنديکا و اتحادیه) و شوری یکدیگران غنی نمیکنند، بلکه یکدیگر را تكمیل میکنند. شکل کارگران در انجمنهای صنفی (سنديکا و اتحادیه) از نظر ایجاد شوراهای واقعی و هر کجا که این شوراهای وجوددارند ضروری است و بنا برای تخطیه انجمنهای صنفی کارگران (ایجاد سنديکا و اتحادیه) بنام آنکه شوری وجوددارد اگرا زاسadelوحی سرجشه نگیرد قطعاً از غرض سرجشه میگیرد که هدف آن محروم داشتن کارگران از حربه اساسی و املی شان یعنی تشکلشان است. طبیعی است که کارگران خود به این مسئله واقفندوهم اکنون احساس ضرورت تشکل یا انتخاب رسانهای صنفی (سنديکا و اتحادیه) حتی در واحدهای کارگری که از نهاد شوری برخوردارند بیش و بیشتر احساس میشود. در مورد این مسئله باز هم صحبت با قیست که بموضع خود شرح لازم داده خواهد شد.

در جنبش کارگری ایران در مرحله کنونی نقیمه‌ای بزرگ و بسیار ربا اهمیت وجوددارد که هر چه زودتر بهمت خود کارگران باید از میان برداشته شود. ما در کشورمان به تحقیق بیش از پنج میلیون نفر کارگرداریم که متسا فا نهادی یک دهم اینها همد رسانهای صنفی (سنديکا و اتحادیه) و حتی شورایی مشکل نیستند. این بدترین و مهیب ترین بلوار شیوه شومی است که رژیم مستگر، غدار و خونخوار را ووا بسته و آلت دست پهلوی پدر و پسر را کارگران ایران به ا Rath گذاشتند. اکنون که قانون اساسی جمهوری اسلامی هم تشکل صنفی (انجمنهای صنفی) و هم تشکل شورائی کارگران را در اصول مصوبه خود برسی مت شناخته با پدھرجه سریعترا این نقیمه عظیم که شناه عقب ما ندگی جنبش کارگری ایران بوده و قبل از همه زیان آن متوجه کارگران و انقلاب ضدا مپریا لیستی و خلقی ماست از میان برداشته شود. بدینسان میتوان بدستی این رشتہ را با این شعار بپیمان رسانید.

کارگران ایران بپیش به سوی تشکل سیاسی، صنفی و شورائی!..

## برقرار باد

### اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران

## در جبهه متحد خلق

# ★ نقش زن در انقلاب ایران

ف. پ آزاد

★ برای توضیح و شناخت نقش زن در انقلاب ایران ناگزیر باشدتا حدودی وضع و نقش او درگذشته مورد بررسی قرار گیرد.

تا پیدایش ما رکسیسم همیشه مورخان، نهضتها مردمی و موفقیت‌های بزرگ را در تاریخ به سردا رویا فرماده بی‌گانه نسبت داده اند و تنها یک نفر را شاخص قرار داده و را مدح و شنا کرده‌اند.

نقش توده مردم‌نه مهرک واقعی این جنبشها بوده‌اند نادیده گرفته شده است و اگر هم نامی از آنها برده شده با برshima رای کشته شده‌ها و ذکر فجایع و ویرانه‌ها خاتمه پذیرفته است و به خصوص هرگز تا می‌از زن وستی که برآورفت و نقش او در این کارزارها برده نشده است، در صورتی که بدون او وهمکاری او هیچ نهضتی نمی‌توانست و نمی‌تواند پیشروی نماید.

در طی این دو قرن اخیر، جسته گریخته اشاره‌های به زنها شده است و مورخین ناگزیر شده‌اند که هنگام شرح عصاینهای دهقانی از شرکت زنان هم بنویسند. پس برای پی بردن به نقش زن در انقلاب اخیر ایران، باید از گذشته‌هم یا دکرده و به خصوص یا داور شد که شرکت عظیم توده‌های میلیونی زن در مبارزات و تظاهرات این سالهای اخیر بی‌سابقه نبوده، بلکه دنبال مسلسله‌ای است از تبردها که در تاریخ گذشته این سرزمین فرو رفته است.

## زن و انقلاب مشروطیت

انقلاب مشروطیت ایران، یکی از توده‌ای ترین و فراگیرترین جنبش‌های آزادخواهی

در قرن اخیر است، این انقلاب که با فداکاری واژخودگذشتگی مردم قهرمان ایران بر زمینه های عینی و ذهنی موجود آن زمان تحقق یافت، صفحه درختانی در تاریخ مبارزات مردم ایران و جهان است سلطه بیگانگان واستشمار مستعمراتی آنان، زورگویی های مداوم و خارج از تحمل، انعقاد قراردادها ودادن امتیازهای راهنمایی به خارجیان، باعث شکل گرفتن مبارزه عظیمی علیه استعمارخواهی و فئودالیسم واستبداد در داخل ایران شد. زنان ایران نیز در این انقلاب خلقی نقش بزرگ و بارزی به عهده داشتند و در لحظه با توجه به امکانات محدود خود، با فداکاری واژخودگذشتگی کمنظیری نقش تاریخی خود را ایفاء کردند. یکی از جلوه های درخشنان نبردهای قهرمانانه زنان را میتوان در جریان جنبش تنبکو مشاهده کرد. اگرچنانچه تنبک کورا مشکل ترین جنبش فداستعما ری قبیل ازانقلاب مشروطیت و درستیجه سرا غازی برای آن بدانیم، نقش زنان بشکل برجسته ای در این جریان بازنایم می یابد. شرکت گسترده آنان در میتینگها و تظاهرات، از جمله تظاهراتی که علیه تبعید میرزا آشتیانی صورت گرفت، ستایش انگیز است. از این گذشته در سال ۱۲۲۴ ه.ش زنان بطور گسترده و همه جانبه ای در جریان قیام علیه محکران غله نیز شرکت داشتند.

در طول مبارزات علیه استعما را مستبداد، با مراعمه تاریخ میتوان از لابلای صفحات آن فعالیت این نیمه جایی ناپذیرجا معه یعنی زنان را مشاهده کرد. در این باره در تاریخ مشروطیت چنین میخواهیم: "یکی از پذیردهای نوین در جریان این تحریکات انقلابی، جنب وجوشی بودکه بین زنها بوجود آمد. این مستوره های درون حرم را که نمیباشد مداریشان به گوش نا محرم بر سدا ینک به میدان نبرد کشا نماید. آنها را من بینیم که در تظاهرات عمومی به نحو موثری شرکت میکنند. جلوی کا لسکد شاه را میگیرند و انجام خواسته ای علمای دین را از او میخواهند. به خانه روحانیون می روند و آنها را از خانه بیرون می آورند تا از خواستهای مردم پشتیبانی کنند. با سربازان گلاییز میشوند، به محاصره شدگان در مسجد آباب و نان می رسانند، تا آنچه که عین الدوله به قوای صلح دستور میدهد که از بیرون آمدن و اجتماع آنها جلوگیری کنند".<sup>(۱)</sup>

پس از صدور فرمان مشروطیت نیز، زمانی که برای تأسیس نخستین بانک ایرانی به مردم روی آورده شد، این زنان زحمتکش ایران بودند که در این مهم پیشقدم شدند و در این مورد دخاطره جا و دان زن رختشوی پیزی قابل ذکر است که با نهایت بزرگواری همه دستور نیز خود را، که یک توان بود، تقدیم کرد.

طی دوران انقلاب مشروطیت، زنان در همه عرصه های حیات اجتماعی، چه در بخش جبهه برای تهیه غذا، کمک به زمیندگان، نگهداری از کودکان و چه در جبهه باکسوت مردانه برای مبارزه با سلطه جویان، شرکت فعال داشتند.

پس از اعلام مشروطیت و بعد از افتتاح دوره دوم مجلس، در تهران، کلوبی به نام "کلوب ملی زنان" تأسیس شده که هدف آن مبارزه علیه استعما رخواهی بود. در سال ۱۳۲۸ ه.ق.، انجمنی به نام "مخدرات وطن" بسیاری از زنان آزادیخواه را گردخود جمع کرد.

### مقامت زنان در دوران رضا خان

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و آزادی زنان در کشور همایه ما، زنان ایران را به

(۱) تاریخ مشروطیت، نوشته احمد کسری

حرکت در آورد. جمیعت‌ها و انجمنها تشکیل شد که پیش‌روترین آنها با تاسیس دبستان و دبیرستان دخترانه، کلاس‌های بزرگ‌سالان و کتابخانه عمومی برای زنان، ترتیب نهاده شد و انتشار روزنامه مogenده‌ای اعلان سطح سواد فرهنگ زنان مدد می‌رسانند. از جمله میتوان از جمیعت "نسوان وطنخواه" نام برده که خواهان تامین واحیا، حقوق زنان بود. پس از چند سال از درون این جمیعت، "جمیعت بیداری زنان" بوجود آمد که زنان و دخترانی را که طالب فعالیت و سیاستی بودند در خود مشکل ساخت. در سال ۱۳۵۱ "جمیعت پیک نسوان" در رشت تاسیس شد که با ایجاد کلاس‌های اکابر، خیاطی و گلدوزی توانست پیوند گسترده‌ای با قشرهای مختلف زنان برقرار رساند. هم‌باز این جمیعت با روزگار ششم مارس بعنوان روز بین‌المللی زنان برگزار شد.<sup>(۲)</sup>

حزب کمونیست ایران که در سال ۱۳۹۹ تأسیس شد، نه تنها از جمیعت‌های متفرقی زنان با تمام نیرو پشتیبانی کرد، بلکه خود نیز نخستین حزب سیاسی ایران بود که پرچم مبارزه را برای تساوی حقوق زن و مرد برافراشت. این حزب به پیروی از آموزش لینین که "پرولتاویانی تو اند خود را آزاد کنند، بدون آنکه برای آزادی کامل زنان مبارزه کنند"<sup>(۳)</sup> به مسئله جلب زنان به مبارزه برای آزادی توجه نمود. حزب کمونیست ایران در دو میان کنگره خود (سال ۱۳۵۶ شمسی) برخی از خواسته‌های زنان، یعنی مواد مربوط به "منع کارشانه برای بانوان و زنان" و "مرخصی با مواجب برای زنان آبستن در مستد چهار رهفته قبل و چهار رهفته بعد از وضع حمل" را در برداشت مبارزه از خود قرارداد. ولی با روی کار آمدن رضا خان و تحریک تدریجی پایه‌های دیکتاتوری او، سرکوبی جریانهای متفرقی نیز آغاز شد و جمیعت‌های پیشرو زنان متخل و اعضاً بر جسته‌آن روانه زندان گردیدند.

نیازمندی نوپای ایران به نیروی کار از زنان و مسئله تجدیدنامه، رضا شاه را در پانزده میان سال حکومتش و داشت که فرمان کشف جباب را، آن هم با آن شیوه‌های خشن، صادر کند.

در دوران رضا شاهی، نه تنها برای آزادی زنان از بنددهای قرون وسطی قدیمی برداشته نشد، بلکه قوانینی مانند قوانین مدنی به تصویب رسید که زن‌جیرهای ستم و تبعیض را بر دست و بای زنان محکم‌تر کرد و بر اصل هشتم قانون اساسی "اهمی مملکت در بردا بر قانون متساوی الحقوق هستند" خط بطلان کشید و زنان را در شمار دیوانگان محسوب و از حق شرکت در سروشوتشان محروم کرد.

### مبارزات زنان پس از شهریور سال ۱۳۴۰

در شهریور ۱۳۴۰، حکومت دیکتاتوری رضا شاه سقوط کرد و مبارزات زنان با سقوط او بعنوان دستیار رژیم فاشیستی هیتلر، وارد مرحله نوینی گشت. حزب توده‌ایران در مهر ماه ۱۳۴۰ با شرکت عده‌ای از مبارزان گذشته تأسیس شد. بحث ششم ولین مرا منا ممه این حزب اختصاص به زنان داشت و در آین بخش از جمله گفته می‌شود: "کوشش در توسعه حقوق اجتماعی و برقراری حقوق زنان، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در مجلس مقننه و انجمن

(۲) مجله "دنيا" شماره ۲، سال اول، ۱۳۴۹، صفحه ۱۹

(۳) لینین، جلد ۳، صفحه ۲۶۳

های ایالتی و ولایتی، بهبودا وظایع مادی و تأمین استقلال اقتصادی زنان، تاسیس و افزایش موسسات حمایت ما دران و کودکان بی بپا اوت، تساوی حقوق زوجین و تجدیدنظر در قوانین زناشوئی و طلاق و درمورد کارگران علاوه بر مواد دزدکر شده، تساوی دستمزد کارگران زن و مرد واستفاده زنان کارگر و مستخدم آزمراختی با دریافت حقوق".

فراکسیون پارلمانی حزب توده ایران در مجلس چهاردهم برای نخستین بار در تاریخ کشور، پیشنهاداً گذاشت حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را به مجلس بردولی شاه مخلوع بددست نمایندگان مزدور خود، مانع از تصویب این طرح شد. در آغاز سال ۱۳۴۲، "تشکیلات دموکراتیک زنان ایران" رسماً فعالیت خود را آغاز کرد و به تجهیز و تشکیل زنان و دختران در راه مبارزه برای بددست آوردن حقوق خود آزادی پرداخت.

"تشکیلات دموکراتیک زنان ایران" بر نام مکار خود را با شعارهای مبارزه علیه فاش نمی‌نماید. در راه صلح، مبارزه برای دستمزد مساوی با مردان در مقابل کار مساوی آغاز کردو از طریق تشکیل کنفرانسها هفتگی، زنان را مشکل کردن و نیز کلاسها را مبارزه با بیسوادی برای آنان تاسیس نمود. دیری نیا شیدکه مجله "بیداری ما" بعنوان ارگان تشکیلات انتشار یافت.

برخلاف ادعای رژیم طاغوتی که جنبش آزادیخواهان خلقهای آذربایجان و کردستان و تشكیل حکومتهاي محلی را در سال ۱۳۴۴ تحریک و تعریض بیگانگان بخاک ایران قلمداد میکرد، در زمان کوتاه حاکمیت مردم برایین دو استان، قدمهای بسیاری در جهت منافع زحمتکشان برداشته شدکه از جمله تاسیس حقوق برای زنان با مردان بود. با این ترتیب برای نخستین بار زنان در این دو استان از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برخوردار شدند. نبرد زنان در مقابل یورش ارش طاغوت و خونریزی دزخیمان شاهنشاهی برای سرکوب این جنبش مترقبی، شجاعانه و قهرمانانه بود. ولی سرانجام قیام خلقهای کرد و آذربایجان بددست امپریالیسم انگلیس و آمریکا و عوامل داخلی آنان سرکوب شد و "حزب توده ایران" و "تشکیلات دموکراتیک زنان ایران" با صحنه‌سازی پانزده بهمن ۱۳۴۲ غیرقانونی اعلام شدند و از فعالیت علمی بازماندند.

بعد از دستگیری عده‌ای از آزادیخواهان در سال ۱۳۴۲، خانواده‌های زندانیان به رهبری "تشکیلات دموکراتیک زنان ایران" برای آزادی زندانیان فعالانه مبارزه کردند. زنان با شعارهای "شوهان، پدران و برادران مار آزا دکبید" در مقابل مجلس تظاهرات کردند و چندتاره از آنان علیرغم تهدید نظا میان، خود را به داخل مجلس اندادند و روزهای در آن جا تحصن کردند.

### مبارزات زنان در دوران ملی شدن صنعت نفت

با سرنگونی حکومت رضا شاهی و عاقدهای ردا دیا ظل ۱۹۴۳ نفت، کلیه نیروهای ملی و مترقبی در اطراف شوار لغو آن قرار داده دوملی کردن منابع نفت گردید. در هم آمیزی مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی، منفرد اختن ارتجاع در باری و تمرکز قوای مردم در اتحاد بالقوه خدا امپریالیستی "حزب توده ایران" و "جهه ملی" بر هری دکتر محمد مصدق، نقشه‌شوم امپریالیسم و در باره از تحمیل فرادراد الحاقی، پوح و بر ملا ساخت. تصویب قانون ملی شدن نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۴۹ و حرامی آن باروی کارآمدان دولت ملی

مصدق نتیجه بخش گردید. توطئه های خائنانه شاه و دربار علیه ملی شدن نفت منجر به وقایع ۲۳ تیر ۱۳۴۵ و ۳۰ تیر ۱۳۴۱ و نهم اسفند همان سال گردید. تظاهرات ۲۳ تیر ۱۳۴۵ که علیه ورود "هایران" به ایران انجام گرفت، بخون کشیده شد. زنان دلیران نموده مقابله تانک ها و سرنیزه ها ایستادند. آنان دوش مردان به طرف تانک ها دویدند و فریا دکشیدند: "ما از پای نخواهیم نشست و انتقام خون عزیزان را خواهیم گرفت".

در دوران مبارزات از ۲۵ تیر ۱۳۴۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۴۲ در تمامی تظاهراتی که از سوی "جمعیت مبارزه با استعمار" و سایر سازمانهای دموکراتیک ترتیب داده میشد، زنان فعالانه شرکت داشتند. در همه پرسی که در روز ۱۲ مرداد ۱۳۴۲ به منظور انتخاب دوره هفدهم مجلس شورای ملی انجام گرفت، زنان برای نخستین بار بیهوده صندوقهای رای رفتند و در تعیین سرنوشت کشور خود شرکت کردند.

در تمام مدت اعتراض مجدد جنبش یعنی در سال های ۱۳۴۲-۱۳۴۹، زنان عضو "حزب توده ایران"، "تشکیلات دموکراتیک زنان ایران" و "سازمان زنان ایران" مبارزه برای تساوی حقوق خود را تشدید کردند و بیویژه برای حق شرکت در انتخابات، مبارزه گسترده ای را آغاز نهادند. ماموران شهریانی و رکن دوم ستاد رتشاه به میتینگ های انتخاباتی و حشیانه یورش برداشتند و زنان و دختران را روانه زندان ها کردند، پاسخ شاه به زنان و دختران متطرقی و حق طلب مشت ولگد وزندان بود.

### مبارزات زنان پس از کودتا ۱۳۴۲

پس از کودتا ننگین، ۱۳۴۲، دستگیری های دسته جمعی و یورش های شبانه پلیس مزدور آغاز شد. زن و شوهروگاه تما می یک خانواده را به زندان می افکنند. در این هجمه های وحشیانه زنان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و از ضربات شلاق، باتوم و لگد بی نصیب نمی ماندند. اگر در خانه ای کارت عضویت در "حزب توده ایران" و یا قبض رسیدگمکهای مالی به جمعیت های مترقبی بدست می آمد کلیه ساکنین آن خانه روانه زندان نهادند. اما علیرغم زنده ها و یورش های رژیم کودتا، زنان مبارزه زندگی از پای شنستند. اگرچه خانه "سازمان زنان ایران" با سرنیزه اشغال گردید، ارگان مرکزیش توقیف شد و زنان هرگونه امکانی را در جهت فعالیت سیاسی علمی از دست دادند، اما مبارزه به شیوه های دیگر ادامه داشت.

بنها ن ساختن مبارزین تحت تعقیب و محکومیت به اعدام، برقراری ارتباط میان هسته های فعل حزبی، تما س با خانواده های زندانیان و داخل زندان، بی جون و چرا یکی از عصده ترین فعالیت های زنان بود.

هنوز اعدا مهای دسته جمعی به پایان نرسیده بود که موج ناراضی و اعتراض مردم باز دیگر اوج گرفت. امواج پیاپی اعتضابات کارگران، تظاهرات داشت آموزان در ۲۰ دی ۱۳۴۸، کد طی آن ۸ نفر کشته شدند، نشانگر بحرانی بود که با ردیکار کارگران و رژیم دست نشانده پهلوی را به لرزه درآورد.

اعتضاب کارگران نفت خارک، کارگران بندر شاه هپور (خمینی) و کارگران کارخانه قند و رامین با اعتضاب عظیم کارگران کوره بیرون از در تابستان ۱۳۴۸ دستیال شده در آن زنان نقش موثری داشتند.

(۸۱)

"۲۰ هزار کارگر کوره پزخانه علیه شرایط کشیده کا روسختی محنت آلود آن دست به اعتصاب زدند... بدی فوق العاده شرایط کار، ساعات طولانی و بی بندوبار کار، فقدان هرگونه تامین در زندگی، نازل بودن سطح دستمزد، سی هزار زن و مرد و کودک را در حال اسارت و در شرایط برگزینی کا مل نگهدا شته بود. در ۳۱ تیر ۱۳۲۸، این توده ستمکش که همه راهها را به روی خود بسته دیدند، متول به اعتصاب شدند. اعتصاب که در شرایط سلطنه سازمان امنیت و در زیر گوش مقامات پلیس صورت میگرفت، کارآساني نبود. سایه شوم پنهانی میشد. مسلم بودکه دستگاه حکومت کوادتا با تمام قوا در صدد واهدآمد. اما دشواری زندگی بحدی بودکه ترس از مرگ را از بین



هیچ جنبشی بدون دخالت زن، توده ای نیست

حکومت کوادتا با کینه و خشم وحشیانه مقابله با اعتصاب برآمد. نانکها وزره-پوشاها به حرکت درآمدند. دستگات نیروهای مسلح که طبق اعلام رسیده<sup>۴</sup> زیرفرمان جلال سازمان امنیت سرهنگ زبیا بی، فرار داشتند، مأمور فتح و تصرف کوره پزخانه ها شدند... اطلاعات نسبتاً "دقیقی که بعدها از جریان فاجعه بدست آمد حکایت داشت که در طی پیورش نیروهای مسلح بیش از ۵۰ کارگر اعم از زن و مرد و کودک کشته و عده بیشماری نیز مجرح گردیدند که بعضی از آنها روزهای بعد در بیما رستاناها درگذشتند." (۴) هنوز مدتی از اعتصاب کارگران کوره پزخانه نگذشته بود که کارگران کارخانه وطن،

دست به اعتصاب زدند. در این اعتصاب، زنان کارکرکت فعال داشتند. هما نظور که انتظار میرفت این کارگران، جواب خود را با زبان مسلسل شنیدند و عده کثیری محروم و یا دستگیر و روانه زندانها گردیدند.

خون کارگران کارخانه وطن برخاک می‌جوشید که فاجعه کارخانه‌شها باز اصفهان رخ داد. پنج هزار کارگر این کارخانه علیه ظلم و استثمار کارفرمایان دست به اعتصاب زدند. زنان کارگر با تقامای اضافه دستمزد در این اعتصاب نقش بسیار ارزشمند ایجاد شدند. این کارگران خواهان اجرای قانون کاررسودند. اعتصاب با حمله وحشیانه پلیس در هم‌شکسته شد.

همراه با تشید نارضائی مردم و اوجکبری جنبش، رژیم کودتا و سازمان جهنمه امنیت نیز بر فشار خویش می‌افزودند و در بی هجمهای وحشیانه خود، بدشکوه و سیمع سیمدوپا نمد نفری در کردستان و آذربایجان دست یافتند. در این مبارزه دشوار نیز زنان شرکت فعال داشتند. از میان دستگیرشدگان ۲۵ نفر را که یکی از آنها زنی از آذربایجان بود دستچین کرده و برای محاکمه به تهران آوردند. از این عده پنج نفر به اعدا موبقیه به حبس ابد و زندانهای طولی‌المدت محکوم شدند. اما این اعدا مها و دستگیریها نمیتوانند جنبش روبروی اوج مردم را سرکوب کنند. تنظیمات مختلف مردم هر روز دامنه وسیعتری می‌یافتد. در تظاهرات معلمین پا یتحت که به خون کشیده شد، زنان فرهنگی نقش بسیار بر جسته‌ای داشتند و نیز در راهپیمایی‌های که به مناسبت اعتراض به کشته شدن دکتر خانعلی برپا می‌گردیدند. گروه زیادی از راه پیمایان رازنایان تشکیل می‌دادند.

در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، تنظیمات باشکوهی بر علیه رژیم کودتا در تهران و قم و برخی نقاط دیگر برگزار شد. جلادان رژیم در مدرسه فیضیه قم بسیاری از طلبه‌های جوان را از پشت باها به زیرانداخته و در نتیجه صدها نفر از آنها به قتل رسیدند. زنان ایران نیز دوش سا بر مردم در این تظاهرات خدر رژیم شرکت فعالانه داشتند. این تظاهرات بطرز وحشیانه‌ای از طرف تنظیمات باشکوه خون کشیده شدند و زنان رازنایان و مردان شهید شدند.

همزمان با تشید تنظیمات از جمعه‌ای درونی جامعه‌ای، شرایط جهانی نیز تغییر می‌یافتد. برچیده شدن بساط سلطنت فیصل در عراق، از هم‌پا شیدن بساط مندرس در ترکیه، گسترش نهضتها ای رهای بخش در سراسر جهان، شاهزاده را بآتش را برایان داشت که تنها با تکیه بر زور نمی‌تواند به حکومت خود داده دهد. شاه و آمریکا به عقب نشینی‌های ظاهروی و ادارشند که حاصل آن، رفته‌های بودکه شاه آن را "انقلاب سفید" نامید.

#### مبارزات زنان از سال ۴۱ به بعد

بررسی شرایط اقتصادی - اجتماعی ایران در دهه ۴۱-۵۱ یعنی ده سال پس از بیان اصطلاح "انقلاب شاه و ملت" نما بانگرا این واقعیت است که در پایان این دهه برخلاف ادعاهای شاه و دستیارش هویدا، نه تنها "مردم ایران از کارگر و دهقان در رفاه و آسایش" نبودند، بلکه علیرغم تغییراتی در وضع اقتصادی کشور، فقرتوده‌های وسیع زحمتکش شتاب فرازینده‌ای به خود گرفت. رشدی بندویار مناسبات سرمایه‌داری در ارتبا با امپریا لیسم جهانی والغای هرگونه حقوق و آزادی‌های دموکراتیک، زندگی مادی و معنوی زحمتکشان ایران را هرچه بیشتر دشوار نمود.

شکستن دایرۀ محدودمنا سبات ارباب - رعیتی ( آنهم بطورنیمیند )، گسترش بازار مصرف و تهیه نیروی کارازان ( ازنتایج اصلاحات ارضی شاهانه ۱ ) بهمراه افزایش بیسابقۀ صادرات نفت و درنتیجه غارت هرچه بیشتر منابع طبیعی، باعث رشد و توسعه سیستم سرمایه‌داری وابسته گردید.

رشد کاذب و رونق بینا رکونه اقتضا درزیم، دیرنیپا شید. عدم تمايل به گسترش صنایع داخلی، ایجاد دور شکستگی درکشا ورزی، استفاده از درآمد نفت در راههای غیر تولیدی ( بویژه هزینه‌های نظامی )، واردات روزانه فزون کالاهای مصرفی، بازگذاشت دست انحصارها خارجی و سرمایه‌داران داخلی در غارت کشور کار را به ازهتمایش اقتضا دکشورو تورم شدید کشاند.

نرخ تورم در سال ۵۳، به رقم ۱۵/۵ درصد یعنی بالاترین نرخ تورم پس از جنگ جهانی دوم رسید ( ۵ ) و در آین حذفی موقوف نماند در سال ۵۴ به ۲۲ درصد بالغ گشت. ( ۶ ) افزایش عظیم درآمد نفت که میتوانست با بکارگیران در زمینه‌های تولیدی، اقتصاد کشور را رونق دهد وزندگی زحمتکشان را به بود خشده درجهت نجات انحصارها رو بور شکستگی امیریا لیستی، گسترش واردات مواد غذائی و کالاهای مصرفی، خریدهای سنگین تسلیحاتی و پرکردن کیسه‌های انحصارهای خارجی و چهار و نیم کران داخلی، به غارت رفت.

در بودجه سالهای ۵۳ و ۵۴ مبالغ ۱۶۱/۲ و ۱۷۶/۵ میلیارد ریال یعنی مجموعاً ۳۰ میلیارد ریال بیش از درآمد نفت در سال ۵۲، جهت وام و سرمایه‌گذاری خارجی و در بودجه سال ۵۴ مبلغ ۵۲۵/۳ میلیارد ریال یعنی ۲۱۰ میلیارد ریال بیش از همین رقم جهت هزینه‌های وزارت جنگ در نظر گرفته شده بود. ( ۷ )

ارقام زیر که از آمار رسمی دوران پهلوی استخراج شده اندگویای حقیقت در دنباسک زندگی توده‌های وسیع زحمتکش طی دوران " رونق اقتصادی " میباشد:

در سال ۱۳۴۸، هزینه مصرفی روستا نشینان ایران بطور متوسط از ۹۵۰۰ ریال ( در سال ) کمتر بوده است ( اطلاعات هوا بیی ، ۲۵ بهمن ۱۳۴۹ ) که هزینه مصرفی سرانه بیش از ۳۸ درصد از این روستائیان کمتر از ۳۸۵۹ ریال بوده است ( نتایج آمارگیری بودجه خانوار در مناطق روستایی کشور، نشریه شماره ۸ سال ۴۷ از انتشارات مرکز آمار رصفه ۸ ) درآمد متوسط سالانه کارگران ساده مناطق شهری ایران در سال ۱۳۵۰، حدود ۳۵ هزار ریال ( ۲۵۰ توان در ماه ) بوده است ( آمار روزارت کاروا موراجتماعی، " نتایج آمارگیری نیروی کار از خانوار جماعت شهری " نشریه مقدماتی شماره ۲۲۵ صفحه ۱۶ ).

با لاترین رقم ادعای شده برای مصرف سرانه گوشت از سوی رژیم پهلوی در سال ۱۳۴۹، برابر ۱۵/۵ کیلوگرم در سال بوده است ( تلاش شماره ۲۳ ) . با احتساب نتایج آمارگیری وزارت کاروا موراجتماعی در منابع داریم یا بیم که مصرف سرانه گوشت در روستاها فقط ۴ کیلوگرم در سال بوده است.

هزینه سرانه ۳۸ درصد از روستا نشینان برای خرید گوشت فقط ۱۶۸ ریال در سال بوده است . یعنی اندکی بیش از یک کیلو در سال . یعنی ۴ گرم در روز و ۴۰ بار کمتر از احتیاجات فیزیولوژیک ( نتایج آمارگیری بودجه خانوار در مناطق روستایی کشور، نشریه

(۵) محاسبه براساس آمار منتشره از سوی نشریه اطاق با زرگانی و صنایع و معادن ایران، شماره ۸۵

(۶) رستاخیر، ۱۷ خداداد سال ۱۳۵۶

(۷) محاسبه براساس سودجه کشور، اطلاعات ۱۴ بهمن ۵۶

شماره). آنچه گفته شدمویری بسیار ناقص از زندگی مردم زحمتکش ایران بود، اما زمان که همواره موردستم دوگانه قرار دارند دروضعی اسفبارتربر می بردند، برآسان اعترافات نشیوه‌های فرما پیش نظیر "تحول اشتغال زنان در ایران" (از انتشارات سازمان برنامه و پژوهش مهر ۱۳۵۷):

"فاسون کار، کارفرماهارا از پرداخت دستمزد کمتر (از مردان) به زنان منبع میکند... ولی آنچه در واقعیت اتفاق می افتند با قوانین مصوبه مغایرت دارد..." افزون بر تما می مشکلات، زنان کارگرها زاولین قربانیانی هستند که در پی ازدواج، حاصلکی و یا زایمان و بیمه ری به لشکر عظیم بیکاران می پیوندد. تشیدنا رفاقت توده‌ها، رژیم منفور پهلوی را بیش از پیش منفرد ساخت و این رژیم برای سرکوب جنبش انقلابی بهشیوه‌های بسیار رخش و خوفناک متول گردید و سا به شوم سا و اک برپنهانه ایران گستردۀ شد. در این دوران ترور و خفقات نیز زنان بودند که بار دیگر مهر سکوت را نگشتند. اعتنای زنان بر ضد واردات گوشت یخزده استرالیایی، تظاهرات زنان شرق تهران در ۲۴ تیرماه ۱۳۵۴ در مقابل دفتر نخست وزیری برای تما می‌شن "آب" و بخصوص نظام هرات مادران و زنان سربازان ایرانی که بزور برای سرکوب جنبش رها بی بخش خلق ظفار به آن منطقه اعزام شده بودند، با ردیگر نشان داد که زنان "پیش‌اهنگ" هستند.

بدنبال اوج کیری مبارزات خدا مپریا لیستی مردم، زندانها از مبارزین و جلو زندانها از مادران و خواهان افشا کننده‌ای که عزیزانشان در بند بودند، پرشد. در آن زمان هیچ‌کاه طرفداران "حقوق بشر"، وقتی دیگر کل "محترم" سازمان ملل متحده را با بت زجو شکنجه‌هرا رهان‌نفرات کارترین فرزندان مردم ایران کمترین دغدغه‌ای به دل راه نمی دادند.

نظای هرات مادران زندانیان سیاسی و شهدای سال ۵۴، که در جلوی بازار تهران صورت گرفت با استقبال وسیع مردم روپرورد. راه پیماشی‌های مکرر آنان به سوی اداره داد-رسی ارتش تنها مقاومت جمعی آشکاری بود که در بر ابر رژیم خونخوار پهلوی آنجام شد. در مبارزه علیه بیداگریهای سازمان یا فتنه‌ما موریان شهرداری "نیک پی"، زنان تمام شب را همراه با سایر مردم، آجر و حلبی و مقوا برزوی هم می چندند و در روز نیز با دست خالی از سربیانه فرزندان خویش، در بر ابر بیل و کلنج و بولدوزرهای دفاع میکردند. این مادران و زنان از جان گذشته از تظاهرات خود، چه میخواستند؟

- آب، نان، سربپناهی برای فرزندان بی پناه خویش و... آزادی. - زنان با ایشان رزندگی خود، از ابتدائی ترین حقوق انسانی دفاع میکردند و در آین راه از هیچ توهین، تحریر، بازداشت‌های دسته‌جمعی، زندان و شکنجه‌های سیاسی نداشتند.

### سرآغاز مبارزات انقلابی

وضع انقلابی در ایران در پی سیاستهای ضدملی و ضدخلقی رژیم پهلوی در همه شئون سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی بوجود آمد. مردمی که دیگر از سیاستهای ضد ملی و از ستمگریها و چیاول شاه و تما می کارگزاران رژیم دیگران توریش، هسته‌آمده بودند، هر

روز گسترده‌تر به صفوں مبارزان انقلابی پیوستند. این انقلاب که با جنبش حق طلبانه زحمتکشان برای رسیدن به حقوق حقه خود آغاز شده بودبا پشتیبانی عظیم روشنفکران و دانشجویان روبرو گردید و سپس تختیین جلوه‌های خود را در شظا هرات خیابانی مردم، علیه استبداد سلطنتی بازیافت.

این جنبش که برمی‌نماید و عینی کاملاً مساعی مداری برای تحول بنیادی جامعه ایران استوار بود در قیام خونین شهر قم و سپس در قیام ۲۹ بهمن شهرتبریز با وجود خود رسید. پس از آن، جنبش توفنده خلق متحد، با فدا کاریها و قهرمانیهای بسیار، رژیم فاشیستی - نظامی را در طی کمتر از یک سال در قیام بهمن سرنگون ساخت. در تمام این مراحل، شرکت پر شمردنی ایران در همه بعدهای روزاتی، به شکل چشمگیری مشهود بود. زنان ایران اعم از کارگر، دهقان، روشنفکر، دانشجو و خانه دار متحدان "در این مبارزه شرکت کردند و در میدان عالیت‌ترین نبردهای سیاسی، آگاهی و شایستگی انقلابی خود را در حفظ مبارزات اجتماعی به اثبات رساندند. شرکت مستشکل و فعالانه<sup>۷</sup> زنان در این انقلاب در تاریخ مبارزاتی زنان ایران بی سابقه و حیرت انگیز بود.

دهها زن که در دوران قبل از انقلاب، در راه آرمانهای والی خود، شکنجه‌گاههای رژیم آریا مهری را فتح کرده بودندگه میلیونها زنی بدل شدندگه نشانه در حفظ مبارزات صفتی، سیاسی و تظاهرات عمومی علیه رژیم منفور پهلوی انکارنا پذیراست. صدها تن از این زنان قهرمان در جریان هجومهای ددمنشانه رژیم درخون خود غلتیدند. زنانی که شنان دادند که دیگر هیچ چیز حتی قوانین و تبلیغات عوا مریبیان رژیم شاهنشاهی نیز نمی‌توانند شریز پر جوش آنان را راکد نگهداشند. آنان سمت اصلی مبارزه را تشخیص دادند و درستی در گردندگه رژیمی که تمام حقوق ملت ایران را لگدمال ساخته، بمنابعه سدی است که راه پیشرفت آنان را شیزمه بنددو براستی که بدون شرکت این نیمه‌جادائی - ناپذیرجا معه، موفقیت انقلاب مشکل می‌نمود.

بانگاهی گذرا به فعالیت انقلابی زنان ایران در طول انقلاب، نقطه‌های اوج آن را در شهرهای مختلف، اجمالاً بررسی می‌کنیم.

**زنان انقلابی تبریز** - زنان قهرمان تبریز با تکیه بر تجاوب انقلابی گذشته خود، در این عرضه نیز مهروشنان خود را بر انقلاب خلقی ایران نهادند. این زنان که با شرکت مسلحانه در جنبش مشروطیت، خاطره غرور آفرینی در اذهان به جای گذاشته بودند، اینبار با چنگ و دندان و مشت گره کرده، در صوفی متشکل، به چنگ با رژیمی تادندان مسلم رفته‌اند. چهل روز پس از کشتار روحشیانه مردم در قم، ایران شاهد قهرمانیهای مردم تبریز، اعم از مردو زن و کودک، در مقابله رژیم سفاک پهلوی بود. قیام پرشکوه مدهزا رنفری، شهرتبریز، شاهد جانبازی زنانی بود که خون پاک خود را فدای آرمانهای والی انقلاب شمودند و در سپیده دم انقلاب پرشکوه ما، سرمشقی برای مبارزه تمامی زنان جهان برای آزادی، استقلال و پیشرفت اجتماعی شدند. شرکت وسیع زنان این شهر در تمام عرصه‌های مقابله با رژیم، از کارخانه و داشگاه و بیمارستان گرفته تا کوچه و خیابان چشمگیر بود، مقاومت دختران دانشجوی تبریزی، در مقابله با هجوم دزخیمان به داشگاه، تحسین - شهیدان راه آزادی بیوستند. در طول انقلاب نیز، این زنان هیچگاه سنتهای می‌آزاتی

دیرینه<sup>۱</sup> خود را از بیان دنبودند. بزرگترین جلوه آنرا میتوان در بزرگداشت سالروز انقلاب مشروطیت دید. زنان از خود گذشته تبریز علیرغم هجومهای وحشیانه<sup>۲</sup> روزیم در روزهای قبل از آن، این روز را نیز همراه سایر مردم به صحته عظیم و گسترده شرد علیه روزیم دست - نشانده بدل کردند و در بیشاپیش مفوف منشکل خلق همراه با فرزندان خود، با حداکثر ایثار، پای به میدان مبارزه گذاشتند. از خود گذشته<sup>۳</sup> زنان تبریز تا بدانجا بود که در فراز مردم از برا برگلوله‌های جلادان پهلوی، خود را سپر آن کرده و جادرهای خود را به سر مردم می‌کشیدند. در دوران پس از پیروزی انقلاب نیز، این زنان خیل عظیمی هستند که با هوشیاری خود، تمام توطئه‌های خدا انقلاب را بی اشکا شته، در راه اسازندگی جامعه با تمام توانایی واستعداد خود، شرکت فعال دارند.

زنان انقلابی قم - در ایران انقلابی، اولین زنانی که همدوش مردان در تظاهرات خیابانی به استقبال گلوله‌های درخیمان رفتند، زنان قم بودند. صدای حق وایمان این شهیدان راه آزادی، در تمام ایران طنین انداخت و تما می زنان ایران را به مبارزه - ای رویارویی با ضحاک زمان، فراخواند. زنان در فضائی سرشوار از خفغان، با شور و شوک و ایمانی راستین آزادگی خود را برای رزمی بزرگ اعلام داشتند. تما پیشها و میتینگ‌های اعتراضی، همراه با اعتماداً بات وسیع در شهر قهرمان قم ادا می‌یافت و دامنه آن به تما می شهرهای ایران کشیده شد. زنان قم پرچم شهادت را برافراشته بودند، در تبریداً نقلابی خود، آنی از بیان نشستند، در جبهه مبارزه با دشمن باقی ماندند، هر روز وسیع نزوبی - با اکثر به مفوف مردم پیوستند و تا پیروزی کامل، آن را فشرده ترساختند. در تمام طول انقلاب، هر کجا که مقابله مردم قهرمان قم را با جلادان روزیم دیدیم، این گُرداً روزمنده نیز در بیشاپیش آنها در حرکت بود. زنانی دلوار از هری کوچک، که بزرگترین مرکز مبارزه، علیه طاغوت و طاغوتیان شد. ناشان بر تارک مبارزات مردم قهرمان ایران درخان باد.

زنان انقلابی مشهد - مبارزات پیکریوسی امام این زنان، در هفته خونین دیماه مشهدیه اوج خود رسید. زنان این شهر که از هر طبقه و قشری جانباً زانه در تما مفعالیت‌های خود را در طول انقلاب شرکت جسته بودند، در روزهای خونین مشهدیز در خط مقدم جبهه نبرد قرار گرفتند. شیرزنان از جان گذشته‌ای که خون پاک خود را در رگهای انقلاب ریختند تا آن را زنده نگهداشند. سپاه عظیم زنان مشهد، در این روز نیز شهیدان خود را تقدیم انقلاب کرد. صف مبارزه متحد زنان این شهر، با دست خالی به مقابله با تانکهای روزیم رفت و در پیک نبرد مرگ وزندگی، شهیدان بسیاری بر جای گذاشت. و این تنها آغاز کار بود. پس از یورش سبعة درخیمان به بیمه رستاناها مشهد، زنان این شهر بار دیگر روحیه عالی و پیکار جو و عزم راسخ خود را در مقابله با ظلم نمایاندند. در مقابله خونخوار ایانی که حتی از جان کودکان ۹ ماهه نیز نگذشتند، زنانی بودند که در نهایت خود فراموشی، مرگ جگرگوهه‌های خود را نیز به جان خربیدند. زنان پاسداری از بیمه رستاناها را بعدها گرفتند و جوب بدست کشیک دادند و جنگیدند. در طول انقلاب، زنان این شهر پرچم مبارزاتی را بر فراز داشتگاه، بیمه رستانا، خانه، کوچه و خیابان برافراشتند و در تما طول انقلاب نیز آن را افراشته نگاه داشتند.

(۸۷)

مبارزات افتخارآفرین این زمان در تاریخ ایران فرا موش خواهد شد.

**زمان انقلابی تهران** - در تهران، در نخستین سو سو زدهای انقلاب بزرگ ما، زمانی که شعار آزادی زندانیان سیاسی در دستور روز گُردا نهای انقلابی ایران قرار داشت، زمان این شهر نقش بزرگی در تحقق این شعار بهمراه گرفتند.



دوازدهین قدم، هنگامیکه فرزندان راستین خلق در زندانهای ابلیس تا جدار و در خیمان او برای کسب ابتدائی تربیت حقوق خود دلیرانه به اعتراض غذائی پرداخته دست زده بودند، مادران رنجیده، خواهان و همسران آنها در بیرون از زندان شجاعانه در یک سلسه تظاهرات پرشکوه اوضاع درون زندان را برای مردم ترسیم کردند و مدائی راهروان راستین راه خلق را، به گوش ایرانیان وجهانیان رساندند، در مقابل تمام تهدیدات و ضرب و شتم ها، هر روز استوارتر رواختر به افشاری ما هیت رژیم پرداختند. با قلبهای آکنده از درد و رنج صدای اعتراض آنها را در کوچه و خیابان سردا دند و در این راه از حمایت بسیاری از مردم برخوردار شدند.

پس از آن نیز، هنگامی که تظاهرات توده های مردم، پایه های رژیم استبدادی را

می لرزاند، شیر زنانی که در زندان قصر زندانی بودند، از درون سیاھ‌چالهای رژیم،  
بانک اعتراضی خود را بلند کردند و در اتحادیه ایران علیه اعمال کثیف و دد منشأه عمال شاه، دست به اعتراض غذا زدند.

مبارزات زنان تهران نیز در پیوند عمیق با تما می افسار زحمتکش و خلقی ایران ادامه یافت و روزهای بعد از آن به غالیتیرین وجهی، در راه پیمانی خروشان عید غطرس،  
تجلى کرد، و با لآخره پیکار مقدسشان در ۱۷ شهریور در میدان شهداء، به قله‌های رفیع  
افتخار دست یافت. مدها زن بی باک در صفو اول تظاهرکنندگان در هجوم گلوله و مرگ  
زنگی خود را از یاد برداشت و شهادت نوشیدند. زنانی که فرزندان خود را یکی پس از  
دیگری در جلوی رگبار مسلسلها گرفتند تا ما هیت جلادان را به دنیا، بنمایانند. زنان  
حمسه آفرینی که پیکرخونین جگرگوشگان خود را به سهیل مبارزه علیه ظلم و بیدادگری  
بدل کردند، خون باک این زنان در میدان شهداء، برخاک وطنمان جا ری شدو جویبا رخوشنان  
در پیوند با سایر شهداء راه آزادی به سیلی بدل شده که تا روپود رژیم سفاک پهلوی را از  
هم گست.

زنان انقلابی تهران، در همه حال با همین روحیه ایثار، در تمام میدانهای شبرد،  
دوش برا دران و همسران خود را تسخیر پا دگانها و سرنگونی رژیم، جنگیدند و نامی  
تا بنا ک از خود به جای گذاشتند.

زنان انقلابی سایر شهرها - یکی از ویژگیهای انقلاب ایران، تشکیل جبهه متحد  
و فشرده ای از تما طبقات و اقتدار خلق، در تما می شهرها بود. جنبش اعتراضی در مدت  
کوتاهی تمام کشور را فراگرفت، و در روزهای تکا ملی خود بیانقلابی عظیم بدل شد. در چهل میل  
شهدای تبریز در ۳ شهر، زنان در کنار دیگر مردم، با پایمردی و یکپارچگی بی نظری،  
در زیر باران گلوله، یاد شهیدان تبریز را گرامی داشتند.  
مادران زندانیان، سیاسی در اصفهان در میتینگ با شکوهی، صدای فرزندان دلبر خود  
را به گوش رهگذران رساندند. این زنان مبارزیا یورش جا قوکشان شهریانی مواجه شدند.  
در شیراز، خرم آباد، قزوین، کرج، اهواز و ... بسیاری از زنان به فوج عظیم  
شهیدان پیوستند.

جنایت رژیم بهیمی در آبادان، بسیاری از مادران را سیاھپوش کرد، ولی این  
زنان جانبازیا قربانیان خود بیمان بستند که انتقام خوشنان را از جلادان بگیرند و از آن  
روزبه بعد نیز مصمم تر به مبارزه ادامه دادند.

شیردختگی ناپذیر زنان شهرهای ایران، در همبستگی با تما می مردم، ادامه  
یافت. تلاطم رزم توده‌ها، زنان روتاستی ایران رانیز از جانشود آن نیز از رستاها  
سراسر کشور به جنبش انقلابی مردم ایران پیوستند. خروش بی پایان خلقهای رزم‌نده  
ایران، کاخ‌های ظلم و ستم را از جای کندوانقلاب عظیم‌ضد امپریا لیستی و خلقی ایران را  
به پیروزی رساند.

### حزب توده ایران و زنان

"حزب توده ایران" با جهان بینی خود، یعنی با مسلح سودن به سلاح ما رکسیم -

لئینیسم از آغاز جنبش‌های توده‌ای که منجر به درهم شکستن نظام پوسیده شا هنشا‌هی شد، راه درست را تشخیص داد و بدون هیچگونه انحرافی در نهایت صداقت از راه و خط امام خمینی برای پیشبرد انقلاب پشتیبانی کرد. انقلاب ایران که انقلابی کاملاً نو و منطبق با شرایط کشور است، از خصا بین یک انقلاب توده‌ای واقعی برخوردار است.

در این انقلاب "حزب توده‌ایران" همیشه راه درست را یافته و آنرا دستیال کرده است. در این میان زنانی که عضویاً هوا داران این حزب هستندیا پیروی از رهنماهای حزب خود بنا نهایت دقت در تقویت انقلاب کوشیده‌اند.

در این گیرودار عظیم که طبقات از هم متما بیزتر شده و نظریات گروهها و احزاب و سازمانها در پرتو مبارزات و دشمنی امپریالیسم امریکا واضح ترور و شتر می‌شود، بسیار بودند کسانی که می‌خواستند موضوع زن را بهای قرارداده و بی حقی اورا مستمسکی سازند تا به انقلاب و رهبری آن بتازند، همانگونه که ضدانقلاب در آذربایجان، خوزستان، کردستان و دیگر نقاط ایران دا من به اختلافات میزندواز هر نقطه ضعفی سوء استفاده می‌کند، بسیار کوشش شده است و می‌شود که با استفاده از تراستهای موجود، زنان را بر علیه انقلاب برانگیزند و آنچه را که اکنون عده‌واصلی است در درجه دوم قرار دهند. در این مبارزات نقش زنان علاقمند به انقلاب بسیار ورزشی بوده و هست. زنان نه تنها در همهٔ ظاهرهای شرکت خود، علاقه خود را نسبت به انقلاب ثابت کردند، بلکه به جهان نیان نشان دادند که آنها از یک رشد سیاسی بسیار قابل توجهی برخوردارند و حدا ضریبیستند که به عنوان گرفتن حق خود به انقلاب آسیب برداشند. میتوان بدستی ادعای کرد که زن در این مبارزه لیاقت و شخصیت خود را بمراتب بیشتر از دورانی که کشته می‌شود می‌جذب نشان داده است.

آن روزها به پیشوازگلوله میرفت و از پای در می‌آمد<sup>۱</sup> اما اکنون داشته و آگاه باز فتار سنجیده خود نشان میدهد که بیش از هر چیز با یادپایهای انقلاب را استوار کرده و آنرا از زیر چنگ امپریالیسم آمریکا و ضدا نقاب‌بیانون داخلی تجارت داد.

زنان همانگونه که در جنگ‌های خیابانی، زندگی و شخص خود را از یا دیرده بودند<sup>۲</sup> مروز هم در صحنه مبارزاتی که بسیار پیچیده تر و عمیق تر است خود را از یا دیرده و تنها میخواهند که مردم ایران آزاد بشوند، ملت از اساس رهایش شود و میریالیسم آمریکائی و دست نشانندگانش برای همیشه ریشه کن شوند.

براستی میتوان با اعجاب به توده عظیم زنان که در ظاهرهای شرکت می‌کنند نگریست. اینها مایه سریلنکی و افتخار خلق ما هستند. اینها خود را پاسدازی اجر و مزد انقلاب میدانند. اینها گذشت و بزرگواری را به عالیترین حد خود را نهاده‌اند. خود را فراموش کرده، سرسپرده، و جان برکف، آگاه، براستی انسانها را می‌سازند و در این سازندگی بندوز جیبر را از دست و پای ملتی بازمی‌کنند.

اما م خمینی رهبر انقلاب در جمیع ملعولین انقلاب گفتند: "شما بیدار بشوید ای ملت عزیز که دشمن در کمین است. ما باید این گردنده‌ها را اطی کنیم، با یده‌های قوای میان را مجتمع کنیم، برای نجات دادن یک کشور ..." نیمی از جمعیت ایران، زنان دعوت اما مردان از جان و دل پذیرفته‌اند و اینها هستند که با فروتنی و بدون انتظار رتوقوع و با علم به اینکه حق مسلمانان با یمال شده است، بیدار در بی این هستند که گردنده‌ها را بگیرند و کشورشان را نجات بخشند!

# ★ ارتش و انقلاب ایران

محمد بورهرمزان

سالنامه انقلاب سرگ تاریخ ایران برای نخستین بار ورق میخورد. یک سال پیش در ۲۶ دی، این انقلاب سرگاز دوران "نوبن" تاریخ ایران، سرگاز تاریخ واقعی زحمتکشان ایران است. انقلاب بهمن سال ۱۳۵۷ اخکر امید به پیروزی قطعی نور بر ظلمت، امید به برآندختن استشماموکلیه مظا هر استعمار دیرپا، اخکر امید به پیروزی بر ارتقای وجہل، برادبار و تیره روزی، اخکر امید به عدالت و برآبری، اطمینان به آینده، تامین رفاه و تیکبختی همکانی مردم زحمتکش را در دلها فروزان ساخت. این انقلاب از نظر عینی امکانات بی سابقه ای برای نوسازی بنیادی سراپای جامعه فراهم آورده است. انقلاب بهمن با تمام کمبودها و نارسانی های گاه نگرانی آورش، به حق بزرگترین رویداد سراسر تاریخ چندین هزار ساله ایران ارزیابی شده است.

انقلاب بهمن "پیروزی حماسه مشت برتفنگ" بود. خلق به جان آمده و دل از جان برگرفته با مشت های خالی طومار رژیم پلیدی را که یکی از مجاهذترین و مسلحترین ارتش های جهان را در خدمت خوددادشت، در هم پیچید و بحیات ننگین آن بایان داد. بررسی و تحلیل چونگی نقشی که این ارتش در دوران پیش از انقلاب و در روزهای انقلاب ایفا کرد، برای تعیین محتوى و ظایفی که در زمانه نوسازی ارتش با یادآنجا مگردد، حائزهایت اهمیت است. نظری اجمالی به تاریخ پیدا یش و گسترش این ارتش و تحلیل خصلت آن، زمینه لازم را برای این منظور بدست خواهد داد.

ارتشی که رضا خان قزاق بنیادنها دوپرسش آن را به مدرنترین سلاحهای ساخت "مجتمع

نظامی - صنعتی" غرب مجهز ساخت، افزار اعمال قهر رژیمی بود که بدست امپریالیسم و برای حفظ سلطنت اقتضایی، سیاسی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم جهان خوار، روی کار آمد. این رژیم چددوران پدروژه در دوران پسرهندگانی پدید آمد که انقلاب دامن گستر مردم ایران نهادهای ارتقا عی جامعه زیرفرمان استعمار را تهدید میکرد. در چنین ادوار بحرانی امپریالیسم طبق معمول میکوشد تا بكمک کودتا های نظامی رژیمهای دیکتاتوری ضدمردمی روی کار آرده و وظیفه تامین منافع خود را بست آنها بسارد. برای این منظور بوبز افسران دارای روحیات شدید ضدمردمی و ضدکمونیستی به خدمت گرفته میشوند. شوهنه های اینگونه کودتاها در تاریخ کشورهای آسیا، افریقا و آمریکای لاتین فراوان است.

در ایران سال ۱۲۹۹ که جنبش انقلابی توده های بزرگ مردم نهادهای ارتقای خدمتگر استعمار را با خطرناکی روپرور کرده بود، امپریالیسم انگلیس افسری بنام رضا خان میرینج را برای کودتای نظامی و سرکوب این جنبش به خدمت گرفت و در مرداد سال ۱۳۲۲ امپریالیستهای آمریکا و انگلیس افسری بنام رضا هدی فاشیست را به کار تدارک و انجام کودتای نظامی گماشتند.

کودتای سوم اسفند به کمک لشکر قزاق که افسران انگلیسی بران فرمان میرانند، انجام گرفت. لشکر قزاق که از رضا خانی برپنیاد آن ساخته شد، پیش از کودتاطوماً ری از تپه کاری و کشتارهای خونین را پشت سر گذاشتند. این ارتش از آغاز پیدایش تا پایان حیات ننگین سلسله پهلوی سلاح خود را حزب ای سرکوب جنبش کوچک خان ها، خیابانی ها، کلتل محمد تقی خان ها، جنبش دموکراتیک و آزادی بخش خلقهای آذربایجان و کردستان، گلوله باران تظاهرات توده های انبیه مردم سی سلاح خواستار آزادی واستقلال ملی، کشتار سی امان میهن پرستان ظفا روتپه کاری از این دست، به کار رشید. چنین ارتشی از همان آغاز کوچکترین نشانی از خصلت ملی شد. رسالت آن بجای دفاع از منافع ملی، از استقلال ملی و حاکمیت ملی در برابر توطئه و سوء قصد بیگانگان، عبارت بودا ز سرکوب میازان راه آزادی واستقلال ملی، تا مین "امنیت" برای غارتگران خارجی و داخلی و تبدیل کشور به یگانه تجاوز ای سرکوب ای سلام جهانی علیه کشورهای محدود است همایش و در درجه اول علیه کشور زادگاه انقلاب است.

امپریالیسم انگلیس در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و امپریالیسم آمریکا و انگلیس در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲، برای این پدروپرسخیا نت پیشه رسالتی جزمنافع سه گانه زیرین قائل نبودند:

- ۱- تامین سلط بر منابع نفت و بر موضع عده اقتضای ایران،
- ۲- بستن ایران به گردونه سیاست جهانی و به ماشین نظامیگری خود،
- ۳- سرکوب جنبشی آزادی بخش ملی و استقلال طلبانه مردم در ایران و در منطقه خلیج فارس.

پدروپرس خراسان سلط رژیمهای خودهمواره به این سه هدف امپریالیستی وفادار ماندند.

در تما ماین دوران بخش اعظم درآمدهای نفت ایران برای هزینه های کمرشکن ارتش و سلیحات سی سندووار آن به مصرف رسید. آنکه افزایش هزینه های نظامی ایران سال بسال سرعت بیشتری به خود گرفت و از سال ۱۳۵۳ که در آمدهای نفت افزایش چشمی پیدا کرد، آنکه

افزايش هزينه‌هاي نظامي ايران از آهنگ هزينه‌هاي نظامي هرکشور ديجري سريutter شد. ما ضمن يك بررسی مفصل در "دنيا" (سال ۱۳۵۷، شماره ۵)، شان داده‌يم که طبی سالهای پس از افزايش جهشی درآمد نفت، از مجموع ۱۲۰ ميليارد دلار درآمدهای نفتی ايران، در حدود ۶ ميليارد دلار آن برای خريد سلاح‌هاي ساخت کارخانه‌هاي اسلحه - سازی "مجتمع نظامي - صنعتي" آمريکا و ديجرکشورهاي غربي، برای پرداخت بيش از ۱۰ ميليارد دلار حقوق و مزاياي کلان به مستشاران نظامي آمريکايي و برای ديجر هزينه‌هاي نظامي مستقيم وغيرمستقيم ارتش ايران به مصرف رسيد. و اين درکشور بودكه ۵۴ درصد از مردم آن در وضعی پايان تراز "مرز فقر" بسرمیبرند. و اگر انقلاب ايران به شاه مخلوع امان داده بود، با توجه به اشتباهاي روزافزون ماشین نظاميکري او، بيشك در سالهای آينده رقم هزينه‌هاي نظامي ارتش از صد ميليارد دلار نيز فراميرفت.

انقلاب ايران به رغم وجود ارتضي با چنین انباء عظيم اسلحه، طوما رژيم ترور و اختناق را درهم پيچيد. محمدرضا پهلوی در ۱۹ ژوئن سال ۱۹۷۸، در همان روزهايي که آفتاب عمر رژيم برليب با م رسيد بود، ضمن مصاحبه با خبرنگار مجله آمريکايي "يسو. آس. نيوز آند ولد ريبورت"، به قصد "ارعا ب" خلق قهرمانی که عليه اين رژيم به پيکار حيات و ممات برخاسته بود، باد درغبيت انداخت و بانگ برکشideکه: " هيچکس قادر به سرنگون ساختن من نیست . من از پشتيباني يك ارتش ۲۰۰ هزار نفری برخوردارم ". ولی اين رژيم از آنجاکه کوچکترین تکيه‌گاه در ميان مردم نداشت، با وجود ارتش ۲۰۰ هزار نفری مجهر به ۶ ميليارد دلار اسلحه نيز، به حكم تاريخ محکوم به فنای محظوظ بود و انقلاب بهمن، اين حکم آمرانه تاريخ را تحقق بخشید.

اميراليسم و رژيم دست نشانده‌اش طبی سالیان درا زکوشide بودند تا از افسران و سربازان ارتش ايران مهره‌هاي بي اراده و بردده واري برای ماشين نظامي خود بسا زند. افراد اين ارتش را که رسالتی جوخيان به منافع و مصالح خلق و خدمت به اميراليسم جهاتي برایش در نظر گرفته نشده بود، در تمام اين سالها با روح اطاعت و انضباط کورکو- رانه پرورش ميدا دند.

ولی تلاش‌هاي گردداندگان رژيم در اين زمينه هيچگاه جنا نکه دلخواهشان بود، به نتيجه نرسيد. با وجود ترور و ارعا بي که در ارتش حکم فرماده بود، سران رژيم نتوانستند همه انسنان و سربازان را به اطاعت کورکورانه مجبور سازند. روح ميهن پرستي، آما دکي برای جان بازي در راه آرمانهاي واقعی انسانی و ميهنی، همواره در ميان بخش معيني از افسران و درجه‌داران و سربازان ايران، زنده ماند. قيام کلتل محمد تقى خان و مأمور لاهوتی در آغاز حکومت رضا خان، قيام افسران خراسان و تهران در مرداد دسال ۱۳۲۴، عصوبت بيش از ۵۰۰ افسر در سازمان افسری حزب توده ايران، شركت مدها افسر ديجر جنپيشه‌هاي انقلابي و دمکراتيک راه آزادی واستقلال ملي ايران، - چنین است جلوه‌هاي درخشانی از آگاهی انقلابي، احسان مسئوليت ملي و ميهنی در مقابل خلق و مقاومت در براسر اطاعت و انضباط کورکورانه در ارتش ايران.

فريينديکشن و تکامل جنبش انقلابي ايران محت يك ديجرا زا حکام تئوريک بنیاد- گذاران سوساليسم علمي را به ثبت رسانيد. کلاسيک‌هاي ما را کسيم- لينينism خاطرنشان کرده‌اند که درجا معه طبقاتي ارتش در کل خود افزار اعمال قهر ارتحاعي و فرما شروا يي

طبقاتی است، ولی همین ارتش در دوران انقلاب، برخم تما متلثهای طبقات فرمانروا، در برآ بر جنگی اتفاقی خلق تا شیرپذیر میشود. اندیشه‌های مترقی و روحیات مردمی با شکستن دیوارهای اطاعت و انسفاط کورکورانه از مجاری گوناگون در میان افسران و درجه داران و سربازان ارتش رسوخ میکندو" یکباره "ظاهری آن را برهم میزند، افزایش بیش از پیش عنامر وابسته به طبقات زحمتکش دمکراتیک جامعه در صفو ارتش، به تقویت روحیات ترقیخواهانه و آگاهی به وظایف انسانی و میهمانی نظامیان کمک میکند.

ولی همومند با گسترش جنبش انقلابی واکنش محاذل ارتقا عی ارتش نیزشد میپذیرد. افسران و درجه داران ضد انقلابی در قبال اوج انقلاب، سفاکی و هاری روز افزون از خود شان میدهند.

رویدادهای انقلاب ایران صحت و اعتبار عالم این حکم را به ثبوت رسانید.

هراندازه که انقلاب گسترش و عمق بیشتری پیدا میکرد، بنیاد اطاعت و انسفاط کورکورانه متزلزل ترمیشد. تک جوش‌های انقلابی در ارتش شدت میگرفت و شما روز افزونی از افسران و سربازان به جبهه انقلاب روی آور میشدند. ازوی دیگر اکثریت قریب به تمام سران ارتش و بخش ارتقا عی افسران و درجه داران ارتش در قبال انقلاب موضع خصم‌های اتخاذ کردند و در گلوله‌باران تظاہرات میلیونی و کشتار مردم بی سلاح تزلزل از خودشان ندادند. خبرگزاری فرانسه روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ صن گزارشی که در کیهان به چاپ رسیده بود، شرحی بیان داشت که چگونگی واکنش این دو بخش را در ارتش به روشنی نشان میداد. در گزارش گفته میشد: "ارتش ایران که تا دیروز صدرصد نسبت به شاه و فا داربود، اکنون از خود میپرسد که درسرا بر "انقلاب اسلامی" کشورچه نقشی دارد. سرانجام آینده کشور به این بستگی خواهد داشت که ارتش به کدام طرف متما پل شود... نظامیان ایرانی با توجه به عظمت جنبش اسلامی... اکنون به نظر میرسد که آن‌ها دگی این را در ندکه تغییر رژیم سلطنتی به جمهوری را پذیرند... در روز پنجمینه گذشته در حدود هزار سرباز زنیروی هوا بی سا اونیفورم در خیا با نهای تهران و در کنار ریقه تظاہر کنندگان روزه رفتند. در شهرستانها نیز تظاہرات دیگری توسط نظامیان اونیفورم پوش علیه رژیم دیده شد. ستاد فرماندهی نیزیروی هوا بی نیزرسما "تائید کرده است که بعضی از نظامیان تحت تاثیر پر پا گاند جناح مخالف قرار میگیرند".

بدینسان اسواج انقلاب بازتاب روز بروزگسترده تری در صفو ارتش پیدمیکرد. جناحی از ارتش تحت تاثیر روحیات انقلابی مردم قرار میگرفتند و برای پیوستن به جبهه انقلاب آما دگی نشان میدادند. ولی جناح ارتقا عی وضد انقلابی ارتش نیز بیکار نمایند بود. در همان گزارش خبرگزاری فرانسه چنین آمده بود: "از بعضی گزارش‌های دیگر چنین بر می‌اید که یک کاون سرخ سرخست در بطن ارتش وجود دارد که خواهان حفظ رژیم است، یکی از این افراد سرخست که غالباً از اوتا م برده میشود، سپهبد بدراهی، فرمانده نیزیروی زمینی و فرمانده ساق گارده ویدان است".

نافرمانی در ارتش از دوماه پیش از ۲۲ بهمن شدت گرفت. نخستین تظاہرات بزرگ ارتش در تبریز روی داد. سربازان و افسران همراه با مردم و با شعارهای "درو دیر خمینی" در خیا با نهای شهریه تظاہرات پرداختند. چند تا نک نیز در این تظاہرات شرکت کردند. چندی بعد سربازان پا دگان لویزان به نهاده رخوری آن حمله بر دندوگزوهی از افسران ضد انقلابی را کشند. از پی این رویدادها سربازان و افسران بیش از پیش بسوی انقلاب

روی آورشدند.

سرانجام روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ " سوگند وفاداری " به ارتش بافتوای امام خمینی باطل اعلام شد. امام در پاسخ به استفتای جمعی از افراد تبریوی مسلح درباره سوگند وفاداری پیشین به ارتش، فتواداکه: " قسم برای حفظ قدرت طاغوتی صحیح نیست و مخالفت با آن واجب و کسانی که این نحو قسم خورده‌اند، با بدیرخلاف آن عمل کنند " و «با این فتوا پیوستن افسران و افراد ارتش به جبهه انقلاب، جنبه همکانی به خود گرفت ».

ارتشی که رژیم دست نشانده امپریالیسم طی دهه‌اول برای مقاومت مردمی و تجاوزگرانه خودپرورده بود، تحت تاثیر مجموعه عوامل عینی و ذهنی رشد انقلاب از درون امتلاشی شود رحاس استرین لحظات به جای پشتیبانی از رژیم به سیزی با آن برخاست. حزب توده ایران به کوهای استان دوا عالمیه‌های خود طی دوران بیست و پنج ساله پس از کودتا هیچ‌گاه از تلاش برای رسخ دادن اندیشه‌های انقلابی در صفوی ارشت ایران و آگاه ساختن افسران و سربازان به مسئولیت آنان در قبال مردم و میهن و به وظایف انسانی و ملی و میهنه آنها، غافل شدند.

پیامهای حزب توده ایران خطاب به سربازان اعزامی ایران به جبهه میهن پرستان ظفار و پیامهای متعدد آن در آستان انقلاب خطاب به کلیه افسران و درجه‌داران و سربازان ارتش ایران، در پیدا ری حس مسئولیت ملی و میهنه افراد تبریوی مسلح ایران و برانگیختن آنان به پشتیبانی از انقلاب نقش موثر داشت.

درک عمیق نقش ارتش برای مبارزه علیه امپریالیسم و ارجاع حائزه‌هیت فراوان است. تجربه‌های ناشی از کودتا‌های نظامی که بوسیله امپریالیسم جهانی و در درجه‌اول امپریالیسم آمریکا در کشورهای مختلف جهان و از جمله درشیلی و بولیوی و پیش از آن در ایران و پیرزیل و آندوونزی و کشورهای دیگر برای از میان بردن دستاوردی‌های انقلابی خلق‌ها مورث گرفته است، نباید از نظر دور ماند.

انقلاب ایران اکنون وظیفه خطری نوسازی بنیادی ارتش را در پیش دارد. ساختار این ارتش باید با محتوی و با آرمانهای واقعی انقلاب هماهنگ گردد. خصلت مردمی ارتش باید در آن تثبیت گردد. یک ارتش ملی از مردم و در خدمت مردم و بخش ناگستنی مردم است. رسالت چنین ارتشی حفظ و دفاع از استقلال ملی، از حق حاکمیت ملی و از تما میست ارضی کشور در برها جم تبریوهای تجاوزی و کشا را میریالیسم است. خصلت مردمی چنین رسالتی طبعاً جایی برای اطاعت و انتباط کورکورانه باقی نمی‌گذارد. انتباط و اطاعت در چنین ارتشی برینیاد آگاهی به ضرورت آن استوار می‌گردد. ارتش دارای خصلت ملی از هرگونه روحیه تجاوزی و قصد تجاوز به خلق‌های دیگر فارغ است. ملحدوستی و آمادگی برای کم به جنبش‌های آزادی‌بخش خلق‌های دیگر برای روح چنین ارتشی عجین است.

مردم ایران با بزرگترین انقلاب سراسر ریخ خود، مسئولیت خطری به عهده گرفته‌اند وظیفه‌دارند که این انقلاب را به پایان بیرون مندش برسانند. اتحاد تبریوی‌های انقلابی خلق با بخش متفرقی و میهنه بروست ارتش، پاکسازی جدی ارتش از عناصر ضد ملی و ضد انقلابی و منفرد ساختن نظا میان دارای روحیات ضد مردمی و طرد آن از محیط ارتش، شرط ضرور تحقق این وظیفه تاریخی انقلاب ایران است.

# ★ دستاوردهای انقلاب

ر.نافعی

## برانداختن رژیم سلطنتی

مردم میهن ما از قرن پیش دریافتند که نظام سلطنت استبدادی، نظامی است فرتوت و بازدا رنده خلق از سیر در راه ترقی و نکامل اجتماعی . لذا در تلاش بودند تا آنرا از بینیاد برکنند، برگنا رنهند و یک رژیم سیاسی شایسته بر جایش گذاشند. رژیمی که تا مین کننده خواستهای اجتماعی ترقیخواهانه آنها باشد. از این‌رو تدارک دیدند، بپا خاستند، انقلاب کردند و سرانجام نظام مشروطه‌سلطنتی و مجلس قانونگذاری بودست آوردند . اما هنوز اندک زمانی از حیات این نوزاد نگذشته بود که مردم دیدند، نوزاد معلول است . پس باید چاره‌ای اندیشید . یا باید نظام تازه را اصلاح کردو یا سانقلابی دیگر نظامی بهتر بر جایش نشانید.

پس از این شناخت است که جنبشهای اجتماعی : قیام جنگل و انقلاب گیلان، قیام خیابانی ، قیام خداوری ، قیام کلتل محمد تقی خان پسیان، قیام لهاک خان باوند، قیام لاهوتی، قیام پادگان سلماس ، نهضت آذربایجان و کردستان پدیدمی‌آیند و یکی پس از دیگری و هریک بعلل و دلالتی با شکست موافق میگردند.

از هر شکستی که به شفعت‌ها وارد می‌اید، ضعف‌های نوزاد معوج و معلول "مشروطه سلطنتی" نیرومندتر می‌شود ! و خود سخت جانتر میگردد و سرانجام به هیولا "نظام شاهنشاهی محمد رضا پهلوی" تبدیل میگردد.

آنگاه سال ۱۳۵۷ فرامیرسد . مردم میهن ما که با رها و با رها برای تحقق بخشیدن بخواست دیرینه خود، دور خیز کرده، نفس در سینه گرفته و ببرگرده "هیولا" پریده بودند و هر بار ردر این شرود شایرا بر شکست خورده بودند، اینبار به رهبری قاطع امام خمینی سراشکستند، "هیولا" را درهم کوفتند و پیروز شدند .

بی هیچ گفتگو، برانداختن نظام سلطنتی وایحا دجمهوری اسلامی، بزرگترین دستاورد تاریخی مردم میهن مادرتام اعما ر و قرون بوده است. سرنگون شدن نظام سلطنتی نقطه پایان بیریک بیعدالتی چندهرارساله بود.

برخی ازویزگی های این انقلاب در تاریخ جهان نمونه واراست. شاید هیچ انقلابی در جهان، در مدت زمانی چنین کوتاه، اینستگونه تما اقشار و طبقات خلق را در بر گرفته باشد، و شاید در کمتر انقلابی استکار انقلابی خلق تاکتیک هایی تا این حد شگفت و نوشته افریده باشد. و مسلم آنکه در هیچ انقلابی توازن قدرت نظامی نیروهای انقلاب و ضد انقلاب این چنین ناهمانگ نبوده است: درک سو دست تهی مردم و در آن سوارتی نیرومند، مجهز به مدرن ترین سلاحها.

#### تحول در دستگاه دولتی وایحادنها دهای توین

یکی از دستاوردهای مهم انقلاب، ایجاد تحول نسبی در دستگاه دولتی نظام غوت بوده، از انحلال مجلسین شورا و سنا، یعنی ارگانهای قانونگذار دژیم برآفتد و گفتۀ تا ارتش، پلیس وزاندار مری. هرجند که اقداماتی که تاکنون مورث گرفته بمعنی درهم شکستن ماشین دولتی نبوده و از حد پاکسازی تجاوز نکرده و تازه اینهم آنگونه که شایسته بود، صورت نبیذیرفته و درنتیجه ماندن بسیاری از عمال ساواک و کارگزاران رژیم طاغوت در تام دستگاههای اجرائی و قضائی و نظمی و انتظامی، اجرای امور انقلابی از سرعت وقا طعیت ضرورت برخوردار نگردید و چه بسا با کاشکنی های فراوان نیز و پر و شد. نکته شایان ذکر و قابل تاسف اینکه در برخی از وزارت‌خانه‌ها، بیویزه دروزارت آموزش و پرورش برقنا رگردند، آموزگاران و دبیران متفرقی مشمول تصفیه اداری شده‌اند!

ایجاد شورای انقلاب، دادگاههای انقلاب، سپاه پاسداران، کمیته‌ها و دفتر امام، بیش از نهادهای توین اجتماعی توanst دربرا برخدا نقلاب و نیروهای سازشکار نتفیش ارزش‌های ایفا کند. این نهادهای دها با در دست گرفتن زمام امور انقلاب و کشور، و مبارزه با اعمال تخریبی تاکنون مانع بازگشتن ضد انقلاب بر مسند قدرت گردیده‌اند.

موشربودن عملکرد این ارگانهای انقلابی و نیز اعتباری که در انتظار مردم بدست آورده‌اند، سبب گشت تا امیریالیسم برای خنثی کردن آنها و بدنام ساختنشان، عوامل سیا و ساواک را برای تخریب در آنها رسخ دهد، که تا حدودی نیز درین کار موفق شد. بسیاری از نهادهایی که در یک سال گذشته در میهن مارخ داده و به پیدا یش گلایه ها و نارضائیهای از سوی مردم انجام نمی‌دهد، نتیجه اقدامات همین عناصر موقعاً مل بوده است. ازین‌رو بیویزه امریا کسازی این ارگانهای ازعناصر فاسد و مشکوک، پیوسته از خواسته‌های مردم بوده است. یکی از علی‌کاری که موجب گشت این افراد بتوانند درین ارگانهای راسخ کنند، منتشرشدن اسمی ساواکیهای است، که درنتیجه این افراد ناشناس مانند در اکثر موارد با نظر هر به مسلمان و انقلابی بودن توانستند از درون به تخریب در ارگانهای انقلابی بپردازند.

ایجاد دادگاههای انقلاب یکی از اقدامات اساسی رهبری انقلاب بود. این دادگاهها برای نخستین بار در ایران گروهی از بر حسن‌ترین و موثرترین عناصر تشکیل دهند و نیز خدمتکاران رژیم سلطنتی را محکمه و پس از محکومیت معدوم گردند. در میان آنها خیانت پیشگانی نظری عباس هوبدا، متوجه رازمون، غلامرضا نیک پی، منصور

(۹۷)

روحانی ، عباسعلی خلعتبری ، عبدالله ریاضی ، غلامرضا کیانپورو... که بکرات در مشاغلی چون نخست وزیری، وزارت وکالت وغیره در خدمت امپریالیسم و ارتقای بودند و نیز جنایتکارانی چون ارتشدند نعمت الله نصیری و بیش از ۱۲ سپهبد، ۱۱ سرهنگ، ۹ سرتیپ و شکنجهگران و آدمکشانی نظیر بهمن نادرپور (تهرانی) ، فریدون توانگری (آرش) و برخی از عوامل مهیویتی امپریالیسم چون القانیان و رحیمعلی خرم قراردادند که بسازی خیانتها و جنایتها خودرسیدند.

آنچه در این رابطه قابل توجه است قاطعیت جناح انقلابی بربری امام دربرابر با زماندگان رژیم ازوئی و مماثلات و سازشکاری بورژوازی لیبرال با آنان، از سوی دیگر بود:

محاکمه واعدام یاران و کارگزاران بر جسته رژیم سلطنتی بویژه پس از اعدام القا- نیان نما ینده مهیویتیم بین الملی درایران ، موجب پیدایش یک موج تبلیغاتی گسترده علیه انقلاب ایران و قاطعیت انقلابی آن ، درکشورهای غربی شد . و مهندس مهدی بازرگان نخست وزیر بورژوالیبرال دولت وقت انقلاب اسلامی نیز با آن همآوا گشت و آنرا "انتقام جوئی" نامید و خواستاً رقطع فعالیتهای دادگاههای انقلابی و مورد عفو فراردادن اعضای ساواک گردید ، که این هردوکوش بورژوازی لیبرال با موقیت نسبی روپرداخت ، به این معنی که اعضاً دادگاههای انقلاب تعویض شدند و اعضاً جدید این دادگاهها فاقد قاطعیت داوران پیشین بودند . معهداً همان فعالیت چندماه اول داد - گاههای انقلاب واعدام عدهای از مهمنترین کارگزاران رژیم طاغوت سبب شده که پشت ضد انقلاب بشکند . خوشختانه پس از کاره گیری دولت بورژوالیبرال مهندس مهدی بازرگان و سپرده شدن زمام امورکشور و انقلاب بدست شورای انقلاب ، گردش دادگاهها نیز تغییر گرد . برسمیت شناخته شدن نظام شورائی در فرمانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، یعنی ایجاد نظام شورائی در تمام ارگانهای اجتماعی کشور و در تمام سطوح از زدیستان گرفته تا ارتش ، با وجود تما نراسایهای یکی دیگر از بر جسته ترین گامهای انقلابی است که میتواند بسیج شورا انقلابی توده ها ، یعنی زنده نگاهداشت اشری انقلابی خلق برای ایجاد میمهنی آباد آزاد و متکی بر فرد فرد جامعه بینجامد . در صورت اجرای صحیح این اصل تمام اقشار و گروهها و فراد امکان می یابند که بطور مستقیم در اداره امورکشور سهیم گردند و نقش مهمی ، هم در مراحل تصمیم گیری ، هم در مراحل اجرائی ایفا کنند .

### سیاست خارجی

آنچه در سیاست خارجی کشور ، پس از انقلاب بزرگ خلق ما ، رخ داد ، نموداری از خط مشی اصولی انقلابی است . مقدمتاً "باید گفت که درین عرصه نیز دوخط مشی دربرابر یکدیگر فرارداشتند: خط مشی سازشکارانه دولت بورژوالیبرال مهندس بازرگان ، که پیرو سیاست "کام بگام" ، خواستار ادامه همکاری با غرب و در راس آن با امپریالیسم آمریکا بود ، و خط مشی قاطع وضد امپریالیستی دمکراتهای انقلابی که بخط امام معروف گشت . برطبق این خط و بنا به توصیف امام : "شیطان بزرگ آمریکاست" ، " تمام گرفتاریهای ما از آمریکاست" ، " باید تما تجهیزات ما بطرف این دشمن باشد" .

علیرغم نبردی که در طی یکسال گذشته بین این دوخط مشی در جریان بود و علیرغم تمام گندکاریها ، توجیه ها و سیاست جو شیوه ای که برای طفره رفتگان از اتحاد یک سیاست قاطع ضد امپریالیستی ازوی دولت بازرگان صورت گرفت ، معهداً تفوق خط امام سبب شد که

گامهای مهمی در این زمینه برداشته شود:

۱- خروج از پیمان تجاوزکار سنتو،

۲- پیوستن به جرگه کشورهای غیر متعهد،

۳- لغو قراردادهای خرید اسلحه،

۴- الگاء قرارداد دوچاله ایران و آمریکا ( منعقده در سال ۱۹۵۹)،

۵- برچیدن پایکاهای حاوسی آمریکا از کشور،

۶- اخراج مستشاران آمریکائی،

۷- قطع رابطه با اسرائیل، افریقای جنوبی و مصر و ندان نفت با فریقای جنوبی و اسرائیل،

۸- استقرار روابط سیاسی با لیبی و کوبا

مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، پس از بركت ای رهبری مهندس بازرگان، ابعاد دوسيعتر

و قاطعیت بیشتر بخود گرفت.

#### اقدامات اقتصادی و اجتماعی

رژیم شاه مخلوع اقتصادی وابسته و آشفته از خودبجای گذاشت. دولت موقت برای سامان دادن به اقتصاد و روشکشته کشور و نوسازی و تامین پیشرفت آن هیچگونه برداشتمهای نداشت. بدتر از آن درنتیجه خرابکاری و کارکشنه ضدنقلاب و سودجویان و روش سازشکارانه دولت موقت، براین آشفته‌گی و ناساماً نی افزوده شد.

با اینهمه در اثرفتش رافکار عمومی و مومنگیری قاطع رهبری انقلاب، اقدامات معینی، ولوباتا خیر و تزلزل و ناکاهی، درجهت تضعیف وابستگی اقتصادی به کشورهای امپریالیستی و کوتاه کردن دست بزرگ سرمایه‌داران وابسته و برخی تدبیر درجهت واگذاری زمین به دهقانان و رفاه زحمتکشان انجام گرفت.

کوتاه کردن دست اتحادهای نفتی از منابع نفتی کشور، اتخاذ سیاست مستقل در اوپک، اقدام به فروش مستقل نفت و افزایش بهای فروش آن از اقدامات مهمی است که پس از انقلاب درجهت تامین استقلال اقتصادی کشور بعمل آمد.

ملی کردن صنایع بزرگ، بانکها و موسسات بیمه، مصادره واحدهای تولیدی و موسسات و اموال متعلق به خاندان پهلوی و بزرگترین غارتگران وابسته به دربار روا امپریالیسم از اقدامات دیگری بودکه پس از انقلاب انجام گرفت.\*

\* اسامی اینفرانزیزیکترین سرمایه‌داران و کارگزاران امپریالیسم و رژیم پهلوی که واحدهای اقتصادی آنان مصادره شد، بدین شرح است: جعفر آخون، حبیب ثابت، گورو فرما نفر، مائیان (خانواده)، علی رضاشی، محمود رضاشی، مراد اربیه، رسول و هایزاده، احمد خیامی، محمود خیامی، منصوریا سینی، محمدرحیم ایروانی متقی، محمد تقی بروخوردار، اکبر لاجوردیان، قاسم لاجوردی، احمد لاجوردی، سید محمود لاجوردی، حبیب لاجوردی، علی اصغر پیشوای، محمد علی مهدوی، خسرو ابتهاج، آذر ابتهاج، ابوالحسن ابتهاج، حسین داشبور، علینقی عالیخانی، مرتضی رستگار جواهری، رضا رستگار راصفه‌انی، عبدالحمیدا خوان کاشانی، رضا شکرچیان، ابراهم فریمن راد، عبدالحمیدا علم، مهدی میراشرافی، مهدی هرنندی، سعیده‌دایت، محمدابونصر عضد، برا دران عمید حضور، حسن هراتی، مرتضی رحیم زاده خوشی، عبدالحمید قدیمی نوائی، عبدالمحیم قدیمی نوائی، مهدی بوشهری، مرا دینه پور، علینقی اسدی، طاهر پیشاوی، علی حاج طرخانی، عنایت بهبهانی و برا درکاظم خسروشاوی، محمد خسروشاوی، برا دران فولادی، مهدی نمازی، اسدالله رسیدیان

ملی شدن ( دولتی شدن ) صنایع بزرگ کلیدی ، تراپری ، بازرگانی خارجی ، بانکداری ، بیمه ، تولید نیرو ، هواپیمایی ، کشتی رانی ، منابع زیرزمینی ، حنگلها ، مراتع وغیره که در قانون اساسی مطرح است ، یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب ایران است که در صورت اجرای کامل و تعیین دقیق مرزهای مشخص سنهنوع مالکیت ( دولتی ، تعاونی ، خصوصی ) میتواند تحولی بنیادی در نظام اقتصادی - اجتماعی میهن ما بوجود آورد .

وعده برانداختن کامل ونهائی بقاوی فئودالیسم و تقسیم اراضی میان دهقانان بی زمین وکم زمین که فعلاً " از تقسیم اراضی با پرمووات آغاز شده ، در صورت تحقق یافتن میتواند تحولی در روستاهای کشور بدید آورده و همراه با سیاستها و تدا بیرونی سنجیده در زمینه کشاورزی و دامداری وايجاد تعاوینها کشاورزی ایران را از بحران گذشتی نجات دهد . با اینکه در زمینه افزایش حقوق و دستمزد زحمتکشان کم درآمد ، اقدامات معینی انجام گرفته و با درستله کاشنها و اجاره مسکن تدبیری اتخاذ شده ، ولی افزایش سریع قیمتها که معلول تورم و احتکار روزیانکاری است ، عملًا نتایج این اقدامات را خشی کرده است .

برای پایان دادن به وابستگی وعقب ماندگی اقتصادی و تامین پیشرفت سریع وهمه - حانبه اقتصاد کشور رهمه رشته ها و تامین رفاه زحمتکشان ، بايد سیاست سنجیده و برنا مه علمی داشت ، آن جیزی که متساقانه تاکنون قادر آن هستیم . حزب توده ایران در تمام این زمینه ها پیشنهادهای مخصوصی را تهیه و پیوسته آمادگی خود را برای همکاری در جهت عملی ساختن این پیشنهادها و یا هر پیشنهادهای دو برنا مه ای که برای تامین استقلال اقتصادی و رفاه اجتماعی زحمتکشان سودمند باشد ، اعلام داشته است .

### آزادیهای دموکراتیک و حقوق خلق ها

تا مین آزادیهای مطبوعات و احزاب و سازمانها و جمعیتها تیز اجمله دستاوردهای ارزشمند انقلاب است ، که مردم میهن ما دهه ای از آن محروم بودند و برای بدست آوردن آن مجبور به مبارزه ای سخت و خونین شدند . امروز زیرکت انقلاب احزاب و اتحادیه ها و جمعیت ها ، با وجود کارشناسی ها و محدودیت هایی که از سوی ضدانقلاب و برخی نیروهای انحصار طلب بعمل می آید ، از آزادی بخوردار شد . دهها روزناهه هفته نامه ها مه در کتاب را تبویه از کتابها و نشریات گوناگون دیگرها موضع و اعتقادات گوناگون در میهن ما ، انتشار می یابند و همین تنوع انتشارات و بخورداری مسائل از دیدگاه های گوناگون است که مردم امکان مقاومت و روزی میدهد و درنتیجه سبب رشد فکری و سیاسی آنها میگردد . بدیهی است که در این زمینه نیز کاستی ها و کمبودها اندک نیستند و استفاده از شیوه های نادرست روز - نامنگاری ، جنجال گرایی ، تحریف حقایق و دور شدن از مسیر واقعی روش نگری هنوز منسخ نگردیده و بسویه در کارadio و tلویزیون هنوز نتفا ثعن جدی وجود دارد .

اشاره باین امر نیز ضروری است که در طول نخستین سال انقلاب وابستگان به رژیم گذشته و گروههای لیبرال و چپ نمایانه استفاده از آزادیهای دموکراتیک و با توصل به هیا هو و جنجال برای عده کردن رخدادهای نا هنگارا مامک اهمیت ، و مشوب ساختن اذهان مردم ، به روندانقلاب زیانهای فراوان وارد و درندکه مستقیماً " بسود خدا نقلاب بود .

مقامات مسئول پس از مدتی مماثلت، سرانجام با جلوگیری از انتشار نشریاتی نظری "آیندگان" و "تهران مصور" و غیره که در خدمت ضد انقلاب بودند، تا حدودی زدشت این نا هنجاریها کاست. ولی این اقدام نیز، درنتیجه اعمال نفوذ محافل انحصار طلب و عوا مل دشمن که در دستگاهها رسوخ کرده است، بدون نفع نبود. توقیف "مردم" و برخی از نشریاتی که در خدمت انقلاب بودند، از نمونه های آن است. خوشبختانه پس از مدتی بر این اعمال غیردموکراتیک پابان داده شد و سیاری از نشریات که بنا حق توقیف شده بودند، آزادگردیدند.

بهرحال از آنها که اصل آزادی مطبوعات و احزاب تا مبنی گردیده، حل دیگر مشکلات جنیه فرعی دارند و داری مردم در طول زمان، سبب تصحیح تحریوبای خواهد گشت. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران که با کمک و شرکت وسیع همه خلقهای ایران بشمر رسد، حل فوری و قاطع مسئله ملی نیز مطرح گشت. ولی دولت وقت به نخست وزیری مهندس بازرگان برای حل این مسئله، اقدام نکرد. عوا مل صد انقلاب، چپ نما یان و چپ گرایان با کمک مستقیم امیریا لیسم آمریکا نیز هریک با سید بهره ورشدن اراین وضع به گل آلود ساخت بیشتر آب و زهر آگین کردن حوسایی پرداختند.

حزب توده ایران از همان آغاز خواستار حل مسئله ملی از جمله مسئله کردستان از طریق مسالمت آمیز گردید و مذاکرات سیاسی را در حوالی تفاهم و برادری بین تا به یگانه راه حل مسئله "اعلام کردو این خواست را پیگیرانه دنبال گرفت.

اما م خمینی در پیام تاریخی خود خطاب به خلق کرده رمورد این مسئله از جمله گفت: "این جانب میدانم که در حکومت وقت هم آنطور که خواست شما ملت است (با این مسئله) رسیدگی نشده" اما م خمینی در پیام تصویح کرده "حق اداره امور داخلی و محلی و رفع هرگونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعلق به تمام مقشرهای ملت است، منجمله برادران کرد که دولت جمهوری اسلامی موظف و متعهد به تا مبنی آن در اسرع وقت میباشد" متأسفانه در مذاکرات، بعلت کاوشکنی های عوا مل مخرب و مفسد هجو، راه حل مطلوب بسرعت بدست نیا مودتا این لحظه که این سطورنوشته میشود، هنوز مذاکرات بنتای قطعی نرسیده است، هر چند که امید به حل قطعی ونهائی آنها، علیرغم خرابکاریهاي ضد انقلاب و امیریا لیسم و دولت عراق فزونی یافته است.

### دستاورد های معنوي انقلاب

یکی از بزرگترین دستاورد های مردم میهن ما از برکت این انقلاب اثبات هویت خویش است.

امیریا لیسم با برتری قدرت علمی حصنی خود خلقها را هم مذوب میکند و هم مروع است. نتیجه تخریبی این هردو حالت ایجادیک رشته واکنشهای زنجیره ای منفی در بین خلقها تحت ستم امیریا لیسم است.

امیریا لیسم و رژیم دست نشانده شاه میکوشید تا خلقها را به خود بفرهنگ و سنت های بومی خود بی اعتماد سازند و اراده مقاومت آنها را در بردا بر فرنگ منحط و مهاجم غربی در هم شکنند، آنها را در بردا برعلم وفن و فرهنگ غرب به زانور آورند و سرانجام هم هویت خلقها را میهن ما را از آن بگیرند، زیرا که تسلط بر یک خلق هویت گم کرده، خلقی که دیگر نتواند از ریشه های فرهنگی خود تغذیه کند و برآن تکیه زند آسانت رو دیر پاتراست. نتیجه این روند در میهن ما این بودکه عده ای از هم میهنا ن ما واقعاً "معتقد شده بودند

(۱۰۱)

ه " ایرانی کجا ، فرنگی کجا " ! و یا هنگام برخوردیا کاستی ها و تفاوچن از روی تاسف رتکان میدادند و میگفتند : " ای آقا ! ایرانی درست بشونیست " ! و هنگام میکه مثلاً از هرمانیها خلق ویتنام در نبرد علیه امپریالیسم آمریکا سخن میورفت، با حضرت میگفتند ایرانی را با ویتنا می مقایسه نکنید " ! و نظرها بینها . رسیدن با این مرحله خطرناک نشان آنستکه روحیه مقاومت و غورملی در برابر مپریالیسم درهم شکسته شده است .

مردم میهن ما در نبردی خوبین با امپریالیسم و ارتقای دست نشانده اش و پیروزی رآنها ، نشان دادند که ، علیرغم تلاش آنها ، هویت و شخصیت خود را از دست نداشته اند . ذرگترین دست اورد معنوی که مردم ما از این انقلاب بدست آورده اند ، این بود که دریافتند مپریالیسم و ارتقای ، با وجود تعاون قدرت و جبروت ، شکست پذیرند .

امپریالیسم روزیم شاه برای ادامه مسلط خوبیش بر مردم میهن ما میکوشیدند آنها اتابع سیاستهای خود کردند ، یا نسبت به سیاست منتفر و یا لاقل بی تفاوت سازند . حتی فشه میشد که " سیاست کاری است کشیف ، مرد شریف گرد سیاست نمیگردد " .

مردم میهن ما در طی انقلاب ، با شرکت وسیع همگانی خود در این انقلاب ، با دادن و بزار شهید و مدها هزا محروم و مغلول خط بطلان بر تھام این شکردها کشیدند و نشان دادند هنچه تنها تابع سیاستهای رژیم و امپریالیسم نشده اند ، بلکه نه از سیاست تصرفدارند و ه نسبت به آن بی تفاوت هستند . آنان ثابت کردند که آن سیاستی که هدفش رها ساختن طلقوها از بند ارتقای واستعمال ریا شد ، یعنی سیاست انقلابی " کشیف " نیست ، آنچه پلید است سیاست امپریالیسم و ارتقای است که هدفش درین کشیدن خلقوها و غارت آنهاست . این دو مین دست اورد ارزشمند معنوی خلق ماید .

ارتقای و امپریالیسم بموازات همه اینها ، بشدت به تبلیغات ضد کمونیستی میپردازند و با گرفتن هرگونه امکان روشنگری و دفاع از پیروان این مکتب ، با توصل به وقیحه ترین دروغها ، تحریفها و جعلیات ، کشیف ترین اتهامات را به کمونیستهای وارد میسازند ) از اشتراکی بودن زن درین کمونیستها گرفته ، تا انکا وجود عواطف انسانی و بی اعتبار بودن ارزشها اخلاقی و بیکاره برسی در میان آنان ( مردم ایران درین انقلاب دیدند که کمونیستهای اصیل با روفا دار ، این رکروه همیشگی آنها هستند . این نیز دست اورد گرانقدی برای مردم میهن ماید .

یکی دیگرا زدستا وردهای ارجمند و تاریخی انقلاب آن بود که به نیمی از جامعه ما یعنی زنان ستمکشیده ما که در طول تاریخ همواره " سنگ زیرین آسیا " بوده اند امکان داده رشد اجتماعی و تعهد عمیق خود را در برابر جامعه به درخاشان ترین گونه باشیات بر سانند و نشان دهند آنچا که پای منافع خلق و دفاع از آن در برابر ارتقای عویضی امپریالیسم بیان آید ، در پیکار روایتار نه تنها از مردان عقب نیستند بلکه در سیاری از موارد از آنها پیشی میکیرند .

آنچه تسا فانکیز است اینستکه این زنان دلبرواز خود گذشته علیرغم فدا کاریها و مبارزاتشان از حقوقی که شایسته آن هستند بخوردار رشندند و میداشت که این انقلاب دادگستر ، حقوق اجتماعی زنان را نیز به بهترین وجه تامین کند .

یکی دیگرا زدستا وردهای معنوی انقلاب ایجاد شرائط مساعدی برای ریشه کن ساختن روحیات منحط فرهنگ استعمالی ، سرمایه داری نظیر زیاده ظلیقی ، تحمل پرستی ، ریخت و

## دوستان و دشمنان انقلاب ایران

الف . بهرامی

هرا نقلاب رها ئی بخشی دوستان و دشمنانی دارد، دوستانی که بخارط ما هیئت نظام اقتصادی - اجتماعی و خصلت خدا میریا لیستی خود نمیتوانند با آزادشدن خلق ها مخالف باشند و دروازه قع در پنهان جهانی برای این آزادی می رزمند و دشمنانی که آنها نیز بخارط سرشت و جوهر نظمهای خود خلق های کشورهای خود را نیز دربیوغ استشمارنگا همیدارند، تا چه برسد به خلق های دیگر کشورها .

برای هر انقلابی شاختن دقیق دوستان و دشمنان اهمیت اساسی دارند و بدین ترتیب میتوان فایده آن اینست که ازکمراهی و اغتشاش فکری جلوگیری میشود و بدین ترتیب میتوان سیاست های اتخاذ کرد که دست کم به تحکیم انقلاب آسیب وارد نکند .

انقلاب رها ئی بخش مردم ایران از این قاعده کلی مستثنی نیست . انقلاب شکوهمند ما نیز دوستان و دشمنانی دارد، دوستانی که بر طبق خصلتهای نظام خود را آن قاطعانه حمایت میکنند و دشمنانی که تلاش دارند تا آنها که بتوانند ضربهای کاری به دست اورده های انقلابی مردم ایران وارد سازند .

شناختن دوستان و دشمنان انقلاب ما و بطور کلی همه انقلابهای رها ئی بخش کار دشواری نیست .

همه کشورهای واقعا " سوسیالیستی، احزاب کمونیستی و کارگری جهان سرمايه داری و جنبشهاي آزادی بخش ملي که برای رهائی خلقها مبارزه میکنند در زمرة دوستان انقلاب ایرانند و همه نیروهای امیریا لیستی ، و در درجه اول امیریا لیسم آمریکا و نیز همه رژیمهای وابسته به امیریا لیسم جهانی با هرماسک و نقابی دشمنان قسم خورده انقلاب ما و هر انقلاب رهائی بخش دیگری می باشد . تجربه انقلاب ما چه پیش وجه بعد از پیروزی آن بخوبی این واقعیت را نشان داده است . هر تلاش آگاهانه و ناگاهانه در مورد دگرگون

پاش و دریک کلام روی گردا نیند از مظا هر جا معه مصرفی است . باید این گرایش را که همراه انقلاب به جا مانه ماراه یافته قاطعاً نه تقویت کرد و گسترش داد . رژیم محمد رضا مخلوع بنابر توصیه کارشناسان آمریکائی میکوشید تا یک قشر مرفه معرف کننده درجا ممعه ایجا دکنده در عین حال پایگاه اجتماعی آنرا تشکیل دهد . بدینه است که شرایط تامین این "هدف" بسته آوردن بول فراوان از هر راه و بهر شیوه ای بود . رژیم با توسل به تمام حیله های تبلیغاتی و روانشناسی میکوشید تا عشق به مصرف و در نتیجه حرص گرددآ و بول را در بین مردم توسعه دهد و در عین حال سالوسانه از احاطه اخلاقی و برافتادن ارزش های معنوی درجا ممعه که نتیجه قانونمند نظام سرمایه داری و سیاست خودا و بود ، دم میزدو آنرا نکوش میکرد . در حال لیکیدی قول مارکس : "اخلاق حاکم بر جامعه ، اخلاق هیئت حاکمه است ". و این رژیم شاه بود که ناشر و راهگشای فساد و احتطاط و تبا هی درجا ممعه بود .

شگفت آنکه ، همراه با گسترش مبارزه انتقلابی ، همین قشر "مرفه" نیز به رژیم شاه پشت کردو بصفوف مردم پیوست . مردم میهن ما در روزهای انقلاب نشان دادند که به غالی - ترین مدارج ایثار و همبستگی ، به والترین مراتب اخلاقی و به رفع ترین قله های افسا - ندوار انسانیت ، که همگان از داستانها یش با خبرند ، دست یافته اند . این تحریبه گرانقدر تاریخی نیز از دست وردهای بزرگ انقلاب است .

شرکت وسیع و میلیونی مردم در این انقلاب که نقطه اوج فعالیتهای سیاسی خلق است و بدبال آن رسخ اندیشه ها و بحث های سیاسی در هر مدرسه ، کارگاه ، اداره ، دفتر و خانه و حتی در دوران انتقالی روزنامه های کشور ، مشکل شدن میلیونها بفراز جوانان و سالمدان ، زنان و مردان در سازمانهای سیاسی ، شوراهای اتحمن ها ، کروهها ، سپاهها و شرکت گسترده توده ها در بحث ها و مسائل سیاسی ، فعالیت وسیع و شدید آنان در امر نوسازی و عمران کشور ، جنبه های دیگری از دست وردهای انقلاب بزرگ خلق ماست .

خلقه های قهرمان ایران ، امروز میتوانند بناهای بزرگ و دستواری بزرگ و تاریخی انقلاب خود ، یعنی درهم کوبیدن بساط جند هرا رساله سلطنت و بیرون افکنند میریا لیسم و در راس آن امیریا لیسم آمریکا از میهن خودوباتکیه برتائیدوا جنگ مخلقه های جهان ، بحق سرافراز باشد .

هر چند که دستا وردهای انقلاب در طول بکمال میتوانست بیشتر وفا طعم را بینه باشد ، اما با در نظر گرفتن ویژگی های میهن ما و مشکلات ناشی از این ویژگیها و تربیت اینها که با نجه بست آمده ، میتوانیم و با بدسرافرازی بیشترین باسخ برای آنها که دوست نهایا بطعمه از کاستی های گونا گون در روند اینقلاب شکوه میکنند و آنها را برج میکشد ، این شعر بر تولت بر است شاعر انقلابی آلمانی باشد که پاسخی است همیشکی به تمام "نق نقو" های حرفة ای ، که پس از هر انقلابی ، در هر جای جهان و تحت هر شرایطی و با هر کیفیتی که باشد ، ظهور میکنند و هر یک بانیت خاصی برای انقلاب "دل میسورة است" ا

... خانه با آن مصالحی ساخته شده در دسترس بود ،

تابلویا رنگهاشی نقش شد که در اختیار بود ،

سخن با آنها گفته شد که برای شنیدن آمدند ،

انقلاب با آنها شد که میدان آمدند ،

دستا وردی فروخته ، باز هم میسور بود ،

میتوان افسوس خورد ، اما جه سود

جلوه‌دادن واقعیت‌ها نمیتواند واقعیتها را تغییر دهد. کافیست در این‌موردنگاهی کوتاه به موضع کشورهای سوسیالیستی. قبل و بعد از انقلاب ایران انداده شودتا درستی این برداشت بروشنه آشکارگردد.

در پاشیز سال قبل، هنگامی که امپریالیسم آمریکا برای نجات رژیم شاه مخلوع از هیچ تلاشی دریغ نمیکرد و حتی زمزمه‌های درمورد مداخله مسلحانه برای سرکوب قیام مردم ایران از واشنگتن بگوش میرسید، هنگامی که تنگ شیائوپینگ، نایب نخست وزیر چین، بعد از سفر شرم آور هواکوفنگ به ایران، در توکیو به آمریکا توصیه میکرد "با یاد در برابر مخالفان در ایران جدی تربود" ، و بیشتر کشورهای با مطلاع "اسلامی" مهرسکوت برلب داشتند، لئونید برزنف رهبر اتحاد شوروی در مصاحبه با خبرنگار روزنامه "پراودا" هشدار داد "اتحاد شوروی نمیتواند در محاسبات امپریالیسم برای بخار و خون کشیدن هرچه بیشتر هشدار برزنف نمیتوانست در محاسبات امپریالیسم برای بخار و خون کشیدن هرچه بیشتر مردم ایران بی شایر باشد. در آن موقع نیز محافل امپریالیستی سعی کردند مفهوم سخنان برزنف را تحریف کنند و درباره با مطلاع "نفوذ شوروی" هیا هوبراه اندادهند. درحالیکه هشدار اتحاد شوروی مفهومی دقیق داشت، اینکه با یاد مردم ایران خودسرنوش خویش را بدون هیچگونه مداخله خارجی تعیین کنند. دیگر کشورهای سوسیالیستی نیز همین روش را با بی‌گیری دنبال کردند و علیه‌هروکونه مداخله مستقیم خارجی در ایران هشدار دادند.

درحالیکه رسانه‌های گروهی امپریالیستی بنا به ما هیبت و سرشت خود انقلاب مردم ایران را "تطهارات مشتی متعصب" قلمداد میکردند و لاش داشتند افکار عمومی جهان را از واقعیت مبارزه مردم ایران منحرف سازند. رسانه‌های گروهی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی با تحلیلهای دقیق خودماهیت مترقبیانه مبارزه مردم ایران را برعلیه رژیم وابسته شاه مخلوع و امپریالیسم جهانی بسركردگی امپریالیسم آمریکا تشریح میکردند. بویژه روزنامه‌ای "پراودا" و "ایزوستیا" و رادیو مسکو بارها وبارها اعلام کردند "مبارزه مردم ایران علیه سیاستهای صورت میگیرد که کشور را دجا رپریشا نی، فقر و وابستگی کرده است".

مطبوعات و رادیویی جمهوری سوسیالیستی ویتنام بویژه درختنی کردن تبلیغات امپریالیستها و دارودسته ماٹوئیست چین در جنوب شرقی آسیا نقشی درخوار ایفاء کردند. روزنامه ارگان حزب کمونیست ویتنام چندیار در تفسیرهای خودکه بوسیله رادیویی هانوی نیزیخش شد، به جنبه خلقی و ضد امپریالیستی مبارزه مردم ایران اشاره کرد. در قاره آمریکای لاتین نیز این تنها کوباید که از همان آغاز مبارزه مردم ایران تا جاییکه امکاناتش بموی اجازه میداد، گزارشها و تفسیرهای رسانه‌های گروهی امپریالیستی رادر مورد مبارزه مردم ایران و مردم نیکاراگوئه افشاء کرد و خصلت ترقیخواهانه ایس مبارزات را تاکید نمود. یمن دموکراتیک و ایسویی نیز از همان آغاز انقلاب ایران، قاطعاً از این انقلاب حمایت کرده و تحریکات امپریالیسم آمریکا را علیه مردم ایران افشاء کردند.

نکته‌ای که اشاره به آن ضرورت دارد، این است که درحالیکه تمام کشورهای امپریالیستی ورزیمهای ارتحاعی ساوق و کرنا مبارزه مردم ایران را سویی "وابسکر-اشی" نشان میدادند، اجزای کمونیستی و کارکری کشورهای سرما بهدازی ضمن برخورد

حملتها واقعی انقلاب ایران، تبلیغات خصمانه رسانه‌های کروهی امپریالیستی را افشا میکردند. حتی در چندمورد به حمایت از مبارزات مردم ایران تظاهرات بزرگی از طرف احزاب کمونیست در پاریس، رم و چند شهر دیگر اروپا برپاشد و حزب کمونیست آمریکا نیز از همان آغاز مبارزه مردم ایران، حمایت خود را از این مبارزه اعلام کرد. احزاب کمونیست اروپای غربی سویژه بعد از آنکه امپریالیسم آمریکا بختیار، این نوکر خود را برای نجات منافع خود در ایران برسر کار آورد، آنی از افشاری هدفهای واقعی این اقدام خودداری نکردند.

ناراحتی امپریالیسم آمریکا از تحملیهای رسانه‌های کشورهای سوسیالیستی بحدی بود که وزارت خارجه آمریکا در بحبوحه مبارزات مردم ایران دریادادشتی به اتحاد شوروی از این کزارشها ابراز نداشتی کرد و با مطلاع به اتحاد شوروی "هشدار" دادا خبرگزاریهای امپریالیستی در آن زمان نیز مانتد امروز سی کردند با پخش خبرهای دروغ موضع اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را تحریف کنند از جمله یکی از خبرگزاریهای معروف غربی با تحریف مقاوله یکی از روزنامه‌های اتحاد شوروی تلاش کرد حقایق را وارونه جلوه دهد. اما این بار نیز این تلاش بیشتر مانه بحاثی نرسید.

این سیاست اصولی کشورهای سوسیالیستی بعد از پیروزی انقلاب ایران نیز ادامه یافت. امپریالیسم جهانی بسیار کمی امپریالیسم آمریکا که به هر تلاشی برای حفظ رژیم شاه مخلوع دست زده بود، پس از سرنگون شدن بساط سلطنت، از داخل و خارج کشور تلاش نمود تا شاید بنحوی آبرفت را در باره بحیی بازگرداند. اما کشورهای سوسیالیستی بر عکس، از همان نخستین روز پیروزی انقلاب ایران، حمایت کامل خود را از آن اعلام کردند. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی نخستین کشورهایی بودند که رژیم انقلابی ایران را بر سمیت شناختند و آما دگی خود را برای هر نوع همکاری با دولت ایران در محنت سروسا مان دادن به مابسا مانی هایی که میراث رژیم منحوس گذشته است، اعلام کردند.

سفیران و فرستادگان کشورهای سوسیالیستی آما دگی کشورهای متبع خود را برای بدهریان انداختن چرخهای اقتصاد ایران که با کارشناسی و خرابکاری عوامل داخلی امپریالیسم روپردازده بود، اعلام کردند. اتحاد شوروی اعلام کرد از طلب خود در مورد کارخانه ذوب آهن چشم پوشی میکنندوا این در حالی بود که کشورهای امپریالیستی بدستور آمریکا در روابط اقتصادی با ایران به انواع و اقسام کارشناسی دست زدند. امپریالیسم آمریکا این بار نیز تلاش کرد ما هیئت حمایت کشورهای سوسیالیستی از انقلاب ایران را تحریف کند و آشوب های را که عوامل داخلی امپریالیسم آمریکا درگوش و کنار کشیده اند میزند به اتحاد شوروی نسبت دهد. از جمله هنگامی که جنگی ناخواسته به خلق کرد تمیز میکند. وايادي امپریالیسم آمریکا با سوء استفاده از خواستهای برق خلق کرد آتش بیمار معرفه شدند. یکی از روزنامه های مشکوک صحیح که به زبان خارجی منتشر میشد نوشت "هوابیمهای شوروی هرشب اسلحه به کردستان میبرند" و یا اینکه "دولت بلغارستان به شورشیان کمک میکند". هدف این بود که دوستان و دشمنان انقلاب ایران در یک ردیف قرار گیرند و توطئه های امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و رژیمهای ارتقا عی منطقه علیه انقلاب ایران به دوستان این انقلاب نسبت داده شود و بدین ترتیب امپریالیسم از زیر ضربه خارج گردد. اما ما هیئت این تبلیغات نیز افشاء شد و سیاست اصولی کشورهای

سوسیالیستی که همان حمایت از انقلاب ایران و در عین حال عدم مداخله کامل در امور داخلی کشور است سخوی روش شد.

در جریان کنفرانس کشورهای غیرمعتمد درها و انانها یندگان کشورهای سوسیالیستی شرکت کننده در کنفرانس در سخنان خود بارها انقلاب ایران را مورد ستایش قرار دادند. از جمله رهبران کوبا و جمهوری سوسیالیستی ویتنام انقلاب ایران را رویدادی بسیار مهم تلقی کردند.

در همان حال که رهبران کشورهای غربی و قیحانه با عباراتی مانند "ارتجماعی" از رهبری ایران نام می‌بردند زنگال حیاپ، وزیر دفاع جمهوری سوسیالیستی ویتنام، ضمن ستایش از انقلاب ایران امام خمینی را "شمعیتی استثنائی" خواند و بین ترتیب نهایت احترام مردم و دولت ویتنام را به انقلاب ایران نشان داد.

حمایت کشورهای سوسیالیستی از انقلاب ایران بعداز تصرف لانه جاسوسی آمریکا بوسیله داشجویان مسلمان پیرو خط امام و به گروکان گرفته شدن جا سواند دیپلمات‌نمای آمریکائی روش نظر شد.

در پی تصرف لانه جاسوسی آمریکا که انقلاب ضد امیریالیستی و خلقتی مردم ایران را وارد مرحله نوینی کرد، تهدید و تنا تاز امیریالیسم آمریکا علیه ایران دامنه گسترده‌تری بخود گرفت و در داخل نیز توظیه ایادی امیریالیسم شدت یافت.

رهبران آمریکا برای ارعاب مردم ایران سیل ناوهای جنکی از جمله ناوهای هوا پیما بر را بسوی اقیانوس هند و خلیج فارس سرازیر گردند و سخنگویان و اشگنگان زا مکان مداخله نظا می و سرکوبی مردم ایران سخن گفتند و کشورهای دست نشانده منطقه را علیه ایران تحريك کردند. این با رنیز در موضوع امولی کشورهای سوسیالیستی در مردم حمایت از انقلاب ایران تغییری روی ندادو اتحاد شوروی اعلام کرد آمریکا حق ندارد بدینه آزاد کردن گروگانها مردم ایران را تهدید کند و روزنامه‌ها از قول مقام‌های فلسطینی خبردادند که آندره گرومیکو، وزیر خارجه اتحاد شوروی گفته است این کشورنمی نواشد تجاوز آمریکا به ایران را تتحمل کند.

کشورهای سوسیالیستی این با رنیز مانند دوران قبل از پیروزی انقلاب تلاش کرده واقعیت روابط ایران و آمریکا را که امیریالیسم تلاش دارد آنرا تنها در جهان رجوب با مطلاب "مسئله گروگانها" محدود سازد، به گوش جهان نیان بر سانند. رسانه‌های کروهی کشورهای سوسیالیستی در تغییرهای خود اعلام می‌کنند که "مسئله گروگانها" تنها یکی از جنبه‌های روابط ایران و آمریکا و جنبه ظاهری این با مطلاب "بحران" است. و واقعیت را باید در دشمنی آمریکا با انقلاب ایران و رهبری آن و تلاش امیریالیستها برای مداخله در امور داخلی ایران و ضربه زدن به انقلاب حستجو کرد.

امیریالیسم آمریکا تلاش کرد برای اجرای طرحهای خود بویژه در زمینه محاصره اقتصادی ایران توحیه حقوقی بدست آورد و برای رسیدن به این هدف متوجه سورای امنیت شد و تلاش کرد با تحمیل قطعنامه‌ای به این شورا در مردم محاذات اقتصادی ایران به هدف شوم خود دست یابد. اما اتحاد شوروی از همان آغاز بحث‌های شورای امنیت اعلام کرد بهیج وجه اجازه نخواهد داد شورای امنیت محاذات اقتصادی ایران را بتحقیق بر ساند. "تاس"، خبرگزاری رسمی اتحاد شوروی نوشت آمریکا تلاش دارد مسئله گروگان گیری را بین المللی کند و مخالف بین المللی را با طرحهای خود علیه انقلاب ایران همراه

سازد، اما اتحادشوری نمیتواند اقدامهای آمریکا علیه ایران را تحمل کند، واپس تفسیر تاسنیازی به توضیح نداشت. محافل حاکمه آمریکا تلاش کردندهای پیشکشیدن مسائلی مانند قرارداد "سالت ۲" اتحادشوری را وادار ساخت، دست کم درشورای امنیت از رای "متنع استفاده" کند. ما موضع اموالی اتحادشوری و دیگر کشورهای سوسیالیستی این رویای زمانداران و اشتگنگان را نقش برآب کرد. جریان رای گیری درشورای امنیت یکبار دیگر دوستان و دشمنان انقلاب ایران را بخوبی نشان داد. درحالیکه کشورهای مپر یا لیستی آمریکا، انگلیس، فرانسه با برقراری مجازات اقتضایی علیه خلق انقلاطی ایران موافق کردند و در این راه از حمایت کشورهای "اسلامی" مانند تونس برخوردار شدند و یک کشور "اسلامی" دیگر - بنگلادش - بدستور آمریکا از مخالفت با مجازات اقتضایی ایران خودداری کرد، اتحادشوری قطعنامه مجازات علیه ایران را توکرده و جمهوری دموکراتیک آلمان نیز به قطعنامه رای مخالف داد و در این میان رهبران مائوئیست چین نیز که دوشادوش امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب‌های رهائی بخش توطئه میکنند از مخالفت با قطعنامه خودداری کردند و در رای گیری شرکت نکردند. بدین ترتیب مائوئیست‌ها چین با عدم شرکت در رای گیری دست امپریالیسم آمریکا را برای اجرای توطئه خود درشورای امنیت بازگذاشتند اما وتوی اتحادشوری تمام این نقشه را نقض برآب کرد. زمانداران آمریکا این با رسانی‌تلاش کردند موضع اموالی شوروی را تحریف کنند. سختگویی کاخ سفید و قیحانه ادعای کرد "اتحادشوری بخط مسئله‌افغانستان قطعنامه را توکرده است". غافل از آنکه مدت‌های قبل از یا مطلع "مسئله افغانستان" اتحادشوری سیاست اموالی خود را در مردم مخالفت با هرگونه فشار علیه ایران اعلام کرده بود. امپریالیسم آمریکا هنگام بحثهای شورای امنیت نیز مانند دوران قبل و بعد از انقلاب ایران با تحریف و جعل خبر تلاش کرد سیاست اموالی اتحادشوری و دیگر کشورهای سوسیالیستی را خشنده رساند. خبرگزاریهای امپریالیستی در بحبوحه بحثهای شورای امنیت از قول کاردار سفارت شوروی در مکریک خبری جعلی به سراسر جهان مخابره کردند. هدف آن بود که در آستانه شکست آمریکا درشورای امنیت، اذهان عمومی با دیگر منحرف شود. اما این با رنیز مانند گذشته مشت حاصل خبرپیش مردم ایران باز شد. اما رسانه‌های گروهی امپریالیستی یک لحظه از تلاش خود برای تحریف ماهیت روابط کشور-های سوسیالیستی و ایران دست نمی‌کشند و با هیا هو و حنحال درباره با مطلع مسئله افغانستان تلاش دارند خطر موهوم شوروی را با دیگر علم کنند. رهبران آمریکا برای ایران که خود در مدد خوبی زدن و متلاشی کردن آن هستند اشک تمساح میریزند تا بدین - وسیله تحریکات و تدارکات خود را در خلیج فارس و پاکستان که علیه انقلاب ایران صورت می‌کیرد، از انتظار پنهان کنند و افکار عمومی ایرانیان را از مبارزه مرگ و زندگی با امپریالیسم جنایت پیشه آمریکا منحرف سازند. لثونید برزنت رهبر اتحادشوری خیرا "در مصاحبه با خبرنگار روزنامه "پرا ودا" ضمن اشاره به این هیا هوی امپریالیست‌ها گفت سیاست اتحاد شوروی با استعمال رواستیما رسانکانه است. این امپریالیست‌ها هستند که با بُوی نفت بسوی خلیج فارس متوجه شده‌اند و این امپریالیسم آمریکا است که علیه مردم انقلابی ایران توطئه می‌کند.

لازم به توضیح است آن دسته از کشورهای پیش‌زمانند انتی‌بی‌وین دموکراتیک که با ایران روابطی ندارند نیز همواره از انقلاب ایران حمایت کرده‌اند.

بطوریکه شاه شدته تنها کشورهای سوسیالیستی، بلکه احزاب کمونیستی و کارگری جهان سرما به داری نیز قطعاً نه تحریکات امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران را افشاء و مکحوم میکنند و تلاش دارند افکار عمومی کشورهای خود را با حقایق اوضاع در ایران آشنا سازند. پس از اشغال لانه جاسوسی آمریکا در تهران، تظاهرات بزرگی بوسیله احزاب کمونیست در اروپا وهندر همبستگی با مبارزه ضد امپریالیستی مردم ایران برگزار شده است. حزب کمونیست آمریکا نیز حمایت کامل خود را از مبارزه مردم ایران در مرحله کنونی اعلام داشته است.

تجربه انقلاب ایران و حمایت سه نیروی بزرگ انقلابی دوران ما (کشورهای سوسیالیستی، جنبش جهانی کارگری و جنبش رهائی بخش ملی) یکباره دیگر وحدت و همبستگی ایران نیروها را نشان داد. هرگونه تلاش برای ایجاد آنها در مورد نیروهای هوادار انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی مردم ایران در عرصه جهانی نمیتواند به تحکیم انقلاب کمک کند. تجربه یکساله انقلاب ایران همچنین نشان داد، امپریالیستها در این مسئله با یکدیگر تفاوت نظردارند که با یادبهرتر شیبی که شده روندانقلابی ایران را "مهار" کرد، کسانی که ناگاهانه این دعوا قعیت را نادیده میگیرند تنها به روشن انقلاب ایران را زیان وارد میسازند. باید میان دوست و دشمن خط فاصل کشید، و درست تحکیم و عمیقت رشد انقلاب حرکت کرد. این یک وظیفه انقلابی است.

## برای مقابله

**با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا**

**تمام خلق باید**

**از نظر نظامی مجهز شود**

## ★ انقلاب ایران و امپریالیسم آمریکا

بهم تلقی زاده

★ تاریخ دوره اخیر کشور ما، تاریخ تحاوزات و مداخلات جوگرانه، رحشیانه و سی حدوم رز میریالیسم آمریکا درا موردا خلی ایران است. تاریخ بهیندگشیدن و سرکوب مردم ایران توسط این امپریالیسم و به یغما بردن شروتهای این آب و خاک و تبدیل ایران به زاندارم منطقه یا چماق سرکوب خلقهای دیگر است، تاریخ تبدیل ایران به انسا رسلاحها و کالاهای آمریکائی و نابود کردن تدریجی اقتصادکشا ورزی و صنعتی این کشور است، تاریخ پروردگار قشری انکل صفت و حنا بستکار و حاکم کردن آن پرشتوشت مردم ایران است.

تاریخ انقلاب عظیم ایران، تاریخ مبارزات جانازانه و میلیونی شوده های مردم برای قطع این سیطره اهربیمنی، کوتاه کردن دست امپریالیسم آمریکا و عمل اواز حیات سیاسی، اقتضادی و احتمالی کشور ما و احراز حق تعیین سرنوشت خویش است. هدف این مقاله نگاهی کذرا به جنایات امپریالیسم آمریکا در روند این مبارزه حمامی و کم نظر بر است.

۱

درا و آخر دهه پنجم قرون بیستم، سرمایه داری به سومین مرحله بحران عمومی خود بیسا می نهد. و بیزکی این مرحله رشد طوفانی آکا هی و مبارزات خلقهای زیر سلطه، سرای کسب استقلال سیاسی و اقتصادی است. تغییر توازن نیروهای طبقاتی در عرصه های رشد عظیم قدرت سیاسی، اقتضادی و نکتا من از دو کاه سوسیالیسم و رشد حنشهای طبقه کارکر در کشورهای

امپریا لیستی، این امکان را پدید می‌آورد که کشورها نیکه بعرضه مبارزه با امپریا لیستی کام می‌نہند، با اتکاء به قدرت عظیم جبهه ضد امپریا لیستی در جهان، به سیطره امپریا لیستی خوبیش برافرازند.

امپریا لیستی آمریکا با داعیه مدافعه از "جهان آزاد" بیش از پیش، سرای حفظ منافع غاصبانه خوبیش به کشیفترین، فاسدترین و جنایتکارترین حکومتهاي جهان تکه می‌کند؛ وان تیو درویتنام، پارک جون هی درگره، هیلاسلاسی درا تیوپی، حکومت سرهنگان دریویانا، فرانکودرا سپانیا، کای تانودربرتفال، پیشوشه درشیلی، مخدوم راضا پهلوی در ایران... ولی او بادمیکا ردو طوفان درو می‌کند. حکومتهاي پوشالی، فاسد و ضدخلقی، یکی پس از دیگری، به نیروی توده‌های انقلابی میلیونی سرنگون می‌شوندواز پس آن چرکاب جنایتها و رذالتهاي امپریا لیستی در مقابله افکار عمومی جهان نیان گسترده می‌شود.

تحاو ز مستقیم امپریا لیستی آمریکا درویتنام، به نیروی سارازه قهرمانه خلق ویتنام ویاری کلیه نیروهای ضد امپریا لیست و ملحدوست و در راس آن اتحاد شوروی، با یکصد هزار کشته و یکصد و پینصد میلیار دلار هزینه، به شکستی فضیحت با رمی انحامد - مسوج مخالفت و اعتراض به ما جراحتی های محتمم های نظا می - صنعتی ویتناگون، آمریکا را در می نوردد. زما مداران آمریکا در جریان انقلاب آنکولا حتی حراث طرح ما جراحتی های بیشین را در خودنمی یابند.

افشای جنایات رژیمهای ضدخلقی که امپریا لیست آمریکا در اکناف جهان به پاسدا ری منافع خوینین و غاصبانه خودگما رده است، شکستهای پی در پی امپریا لیست آمریکا در عرصه جهان و نیز در مقابله با بحران اقتصادی مزمن درون کشور، افزایش میزان تورم، بیکاری و رکود اقتصادی و نیز آشکار شدن حرثی از فسادهای سیاسی، و مالی، حکومتهاي آمریکا، مردم را نسبت به وعده‌های نمایندگان انحصارات و مجتمع های نظا می - صنعتی، بشدت بدین می‌سازد. دوره اخیر انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بیان شری مجرمی حدی و بی سابقه در این زمینه است.

علیرغم بسیج عمومی دستگاههای تبلیغاتی، انحصارات برای ترتیب جهره کارتسر، بعنوان "فرستاده مسیح"، سا "هالهای زنور تقدس برگردانه" و دعاوی وی در حرمت نهادن به "حقوق بشر" ، تنها قریب به ۵۰ درصد مردم حائز شرایط به پای صندوقهای رأی می‌برند و وی با آرائی در حدود ۱۷ حمیت رای دهنده آمریکائی برگزیده می‌شود.

بحران اقتصادی و سیاستی در کشورهای تحت سلطه متناسب با شرایط خاص هر کشور نضج می‌یابد و رژیمهای پوسیده و ضد مردمی رادر کام خود فرومی برد: کوبا، ویتنام، الجزایر، آنکولا، لائوس، کامبوج، اتیوپی، گینه بیساو، موزامبیک، کنگو، برزا ویل، پرتغال، اسپانیا، یونان و... دنیا ی جدیدی را نوید میدهدند.

در ایران، یعنی در یکی از مهمترین پایگاههای نفوذ امپریا لیست آمریکا نیز بحران آرام آرام رو به تعمیق می‌نهد. از آتشستان خاموش ایران غرشهای خفهولی رو به او وحی بگوش میرسد. مبارزات مردم آرام آرام رو به تراز بدمیکذا ردواین درست رمانی است که کارتسر، این سگ زردا امپریا لیست، بحای شغالهای بیشین می‌نشیند، کسی که جهره ونا مش با توطئه‌های جنایتکارانه علیه مبارزات انقلابی مردم کشورها، بیرون دنای استیستی دارد.

امپریا لیسم آمریکا با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۵ که بنا به استادی شبهه‌تا ریخی بدست عمال "سیا" و کارکنان "سفارتخانه" این کشور را ایران صورت پذیرفت، دولت ملی دکتر مصدق را سرنگون ساخت و بدنبال آن همراه با تقویت و گسترش یک قشانگل و دلال صفت که در راس آن دربار محمد رضا بهلوی قرار داشت، طرحهای وسیع خود را برای تبدیل ایران به یک کشور مستعمره، پیاده نمود. در حالیکه به نیروی شوده‌های میلیونی مردم، رژیم استبداد سلطنتی سرنگون گردید، ایران به تما می‌کشواری "اشغال" شده بود.



اقتصاد ایران طبق طرحهای برنا مدریزان آمریکائی، اقتصادی کاملاً وابسته، تک پایه و مبتنی بر درآمد نفت بود. نسبت صادرات غیرنفتی ایران به واردات آن در سال ۵۵، به نسبتی در حدود ۴۰ هزار میلیون دلار می‌شد.

ارتش ایران با در حدود ۴۵ هزار میلیون آمریکائی، بیشتریها رتش کشورهای مستعمره شباخت داشت تا یک ارتش مستقل. علاوه بر یک میلیون دلار "مزد" مستشاران آمریکائی در مقابل آموزش ارتش، رژیم حاکم بر ایران در طول سالهای ۵۳ تا ۵۷ بیش از ۱۰ میلیارد دلار اسلحه آمریکائی خریداری کرده و ۱۲ میلیار دلار دیگر سفارش داده بود.

معاون وزیر خارجه آمریکا در کنفرانس "ایران در سال ۱۹۵۰" گفته بود: "خرید تسليحات آمریکائی توسط ایران، جزء لایحه ای روابط ایران و آمریکاست".



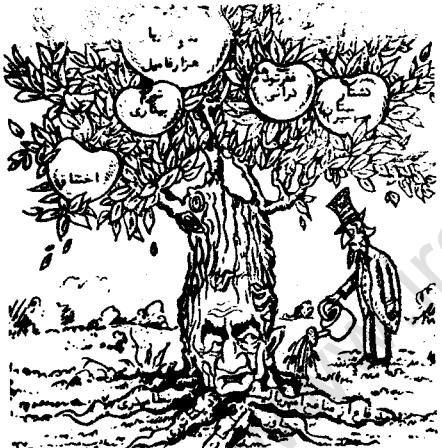
"استحکام قدرت نظامی ایران، یکی از عوامل مهم در تامین ثبات در این قسمت از جهان است و بهمین دلیل کمک به ایران، کمک به ایالت متحده است و افزایش قدرت ایران، افزایش قدرت آمریکاست".

نفت ایران، به تما می درا ختیا رکنسرسیوم بین اعلانی نفتی امپریا لیستی قرار داشت و درقبال بهای اندکی که جهت خرید اسلحه و کالاهای پنهان آمریکائی به ایران پرداخت میشد، با چندین برابرسود، دریا زارهای جهانی به فروش میرسد.

ایران ڈاندارم منطقه، انسار اسلحه آمریکائی، بازار مصرف کالاهای کشاورزی و صنعتی انحصارها و تا مین کننده سوخت موردنیاز مصنوع کشورهای امپریا لیستی و حافظ منافع امپریا لیسم آمریکادرا ویک بود.

امپریا لیسم آمریکا همچنین برای حفظ منافع خود در ایران، برای خفه کردن هرگونه مدای حق طلبی و آزادیخواهی، دستگاه سرکوب مخفوق نیز پدید آورد و آنرا با کشف ترین و رذیلانه ترین خمامین حیوانی و مدرن ترین وسائل شکنندگ و سرکوب مجہز ساخت. طبق گزارشی که ملیب سرخ تهیه کرده و در کشوی میزشان مخلوع کشف شده است، تنها در عرض چند سال ۳۴۴ آزادیخواه زیرشکنجه های وحشیانه و اسواک شهید شده اند که اجساد آنان به دریا چدمک ریخته و بیا مخفیانه دفن شده است و این آمار، صدها جوان را که در دوره خفغان، بالکوله شکار جان انسان در خیابانها، به خون طبیدند، در بر نمیگیرد. "سیا"، کسا و اسکار مولودا و بود، هر سال بطور متوسط ۲۵۰ شکنجه گرو جو جاسوس برای این دستگاه های هریمنی تربیت میکرد و آموزش میداد.

اما انقلاب فرا رسیدوا این "جزیره شبات" و آرامس و بیغما و جنایت را در خود فروبرد.



### ۳

بحرا ن در ایران، ابتداء آرام آرام رشد یافت. نخستین علاطم بحرا بصورت افزایش تورم، وبالنتیجه، رشد مبارزات زحمتکشان در راه بهبود زندگی شدیداً "روبه و خامت خود، ظاهر گشت. هزینه های تجویی و تورم زای تسلیحاتی و نیزبورس بازی بر روزی زمین و مصالح ساختمان، شدیداً "شاص هزینه زندگی را بالای برد. تورم که تا سال ۱۴۹ اندک بود (۱ تا ۳ درصد)، بشدت افزایش یافت:

درختی که تلخ است وی را سرست  
نقل از "نوید"، شماره ۱۳، ۳ دی  
ماه ۱۳۵۶

۵/۶، ۱۲/۵، ۱۵/۵ و به ۲۲ درصد در سال ۵۲ بالغ گشت و ازان به بعد نیز سیر رو به او خود را حفظ کرد. اعتصابات کارگری نیز که در سالهای قبل از ۵۵ اندک شمار بود، بسرعت رشد یافت که نقطه عطف آن را میتوان اعتساب ۳۵ هزار کارگر و ۴۰ واحد زیرگ صنعتی در سال ۵۵ بشمار آورد که روزمنده ترین آنها یعنی کارگران چیت سازی تهران با هجوم وحشیانه نیروهای سرکوب رژیم بخون کشیده شدند.

از طرف دیگر رژیم اختناق نیز هردم برس بعیت خودمی افزود و هرچه با یگاه اجتما عی محدودتری می یافت، خشن تر و مهار چشم ترمیگردید. حتی احزاب "اپوزیسیون اعلیحضرت" نیز غیرقابل تحمل شدند و اجبارا "در حزب فاشیستی" رستاخیز" ادغام گردیدند و عما مری،

رهبریکی از این احزاب بدلیل انتقاد ملایمی از شاه، در تصادف ناگزیری با شاخ یک گاو کشته شد!

این وقایع، دوراندیش ترین "دانشمندان" امپریالیسم را به هراس می‌افکند. آنها که با تجربه علائم موگ را در جنین عجوزه‌های فرتوتی خوب می‌شناختند، به نصایح حکیمانهای پرداختند. برخی ساتورهای "دمکرات" در کنگره آمریکا، ایران را "خانه‌ای مقوایی پرازاسلحه آمریکائی" توصیف کردند و گرانی شدید خود را ابراز داشتند. کارتر در ابتدای رسیدن به حکومت، ضمن سخنان "آتشینی" در دفاع از "حقوق بشر"، حکومتهاشی که این حقوق را نقض میکردند، ملامت نمود. او همچنین دوپیا متریک شاه را به مناسبت پیروزیش در انتخابات، بی جواب گذاشت.

امپریالیسم که از انفراد رژیم دست نشانده اش بشدت وحشت داشت، کوشید تا "اصلاحات" و تغییرات محدودی را در روش حکومتی وی پذیدآورد. در همان حال که عوامل ساواک مبارزان را در خیابانهای گلوله می‌بستند، سربازان کارگران اعتراضی را سرکوب می‌نمودند و شاه را ویک به تثبیت قیمت نفت رای میدادند و دلالهای اسلحه، میلیاردها دلار دیگر را بسلاخهای آمریکائی معاوضه میکردند، تلاش برای تحمیل محدودیتهاشی جزئی بر زیم شاه، در طبقات بالای حاممه گسترش می‌یافت.



تمامی پادوهای امپریالیسم، حاسوسان ولیبرالها، جون حیواناتی که از موقع نزدیک، زلزله هراس افتاده باشد، به تکapo افتادند. هدف، ممانت از انتقال حریق به اینبار با روت و محدود کردن کشمکشها به طبقات بالائی حاممه بود.

تمام خط مشی های را که اکنون بوضوح در مقابل یکدیگر نقل از "نوید"، شماره چهه آراسته‌اند، در آن دوران، در تلاش یک گروه برای تغییر ۱۳۵۶، ۲ دی آرایش مهره‌های نمایندگان سیاسی طبقات بالائی و گروه دیگر برای استفاده از این موقعیت و حلب توده‌ها به مبارزه فعلی، می‌شدمش‌هد کرد.

در محلس فرما پیش، گروه "ایوزیسیونی" پذیدآمدند که خواستار تحدید قدرت مطلقه شاه بودند. نخستین نمودهای این نارضائی، در ۱۳۵۷ میان سال ۵۵ بهنگام بحث در باره سودجه، مشاهده شد. در بیرون نزیل بیرون نیز بیرون نیز هرگز برای تغییر ساتکاء بدعادی کارش "دمکرات" و "پیام آور" نوین مسیح، زبان به نصیحت شاه میکشندند. اینان حتی بعد از نیز کوش خود را متوقف نهادند. امیرانتظام، حاسوس "سیا"، حتی در دوران کودتای خوینی نیز همچنان برای فرستادگان کارتر، دسته‌های کل می‌فرستادند آن از مطلق العنای شاه کله میکرد و بطبق استاد منشور شده "نهضت آزادی" نیز از هیچ‌کوئه تلاشی سرای ایجادیک "خط متعادل" و حفظ منافع امپریالیسم آمریکا، فروکدار، نمی‌نمود.

نیروهای انقلابی نیز تلاش خود را برای کشاندن توده‌ها به مبارزه فعلی رژیم شاه، شدت می‌خشیدند. در پیش ایشان، این نیروها حزب توده‌ها بران قرار داشت که از تابستان ۱۳۵۴، با طرح شعار جهه واحد ضد دیکتاتوری، ضرورت شرکت فعل توده‌ها را در این مبارزه مطرح می‌ساخت.

رژیم دیکتاتوری برا شفشار نارضائی و اعتراض روبه رشد مردم و نیز افکار عمومی  
جهانیان، به تغییراتی جزئی در طواهر تن داد. برخی از زیدانیان سیاسی که مددت  
محکومیت شان پایان گرفته بود، آزاد شدند و از سانسور دولت استنکی کاسته شد.

اما نه توده‌های مردم که دراعتراضات روبه رشد روزمره خود به وخامت سریع وضع  
معیشتی خوبیش، با چماق سرکوب ارشت و ساواک روبرو بودند، از اینگونه ظاهرا زیبای  
ریب میخوردند و نه امپریالیسم آمریکا، تغییراتی فراتراز آرایش ظاهری چهره خونین  
رژیم پهلوی را توصیه میکرد.

توافق حامل شده بود. شاه برای اعلام دیکتاتوری خود در واخر آبان ماه  
۶۵ با اسکورتی مرکب از ۴۰۰۰ مزدور ساواک به آمریکا رفت و در دیدمه کارتز، ملک حسین،  
موشدا یان وزیادی از ره به تهران آمدند. نتیجه مذاکرات، پشتیبانی کامل ارباب از  
غلام خوبیش و تحدید عهد غلام با ارباب بود - دریا یان مذاکرات توافق شد که شاه برای  
شایستگی داشتن قیمت نفت برای ۴ ماه دیگر تلاش کند و نیز به انتیویی هشدار دهد که  
تمیتواند نسبت به تجا و زبه مزه‌های سومالی بی تفاوت بماند. "امپریالیسم آمریکا  
تدارک اجرای طرحهای خطرناکی را بدست زاندارم خود میدید.

اما مبارزات مردم متوقف نماند و هنوز بسطور عمدۀ در میان فشرهای معینی محصور  
بود، هر روز گسترش بیشتر می‌یافتد. برگزاری شبهای شعروبسیس گردهم‌آئی مدها تن در  
کاروان‌سازی در روز عید قربان که هردو با خشونت از جانب جماق بستان رژیم سرکوب  
گردید، بیانگر آنکه روبه رشد این مبارزه بود.

رژیم حاکم به چوجه حتی ذره‌ای توانایی برآوردن تغییرات عمیقی که خواست آن  
آرام آرام از درون جا می‌جوشد، نداشت. جایگزینی مهراهی چون آموزگار بحای  
مهره‌دیگری چون هویدا، در شهریور ۶۵، انکاسی از این واقعیت بود. شکافی که برادر  
رشتنا رضائی توده‌های مردم در میان طبقات بالائی پیدا مده بود و عمل امپریالیسم  
دیوانه و ارمیکوشیدن‌داد آنرا مرمت کنند، هر روز عمیقت‌تر می‌شد. رژیم توانایی حفظ وضع  
موجود را به شیوه گذشته از دست میداد و آتش بسوی اثمار را روت زیانه میکشید.

امپریالیسم آمریکا می‌باشد" طرحهای دیگری را در پیش گیرد. خشم توده‌های  
مردم هر روز بیشتر بداخل شکاف سرازیر میشود و آنرا عمیق و عمیقت‌تر میکرد.

## ۴

در ۱۷ دی ماه ۶۵، توده‌های انقلابی مردم قم که از توهین حسوانه‌ها و اک در روز تن مه  
اطلاعات به آیت الله خمینی به خشم آمده بودند، به خیابانها ریختند. سد شکست و سیل حبس  
توده‌ای حاری گشت. این اولین بار بود که توده‌های مردم با چنین وسعتی با عترا ففعاً  
علیه رژیم ضدخلی پهلوی بر میخاستند. در این روز در خیابانها کل کرد و سر  
سنگفرشها، شقایقها بسیار روئید. بدیسان رزم تاریخی وسی ساقه‌تانکها و مسلسلهای  
با مشتها و غریوفریا ده آغاز شد و ناقوس مرگ رژیم شاه را در شهرها و روستاها بصدرا درآورد.  
کارشناسان "سیا" و طراحان و سرتا مریزان امپریالیسم آمریکا، "طرح" تازه‌ای را  
برای مقابله با حبس انقلابی و روبه رشد مردم در پیش گرفتند. رژیم شاه ماسک و عده  
"حداکثر آزادی" از چهره برگرفت و ازلوله‌های مسلسلها و تانکها به چهره مردم خشمکش

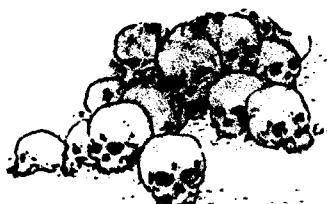
نگریست : سربازها از پادگانها به شهرها آمدند تا شهرها را از "اشغال" توده‌های رنجیده مردم ، بدرآورند . دیگر یکدم مداری مفیر گلوله‌ها با غریبو خشم مردم قطع نشد . از ۱۷ دی تا پیروزی انقلاب یعنی بیش از یکسال ، توده‌های میلیوی ایران ، یکی از بزرگترین حماسه‌های جاودان تاریخ پسر اهل خلق کردند . جنبش سازمان نایافتدولی مشحون از انتزاع توفنده میلیونها انسان ، درگیر شدوسرا نجام سنگ برستگ توسط اردوانگاه سرمهای جهانی پشتیبانی و اداره میگشت ، درگیر شدوسرا نجام سنگ برستگ کاخ پوسیده استبداد سلطنت باقی نگذارد . این جنبش فرازندۀ که هر روز ، از پس هر "طرح" نوین و سرکوب خونین ترا مپریا لیسم آمریکا و عمل داخلی آن ، قویتر ، استوار تر و با اعتماد به نفس فزو نت از جای بر میخاست و راه خود را به بیش می گشود ، در تاریخ انقلابات جهانی ، هم‌اکنون جای ویژه و پرا رجی یافته است .

در این یکسال خلق خودآما ، آنچنان مجموعه‌ای از تاکتیکها و ابادات انقلابی بر جای نهاده کدهم ساقه است . هر "طرح" کا رشنا ان "سیا" در مقابله با جنبش انقلابی ، سرعت با "بدل" خلق روپرور نمیشود . جنبش سرعت برتری روانی خود را برخود بردشمن ، نمایندو تا پايان آشرا حفظ کرد .

درجہلین روز رزم حمام آمیزقم ، تبریز به قیام برخاست و با ردیگر ارشت برای بهبند کشیدن شهر قهرمان ، با دگانها را ترک کرد . از زمین و هوای بر مردم آتش بارید . با زهم خونهای پسیا ردرخیا بانها گل کرد . گلهای که عطر دلیری می پراکندندواز پس افسدن هر شعله ، صدها خرمن آتش بیا میکردند . گفته شد که در تبریز دست کم ۴۰۰ تن شهید شدند . در چهل شهدای تبریز ، شهدای کازرون و قم و جهرم حمام آفریدند . در این روز شاه ، خود عملیات تیربا - ران مردم را رهبری میکرد .

تداوم جنبش اعتراضی و رشد آن ، هم در سطح و هم در عمق ، امپریا لیسم آمریکا را باندیشه انداخت . در همان زمان که "ونس" از همیت پسیا رروا بسط ایران با آمریکا سخن میگفت و نیا زروزا فزون امپریا لیسم را به منابع نفتی خلیج فارس یا دا ورمیشد و امپریا لیسم نگلیس ، نقش ایران را در دفاع از منابع امپریا لیسم در عرصه سیاست جهان میستود ، (اویلا ردیبهشت ۵۷) تردید محال امپریا لیسم از آینده منابع خویش در ایران و تردید آنها در حفظ این منابع توسط رژیم شاه افزایش میباشد .

مهندس جفوردی ، پادوی امپریا لیسم آمریکا در اویل خردادماه گفته بود که "کاخ سفید به شاه گفته است ، که اقامات او برای



با زگرداشتن نظم و آرا مشتگران کننده است.

این سخنان نطفه " طرح " هائی را که بعدها می باشد بختیارها و امیرانتظام های برای حفظ منافع امپریالیسم آمریکا ، بدانها جا مه عمل بپوشا شد ، بوضوح نشان میدهد . در حقیقت برخی محاذل آمریکائی از همین زمان ، به حسته ای جانشین مناسی بحای رژیم پوسیده شاه برا مده بودند .

سنت برگذا ری چهلم شدها ، هر روزه شد - موج جنیش که بر دیوار استبداد میگوید ، در هر بازگشت ، قدرت ، دامنه و شدت بیشتر می یافتد . رژیم چون حیوانی زخمی بخود می پیچید و دیوانه و ربرحنا بات خود می افزود .



کاربرد "حقوق بشر" کارتور در ایران :

اونه چیزی می شنودا ... نه چیزی می بیندا ... نه چیزی می گوید !

نقل از " نوید " شماره ۱۴۵ ، ۱۲ دی ماه ۱۳۵۶

در ۴۰ مرداد در اصفهان حکومت نظما می اعلام شد و در ۲۸ مرداد ، ۸۳۱ بفردرسینما رکس آبادان زنده زنده سوزانده شدند . پاسخ مردم ، موج بیسا بقه و میلیونی خشم و اعتصاب بود . در ۱۲ شهریور ، روز عید غطرت در تهران قریب به ۸۰۰ هزار نفر راه پیمایش کردند و در ۱۶ شهریور این رقم به یک میلیون بالغ شد .

مبارزه مردم برای جلب ارتضی که اکثریت آن را فرزندان دهقانان و کارگران تشکیل میداد ، شدت یافت و در روزهای ۱۳ و ۱۶ شهریور به اوج خود رسید . تیغه خشم مردم گلوی رژیم شاه را می فشد .

در ۱۳ شهریور کمیته مرکزی حزب توده ایران ، شعا رسنگونی رژیم فرستوت سلطنتی و استقرار جمهوری ملی و دموکراتیک را مطرح می سازد . حزب توده ایران نحسین سازمان سیاسی ایران بود که این خواست را مطرح نمود .

چند روز قبل از ۱۷ شهریور ، اردشیرزا هدی و یکی از شخصیت های کاخ سفید در سراسا علت ۲ بعد از نیمه شب ، وارد تهران می شوند . یک دفتر ویک شورای ویژه از مدتی قبل برای تعقیب و نظرات و بررسی تحولات ایران تشکیل شده است و توطئه های متنوعی را علیه انقلاب تدارک می بینند . در کاخ سفید ، " طرح " جدیدی در دستور روز قرار میگیرد : قتل عام .

در ۱۷ شهریور ، رژیم صبح زود در تهران اعلام حکومت نظما می کنند و بلافاصله در میدان شهدا قتلگاه می سازد . در این روز بیش از ۵۰۰۰ تن زن و مرد و کودک در تهران شهید شدند . بسیاری از سربازان از آتش گشودن بروی مردم امتناع کردند ، برخی از آنها آتش سلاحهای خود را بسوی فرماندهان خود ببرگرداندند . در شهر پس از قتل عام ، سرود مرگ رژیم شاه و

امیریا لیسم آمریکا را می خوانند.

کارتونیلاقا صله برای شاه پیام تائید فرستادو  
حما یت کا مل خودرا ابرا زنمود، تائیدکشتاری که  
خودطراح اصلی آن بود. هواکوفنگ کمدانزمان  
در تهران بود و برای دیداری بکروزه به تهران آمده  
بود، ۴ روز در تهران ماندو با تائید حضوری خودنیازی  
به فرستادن پیام پیدا نکرد. چین سپس در اگان  
خودا علمیه های حکومت نظا می شاه - اویسی را  
منعکس ساخت.

کالاهان نخت وزیر انگلستان نیزه تاسی  
از سرکرده امیریا لیستها، قتل عام را تائید نمود و  
والترشل رئیس جمهوری آلمان فدرال نیزه آنها  
بیوست.

مبارزه در اشکال تازه ای جاری می شود.  
بلاقا صله پس از کودتا، حزب توده ایران مردم را به  
اعتصاب عمومی، دعوت میکند ("نوید" "شماء" ۵۱) و  
اندک اندک این شعار جای خودرا باز میکنندتا بداجا



امیریا لیسم  
در نقش "مدافع حقوق بشر"

که در ۹ آبانماه حربیان نفت به خارج قطع میشود و ۴ هزار نفتگر رزمنده، گردان مستحکمو  
آگاه برولتاریا ایران، دست به اعتصاب میزنندواش را مسدود میسازند.  
دو خط مشی پیشین، هرقدار انتقام بیشتر به پیش میزد و تعمیق میشود، با روشنی  
بیشتری در مقابله یکدیگر صفا را میکنند. خطوط و اضطرار میشوند راههای متفاوتی در  
بیش پای جنبش می نهند. از یک طرف نیروهای انقلابی مذهبی و در راست آنها آیت الله خمینی  
رهبر انقلاب ایران و دو شا دوش آنها حزب توده ایران قراردادند که با قاطعیت سرتکوشی رژیم  
استبدادی شاه و سلطنت را طلب میکنند و در طرف دیگر، عاملان امیریا لیسم آمریکا، عنامر و  
احزاب بورژوازی والیبرال و نیزگروهی روحانی نمای ساکنا رقرا ردا رندکه خواستار حفظ شاه و  
سلطنت هستند و برای تحقق یک سازش با دربار روا امیریا لیسم آمریکا، برای حفظ منافع  
امیریا لیسم و بزرگان توده های مردم تلاش میکنند. یک خط مشی توده ای مردم را به واژگویی  
رژیم دعوت میکند و میکوشد سنگ برستگ آن باقی نگذا و دو خط مشی دیگر از "شاه با پیشنهاد  
کند، نه حکومت" و "شاه با پیشنهاد قاب عکس، تشریفاتی باشد" ، سخن میگوید.

همان نیروهایی که اکنون، از تعمیق مبارزه ضد امیریا لیستی ناراحتند، با حل مساله  
ارضی و ملی مخالفند، جاسوس را جاسوس نمیدانند چهرو واقعی آنان، پس از فشای اسناد  
بدست آمده در لانه جاسوسی آمریکا یکی پس از دیگری نمایان میشود، در آن زمان از عدم  
تفاوت رژیم سلطنتی و جمهوری "رعا یت قانون اساسی شاهنشاهی" سخن میگفتند و همان  
خط مشی ای که پس از انقلاب نام سیاست "کام بکام" بخودگرفت، در دوران مورد بحث،  
برای ایجاد "سازش کامل" (از متن افشا شده یک سند)، تلاش می ورزید.

امیریا لیسم، بسرکردگی امیریا لیسم آمریکا، همچنان که با تمام قوای خوبیش از  
رژیم شاه مدافعه میکرد، همچنین با دقت فعالیت عوامل خویش و نیروهای لیبرال و ساز-  
شکار را در جهه مخالفان رژیم استبدادی شاه، زیر نظرداشت، در دیماه، نایمز لشدن

می نویسد:

"رهبران مخالفان در تهران نگرانند که مخالفت سرخستانه آیت الله خمینی، ممکن است در این اوضاع حساس و تعیین کننده، در بین گروههای مخالف، شکاف ایجاد کند". واضح است که منظور تایمز "دلسوزی" برای وحدت نیروهای ضد رژیم نیست، بلکه ارگان اتحاد را امپریالیستی، از انفراد جناب سازشکار و افشاگران (ایجاد "شکاف") آن در بردا بر توده‌های انقلابی، واهemedارد. روندی که اکنون، همراه با تعمیق انقلاب، شدت یافته است.

حمایت بیدریغ امپریالیستها از رژیم خونریزشان، رژیمی که هردم در دریای خونی که با قتل عام هوروژه مردم، آنرا عمیق و عمیقت‌بیکند، بیشتر فرو میرود، ادامه می‌یابد. هنوز "طرح" دیگری برای حفظ منافع امپریالیسم در ایران، در نظر گرفته نشده است! آنتوئی پارسون، سفیر انگلیس در ایران، در ۸ مهرماه، خوشحالی امپریالیسم انگلیس را از قاطعیت دولت ایران در حفظ "ثبات" و "امنیت" و "پیشرفت" اعلام میدارد. در ۳۰ مهر، دیوید اوشن، اعلام میکنده "بهمن دلیلی که آمریکا و کارتر از رژیم شاه حمایت می‌کنند، دولت انگلیس هم از آن پشتیبانی می‌کند" وی افزایید که "سرنگونی رژیم ایران، بضرر غرب، مخصوصاً انگلیس و آمریکاست". در وایل آبانماه، دانکن، معاون وزارت دفاع آمریکا، "حایت کامل دولت خود را از رژیم ایران جهت برقراری حکومت نظامی در ۱۲ شهریور اعلام میدارد و افزایید که "همبستگی ایران و آمریکا برای کشور آمریکا، ضروری و حیاتی است". در همان تاریخ، رادیو بی بی سی تاکید می‌کنده "المان با انگلستان و آمریکا بر سر حمایت و تقویت شاه همداده است". در وایل آبانماه، کارتر در ملاقات رسمی با ولی‌عهد مخلوع، حمایت مجدد دولت آمریکا را از شاه، اعلام می‌کند.

اما توده‌های انقلابی، بی توجه به تنکا پوی جاسوسان ولی‌ببالها، برای ایجاد سازش و حمایت قاطعانه جبهه سرمهای از شاه، به‌فنا رخدانگلوب رژیم منفور سلطنتی می‌فراند. ارتش تحت فشار رواجی توده‌های انقلابی، هر روز بیشتر متلاشی می‌شود و با تلاشی آن، رژیم هم چون یک مومنیائی پوسیده، فرومی‌ریزد.

در آمریکا، در کاخ سفید و در پیتناکون، نمایندگان واپس‌نموده از نصادر های اسلحه سازی آمریکا، "طرح" دخلت نظامی در ایران را بررسی می‌کنند و هرچه پایه‌های رژیم شاه لرزان-تر می‌شود، خواست خود را جدی ترمطح می‌سازند. در آذرماه "پراودا" می‌نویسد:

"در مخالف سیاسی واشنگتن گفته می‌شود که ایالات متحده سوگرم تنظیم نقشه‌ها شیخی برای مداخله نظامی در امور ایران است و در آن پیتناگون و "سیا" نقش عمده دارد".

اما ۳۵ میلیون انسان خشمگینی که آمده اندسته‌های خود را برای کنند گوری بوسعت منطقه بکاراندازند و اخطار جدی صریح لئونید بیرونی، دیگر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی، این "طرح" را در نظر نهاده خفه می‌کند.

در ۱۴ آبان، ساواک برآس سیاسی "طرح" دیگری از "سیا"، تهران را به آتش می‌کشد. مدها بانک، هتل، موسسه و مغازه، طعمه‌حریق می‌شوند. جنایتکاری چون شریف امامی می‌رود تا چکمه‌های نظامی دیوانه‌ای چون ازهاری، مردم تهران را لگدکوب سازد.

نیویورک تایمز در ۱۳ نوامبر می‌نویسد که یک روز قبل از حادثه ساری و به آتش کشیده شدن تهران، مخالف دیپلماتیک آمریکا از این واقعه اطلاع داشته‌اند و در آن روز سفارت آمریکا و انگلیس، به مدت ۲ ساعت از ساعت ۷ تا ۱۰ با شاه مذکوره کرده‌اند. و واشنگتن

بست می نویسد: در روز استعفای شریف امامی، دوهوا پیما، حامل عمال "سیا" به ایران وارد شدند.

امپریالیسم آمریکا ظاهرا "به" زمان "نیازدار دتا آخرين" طرح "های خود را به مرحله عمل گذارد و این زمان را جز حکومت جلادان چکمه پوش نمیتوانستا مین کند. اما توده-های انقلابی مردم بلطف این "طرح" جدید را نیز به مضکه بدل میکنند. سینه های گشاده آنان در برآ بر سر نیزه های حکومت نظاری و بی باکی حمامه آمیز آنان در برآ بر ارشی که با تجهیزات کامل به حرکت در آمده است، حکومت از هاری راس را سیمه، کلاهه و دیوانه میکند. غرش الله اکبر میلیونها انسان بر فراز ایام شب اول محرم و شبهای بعد از راش پیروز مندانه و هر روزه آنان در برآ بر تناکها و آتشبارها، تا تظاهرات ۲ و ۸ میلیونی تاسوعا و عاشورا، ادامه می یابد و از حکومت نظامی از هاری جزپا رسهای دیوانه و راوی باقی نمی گذارد.

امپریالیسم آمریکا، از یک طرف با ارسال دهها میلیون دلار و سائل ضد "شورش" گاز اشک آور، نارنجک تهوع آور، گاز خواب آور، بتوم الکتریکی و سپر و کله، حکومت نظامی از هاری را علیه مردم تجهیز میکند و از طرف دیگر تدا رک اجرای "طرح" دیگری را می بیند. اوج نشین "قابل قبولی" را بجای شاه که وجودش اکنون خطی خطری مهلك برای منافع امپریالیسم شده است، جستجو میکند، سکری را خالی میکنند تا ید دز چباول و بیدا دخود را حفظ کند. در حالیکه از هاری از خیابانها قتلگاه میسازد، کارشناسان "سیا"، مهره از آزمون گذشته ای می طلبند.

لیبرالهای آغوش باز این "طرح" را پذیرا میشوند و برای حفظ منافع امپریالیسم آمریکا در ایران، با یکدیگر به رفتار برمیخیزند. شاه مخلوع در خاطرات خودکه برای مجله اکسپرس فرانسوی نقل کرده است، میگوید:

"آقای سنجابی در خواست کردم را ببیند. او خود رئیس ساواک را میانجی قرارداد من در جستجوی آشتی و تفاهم بودم و را پذیرفتم. اوضاعی مرا بوسید و با حد و قاطعیت در باره وفاداری خودش نسبت به من صحبت کرد. گفت که حاضراست دولت را تشکیل دهد، بشرطیکه من بعنوان تعطیلات ایران را ترک کنم." (اکسپرس، ۱۵ دسامبر)

برخی دیگران زرهیان "جبهه ملی" نیز مخالفات معینی را بادری رانجا میدانند. ولی هشدار جدی آیت الله خمینی و توده های مردم که هر حکومتی را که بدست آمریکا روی کار آید، "غیرقانونی" خوانند، از "شها مت" بسیاری فراتربود.

در اوایل آذرماه، اردشیرزاده مخفیانه به تهران می آید و با شاه ملاقات میکند، همچنین در ۹ آذرماه سناتور "برد"، رهبر اکثریت "دموکرات" سنای آمریکا نیز به تهران می آید و سپس یک هیئت ۶ نفری مركب از کارشناسان امور جاسوسی و "خرابکاری" و "خشوشی" وارد تهران میشوند. شاه ظاهرا "متقاudemیشود" که با وجود خود بیش از این منافع آمریکا را به خطونیان ندازد!

در تاریخ ۱۶ دیماه، بختیار که از "شها مت" و "جسارت" بیشتری در خیانت برخوردار بود، تشکیل کا بینه میدهد و شاه مخلوع به نگاه معرفی کا بینه او میگوید که "احتیاج به استراحت دارد" و "با بیدشواری سلطنت تشکیل شود".

بختیار به هنگام معرفی کا بینه خود در مجلس فرما یشی، نقطی میکند و در انتهای بیش شعری میخواند. فردای آن روز مردم سرودخوان در خیابانها، شعوا و را به گونه دیگری بر دیوانه رها می نویسند: من مرغ پول خوارم، نینندیشم ز مردم موج، هر آنسو شی که آمریکا بخواهد

آنها همچنین بختیار را "سک بی اختیار" و "کابینه بختیار" را "یک حیله جدید" می نامند و عده‌می بندند که "کابینه" را واژگون و "شاه را سرنگون" سازند. با ران بختیار در ظاهرا و را مرتد میخواستند و برا خشم میگیرند، ولی هما نگونه که اکنون واضح شده است، در دل پیگیری و شها مت اورا - در راهی که میروند تحسین میکنند. دزه مان زمان دکتر صدیقی گفت: "ملت با یاد از شاه هبور بختیار، بعلت میهن پرستی آزموده اش حمایت کند" و مینی نیز اورا تمجید نمود. چندما بعد، یک از رهبران جبهه ملی، اعلام میکنند که "مدارک موجود به خیانت بختیار فتوانمیدهند" و اینکه "ما" ، "در حسن نیت او شک نداشتیم" و "انتظاری جزا از اونداشتیم". در حزب ایران، هنوز هم از فراق بختیار نالههای پرسوز و جوانکاه سرمدیدهند و هما نگونه که اسنا دفash شده در لانه جاسوسی آمریکا نشان میدهد، "نهشت آزادی" نیز برای ایجادیک "سازش سیاسی کامل" مابین بختیار و روره‌مری انقلاب تلاش میکرده است. در این اسناد، از قول جاسوس "سیا" ، آمده است: "انتظام عضو نهشت آزادی معتقد است که بختیار باید یک معامله کامل سیاسی در پا ریس انجام دهد" در ۱۸ دی ماه ژانوار هویزرا آمریکا شی به تهران می‌آید تا جلادان ارتضی شاه را فاتح کنند که از بختیار حمایت کرده و به رفتنه شاه راضی شوند. ولی در واقعیت امریکنرالهای شاه مخلوع، نه آن قدر را دادند که شاه رانگا هدا رندونه از بختیار حمایت کنند.

نیروی ذخیره امپریا لیسم آمریکا بسرعت پایان می‌بادد. از مدتها پیش فرا رسپا - زان از ارتضی به فرمان رهبری انقلاب، آغاز شده است و گروه‌گروه اینان یا به صفو مردم مبارزه می‌پیوندند، یا به روستا های خود بای زمیگردند و برا در صفو ارتضی، به سود انتظام فعالیت های خود را شدت میدهند. در پا دگان جی، کماندوهای اردنی که برای سرکوب مردم به ایران آمده اند، مورد حمله سربازان انقلابی قرار میگیرند، هلیکوپترها مل خسرو داد مendum به گلوله بسته میشود و در پا لویزان، در قلب وحشی ترین و وفا دارترین نیروی ارتضی به شاه یعنی گاردجا ویدان، ۴ سرباز و درجه دار بروی فرماندهان خود آتش میگشانند و ۲۷ افسرو ۴۱ درجه دار را معدوم کرده و خود نیز به شهادت میرسند.

در ۲۳ دیماه، کمیته مرکزی حزب توده ایران خواست رئیس ارتش را که می‌رزه مسلحانه علیه حکومت دست نشانده امپریا لیسم آمریکا می‌شود. رفیق نورالدین کیا نوری، دبیرا ول کمیته مرکزی حزب توده ایران در پاسخ این سوال که "مردم اسلحه را چگونه خواهند یافت؟"، میگوید: "ایران، انباء را سلاح است".

در ۲۶ دیماه، شاه از کشور میگریزد و مردم انتقامی و رنج دیده ایران، نخستین جشن تاریخی زندگی خود را در خیابانها برپا میکنند. علیرغم تمام کوششها بختیار رونیروهای سازشکار، آیت الله خمینی در ۱۳ بهمن وارد کشور میشود و با عظیم ترین استقبال میلیونی تاریخ روبرو میشود. ۴ میلیون نفر از رهبر انقلاب استقبال میکنند. در ۱۷ بهمن ماه آیت الله خمینی فرمان تشکیل دولت را مادر میکند و در ۱۸ بهمن ماه، هویزرا آمریکا شی ایران را ترک میکند. ارتضی به انقلاب می‌پیوندد. تلاش عبیت گاردجا ویدان، به جنگی مسلحانه ده روزه ای از جانب مردم انقلابی منجر میشود و با دگانها، کلانتریها و مراکزها و اک توسط مردم مسلح، تخریب و درهم کوبیده میشوند. در نیروی هوایی که مقاومت سلحشورانه هما فران در آنها، مقدمه پیروزی فیما مردم بود، مردم تانکی را بهمراه سرنشیشن معدوم میکنند و سپس درمی یا بندکه سرلشکری آنرا هدايت میکرده است.

نیروی دشمن در این ماحله از عمل پایان یافته است.

در ۲۳ بهمن ماه ، بینیا دشوم شاهنشاهی در ایران منقرض میشود . مرحله نخست انقلاب پایان می یابد و مرحله دیگری آغاز میشود . آیت الله خمینی در ۲۷ دی ماه میگوید :

"پیروزی ملت ایران در استعفای شاه نیست که رفتار اونخستین مرحله است . بلکه در پایان استیلای خارجی است ."

## ۵

هنوز چندی از پیروزی نخستین مرحله انقلاب نگذشته بود که توسط فردی بنا مرالصف شاهنام ، عفو هیئت اجرائیه "کمیته آمریکائی برای آزادی درایران" ، فاش شد که سرهنگ توکلی ، رئیس ستاد عملیاتی ارتشد در ملاقا تهاشی که قبیل و بعد از انقلاب با شانمن داشته است ، پیا مهای توسط او برای دوستان آمریکائیش فرستاده است . سرهنگ توکلی بلافاصله پس از افشا این ملاقا تهاشی مجبور به استعفا گردید و شانمن اندکی بعد از ایران اخراج شد و رازچگونگی واقعه بکلی مسکوت ماند . ولی سخنانی که شانمن به توکلی نسبت داده است ، آنچنان مهم است و استراتژی امپریالیسم آمریکا را باوضوه شکر بیان میکند که این سخنان هنوز هم تا حدود زیادی پس از تحریب به یکسال نازگی و آموختگی خود را حفظ کرده است .

شانمن از قول توکلی گفته بود : " ما شب و روز کار میکنیم تا کنترل بر قرار کنیم ... من لیزهروسلهای استفاده میکنم : تلویزیون ، رادیو ، مسجد ، روزنامه ها و قوای صلح . ما به همه محركین تیراندازی خواهیم کرد . فقط بگذارید آنها را منفرد کنیم ... ما از همه شیوه های روانشناصی در را دیو و تلویزیون استفاده میکنیم تا به مردم این احساس را بدیم که اکنون انقلاب به قدرت رسیده و محركین دارند آنرا تهدید میکنند ... ما محركین را تعیین هویت میکنیم و بعد جنگ میدانیم ترتیبیش را میدهیم که آنرا بی اعتبار سازیم ... آنگاه ما میتوانیم به اوضاع جوا بگویاشیم ... محركین ممکن است مردم را اغفال کرده و حمایت آنها را جلب کنند ... سیاستمداران میاندرو درا مر کنترل به محتاجند ... آنها کارهای میکنند که مردم را آرام سازند و احساسهارا ارضا کنند . ولی آنگاه کنترل سفت و سختی تا مین و محركین خاوش و مضمحل خواهند شد ."

اظهارات فوق بخوبی خطوط اساسی طرحهای امپریالیسم آمریکا را برای مبارزه با انقلاب ایران و حفظ منافع خویش نشان میدهد . امپریالیسم آمریکا میکوشد از طریق عمال مستقیم خود یعنی هزارهاساواکی و ضداطلاعاتی که از جنگ مجازات گریخته اند و نیز توسط جاسوسان "سیا" ، ارگانهای مهم کشوری ، لشکری و نیز نهادهای انقلاب را زیر نفوذ خویش قرار دهد و علیه "محركین" ( یعنی کسانی که خواستار در رهم کوییدن بقایای رژیم سرنگون شده و تغییر بینایی نظام اقتصادی ، اجتماعی جامعه اند ) به مبارزه پردازد ، در انتظار مردم ، آنها را بی اعتبار و منفرد سازد . او بخوبی به نقش و همیت طبقات و نیروهای دفاع خط مشی امپریالیسم یعنی "سیاستمداران میانه رو" باليبرالها واقف است ، احتجاج آنها را بخوبی درک میکنند و آنها چون پلی که اوراق اداره میسازد با کذشن از آن گلوی انقلاب را بشارد ، مینگرد .

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام ، عمال امپریالیسم آمریکا را که علیه انقلاب ایران فعالیت میکنند و نیز نیروهای را که منطبق بر سیاستهای امپریالیسم اندیشه و

عمل میکنند ، به چندگروه مشخص تقسیم کردند:

- ۱- سرمایه‌داران وابسته . این طبقه که منافعاش در بیوند مستقیم با منافع غارتگر- آنها میریالیسم آمریکا قرار دارد و پیروزی انقلاب بزرگترین ضربه را برپیکر آن وارد ساخته ، مستقیما " در موقعیت تحریکات و توطئه‌های امپریالیسم علیه انقلاب ، ذینفع بسوده و با تمام قوادرای بینجهت به امپریالیسم یاری میرسانده است . دانشجویان اعلام کردند که افرادی از این طبقه که از لحاظ سیاسی فعال بوده‌اند ، مستقیما " با "سفارت آمریکا را بظهدا شته‌اند . آنها از روغنی و لاجوردی بعنوان مثال نام برده‌اند .
- ۲- لیبرالها ، که دانشجویان آنها را غرب زده ، میانه‌روها و ملیون (۱۴۲) میخواهندند ، یعنی نهادگان سیاسی بورژوازی بزرگ که خواستار ایجاد نظام ساقه و سازش کامل با امپریالیسم آمریکا هستند ، به گفته‌دانشجویان بطورعمده مستقیما " با جاسوسان آمریکائی ارتباط داشته‌اند و اطلاعات خود را به " سفارت آمریکا میداده‌اند . برخی از اینها برای مدت دهها سال با کمک آمریکا در مختنه سیاسی " زنده " نگاهداشته شده بودندتا از منافع امپریالیسم پاسداری کنند . به گفته‌دانشجویان ، آنهاشی از این گروه که مستقیما " با "سفارت " تعاون نداشته‌اند ، بواسطه مطابقت مشی سیاسی آنها با اهداف امپریالیسم آمریکا ، از طریق غیرمستقیم برای فعالیت آنها برناهی مهربانی و سازماندهی میشده‌است . دانشجویان " نهضت آزادی " ( جریان بجا مانده‌ان از سال ۴۲ ) را جزو دسته اخیر محسوب کرده‌اند .
- ۳- گروههای وابسته در ارشت به گفته‌دانشجویان ، امپریالیسم از طریق مستشاران خود که در ارشت فعالیت میکرده‌اند و تعداد آنها پس از انقلاب به ۵۰۰ نفر تقلیل یافته‌بود ، اطلاعات موردنیاز را جمع آوری میکرده‌است . دانشجویان گفته‌ندکه امپریالیسم بسرای جبرا ن کا هش تعداد مستشاران خود در ارشت ، جاسوسانی باکیفیت با لاتر خبره ترویبا ساقه بیشتر بایران اعزام می‌داشته است ، چنانکه برخی از آنها که جزو گروگانها هستند ، ساقه فعالیت‌های زیادی درشیلی و بستان ، آفریقا و غیره داشته‌اند .
- ۴- طبیعی است که جاسوسان امپریالیسم آمریکا در ارشت از بقایای ضد اطلاعات ویاسازمان جاسوسی پیشین امپریالیسم بهره‌زیادی برند . برکناری عده زیادی از افسران ارشت در ما هایی اخیر و دستگیری عده‌ای از افسران ، بیانگرفعالیت‌های دامنه‌دار و توطئه‌گرانه جاسوسان امپریالیسم در ارشت ایران است . سرهنگ توکلی نیز در سخنان خود در پیکال قبل گفته بود : " ما همیشه به دوره‌پس از انقلاب اندیشیده‌ایم که به ارشت ، ارشتی قوی و قابل اعتنای دنیا زخواهیم داشت " .
- ۵- جاسوسان سیا . دانشجویان گفته‌ندکه امپریالیسم آمریکا با اعزام شبکه‌های از جاسوسان دوره دیده و کارآزموده " سیا " زیرپوشش‌های گوناگون و با استاده‌هی جعلی ، فعالیت خرابکارانه خود را از سازمان میداده است . این جاسوسان از طریق تعاون با لیبرالها از طریق مجامعت شبانه و مهمنامه‌های سفر ، از طریق کلاسهای زبان انگلیسی وزیر پوشش تجارت یا فعالیت‌های اقتصادی - اطلاعات حجم آوری کرده و توطئه‌های را از سازمان میداده‌اند .
- ۶- ضد انقلابیون خارج و داخل کشور . هزاره‌ساواکی ، روحانی نما ، سرمایه‌دار ،

و عنصر خود فروخته که به خارج از کشور گریخته‌اند و یا در کشور معاف از مجازات، زادا نماینده ای باشد میکنند، طرحهای توطئه‌گرانه، تحریک آمیز و تفرقه‌افکنانه امپریالیسم را عملی می‌سازند. دانشجویان گفتند که امپریالیسم از طریق روحانی نمایان و باسته به خود و گردآوردن آنها حول یک روحانی بخصوص وسوء استفاده از نفوذ وی، کوشش میکند تا در ارگانهای انقلاب نفوذ کند و در کار آنها اخلال نماید.

دانشجویان همچنین گفتند که امپریالیسم آمریکا میکوشیده است بجا اقدام به ایجاد مستقیم گروههای سیاسی، از طریق جاسوسان خود در کارخانهای، احزاب و سازمانهای فعال نفوذ کندها زجمله سفارت آمریکا علاوه بر گروهها و احزاب لیبرال در ارتباط با گروهها و احزاب "جب افراطی" نیز عمل میکرده است.

دانشجویان همچنین فاش کردند که طبق اسناد بدست آمده، امپریالیسم آمریکا برای فعالیتهای فرهنگی در ایران اهمیت بسیاری قائل بوده و اقطع تبلیغ فرهنگ امپریا-لیستی بینناک بوده است. آنها به رادیو "مدادی آمریکا" (که زمان برنا مههای فارسی آن زمان انقلاب تا کنون ۴ برابر شده است)، بهای ویژه‌ای میداند، از پخش فیلمهای آمریکائی در سیماهای جمهوری اسلامی ایران بسیار خشنود بوده و از تعطیل شدن انجمنهای ایران و آمریکا، بشدت متأسف بوده‌اند.

آنها به کلنهای زبان انگلیسی و نیز فرستادن دانشجویان به آمریکا اهمیت زیادی خبیده‌اند و از طریق ایجاد رشته‌های ایران شناسی در آمریکا و تشکیل سینهای راهی "جهان سوم" با شرکت ایرانیان در خارج از کشور، مدافعان منافع امپریالیسم را تربیت میکرده‌اند. امپریالیسم آمریکا همچنین با ایجاد دموسات "خیریه"، میکوشید تا "انسان دوستی" نوع آمریکائی را ترویج کند، مردم را غریب دو ما هیئت کثیف و جنایتکار خود را پنهان سازد.

دانشجویان همچنین متن سندی را خواندند که اهداف آمریکا در ایران را، "دستیابی به نفت، سرنگون کردن روزیم خمینی و روی کار آوردن یک دولت معتدل" ذکر میکرد. ترکیب این دولت معتدل را ما های پیش، "برج بال، ساختگوی نحصا رات امپریالیستی"، چنین معرفی کرده بود، آن چیزی در ایران بیش از همه در خدمت منافع آمریکاست که گروه بندهی دمکراتیکی (!) از سرمایه‌داران، صاحبان تخصصی، روزنامه‌نگاران و استادان دانشگاه‌ها، منعکس کننده آن باشد.

## ۶

امپریالیسم آمریکا ضربه مهله‌کی از انقلاب دریافت کرده بود. سرنگونی روزیم دست نشانده پهلوی و پایان یافتن نقش زاندارمی ایران، خروج از سنتو، خاتمه یافتن فعالیت کنسرسیوم، اخراج بخش عمدۀ کارشناسان آمریکائی، لغو بخش عمدۀ ای از سفارش‌های تسلیحاتی ایران با امپریالیسم، پایان پذیرفتن فعالیتهای جاسوسی امپریالیسم آمریکا علیه کشورهای منطقه و همسایه و... دستاورد های بودکه انتقلاب ایران در همان ماههای اول پس از بیروزی کسب کرده بودواگردولت موقت آقای بازرگان اشکالتراشی نیمکرد، این دستاورد های پس عظیمت رنیز میتوانست باشد. کمیته ها، پاسداران و دادگاههای انقلاب، امپریالیسم آمریکا و عمال ویارد داشتند وصف ناپذیر فرو بزرده بودند، مهره های سرسپرده و خدمتگزار امپریالیسم، یکی پس از دیگری به جوخه های

تیربا ران سپرده میشدندوا نقلاب رعب و هراس و اعتبا رخودرا در قلب سپاه شکست خورده و پراکنده دشمن می افشارند و آنرا فلچ مینمود. هر اعدام خائنان و جلادان ، انقلاب را تقویت و روچیه ضد انقلاب را بشدت تعزیف مینمود.

دانشجویان در جلسه مذکور خاطرنشان کردند که بر طبقاً سنای دیدست آمده ، امیریا لیسم آمریکا و عمال وی از عملکرد کمیته ها و پاسداران و دادگاه های انقلاب بشدت در هر آس بوده و آنها را "شیدا" "مزاحم" میدانسته اند ، در استاد از جمله ، سپاه پاسداران را "دزدان دریاچی" می نامیدند و بخش مهمی از فعالیت خود را معطوف نمود در این ارگانها ، هم از "بالا" وهم از "پائین" نموده و حتی سیستم سازماندهی سپاه پاسداران رانیز کشف و نقشه سازمانی آنرا بدست آنرا ورده بودند.

به گفته بازپرس دادرسای انقلاب اسلامی ایران که سپس به مراده دیگر همکارانش از کاربرکنار شدند ، در زمانی که اعدام های انقلابی با حدت وقا طعیت ادا مهداشت "عوا مسل فعال ساواک تهران را ترک کرده و به شهرستانها رفتند.

این امر نمیتوانست عمال امیریا لیسم ولیبرالها را به تکا بونیاندازد . آقای بازرگان در منطقه های طویل المدت و کثیر الشما رخویش ، بارها و پا رها ارگانهای انقلاب را به با دحمله گرفت ، اعمال آنها را "آبروربیزی" و "مزاحمت" خواندو خواسته اند تخلیل آنها گردید و سناای آمریکا در قطعنامه ای که خشم توده ای مردم انقلابی ایران را برانگیخت ، اعدام جنا بیتکاران و جلادان مردم را محکوم نمود.

ولی متناسبانه فعالیت های خشنده خدا نقلاب ، شرات شوم خود را بپرساند . دولت آقای بازرگان در عمل جانب سناای آمریکا را گرفت . سخنگوی این دولت ( که سپس معلوم شدیا "سیا" همکاری میکرده است ) ، درست در زمانی که بعثتوان از اللطفالقانی از وجود ۸۵۵۵ ساواکی مسلح و مجهز و سازمان یافته در ارتباط با "سیا" و "موساد" خبر میداد و خود نیز به وجود ۱۵ کروه ساواکی مشکل اعتراف میکرد ، بجای آنکه بعثتوان اعفو دولت بپرساند از نقلاب و پیرای حفظ انقلاب از خطرات ناشی از توطئه های خدا نقلاب ، بر پرور و قاطعیت دادگاه های انقلاب تاکید کند ، در اندیشه ایجا دساواک جدید و استفاده از دستگاه های مدرن و متخصصین ساواک پیشین بسر میبردوا پنزا صریحاً "نیز اعلام میکرد .

تیغ دادگاه های انقلاب با فعالیت مجدد اعوامل امیریا لیسم و پورژوازی لیبرال وحشت زده که قضاوت انقلاب را در مورد الگانیان و خرم بعیان دیده بود ، به کنندی گرانید . قضات تحقیق و بازپرسان دادگاه های انقلاب ، روزی که برای انجام وظایف هر روزه خویش به دادرس آمدند ، متوجه شدن که بدلالیل غیر منطقی و مسیم آنها را برکنار کرده اند . آنها در تیرماه ، در حضور امام گفتند :

"با توجه باینکه ما حقوق دان بودیم بدلالیل مسیم امام دادرسی انقلاب را تحریف کردند ... ما آمده ایم اعلام کنیم جلوی عمل صحیح تنها ارگان انقلابی انقلاب را گرفتند ... ما آمده ایم بگوییم که هنوز خدا نقلاب زنده است و فعالانه کار میکند ... ما آمده ایم بگوییم عناصر فعل و مهره های اصلی رژیم را بدون محاکمه آزاد میکنند ."

یکی از بازپرسان برکنار شده ، در نامه ای که در عرصه تیرماه در "اطلاعات" منتشر شد ، نوشت : بعد از کنندن کار دادگاه های انقلاب "عوا مسل مغرب سیا و ساواک جان تازه ای گرفتند و دوباره به تهران آمدند و حلا در تهران عمل میکنند .

بازپرس انقلاب همچنین برآسان تجارب خود نوشت : "تجربه ها ثابت کرد که همین

افراد آزادشده (ساواکیها)، دست از توطئه علیه انقلاب برنداشتند و مرتب "دوفکر ضربه زدن به انقلاب میباشد" ، "کارسا و اکیها، بهره‌گیری از اختلافات گروهی، نفاق افکنی در صوف متشکل می‌زرا و خپور مخالف در هرا جتماع و میتینگی است : دشمن دیگروا ردکار- زا رشده است" و "آنها در شهرستانها، اختلافات را داد من میزند، مسائل قومی و قبیله‌ای را مطرح می‌سازند".

امپریالیسم آمریکا در واپل اردبیله‌شت با تعیین کا تلو سفیر خویش در زئیرکه هنوز خون انقلابیون "شاپا" از دست انش می‌چکید، بعنوان سفیر خود در ایران، نشان داد که طرحهای وسیعی برای بازگرداندن موقعیت پیشین خویش در سردارد. کا تلربا افشاگری نیروهای انقلابی، من جمله حزب توده‌ایران، مورد قبول واقع نگردید.

امپریالیسم آمریکا و ایستگان و همیستگان داخلی وی نسبت به رهبری انقلاب کینه و نفرت خاصی می‌ورزند. آنها بدرستی این رهبری را مظهر بُرندگی و قاطعیت انقلاب ایران می‌شنوند و تمام نیروی خود را نیز برای تضعیف این رهبری بکار بسته و می‌بنند. روزیکه لانه‌جا سوسی آمریکا در تهران تسخیر شد، فاتحان در اطاق کار رجا سوسان آمریکا شی تها و پیری ازا ما خمینی یا فتنده‌که به نشانه کینه دیوانه وار آنها نسبت به رهبری انقلاب، با "دارت" سوراخ سوراخ شده بودند.

کوشش امپریالیسم آمریکا برای تضعیف رهبری انقلاب به اشکال مختلف صورت می‌بیند - سرفت . از ترور شخصیت‌های انقلابی نزدیک به رهبری انقلاب تا ایجاد رضائی در میان مردم، کوشش برای بی اعتبار ساختن "محركین" وزیر ضربه قرار داد آنها، تفرقه افکنی و پراکنند تخم بدینی در میان خلقها و با لاغری تحریک جنگ برادرکشی. عمال امپریالیسم با پنهان کردن چهره خویش زیرپوش "انقلابی" و "مارازه برای کسب حقوق خلقها" و نیز "آزادیخواهی" ، علیه رهبری انقلاب به تحریکات دست زده و بدینی ایجاد می‌کرند و از سوی دیگرنیزیاب تحریکات متفاصل، این بدینی را موجه جلوه‌داده و تشیدید می‌کرند. اکنون دیگر آشکار شده است که فعالیت‌های گروهکهای چپ‌نما و "آزادی" "طلیچون" خلق مسلمان" و "کومله" ، از جهه منشاء ناشی می‌گشته است . وجود عدد کثیری عوامل ساواک و سیا و سرمهای داران بزرگ در "خلق مسلمان" و حمایت حکومت بعضی، عراق از "کومله" و تسلیح آن و امثال‌هم، نقش مخرب امپریالیسم آمریکا را در این توطئه‌ها آشکار ساخته است . داشتگی می‌کند که در آن گفته می‌شود :

"اویسی با سفارت آمریکا در فرانسه تماش گرفته و درباره تجهیز عده‌ای از کرده‌ها توسط پالیزیان با سفارت گفتگو کرده است" .

امپریالیسم آمریکا به جنگ برادرکشی در کردستان امیدیسیا ریشه بودوا زما هها قبل برای ایجاد آن تدا رک میدید. تحریکات ضد انقلابی در گردید، سنجاق و سپس در نقد و تلاش برای مقصرا و انمور کردن کمونیستها ("محركین")، همراه با روش‌های تا درست گروههای چپ رو، بدینی شدیدی را بایث شده بودکه بشدت دا من زده می‌شد. برخی مقامات مسئول دولتی نیز بایث تصحیح، این برداشت‌ها را در رهبری انقلاب تقویت می‌کرند. آقای چمران در ۱۹ تیرماه کفت : "روسیه شوروی اکنون احساس میکند که نظام اسلامی ایران می‌خواهد به او باج بدهد. حاسوان روسی وارد مرزا می‌شوند، هلیکوپترها افراد را به مازندران و آذربایجان می‌آورند. توسط کشتی اسلحه به بحر خزر می‌آورند و بین طرفدارانشان بخشن

میکنند".

و آقای صادق طباطبائی در ۲۹ خرداد در باره حواست بلوجستان گفت: "شوری که از مدت‌ها قبل هدف راهیا بی به آبهای آزادرا پیگیری میکرد، در نظر دارد از طریق افغانستان با ایجا دتھریکات و آشوب در بلوجستان... بوسیله عواملی که در اختیار دارد، قصد اجرای چنین نقشه‌ای را در سرمی پرورانید تا بتواند از راه بلوجستان به آبهای آزادرا پیدا کند. این امکان وجود دارد که ما از طریق مرزهای خود در آذربایجان نیز دار چنین تحریکات و تشنجه‌ای بشویم".

بدینسان و انномد میشود که مساله کردستان، خواست خود مختارتی یک خلق رنج‌آور و محنت‌کشیده نبوده، بلکه "خطر کمونیسم" در آنجا خودنمایی میکنندواست که کمونیستها به قصد تجزیه کردستان، در آنجا به توپه شغقولند. از جانب دیگرهم و اننمود میشود که رهبری انقلاب، همچون رژیم پیشین تمامی به تامین حقوق مردم نداشته و تصمیم به سرکوب خلق کرداده است. این امر نسبتاً نسبت به جنگ منجر نشود، چنانکه میشود فوایده ای بوقوع میپیوندد که در آن مدها پاسدا روپیشمگر، شیعه و سنتی، کردوفا رسخون می‌طبند تا امپریالیسم آمریکا...! اند شوم خود را عملی سازد.

میکوشند شعار مرگ بر خمینی "حای مرگ بر امپریالیسم" را در کردستان بگیرد. امپریالیسم آمریکا و خبرگزاریهای امپریالیستی که این فاجعه با دستان خونین آنها تدارک شده، میکوشند تا با تبلیغاتی گسترده در انتظار عمومی جهان نیابان، ازانقلاب ایران و رهبری آن یک "دیکتاتور"، "جنایتکار" و "خونخوار" بسازند. عکسهای شهدای توطئه امپریالیسم آمریکا در کردستان، خبرنخست تلکس خبرگزاریهای امپریالیستی را بخود اختصاص میدهد و داعیه امپریالیسم در تضییق "حقوق بشر" در ایران، جهان نیابان را بخود متوجه می‌سازد. این فاجعه و تحریکاتی که بدست عمال امپریالیسم آمریکا، از ابتدای انقلاب کشور را فراگرفت، تلاش میشود ناشی از سیاستهای رهبری انقلاب و اننمودشود، تا ضربه‌های جدی براعتبار رهبری انقلاب در نزد مردم وارد شود. مقدم مراغه‌ای دریا داده شدهای خود می‌نویسد که در ملاقات با "سوم"، "چهارم" و "پنجم" کفته است: "نظر دیکران اینست که موقعیت خمینی روزبه روز ضعیف ترمیشود"، "غرب به توقیق خمینی دیگرا میدی ندارد" و "عدم موقفیت سیاسی و بحران اقتصادی، ممکن است موجات تغییر آینده بیشود" او همچنین یکماه قبل از پایان کار مجلس خبرگان، در ملاقاتی با پرشت، جا سوس دیگر "سیا" میگوید: "خیلی ها از شریعتمداری بخاطر عدم رهبری انتقاد میکنند... خمینی قدر تندتر از آنستکه شریعتمداری فعلای بتواند با امقابله کند ولی البته وقتی خواهد رسید". آذربایجان متوجه اشاره است.

یا داده شدهای مراغه‌ای همچنین نشان میدهد که حاسوسان "سیا" در این دوران، معتقدند که گروهها و نیروهای دیگری در حکومت، قدرت میکنند و از قدرت و تفویض رهبری انقلاب دائمی "کاسته" میشود.



توده‌های انقلابی مردم ایران که به آبهای دهها هزار شهید رژیم منفور سلطنتی را سرنگون ساخته و نظام موردنظر خود را با ۱۸ میلیون رای تثبیت کرده و آنکه بعد از قریب به ۱۵ میلیون رای آنرا پایه‌های قانونی بخشدند، توده‌های کمدر طول ۱۰ ماه بس از انقلاب

بهای توطئه‌های امپریالیسم و خیانت پیشگی و سازشکاری بورژوازی لیبرال را با خسون فرزندان خود پرداخته، خرابکاری سرمایه‌داران غارتگر ادرا مرتولید بهای گرسنگی خود و فرزندان خود جبرا ن کرده و یکدم از حماست بیدیریغ ازانقلاب و رهبری انقلاب دست نکشیده و علیرغم ناکامیهای بسیار و تلاش‌های دیوانه‌وار بورژوازی برای فروشناندن سورا نقلابی آنان، خیابانها را بارزه‌های بی‌پایان خشم و نفرت خود نسبت به امپریالیسم آمریکا و واستگان و همبستگان داخلی آن، بوشانده و دندانه را از خروج شرحت خود نسبت به امپریالیسم انبساطه بودند، به جهارت امپریالیسم آمریکا و نسلیم حقاره است. همچو وجاگر منشائه بورژوا - زی در مقابله این عمل آشکارا خصمته، پاسخی گرفتند، و دادان یکن دادند.

هریک از این ضربات، که زخم مهلهکی بر پیکر سیطره‌ها مپریا لیستی در کشور ما وارد می‌آورد،  
زووزه‌های خشم‌آگینی را در دشمن برمی‌انگیخت. امپریا لیسم آمریکا و دیگرا، مپریا لیستها،  
را هزت‌ناه حسابهای مانکی ایران را مسدود نمودند و ایران را به تجاوز و نظمی و محاصره  
افتتحا دی تهدید کردند. امپریا لیسم آمریکانا و های خود را بسوی سواحل ایران روانه کرد و  
درست راک ایجاد "سپاه واکنش سریع" ۱۱۰ هزار شفری برای حمله به مناطق نفتخیزخا و رمیانه،  
که از ابتدای پیروزی انقلاب گاویگا، مطرح گردیده بود، تسریع شد.  
توطئه‌های عظیم‌تری ندارک می‌شد و گودالهای عمیقت‌تری بر سر راه انقلاب ایران حفر  
نمی‌گردید.

مراوغه‌ای در سخنان خود بیهوده جاسوس "سیا" گفته بود: "آذربایجان مترصد اشاره او (شروعتمدا ری) است" و در یادداشت‌های خود در تاریخ ۲ آبان سو شنیده بود: "شروعتمدا ری میگفت که شاید دو ماه دیگر بهترست وان مطالب را گفت".

این سخنان خطرات شازه‌ای را برای انقلاب یا دارمیشند که شاید اگر عملی میگردید  
فاجعه‌ای بمرا تب عظیمترا زفاجعه کردستان را بوجودمی‌ورد.  
درا واسط آذماه ، ذر تبریز توطئه بوقوع پیوست گروههای گوناگون ضدانقلابی ،  
زیرلوای " آزادیخواهی " و تحریم قانون اساسی " ، به تحریکات و سیمی دست زدند . از

از سراسرکشور، نیروهایی که میکوشیدند به توصیه امپریالیسم آمریکا، "ایران را سراسر کردستان" سازند، بجانب آذربایجان روانه شدند. "حزب خلق مسلمان"، "کومله"، "فرقان" گروه اشرف دهقانی و دیگر گروهکهای ماآشوبیستی نیروهای خود را به تبریز گشیل کردند تا شوونه‌شاخی از ترکیب جبهه‌ضد انقلاب و ائتلاف نا مقدس عمال بختیار را با پیروان نظریات ماوراء انقلابی، بدست دهند. خبرنگاران خبرگزاری خمینی "را به سراسر جهان آزاد" مخابر کنند. آنها سپس اعلام کردند که وقایع تبریز را افزایش داده است!

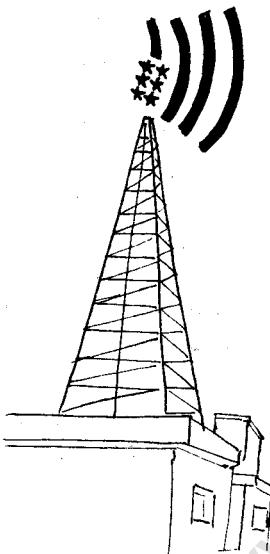
ضد انقلاب را دیو تلویزیون را "آزاد" میکنند

تا پیا مهای همبستگی ضدانقلابیون را اسر ایران را با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، اعلام کند. آقای نژیه نماینده بورژوازی لیبرال، از طرف ضد انقلاب نامزد ریاست جمهوری میشود و پیا مهستگی و بورژوازی لیبرال از را دیو تبریز پیش میشود.

اما این توطئه‌خطرناک و سازمان یافته‌خیلی زود به شکست می‌گراید. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در ۱۸ آذرماه استادی را فاش میکنند که نشان میدهد آقای مقدم مراغه‌ای نماینده حزب خلق مسلمان در مجلس خبرگان و استاندار دولت آقای بازرگان جا سوس "سیا" بوده است. این افشاگری ضربه‌شدیدی به ضد انقلاب وارد میکند و هشیاری مردم را بشدت می‌فرزد.

ید. حقاً یق نشان میدهند که ضد انقلاب منتظر چنین واقعه‌ای نبوده و در مقابل آن بشدت غافلگیر میشود.

"خلق مسلمان" در ۴ آذرماه متوجه بود: "چرا داشجو - یا ن پیرو خط امام، استادی را که گفتند در روز اول تصرف سفارت آمریکا ... یافته‌اند، انتشار نمیدهند؟ سفارت آمریکا که نزدیک به ۳ ساعت در بر را برداشت چنین مقاومت کردو در این فاصله استاد مهم طبقه‌بندي شده را سوزانند، چرا و چگونه استادی را که دال بر دخالتی در امور داخلی ایران و اقدام علیه جمهوری اسلامی است به جا گذاشت، آیا این عجیب و غیر عادی نیست؟"



عواطفیی های ضد انقلاب خیلی زود در انتظار مردم هشیار و آگاه آذربایجان رنگ می‌باشد. رادیو-تلویزیون توسط مردم آزاد میشود. ضد انقلاب پوسته "آزادیخواهی" را میدارد و در خیابانها و بازارهای شعار "بر بختیار رشیف صلووات" و زیر ترا و پر شاه مخلوع به مردم هجوم می‌بردوا این بیان نگر شکست توطئه‌های ضد انقلاب در فریب مردم است. گروههای مردم، احزاب و نیروهای سیاسی خواستار انحلال حزب "خلق مسلمان" میشوند. مردم آذربایجان توطئه‌تجزیه رهبری را محکوم میکنند و این شعار در کوچه‌ها و خیابانها میشکند؛ ها می‌گرگ بیرا ولسون آمریکا نابود اولسون

تلashهای امپریالیسم آمریکا برای بازگرداندن "دوران شیرین گذشته"، هنوز خاصه نیا فته است و بالعکس هر قدر انقلاب در کشور متعصب میگردد و هرقدر جنبه‌ضد امپریالیستی

و خلقی آن رشد بیشتری می‌یابد، این تلاشها نیز شدیدتر، دیوانه‌وارتر، غضب‌آلود تر می‌شود.

در یکساله پس از انقلاب عظیم و تاریخی ایران، فشربندی‌سیاست در جامعه، سرعت بی‌نظیری گرفته است. دهقانان که در دوران "انقلاب نخست"، فعالیت و علاقمندی اندکی از خودنشان میدادند، اکنون در پیروزی این انقلاب و به فرجام رسیدن آن، خود را بهم می‌یابند. مبارزه ضد فئودالی و ضد میندادری بزرگ، مبارزه برای زمین در روزات‌های کشور غنای بیسا بقهای یافته است. روندی که اگر به رواج فعلی پیش رو دوگسترش یابد، بیش در پیروزی قطعی انقلاب، نقش پس‌عظمی ایفا خواهد نمود. بورژوازی و استاده سازشکار در طول یکساله پس از انقلاب، خود را بشدت مفتضح و رسوا ساخته است و هر چند این قشر هنوز موافق مهمی را در قدرت سیاسی در اختیار دارد، ولی روز بروز بیشترها انفراد و تابودی می‌پوید. ضرورت جبهه متحده خلق هر روز در بوت مبارزات ضد امپریالیستی و خلقی بیشتر می‌گذارد و صفوک نیروهای تشکیل دهنده این جبهه هر روز بیش از روز قبل، در عمل بدیگر پیوند می‌یابند.

امپریالیسم آمریکا تهدید می‌کند، زوجهای خشم سرمی‌دهد، مردم ایران را "ترویریست" می‌نامد و برای آنها خط و نشان می‌کشد، ناهای خود را به خلیج فارس گسل می‌سازد، نیروهای نظامی خود را در کشورهای دست نشانده منطقه متصرک می‌کند، از جبهه‌سماجهانی برای محاصره اقتصادی ایران باری می‌خواهد. می‌کوشد تا با ایجاد کشاف میان انقلابی‌های ایران و افغانستان و دیگر نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی جهان، هریک را علیه دیگری تحریک کند و با استفاده از یکی‌دیگری را بکوبد. می‌کوشد تا با تبلیغ افسانه "خط‌شوری"، انقلاب ایران را از بزرگترین دوست و متحد خود جدا سازد و مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران را متوقف کند.

ولی امپریالیسم آمریکا، "هیچ غلطی نمی‌تواند بکند" (اما مخمینی). او خود امال الفساد است و خود موجد خطربرای منافع خلق‌های تحت ستم است. بودجه ۱۹۷ میلیارد دلاری نظامی امپریالیسم آمریکا و تلاش‌وی برای دامن زدن بیک حنگ سرد خط‌نماگ‌گواه صحت این حکم است.

امپریالیسم آمریکا در آینده پیروزی انقلاب ایران، نابودی منافع خوبیش را درکل

منطقه می‌بینند و بهمین دلیل اینسان وحشت کرده است. وحشت اوبیحاست. قرن ما، قرن پیروزی خلق‌ها و زوال محظوم سیطره سرماهداری جهانی و امپریالیسم است و هیچ افتخاری برای مردم ایران از آن با لاترونیست که انقلاب آنها، قاطع ترین ضربات را بر بیکراین سیطره منحوس وارد سازد.

این مومیائی متغیر در حال فرو ریختن است. بکذا راز وحشت برخود سرزد.



دوشنبه از

محمد زهری

برجم پنهان سرخ



کرور کرور

اینجا حساب

یک

د

د

هزار

نیست.

گل میخ صفر، در خط زنجیریک عدد سالم،

ا رسرا حد کرور کذشته است.

دیگر کتابیه،

موی و پیچش موئیست.

اینک سخن، صريح صريح است

آن را به قيمت کلوله خريند

دیگر

راضي به ال تمام موتفت،

راضي به استخوان،

در اى زخم

نیستند.

گفتم: مرا به جای نخواهی آورد.

گفتم: ترا به جای نخواهم آورد.

اما

من، چله مهاجر

تو، آشیان پارین

آغوش الفت تو پنا هم داد

گلریز مهر باني شد

طاق هزا رنصرت پیوند،

آذین شا رسان حوانی شد

من با تو،

برجم پنهان سرخ را،

آرایه بلند دامنه باد ساختیم



# ★ نیروی ایمان، نیروی طنز.

(سیری در حادثه‌های کوچک ولی بامعنای بزرگ)

ف. تکابنی

★ انقلاب ایران، از هر نظر که بنگریم، انقلابی است بی سابقه، منحصر به فرد، و بـا ویژگیهای خاص خود.

طنز و تمسخر، که مردم، در طول تاریخ خود همواره آن را جون سلاحی دربرآ برزوگوئی و ستمگری و خفغان، به کار گرفته‌اند، در انقلاب آشکارا چهره نمود و با به پای نیروی ایمان مردم پیش آمد.

مردم، حبروت سلطنت پهلوی، ادعاهای تو خالی "قدرت نظامی و سیاسی" (یا به تعییر خود مانی "گنده گوئی" های شاه)، نیروی جهنمی ساواک، و پلیس و ارتشر رژیم را به مسخره گرفتند. مردم با دست خالی، مشتها کره کرده و سینه‌های باز به پیشوای گلوله‌های سربی رفتند و "توب و تاث و مسلسل" را، مرگ را، تمسخر کردند.

شهیدان، در حالی که دشمن را تحقیر و تمسخر می‌کردند، خنده بولب، شهادت را پذیرا شدند.

مردم ابتدا دشمن را در حنگ روانی شکست دادند و از نظر اخلاقی ذلیل و زیون کردند و آنگاه برآ و پیروز شدند.

در با ره ویژگیهای انقلاب، رخدادهای آن و قهرمانیهای شگفت انگیز انقلابیون، سخن سیار گفته شده و باز هم گفته خواهد شد. اما من، در این طرحها و تمویرهای کوچک و پراکنده، که از یادداشت‌های روزانه‌ام استخراج شده، کوشیده‌ام بخشی از نیروی طنز و تمسخر مردم را در رویا رویی و ستیزه با دشمن نشان دهم. و نیز این را که چگونه دشمن در اوج خشم و عجز خود به کارهای ابله‌انه دست می‌زد و خود را بیشتر رسو و مسخره می‌کرد.

۱۱... مروزیکی از چههای اعتصابی را دیو تلویزیون را دیدم و ما جرای چند شب پیش آنرا اینجا تعریف کرد:

در را دیو تلویزیون، از هنگام روی کارآمدن دولت نظامی، اعتصاب است. قسمت "توالید" به کلیه واپسیده، چند روز پیش بجهه‌ها کوشیدند سهت "پخش" را هم بخواهانند. تصمیم گرفته شد آنچنان‌نمودند تا دولت نتوانند به زور مسلسل و ادارشان کند که برنا مه احراک نمایند. همه می‌روند. ساعت پنج که قرار بود برنا مه شروع شود، شروع نمی‌شود. مدیران سراسیمه خود را به تلویزیون میرسانند. آن شب دوازده مدیر آنچه‌گردمی‌اند. ارتش هم قبل از رسیده و چند نفری را شکار کرده بود. آنها گذشتند: "کار نمی‌کنیم، میخواهید بشید؟ بسیار رخوب، بشید".

چندترسوی خود فروخته که قبل از هم کار می‌کردند، می‌بینندیرای کار. برنا مه خیلی دیر و ناقص آغاز نمی‌شود. هر دو کانال را یکی می‌کنند. حتی شنیدم که یک ارتقی را می‌آورند، موهای کوتاهش را با هزا رزحمت "پوش" میدهند که بلند‌جلوه کنند و آنوقت می‌فرستندش جلو دور بین!

دراین روزها، پلیس که زیرفا رشدید عصبی است، به قول خود می‌خواهد برس مردم تلافی در آورد...

نزدیک جایگاه فروش نفت و بنزین که مردم برای خریدنفت صف بسته بودند، افسوسی به تماسخ می‌گوید: "بروید از خمینی نفت بگیرید! " زنهای جا دری می‌گویند: "اگر نفت دست خمینی بود که دیگر این بساط نبود. چون دست اربابی عرضه نتوست، این افتتاح راه افتاده! " و چادرها را به کمرمی بندند و به افسر هجوم می‌برند که اورا بزنند، بطوطیکه ناچار بفرار می‌شود.

از این ماجرا هافراوان است، اما شنیدنی تراز همه این ماجرا است: در خیابان سی متری نارمک، دواتومبیل که با یکدیگر تصادف کرده بودند، ایستاده بودند و راننده ای که از منظر بودند که افسر سیاپی دو نظر بدیده اند و بروند خساره ای را از بینه بگیرند. افسر که می‌آید، می‌گوید: "بروید خساره ای را از خمینی بگیرید! "

با شنیدن این حرف، راننده ای که خساره ای زده بود، دسته چک خود را بیرون می‌ورد و یک چک ده هزار تومانی می‌نویسد و به دیگری میدهد. ( خساره به هزا و تومان هم نمیرسید). آنکه خساره دیده بود، چک را می‌گیرد، فندک خود را بیرون می‌ورد و می‌گوید: "به سلامتی خمینی! " و چک را آتش می‌زند.

مردمی که جمع شده بودند، بادیدن این منظره، آن دور اسردست بلند می‌کنند و در حالی که شعار میداده اند:

"درو در خمینی، مرگ بر شاه " برآ می‌افتد. به این ترتیب، تصادف اتو مبیل به تنظا هرات سیاپی بدل می‌گرد و حناب افسرشا ه پرست خیط می‌شود.

امشب تنظا هرات بعد از ساعت منع عبور و مرور، بیشتر و گسترده تراز شب گذشته بود... صدای تیرکه بلند نمی‌شد، مردم یک‌صد می‌خوانندند: " توب، تانک، مسلسل دیگرا شر ندارد! " و صدای فرمانده سربازان بلند نمی‌شد که: " خفه شو! " قزاق قلدکله پوک ای که می‌بیند مسلسلش بی اثر است، خیال می‌کند صدایش اشی خواهد داشت!

دستی ما حرای شب‌ها در محله‌شان تعریف میکرد.

چند شب پیش میان ارتشی ها که در خیابان بودند و مردم که برای مهاجرت بودند، گفت و گوی با مزه‌ای در میگیرد. مردم خوانده بودند: "برادر ارتشی چرا برادرکشی؟" افسری خطاب به آنها گفته بود: "مگر من برادر ارتشی شما نیستم؟" مردم پاسخ داده بودند: "چرا." گفته بود: "این برادر ارتشی از شما خواهش میکند بروید بخواهید." مردم هم گفته بودند: "مردم از برادران ارتشی خواهش میکنند که آنها اول بروند بخواهند" ۱

سرباری فریاد کشیده بود: "ایست! ناشناسی پاسخ داده بود: "کسی خونه نیست، همه رو بیشت با مندا" ۱۹ آذر ۱۳۷۸ (تاسوعاً)

.. نزدیک دروازه شمیران رسیده بودیم که گفتند: بشینید. نشستیم. از دو طرف، جمعیت و پرچم و شعار بود که دیده می شد. عده ای هنوز در پیاپی راه را حرکت می کردند که ما سوران انتظار مات گاه با خواهش و تمنا و گاه با پرخاش و تندی، آنها را واحداً راه نشستن می کردند و کاهی هم حریف نمی شدند آنها به حرکت خود را داده بودند.

مردی به جوانی که نمی نشست و میگفت: " میخواهی ببینم سرف کجاست و چه خبر است . " پاسخ داد: " سرف کجاست ! ؟ خوب ، معلوم است ، سرف کرج است و انتهای آن تهران پارس است ".

۲۰ ذر ۱۳۵۷ (عاشر) )

... یکبار دیدم جوانی از درسالن ورزش دانشگاه بالارفت و خود را به دیوار سنجی آن که میان دروسالن سینما کاپری واقع است و هرها ای درزی پردازد، رسانندو با رنگ سیاه درشت نوشت: مرگ بر شاه! امابعد دنده های "شاه" که رسید، رنگ تمام شد. از یائین به اورنگ سرخ دادند و با خیال راحت، درحالی که مردم برا یش حسابی ابراز احساسات میگردند و حتی گاه کف می زدند، ابتدا "مرگ بر شاه" را با اورنگ سرخ کامل کرد و سپس این شعار را نوشت: مرگ بر شاه، بزرگ اوتستاران ارتش مزدور و ننگ بورضا خان خائن.

مرگ برشاہ ، سگ زنجیری امپریا لیسم آمریکا

با لامیرفت و مردم بسیار بلندتر از پیش، فریاد می زدند:  
... همین که هلی کوبتری در آسمان، بر فراز سر جمعیت ظاهر میشد، مشت ها همگی  
با راهپورت هم سوچرست تحریرهای د امریکا را بگذاشت.

مرگ برشاہ ، بگو مرگ برشاہ !

یک هلی کوپترها تا خیرگردندومتی پیداشان نشد، جوانی به دوستش گفت: "یک هلی کوپترهم پیداشی شودکه چندتا مرگ بر شاه بگوئیم دل ما، خنک شمدا"

... جمعیت که به "شهیاد" می‌رسید، متفرق نمی‌شد، دورمی زد و همان مسیر را باز-  
میگشت ...

گروههای از جوانان که بازمی گشتند، دمگرفته بودند و دسته جمع میخواهندند.

(۱۳۴)

ازها ری بیچاره!  
این مردم نواره؟  
نوارکه پانداره!  
ازها ری، دوربینت کو؟  
چشمای کوربینت کو؟  
ای خرچا رستاره!  
با زم بگونواره!  
نوارکه پانداره!

لابد میدانید که ازها ری در نقطه "مشهورش" در مجلس سنای چه گفته بود که این جواب را از مردم دریافت کرده بود.

... دیروز و امروز، علاوه بر شاعرانویسی، دو چیز دیگر هم به چشم میخورد که میتوانم آنها را تصویرنگاری و خبرنویسی بنا مم.  
تصویرهای امام خمینی، و دکتر شریعتی باندازه‌های کوچک و بزرگ را که روی ورقه‌های فلزی کنده شده بود، به دیوار میگذاشتند و روی آن رنگ می‌پاشیدند، تصویر به دیوار نوشته می‌بینست.

همچنین تصویرهایی دیدم از شاه که به همین ترتیب بر دیوار نوشش کرده بودند، منتها سرشاره با تنه‌سگ!  
جماعت که می‌رسید و تصویر شاه را می‌دید، دادمیزد؛ "چه، چه!" و شنیدم که یکی می‌گفت: "صدر حرمت به شرف سگ که دوبار میگویی چه، میرو و دور می‌شود. این مسردک، میلیونها نفر می‌گویند" "چه"، با زازو نمی‌رود! " خبرنویسی هم این بود که اخبار گوتا گون را روی دیوارها، به یارهای تلفن و به سایبان‌های فلزی ایستگاههای اتوبوس می‌نوشتند، گاه جدی و گاه به طنز و شوخی... یک جا نوشته بودند: مرگ موهبتی است الی که از جانب ملت به شاه تفویض می‌گردد!

هر جا شعاری نوشته بودند و ما موران روی آن رنگ مالیه و محوش کرده بودند، مردم زیرش نوشته بودند:

### بنگ بار نگ باک نمی شود.

شعارهایی هم علیه‌ نقی روحانی" این سختگوی استعمار" نوشته بودند. بدستان گفتم: "نقی روحانی هم عاقبت به هرچنان کنندی بود، تو انت خود را به زبان‌ها بزنید و پرتاب کندا" با مردی که چند جنده نشانی خانه اوران را نوشته بودند که مردم بروند حسا بش را برسند!

جای دیگر به دیوار نوشته بودند: آخرين اعلاميه فرمانداری نظامي: اجتماع بيش از ۴ ميليون نفر ممنوع است!

... حوانی ماراسوارا تو موسیلش کرد و به خانه آورد. درجا های شلوغ، حوانان راه را می‌کشند و اتو موبایلها را هنما بی می‌کردند.

راشد که کفت: "اینها پلیس‌های خمینی اند!" گفتم: "بله، به حای حریمه صد تومانی هم بی دت میدهند که صدیار بیکویی با بنویسی: مرگ بر شاه!"

... کارکنان برق که در حال اعتمادند، اعلام کرده‌اند که به خاطر مردم، برق خانه‌ها و خیابانها را قطع نمی‌کنند. متنها مدتی است که هرشب، حدود ساعت ۸/۵، که برنا مه‌خبران تلویزیون و پس از آن برنا مه‌های فرمایشی اعماب خوردن شروع می‌شود، برق سراسر ایران را خاموش می‌کنند. و یکی دو ساعت بعد، با زروشن می‌کنند. مردم‌ها از این موضوع نه تنها ناراضی نیستند که از این دهن کجی به دستگاه، کلی هم خوشحالند.

امروز بعد از ظهر را دیوا علام کردکه چون امشب شب یلداست و جشن است وازا این حرفها ...

تلویزیون تائیمه شب برنا مه‌ویژه دارد!

گفت: "آوه ارواح اعلیٰ حضرت! بجههای برق گذاشتند که تو در این عزای ملی حشنه بگیری!" . امشب برق زودتر از هرشب خاموش شد!

۲ دی ۱۳۵۲

امروز بپرسی اینها با ازشدند و هما نظر که همه حدس می‌زندند، بی درنگ تظاهرات شروع شد. گذشته از دی پرسی اینها، دبستانها و مدرسه‌های راهنمایی هم در حال اعتماد و تظاهرات آموزگاری تعریف می‌کرد که در مدرسه‌شان، بجهه‌ها در کلاس‌ها سرها را روی میز گذاشتند بودند و "مرگ برشاه" می‌گفتند. مدیر گفته بود: "شما ها چه می فهمیدا این چیزها چیست؟" یکی از بجهه‌ها پاسخ داده بود: "آن موقع که ما را می بردندجا ویدشاہ بگوئیم، می فهمیدیم، حالا نمی فهمیم!" بجهه‌ای کودکستانی و دبستانی این شعر را می‌خوانند:

پفک نمکی شوره  
ما شاه نمی‌خوايم زوره!

۴ دی ۱۳۵۲

امروز گروهی از داشت آموزان به اداره آموزش و پرورش تهران رفتند بودند تا متحقق شوند. ناجا را داره را تعطیل کردند و کارمندان زودتر بخانه آمدند. با مزه‌ای یعنی سراسر بدن سرویس اداره با شعارهای مرگ برشاه، درود به خسرو روزبه، درود به خسرو گلسرخی - که داشت آموزان نوشته بودند، پوشیده شده بودوا توبوس با همین وضع در خیابان ها حرکت می‌کرد. و هر کجا نرا میدید. حتی افسران و سربازان لبخند تا شید می‌زد.

۲ دی ۱۳۵۲

صبح با یکی دو تن از دوستان به بهشت زهراء رفت. راه شلوغ بود، اما به هر حال با تجا رسیدیم. از پلیس و سرباز خبری نبود. قیا متی بود. اجسا دکشیده شدگان دیروز را می‌وردند، یکی میرفت داخل غسالخانه و با دوربین پولاروید عکس می‌گرفت، عکسها را به مقوا یاری می‌چسبانند و می‌گردانند و بدویه مردم نشان میدادند. به جای صدای "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" فریاد مرگ برشاه شنیده می‌شد. هر چنان‌چهاری را که بدش می‌گرفتند و برای به خاک سپردن می‌بردند، جمعیت فریاد می‌زد؛ این سندجنا بیت پهلوی است. یا می‌خوانندند: ولیعهدت بمیرد پیش چشمت چرا کشتی جوانان وطن را؟ یا این شعار:

وای بروزی که مسلح شویم!

زندگی با چشم گریان ، با خشم و خروش فریاد میزد : " پس کی؟ پس کی مسلح میشوید؟ " از لحظه‌ای که ما رسیدیم ، نزدیک به پا نزده جسد را آوردند . پرسیدیم : " همه مال دیروز آست؟ " گفتند : " دیروز چیست ، کشته شدگان امروز صبح ، در خیابان کریمخان و خیابانهای دیگر . " آنها را که به مرگ طبیعی مرده‌اند ، تنها چند نفری ، با صدای " لا اله الا الله " تشییع میکنند و آرام در گوشاهای به خاک می‌سپارند . گویی هم آن مرحوم در گذشته وهم بستگانش شرمسارند که چرا شهید شده است !

اینجا و آنجا کتاب‌ها و نوارهای آیت‌الله خمینی و دکتر شریعتی و دفاعیات مهدی رضا بی و نوارهای دیگر را می‌فروشن . چون مردم از صبح می‌بیند و تا عصر می‌مانند ، گروهی برای آنان نان ، نان شیرمال ، خرما ، حلوا و خوردنی‌های دیگر می‌آورند و البته به جای تقاضای فاتحه ، طلب شعار " مرگ بر شاه " میکنند و می‌گویند که همان اند زه شواب دارد . بعثت زهرا به محل مبالغه خبر تبدیل شده است . اخیراً روزی کاغذها و مقوای ریزو درشت مینویستند و به درودیو رودرخت و تیرچراغ و شیشه‌توب می‌بیلند . همینطور عالمیه هارایا می‌چسبانندیا پخش میکنند . از جمله این عالمیه که مفادش اگر عملی شود ، ابتکار بسیار رخوبی است :

ملت غیور ایران !

جمعه ۵۲/۱۰/۸ ساعت ۱۲ ظهر همزمان با اذان ، شعارها و پلاکارها و عکسها بی را با با دکنگ گازی به هوا پرتاب کنید و در همان جا که هستید ، شعار " الله اکبر " سرد هید . همیستگی شما مشتگره کرده برد همان احتمال است . یکی از شعارها این بود : تسلیم ، سازش ، هرگز ! جلوگسالخانه ، مردی سخنرانی میکردو میگفت : " جوانان ! چرا اینجا می‌بیند؟ بروید و مبارزه کنید ! اینجا گورستان است . پیرمردان و پیرزنان با یاری اینجا بیان بینند . شما جوانید . به فرض آمدید اینجا و گفتید : مرگ بر شاه ، چه نتیجه‌ای دارد؟ بروید و مبارزه کنید ! "

در خیابانی که به غسالخانه میرسد ، جمعیتی جمع بود . جوان کم سن و سالی با لارفته بود و بالحنی ساده ، اما پر جهارت ، میگفت : " برادران ! خواهرا ! توصف نفت نایستید ! همین امروز بینج نفرار ادنا رمک توصف نفت کشته‌اند . مادیگه با شا طرف نیستیم ، شاه که کارش تموهه ، ما با کار تروسیا و آمریکا طرفیم . از روز شنبه ، برنا مدهای چریکی شروع میشند . امشب روی پشت بونا الله اکبر بگید . اگر توده و همسایه‌تون از این ناکسا و ساواکیا پیدا میشند ، اسم و آدرس شو بنویسین بیان اینجا بزینیں ، برادرای مجاهد برنا مهشورتیب میدن ! " با رهای و بارها ، در جاهای گوناگون ، و برای مستمعین تازه ، این سخنان را شکرار میکرد .

مرد جوانی با لارفت و درباره نفت حرف زد و گفت : " چه نفاوتی میکنید که ما با گلوله دشمن کشته شویم یا از سرما . ملت قبایم کرده است و با این تهدیدها ارجاد رعنی رود . " پیر مرد ریش سفیدی که کنار من ایستاده بود ، هربار که سخنران میگفت " ملت قبایم کرده " یا " ما از مرگ با کی نداریم " به پیشانی میزدوزا و زارگریه میکرد . همانگونه که سالهای پیش برای حسین و بیان انش گریه میکرد . و بعد ، از تهدل ، " مرگ بر شاه " میگفت . همان

همانگونه که سالهای گذشته "لعتت بریزید" میگفت.

دستم انگشتی را که به دست داشت به انگشت پیر مردکرد و گفت: "پدر این را بمه  
یا دگار از من داشته باش، روز پیروزی با زهدیگر را خواهیم دید."

روی تابلو دیگری نوشته بودند: آمار دقیق کشته شدگان ما؛ در ۳۷ سال اخیر،  
به دست شاه خائن: ۳۶۵۹۹۵ نفر (در هر ۴۸ دقیقه یک نفر شهید شده) این رقم شاید در  
نظراً ول اغراق آمیز به نظر میرسد، ولی اگر کشته شدگان تمام این ۳۷ سال، از جمله کشته  
شدگان سال ۲۵ آذربایجان و کردستان، ۲۳ تیر، سی تیر، ۲۸ مرداد، ۱۵ خرداد، ۱۲ شهریور  
امسال و کشته راهی پس از آن، تیرباران شدگان و کشته شدگان اعتماد بهای کارگری و درگیری  
های خیابانی و کشته شدگان زیرشکنجه و هفتدمای هشتمدن کشته شدگان آتش سوزی سینما رکس  
آبا دان و کشته شدگان تمام شهرستانها را در نظر بگیریم، این رقم عادی به نظر میرسد.  
... ساعت ۳ به قطعه ۲۴ رفته که مراسم سومین روز شهادت دکترنجات اللهی در آنجا  
برگزار میشد...

نماینده کارکنان برق چندیا ربه تا کید گفت: "مردم! در صفت نفت نایستید، برق  
صرف کنید، برق مجازی مصرف کنید. پول قبض برق و آب و تلفن و جوییمه را نندگی را ندهید.  
شایعه قطع برق و آب دروغ است. قطع موقتی برق هم یک شیوه مبارزه سیاسی است. ما در  
نژد حضرت آیت الله خمینی و نزد ملت ایران تعهد کرده ایم که برق و آب و تلفن شما را تا میان  
کنیم".

... مراسم که تمام شد، جمعیت متفرق شدو سواره و پیاده به سوی در خروجی بر راه  
افتاد. اتوبیل ها تا جا داشتند پیاده ها را سوار میکردند. عده ای جوان سوار کا میونی  
بودند و بین شعر را دم گرفته بودند:  
یا ایها المؤمنون، ساعت نه پشت بون: مرگ بر شاه، مرگ بر شاه!

۱۳۵۲ دی ۱۳۵۲

... تا به حال ساقه نداشته که در نیمده، هوا به این خوبی باشد. مردم این روزها  
میخواستند: سک جدید دربار  
شاپور بختیاره!  
به کوری چشم شاه  
زمستونم به شاه!

۱۳۵۷ دی ۱۳۵۷

... در پیا ده رودا نشگاه، مردی دیگ آش کذا شده بود با چند کا سه و قاشق آش می فروخت  
و داد میزد:

- به کافه تریا! "مرگ بر شاه" خوش آمدید!

\* \* \*

... رادیو در اخبار ساعت ۲ خبرداد که شاه رفت. مردم بیدرنگ به خیابانها  
ریختند، چراغ اتوبیلها را روشن کردند، بوق آن ها را به مدار آوردند، به یکدیگر  
تبیریک گفتند و نقل و شیرینی پخش کردند.  
در تهران پا رس دیدم که اتوبیل ها همه به یک سمت در حرکتند. حد زدم که دارند  
فلکه اول میروند تا حساب مجسمه "طرف" را برستند!

برخی از آنها، همان طورکه به شتاب در حرکت بودند، مرا که میدیدند فریاد میزدند:  
 "تبریک! چشم شما روشن!"  
 به فلکه اول رفتم. از مسممه خبری نبود. مردم در اطراف میدان می رقصیدند و بسوق  
 اتومبیلها را به مدارمی آوردند.  
شاه  
روزنامه‌ها توشتند: "شاه رفت!" مردم آنرا به این صورت درآوردند: "شاه  
در رفت!"  
 چون شایع بود که آمریکا میخواهد شاه را وارد استغفا کنند و پرسش را به جای وینشاند،  
 مردم شعرها و شعارها بی را میخواهند و بدیوارها می نویسند. از جمله:  
 ولیعهد سلطنت محاله،  
 سگ زرد، برادر شفالة!

\*

اتل متل تو تو له  
 نه سگ میخوايم، نه توله!



## ★ با اتكاء به پیام تاریخی امام خمینی،

## ★ مسئله کودستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین

## ★ حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

# ★ نقاشی و فعالیت هنری در انقلاب ایران

شهاب موسوی‌زاده

★ برای دریافت روند فعالیتهای هنری در انقلاب پیووزا ایران ، در این مقاله به بخش قبل از سال ۵۷ ، جریان انقلاب در سال ۵۷ و تداوم آن در سال ۵۸ را مورد نظر قرار میدهیم . برآساس این حقیقت که هنرها صیل در تحلیل نهایی با زتاب واقعیت‌های عینی اجتماعی و حرکت‌جا معا در کل خود است ، این سه دوره فعالیت هنری کاملاً منطبق بر روند تحول‌جا معا در سه دوره خاص خویش میباشد .

در سالهای آخر قبل از انقلاب ، جا معا ایران بر مبنای تشدد تھا و تمرکز و فشرده شدن نیروهای مبارز برای یک تحول بنیادی آماده میشد . رژیم استبدادی - ارتقا عسی سلطنتی با پشتیبانی سرمایه‌داری جهانی و بیش از همه امپریالیسم آمریکا ، چون سدی در برای پرسیل خروشان و پویای تاریخ ایستاده بود .

تفاوت روزافزون بین این دو جریان بشكل تناقض با امپریالیزم و استبداد علیست عده مبارزه ای طولانی با شکل‌های مختلف بود که با اتحاد و قدرت تولدی ای ، با انقلاب تعیین کننده سال ۵۷ منجر گردید .

در طول این مبارزه ، هنر در هر دو جبهه فعالیت چشمگیرداشت . هنرما نند هر رزو - بنای دیگری بر مبنای زمینه‌های مادی شکل میگیرد و عمل میکند . در نظام استبدادی و نوآستانه ای حاکم بر ایران ، زمینه‌های مادی فعالیت عده دوگانه هنر وجود داشت . خلقی و ضد

خلقی : فعالیت خلقی آگاهانه ، برمبنای علم و عشق به توده‌ها و تحول وعظمت آنها و فعالیت هنری ضدخلقی ، آگاهانه ، برمبنای منافع طبقاتی محدود والزا ما " ارتقا عی " هنرخلاقی با امکاناتی ناچیز زیرشیدترين ضربه‌های پلیسی به آفرینش مشغول بود . یادمان نمیرود ، اکثر هنرمندان مسئول در زندانهای ساواک ، زیرشکجه‌های ابیسی قرارداشتند ، هنرراستین در آن دوران چون شعله تجیف شمع ، اما فروزان ، زنده بود . و هنر ضدخلقی ، با امکاناتی کسترده ، در آزادترین شرایط مشغول تحقیق توده‌ها بود . این - گویه هنرچون کنده‌های نیم سوخته و دودا نگیر هوا را می‌آلود و یادمان نمیرود چه کتابهایی به بهترین آرایش و پیرایش عرضه میشد ، چه موسیقی و تئاتری در مجهر ترین سالن ها اجرا میگردید ، نقاشیهای انتزاعی و فوق مدرن در هتلها مجلل بینما پیش میآمد و فیلمهای ضد اخلاقی و ارتقا عی با وسیعترین تبلیغات امپریالیستی به پرده سینماها رنگ میزد . در این میان هنرمندان مسئول و مردمی ، سینه به سینه بین مردم راه خود را بازمیکرد ، احساسات مشترک و توده‌ای در مردم ایجاد میکرد ، پیام آتشین خود را دروازه‌ای ، تصویری یا نوایی بمعیان خلق میبردوچون زمینه عینی آفرینش این هنر ، رنج و خشم مشترک بود از دل بر میخاست و بدل میباشد . هنرخلاق گرا بشیوه‌های زیرکانه ، با هشیاری در خوردمباره ، با آگاهی به ما هیت دیوگونه دشمن ، در شکلهای گوتاگون با استعارات و تشییهات فراوان رشد کردو به بازار نبرد از طریق سازماندهی احساسات وعواطف عالی مبارزه ، تبدیل شد . دستگاه پلیسی رژیم دست نشانده امپریالیزم بخش عده‌ای از فعالیت خوبی را به مبارزه با هنرمندان مسئول اختصاص داده بود . این مبارزه مراحل مختلفی داشت ، هنرمندان را بدویخش تقسیم میکرد . بخش موافق رژیم را حفظ مینمودو تمام شرایط و امکانات اثر آفرینی را در اختیار روش میگذاشت . بخش دیگر را طبق زیربخشها مختلف زیرنظر میگرفت . انواع حیل را برای جلب هنرمندان سنت پایه بکار میبرد . آنها را جذب و جدا کرده ما شین های تولید غرائز بهیمی چش هنری تبدیل میکرد . هنرمندان سخت عنصر را از طرق منفرد کردن ، ارعاب ، زندان و شکنجه بیتا شیر میساخت و بقیه را نیزتا بود میکرد . با ازتاب این نحوه عمل رژیم پلیسی و ارعاب در هنر ، پیدا شیوه‌های متفاوت بود که تا حد بسیار زیبا دارای ذوقیات و زیبائی شناسی عقب نگاهداشت مردم تا حد بسیار کم تفاوتی آنها نسبت به هنر دورگردید . عده‌ای از هنرمندان صادق ، خودبیوره بیکانگی با توده‌ها در غلط بیدندوا پینجا بود که لخاء واقعیت‌های ملهم موس را هرا بر هجوم اندیشه‌ها و شیوه‌های رنگارنگ و منحط غرب امپریالیستی میگشود و محیط را آلوده میکرد . تالارهای نمایش نقاشی و تئاتر و سینما انباسته از آثاری میگردید که در هر کدام " نوگرانی " بهانه اصلی ایجاد بودوا این نوگرانی چیزی جز آفریدن اشکال عجیب و غریب انتزاعی نبود و نیز اثری در جهت تحول فرهنگ جا مده ، نکامل هستی معنوی جا معدنداشت .

در سال ۱۳۵۷ ، در لحظات اوج مبارزه انقلابی خلق ایران ، فعالیت هنری در کمیتی و در کیفیت رشد شافت انگیز و شور آفرینی داشت . انقلاب دوچنان خلق و ضد خلق را رو در روی هم قرارداد . سرنگونی شاه در دستور روز بود . رژیم بعلت همان ما هیت ارتحاعی خود بیطرور کلی نتوانست از هنری را بکیرد . هنرمندان رژیم نه در توده‌ها پایکاهی و نفوذی داشتند و هشکلهای انتزاعی آثارشان میتوانست کار سازی شود . رژیم شاهنشاهی حتی بر کار ارکلیه جشنها فاسد و منحط شیرا زوطوس و فرهنگ و هنر را غوکرد . هنرمندان جبور و خود فروخته و سودپرست آریا مهری ، لقا آریا مهر را به عطا پیش بخشدند و برای بقا خوبی فرا رزابر

قرا رترجیح دادند.

در مقابل ، مردم با تکیه به خلاقیت تاریخ سازخویش ، با فشا رعشق آفرین تاریخ ، یعنی انقلاب از هنرپیهای افسانه‌ای برندند . هنرمندان مسئول جان برکف ، پاپیای انقلاب و خلق اثرا فریدند .

شودرخیا بانها میجوشید و نقش بر دیوارها . گوشی هنرآن وظیفه‌ای را کم‌سال‌ها نتوانسته بود با نجام رساند ، میخواست در لحظه‌ای بانجام رساند ، در لحظه‌ای تاریخی و تعیین کننده . همه ما با شنیدن شعرهای انقلاب گریستیم . تارهای قلبمان بادیدن تما ویسر و بوسترها ای انقلاب لرزید ، موسیقی انقلابی جانهای ما را سرش را زفادا کاری و جانبازی کرد . هنرهای تودها بسیج شد ، مبارزه کرد و پیروز شد .

در روندا و چکیری فعالیت هنری همراه با و چکیری موج مبارزه که در اتحاد همه نیروهای خدا میریا لیست و خلقی اعم از مذهبی مترقبی و کمونیست صدیق که در کنار ریکدیگر ، دست در دست هم ، کام بکام لحظه‌های انقلاب را در شوریدند ، مردم میهن ، با پوست و گوش ، با جان خود ، نقش هنر ، نقش موثر هنر را در سازماندهی احساسات اجتماعی دریافتند . استعدادهای شگرفی در مدرسه انقلاب جوان شد . جوانان شرسروندند ، نقش آفریدند ، آهنگ سراییدند و در هر واژه و هر علامتی ، چکیده‌ای از جان انقلاب نهادند . هنرها نیروی جوان بانگ برآورد به پیش تا پیروزی ! اهل لحظه‌ای ، هرگوشاهی ، انگیزه‌ای بود برای آفرینش عظیم هنری . حتی کودکان هم در دورافتاده ترین نقاط میهن شعری و نقشی و آهنگی آفریدند . انقلاب سند معتبری دال بر جود نیروهای عظیم معنوی در مردم ایران بود . میتوان از پوسترها بسیار رزیبا و موشودلران انقلاب نام برد ، که برخی از آنها در همین شماره چاپ شده است . و تیز از سرودهای شیوه‌ای که با اجرای گروه شیدا ، گروه عارف ، گروه کر تا لار و دکی و گروههای دیگر در دوره انقلاب نقش بسیجیده بازی کردند (ما نند الله اکبر ، برپا خیز ) . از جاکن بنای کاخ دشمن ) یاد کرد .

اشعار بیشماری در این لحظات سروده شد . اشعار سیاوش کسرائی - هوشنگ ابتهاج - م . آزمودیگران خبر از اتحاد و مبارزه خلق کبیرا یاران میداونیز طلوع پیروزی را نوید می‌ورد . شعرهایی که مردم ، در کارگاه قلبنا میساختند از غنی ترین شعرهای توفنده انقلاب بود .

ونیز میتوان از تقدیمی نام بود که در ساخت ترین شرایط آثار خود را آفریدند ، هر کدام به شیوه‌ای بیانگر ستمها گشتند و برخی هم روح سبزه جویی را در مردم تقویت مینمودند . پرویز حبیب پور ، بهروز مسلمیان ، فرج نوتابش ، شمیلا ابراهیمی از زمرة چنین نقاشان هستند .

با انقلاب بسیاری از تعاوین گوناگون هنرکه توسط هنرمندان سریپرده رزیم وابسته نشخوار میگردید و گوش مردم را میانباشت ، تو خالی و پوج درآمد . با دگی آنچه با آنهمه تبلیغ و گرو فر رشتہ بودند ، پنهان شد . شیوه‌های آشفته‌سالهای پیش از انقلاب ساما نگرفت ، هما هنگی یا فت و با تکیه بر واقعیات منحول وزنده انقلاب با آینده‌نگری عیان و عربان بمیدان آمد . بخشی از هنر نقاشی که وظیفه سنتگینی را عهده دار بود ، یعنی گرافیک ، بخصوص پوستر سازی ، اهمیت مستقل کسب کرد که در آن آرمانهای خلقی بشکل‌های مختلف میان خواسته‌ای بحق مردم گردید . در بطن این جنبه از فعالیت هنری که رو در روباد دوره در هم کوبندگی انقلاب بود ، جنبه

اصیلتر فعالیت هنری یعنی آنکه با زتاب آینده‌های رها از استعمال و سلطه امیریا لیس زم و استثمار میباشد، نطفه بست. این نطفه همانست که در بلوغ خوشنویس متعالی و عمیق توده‌های مردم را تمیین خواهد کرد. این نطفه را با یادگاری داشت و در پرورشش کوشش کرد.

در مورد هنرمندان و اژگوئی را با پیروزی گذراندیم. فرهنگ و هنر ساواک زده آریا مهری در هم کوبیده شده است. ما هیئت واقعی‌ضاد نسانی رژیم‌سلطنتی وابسته با میریا لیسم آشکارگشته است. زمینه فعالیت هنرمندان خود فروخته‌جش هنری از بین رفته است. در تداوم انقلاب، در سال ۵۸ بیویژه در مدارس و دانشکده‌های هنری و حتی با برداشتمگیری در توده‌ها، واژه هنرمندی بگوش میخورد که صرف نظر از سرگردانیها، تعاریف متفاوت و گاه متناقض، صرف نظر از نظریات گوناگون در مورد این واژه، یک مفهوم مشترک از آن افاده میشد، "هنری بایزندگی توده‌ها، بخصوص زحمتکشان را منعکس نماید." این مفهوم مانند تماش دستاوردهای عینی و ذهنی دیگر انقلاب جان‌آفرین است. مدارس و دانشکده‌های هنری که تا قبل از انقلاب اتفاقهای شششی غمزی بودند، اینکه محیط بسیار مساعد و متناسبی برای شکل‌گیری تعاریف، نظریات و شیوه‌های مختلف هنر استند. این نهادهای آموزشی نقش اساسی و درجه اول در تربیت هنرمندان آینده میهن دارند. متأسفانه در دوره استقرار انقلاب، فعالیت هنری بطرز چشمگیری کاهش یافته است (صرف نظر از فعالیت استعدادهای درخشانی که در دوره اژگون سازی انقلاب گل کردن دواینک نیز بخلاق آرامتر قی مشغولند) و بطورکلی سورگرا پیش به هنر و آفرینش هنری فروکشیده است.

یکی از علل این فروکشی فقدان سیستم آموزشی مشخص هنریست، اگر بپذیریم که سیستم، مجموعه منظم و فعالی است که بین اجزاء آن پیوسته‌عضوی و در کل دارای حرکت بسته هدف مشخص باشد، با پذیریم که در نهادهای آموزش هنری ما سیستم عمل نمیکند. بلکه جمیع تهدیفی عنصر متفاوت و گام متفاوتی عمل میکند که دارای هدف واحد و مستقیمی مشخص بسوی آن نیست. هزینه‌های کلان برای نتیجه! خزدو آشفته صرف میگردد. نیروها ئی که در این جمع عمل میکند بازده معادل ندارد، زیرا معرف نیرو و هزینه‌تنه در سیستم استقراری افتاده و مساعد است که بازده خلاق و بالشده خواهد بود.

دانشمندان، هنرمندان، استادان، معلمان و مسئولان دیگر وظائی سنگین بسدوش دارند تا سیستمهای متفاوت و متفرقی آموزش هنری شکل مستقل یافته در نهاد آموزشی استقراری ای بند. برخورداری سیستمهای با یکدیگر خلاق بوده نظریات مبتنی بر تجربه‌های عملی را شکل میدهد. در اینصورت این حقیقت که هنر در تحلیل نهادی با زتاب واقعیت‌های عینی اجتماعی و تاریخی میباشد جامعه عمل میپوشد.



تقدیم به رفیق شهید تورج حیدری بیگوند

## ★ رقابت ★

بهمن تقی زاده

★ عباس ، جوشکار سیه چرده و وزیریزده در کوچه های جوادیه میدوید . برصورت سبزه اش قطرات درشت عرق می درخشد . در مقابله خانه ای که در چوبی کوتاه وزوار در رفت ای داشت ، ایستاد . در پا زربود . در حالیکه نفس نفس میزد ، سر ابداع خانه برد و غرید :

- علی ، علی چند لحظه بعد جوان بلندقا مت و چهارشانه ای برآستا نه درا یستاده بود . موی سرش مانند ارتشی ها کوتاه بود و چشمها نش رنگ روشنی داشت . از خبر مهمنی که هنوز نشنیده بود ، هیجان زده مینمود .

Abbas ، بزیده بزیده گفت :

- مردم پا دگان " دپو " را گرفته اند ، اسلحه خانه اش را هم باز کردن ، بر اسلحه است . چشمان علی درخشد و لی نگاهش بسرعت رنگ استیصال گرفت .

- چکار کنیم ؟

- بچه های محل اسلحه میخوان ، اگر دیر کنیم . مردم خرمی شن ، از دستمون میره ، اورکت خود تو ... هنوز سختان عباس تمام نشده بود که علی ناپدید شد . دو دقیقه بعد وانت بار علی ، کارگر ایران ناسیونال ، که سه نفر سوارش بودند و یک ارتشی بلندقا مت و چهارشانه آشنا میراند ، از جا کنده شدو با سرعت از پیچ کوچه گذشت .

احمد ، نگاهی به چهره برآ فروخته و هیجان زده بچه های محل که مشتا قانه وان بار را بانگاه خود تعقیب میکردند ، انداخت و با صدای بلند گفت :

- خدا کنه موفق بشن

\*

\*

\*

"دبو" از دور مانند لانه مورچه‌ای بود که آب در آن ریخته باشد. مردم گروه‌گروه به داخل میرفتند و در بازگشت، هر یک با دستان پروستگین خارج می‌شدند و گوشی گنجینه‌ای بهمراه دارند، اطراف خود را می‌پائیدند و بسرعت از محل دور می‌شدند.

قلب سرنشیتان وانت بار بشدت می‌طبید و غلیرغم هوای سردی‌بهمن ماه، از گرمای هیجان خویش، کلاهه شده بودند. علی وانت با راز در مقابل "دبو" در پیش‌چشمان مضطرب و پرسنگر مردم نگاه داشت و از آن بیرون پرید. حسن، برادر علی و عباس نیز پیاده شدند. علی که میدانست موفقیت نقشه آنها بستگی به موفقیت نقش اودارد، قدر است کرد و چون عقابی که روی طعمه‌خود فرود آید، به جانب مردی که تیرباری را به زحمت با خود می‌کشید، حمله کرد.

- بدء ببینم، بیت‌المال مردم را کجا با خودت می‌بری؟  
مرد در مقابل پرخاش علی مرعوب شد. اندوه‌ناک نگاهی به سرو وضع نظامی او انداخت و از مقاومت دست کشید. علی تیربار را بداخل وانت انداخت وزیرلب بعلامت نارضا ئی‌غیرید:

- فکر می‌کنند مملکت دیگران‌ون نداره.  
چندلحظه بعد پایه تیربار هم بداخل وانت افتاد. علی آنرا از یک پیرمرد گرفت که با زحمت و تلاش بسیار آنرا با خود می‌برد. علی ازا و پرسید:

- پا به تیربار به چه دردت می‌خوره؟  
پیرمرد پاسخ علی رانداد. از چهاره‌اش پیدا بود که سوال بنظرش بیجا می‌آمد. او اصلاً فکر نکرده بودکه از این پاره آهن چه استفاده‌ای خواهد کرد.  
جوانکی که یک برنوی تو در دستش میدرخشد، شکار دیگر علی بود، ولی او بیش از دیگران مقاومت کرد.

- ما هم می‌خواهیم بجنگیم.  
علی نگاهی به اطراف انداخت. مردم کسل‌احهای خود را از دست داده بودند، گرد وانت بار را محاصره کرده بودند. کوچکترین علامت ضعفی، تمام رشته‌ها را پنهان می‌کرد. ازنگاههای مردم تیرهای خشم بسوی علی پرتاب می‌شد. او بی‌آنکه به چشم کسی نگاه کند، باتندی برنو را از دست جوان مفترض کشید.

- این سلاحها مال کمیته امام است. آنجابرای انقلاب از اینها بیشتر می‌توانند استفاده کنند. نگاههای خشم شکست و به غم تبدیل شد. ولی جمعیت‌هنوز راضی نشده بودند. علی ضربه آخر را وارد کرد.

- اسلحه باید دست آدم صالح باش. هر کی اسلحه می‌خواهد، کارت پایان خدمتش را به کمیته‌اما م ببره، اسلحه بگیره.

علی پیروز شده بود. جمعیت ساکت شد. علی خشناک فریاد زد.  
- بزید پی کار تان، اینجا را شلوغ نکنید.

سپس سردری بی مردم گذاشت. مردم متفرق شدند و غمگین و سرخورده برای افتادند. برخی ها، هنوز ایستاده بودند و چشم از انبو سلاحهای وانت با ربرنمی گرفتند.  
پسرک ۱۵-۱۲ ساله‌ای از دروازه پادگان بیرون آمد. یک ژ-س. بی خشاب که طولش تنها کمی از قدش کوتاه تر بود، با خود حمل می‌کرد. علی را که دید خواست بگریزد ولی پنجه‌های آهینه‌ای علی بر ژ-س فرود آمد و لحظه‌ای بعد ژ-س بداخل وانت بار افتاد.  
علی پسرک را هل داد.

- بروپسر، تورا چه به اسلحه

ولی پسرک محکم سرخای خودا بستاد. علی دید که دوجوی با ریک از گوش چشمان پسرک بطرف چانه اش جوشید. ازنگاهش خشم و عجز می بارید. علی فریاد زد:

- بچه بروی کارت

پسرک به فریاد علی اعتمانی نکرد. نگاهی با وانداخت وبالحنی محکوم کننده که قلب علی را رزاند و درحالیکه حق هق گریه صدابیش را به رعشانداخته بود، گفت

- دو برادر من شهید شده اند و آنوقت توا سلحه مرای میگیری؟

علی احساس کرد که سرماز زمستان به وجودش رخته میکند. از چشمان پسرک که دیگر توانانی نگریستن به آنها رانداشت، نگاه برگرفت، به مردمی که دور عکس العمل او را می پائیدند، نگریست و به پسرک گفت:

- همین حا بایست.

وانت باراندک اندک پرمیشد. دیگر موقع رفتن بود. نباید زیاد طمع بخرج داد. علی پایان کار را اعلام کرد. عباس و حسن سوارشدند. علی به پسرک اشاره کردوا و به پشت وانت بربید و وانت برای افتاد.

یک دقیقه بعد وقتی "دیو" دیگر چشم نمیآمد، وانت بارا بستاد. علی پیاده شدو پسرک هم پائین پرید. علی درمیان انبوه سلاح، کاوید و نوترین ژ - س را بیرون کشید. ختاب بری را برداشت و آنرا در محفظه ختاب ژ - س فرو کرد و با کف دست محکم به ته ختاب کوبید و سلاح را به سوی پسرک دراز کرد.

پسرک سلاح را گرفت و درحالیکه چشمان خود را از آن برنمیداشت، درکنار جاده برای افتاد. از انعکاس نگاه پسرک به ژ - س، برق می جهید.

خوردید زمستان، با تمام قوای قمری مهریان و دلیل خود را به اندام میاران تزریق میکرد. در شهر کاخ آرزوهای پلید دشمن را ویران میکردند.



## ★ موسیقی ملی در روند انقلاب ایران

ر. خشنود

در موسیقی مشرق زمین، خاصه ایران، دو اصل عمدۀ وجوددارد: یکی بداعه پردازی، و دیگری ملازمت با کلام. این دو اصل عمدۀ نقش بسیار مهمی در ابعاد و گسترش مفاهیم و برقراری ارتباط بیشتر و روشن تر و تأثیر عمیق تر آن در شنونده ایفا کرده است.

با اینکه در گذشته تحریم متداول مذهبی از آن انواع موسیقی، که حتی به لهو لعب و طرب سیکرانه داشت و بطور اساسی "غنا" نامیده میشد، به هنرها واقعی موسیقی نیز لطمۀ زد، اما هیچگاه پیوند عاطفی و نیاز روحی توده مردم را با این هنرها لاقطع نکرد. جرا که مردم این سرزمین نیز، مانند همه انسانهای ظلمکشیده و است Sharma شده، بایست فرباد دبردا ر-

ندوطنین فریا دشان دل ستمگران و ظالمان را به لرزه اندازد. این فریا در درسیور حکت مبارزاتی مردم ایران، با توجه به خلقان دوران بعد از صفویه، گاهی بصورت تزییه، گاهی بصورت شبیه خوانی و مرشیه و روضه خوانی و گاهی بصورت دسته‌های عزاداری، توانست با این وحدت عمل مسلمین ایران، خاصه شیعیان شود. با اینکه در برابر این بازیگری طبقاتی خودخواستند این ایزار مساره و عامل وحدت را بانمای شهای مصنوعی در "تکیه دولتها" و عزاداری‌های درباری از مسیراً ملی منحرف سازند، اما از آن‌جا که مردم

کوچه و بازار (زحمتکشان) در دردها و ستمیدگی هاشان مشترک و متحد بودند، این خدغه ها و نبرنگها هم بی اثر مانند، در اکثر این عزاداریها، استفاده از حمام شهادت حسین ابن علی، راهی برای متزلزل کردن پایه های استبدادوستا یعنی آزادی و آزادگی در دوران فاجار و پهلوی بود. این سنت، با تماش فشارهای که از هرسویران وارد می‌شد، توانست در حفظ و انتقال محتوای اصیل و ارزشی موسيقی نیز خدمت شایسته‌ای انجام دهد. استفاده از نفعه های موسيقی بدون بکار بردن سازهای سنتی (۱) در تظاهرات مذهبی هیچگونه ممانعتی نداشت. سرکردگان دسته ها و گردانندگان مراسم سعی و افرمینه دندتا با گذاشت نعمات درآموده های حما سی، خاصه در سرودهای دسته های زنجیرزنی، تا شیراع طفی شدیدی بر توده مردم علیه ظلم و استبداد باقی بگذارند. اینگونه استفاده از نعمات و اشعار مذهبی در ایام عزاداری، بخصوص در ماه محرم، همواره دستگاه حاکمه را متوجه می‌ساخت تا جایی که مثلًا "از حرکت دسته های سینه زنی صنف کفاشان بازاریا دسته های دیگرا صناف که فشار بیشتری را تحمل میکردند، جلوگیری میشد.

بعد از واقعه ۱۵ خرداد کمپنه عطی در مبارزات مردم بر ضد شاه بود و دستگاه ضدمردمی با بی برهمی تمام جلو تظاهرات مردم را میگرفت، و سایل تبلیغاتی از جمله رادیو موظف شدن که با هجوم برنا مدهای موسيقی بازاری و رواج رقصهای آمریکائی، مردم ایران خاصه جوانان را در سیلی از ابتدال و هرگزگی غرق کنند و موسيقی رانیز، بحای آنکه فریاد داد- خواهی و اعتراض و مبارزه باشد، بوسیله ای پوچ و سیک برای عیش و نوش و غلت و خواز و بزرگی بدل سازند. این خیانت به هنر و فرهنگ ایران، با افتتاح شبکه سراسی تلویزیون که نقش موشرتری را ایفا میکرد، وسعت بیشتری گرفت و تا شیرشوم خود را روز بروز بطور فاحشه- میزتری وارد کرد. چنانکه در آن تظاهرات چند دهه از زمان رانفری مردم که روز بعید فطربرگزار شد، خط حرکت ملودیها و حتی اشعار دقیقاً نشان داده که پانزده سال پخش موسيقی بی ریشه چه اثر مذهبی برا ذهن گذاشتند است. آنکه اگرچه در اولین تظاهرات بسیار کم بود و تنها بعضی گروهها از آن برای تهییج مردم استفاده میکردند، اما نعمتی و نسبت آنچنان اشیانی را که شایسته بود بگذارد. اکثر نعمات از همان موسيقی بازاری (تجاری - وارداتی) گرفته شده بود که در شان آن حرکت اتفاقی شد. اما، خوبیخانه هرچه تظاهرات عمیق ترمیث و مردم بیشتری در آن شرکت میکردند، توجه به الحان مردمی و اصیل بیشتر میشد، مخصوصاً هنگامی که خلقهای مختلف ایران با موسيقی مبارزاتی و پربار رسان در تهران دست به تظاهرات زدند که یکی از نمونه بارز آن تظاهرات مردم آذربایجان بود. این ماهیه های اصیل همراه با یا یکوبی ها، تا شیر عمیقی بر روحیه مردم تهران گذاشت و گردانندگان امور تظاهرات را متوجه استفاده مجدد از موسيقی سنتی کرد.

با بد توجه داشت که از ابتدای بین گردانندگان برداشتگان بر سر استفاده از موسيقی در تظاهرات و راه پیمایی ها اختلاف نظر بود و دو نوعی میشد که از موسيقی کمتر استفاده شود. اما مردم با تماش وجود به میدان آمدند و بودند در آن تلاش مرگ و زندگی همه خصوصیات طبیعی و فطری خود را بکار گرفتند و شعر و موسيقی همیکی از ابزار موثر می رزه شد.

با توجه به نوع نهضت، موسيقیدانان وابسته به آن طبعاً "بسیار کم بودند ولی جوانان با ذوق محله ها سعی کردند سرودهایی برای راه پیمایشیها بوجود آورند و در اختیار رشعا رخواهها قرار دهند. از سرودهایی که بدون استفاده از ابزار موسيقی بوجود آمد آن هنگ "مرگ بر شاه" نیز مبنای یک آهنگ ترکی و سرود "خوبی ای امام" بود که تقریباً اکثریت مردم، خاصه

دانش آموزان آن را در راه پیمایشیها میخوانند.

در کنار موسیقیدان آماتور، گروه‌های حرفه‌ای نیز بکار مسلح بودند که میتوان از "گروه شیدا" و "گروه عارف" نام برد. این دو گروه که چندسال پیش از پیروزی انقلاب بوجود آمدند بود و سهم موثری در مبارزه با موسیقی مبتذل و ایجاد اجرای آثار مردمی داشت، پس از استعفای اعتراف آمیز شجاعانه‌اش در روز هیجدهم شهریور ۵۷ همگام ملت را انقلاب شرکت جست و بآساختن سرودهای انقلابی، خلاء موجود را پرکرد. (۲) این سرودها در محلات مختلف تهران بوسیله جوانان در شبهای حکومت نظمه خوانده میشدند و این اوضاع را ضبط شده آنها دست بدست میگشت. بعد از پیروزی انقلاب، کلیه این سرودها با اجرای علنی و همراه با سازهای سنتی مجدها "ضیط و بصورت کاست به مردم عرضه شده است.

بعد از پیروزی انقلاب که پخش موسیقی هر زمان را دیووتلوویزیون قطع شد، بعضی از دست اندکاران موسیقی تجاری و سوداگران فرست طلب برآن شدند که از شوران انقلابی و تمايلات مذهبی مردم سوء استفاده کرده باشند و به بازار آوردن سرودهای با مطلاع انقلابی و مذهبی سودهای کلان گذشته را برداشته و بروزتی برای مدت کوتاهی موفق شدند که رادیو تلوویزیون را نیز دچار انحراف و گمراهی کنند ولی مسئولان رادیو و تلوویزیون متوجه شدند و از پخش این قبیل آنگهای خودداری کردند.

از دیگر گروههای موسیقی سنتی که در اختیار روزارت فرهنگ و هنر و سازمان رادیو و تلوویزیون قرار داشتند (و دارند) جزیکی دوسرود که گروه مرکز حفظ و اشاعه موسیقی، بعد از انقلاب اراحته کرده است، اثرباری دیدند. ارکستر سمفونی تهران خاموش است و ارکستر مجلسی رادیو تلوویزیون نیز جز جنبد آرم برنا موسروند کار چشمگیری عرضه نکرده است.

از آنکه زان و موسیقیدانان معروف نیز، چه در جریان انقلاب و چه بعد از پیروزی، متناسبانه اتفاق بدل ذکری به انقلاب هدیه شده و جزو دوسرودان آنها علی تجویید و همایون خرم، چیزی در اختیار مردم قرار نگرفته است.

غیر از موسیقی در رادیو و تلوویزیون، با پیدا کنسرتها نیزیا دکرده بعد از انقلاب در تالارهای عمومی و دانشگاهها برگزار شده و مورد اقبال پرشور مردم قرار گرفته ولی بعلت محدودیت زمانی و مکانی کنسرت، برداشته شد.

نکته مهمی که در این بررسی اجمالی، از ذکر آن نباید غفلت ورزید، اینست که هنوز بازار موسیقی از انسان ایجاد نشده و در دوره طاغوت است، با همان موسیقی هر زمان نباشد و این موضع وحذف موسیقی اصیل و ملی از رادیو و تلوویزیون به رواج ناروای آن کمک میکند.

مسئولان سازمانهای فرهنگی و تربیتی کشور باید بطريق منطقی برای این کار چاره‌ای بیان دیشند. رادیو و تلوویزیون باید از زیرپای رئیسیتی که دارد شناختی کند. تذکر هوشمندانه امام در مردم حذف موسیقی تخدیر آور که جز برای لهو و لعب و عیش و نوش مصرفی ندارد، نباید سوء تعبیر شود. جای تاسف است که گنجینه‌ای از هنر و فرهنگ این مردم که در طول سالیان در این رنج و زحمت فراهم آمده و ایجادی برای بیان دردها و آرزوهای ست مدیدگان و وسیله‌ای برای فریادخواهی و دادخواهی غارت شدگان قرون و اعصار بوده است. یکباره بدوران داشته شود. و تاسف بیشتر آنکه برنا مه سازان رادیو و تلوویزیون بجا ای استفاده از نغمه‌ها والحان شورا نگیز موسیقی ملی، دست به دام موسیقی غربی، حتی از نوع سبک و آمریکائی شده آن زده است.

(۱۴۹)

امیداست که وزارت آموزش عالی و فرهنگ و هنر و سوسایر مرا جع ملاحتدار با تشکیل  
شورایی، کار انتظار را وهدایت موسیقی را سروسا مانی دهنده استفاده از داشت و تجربه  
صاحب نظران واقعی و مردمی سطح کمی و کیفی موسیقی را با لایبرتی.

# فناخ بید دلایل زن کندیم خانم خوب بکشم آباد

ارقای حزبی، هولوواران،  
دوسنان حزب و خموطنان!

ما مینتوانیم همراه شما و به کمک شما چشم چشمین سالگرد  
تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم. برای  
خریدن و معاشردن خانه حزب به کمک مالی شما نیازمندیم به کمک  
خود داریم جنیس هیبتکن و خلقی شرک کنید.  
کمک مالی خود را به نام رضا شفیعی، شاهزاده پانک، ۸۶۸  
بانک شهر ایران، شعبه ایرانشهر شالی بپردازید.

لوجه(۱) پرداخت بول، با ذکر مشخصات فوق، به  
لعام شبههای بالک تهران ممکن است. ۲) از گلند  
کنندگان خواهشمندیم فتوکپی فیش بالکسی را به  
آدرس دیرخانه کمیته مرکزی: تهران، خیابان ۱۶ آذر،  
شماره ۶۸ ارسال دارند.

- 
- (۱) در بعضی از مراسم از سازهای غربی از جمله قره‌نی، طبل، ترومپت استفاده می‌شود، در بعضی از روستاها و شهرها از نیز در تعزیه استفاده می‌کردند.
- (۲) سواران دشت امیدوچار (آهنگ حسین علیزاده)، سرود آزادی (شعر فرجی یزدی، آهنگ محمد رضا لطفی)، دشمن به میدان آمده (شعر لاهوتی آهنگ محمد رضا لطفی). تیغ باید خون فشاند (شعر لاهوتی - آهنگ محمد رضا لطفی)، سرود زاله خون شد (شعر کسرائی، آهنگ حسین علیزاده)، ای گروه جانبازان و ای ایران (شعر حوا داذر، آهنگ محمد رضا لطفی)، شب سورد (شعر اصلان اصلانیان آهنگ لطفی) و ...

## دکتر تقی ارانی

چهره‌ای قابان در

تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران

ع. آگاهی



چهلمین سال شهادتش را در شرایط تدارک اولین سالگشت قیام پیروز مردم ایران علیه استبداد واستعمار برگزرا می‌گنیم. و این تصادفی نیست. او در تدارک تاریخی این پیروزی پرشکوه مستقیماً و به نحوی فعال شرکت داشت. همه لحظات گرهی زندگی کوتاه و پرمغزش با دوره‌های بر جسته جنبش رها شی بخش ضدا مپریا لیستی و دموکراتیک مردم ایران مصادف بود، فعالیت او و هم‌زمان مدقیق مقام خاصی در تداوم این جنبش بطورکلی، جنبش کارگری و کمونیستی ایران بویژه داشته است.

تقی ارانی در تبریز در خانواده کارمند جزء وزارت دارائی در سال ۱۲۸۱، یعنی زمانی چشم بجهان گشوده‌جا معاون ایران در گذاشتاریخی خودا زمان‌ساخت اربابات - رعیتی به روابط سرما یه‌داری، روبه‌انقلاب میرفت - انقلابی علیه خودکار مگی فنودالی و استعمار روزبه افرون امپریا لیستی، ارانی کوچک به همراه پدرکه به تهران منتقل شده بود، در اینجا به مدرسه ابتدائی قدم گذاشت.

اولین سال تحصیلش مصادف با اوج انقلاب مشروطیت ایران بود که در پی مذاخالت مسلحانه و مستقیم دول امپریا لیستی سرکوب، و نیم تمام ماند، و رو دارانی به سال اول متوجه مصادف با شروع جنگ امپریا لیستی (۱۲۹۲-۱۳۰۴) بود. در دوران جنگ اول جهانی میهن عزیزش میدان تاخت و تاز ارتشهای "متحدین" و "متفرقین" شده بود. امامت‌دهی مردم علیه کا بینه‌های دست نشانده و اربابان امپریا لیست آنها مبارزه می‌کردند.

پیروزی انقلاب کمپرسوسیا لیستی اکتب دوران نوین تاریخ پشتر اگشود. در پی این پیروزی جها شمول و تحت تأثیر اندیشه‌های آزادی بخش انقلابیش، جنبش رها شی بخش ضد امپریا لیستی (انقلابیات گیلان، آذربایجان، خراسان در سالهای ۱۳۰۰-۱۳۹۶) اوج گرفت. ارانی هیجده سال در نهاد شهای اعتراض مردم تهران علیه قرارداد دستگین و اسارت با روسیه

که وثوق الدوله با انگلستان امضاء کرده بود شرکت میکند. سال بعداً وتحصیلات متوسطه خود را بایان رسانده وارد داشتکده طب تهران میشود. او ایل نایستان همین سال (آخر خرداد - اول تیر ۱۲۹۹) در بحبوحه انقلاب گیلان حزب کمونیست ایران تأسیس خود را دراولین کنگره اش در انزلی اعلام میکند. مبارزه انقلابی طبقه کارگری بحربورتی مستقل تروآ کا هتر گسترش میباشد. در همین سال برای اولین بار در ایران شورای اتحادیه های تهران و سپس اتحادیه های شهرستانها تشکیل میشود که در عرض دو سال یعنی تا سال ۱۲۹۱ در حدود ۴۰ هزار کارگر را در صفو خود مشتمل کرده بودند. در این دوره مطبوعات حزب کمونیست و اتحادیه های کارگران نظیر "حقیقت" ، "خلق" ، "جرقه" "اقتصاد ایران" وغیره حتی سه سال پس از سکوب انقلابات گیلان، آذربایجان و خراسان بطور منظم منتشر میشوند، حقایق ایران و جهان را با طلاع خواهند کن میرسانند و جهان بینی علمی طبقه کارگر را ترویج میکردند. ازانی در سال ۱۳۰۱ برای ادا متحصل به آلمان میروند و در سال بعدوارد در حال اوج فلسفه دانشگاه برلین میشود. در این زمان جنبش انقلابی طبقه کارگر آلمان در حال اوج است. اعتضادات کارگری و تظاهرات توده ای خلق بر همراه سوسیال دموکرات های انقلابی گسترش میباشد و پیروزی های کسب میکند. ازانی بسبب وضع مادی ناسا عداخواه اش برای ادا متحصل محبوب را کردن میشود. او بموازات تحصیل در دانشگاه فلسفه در مطبوعه محله فارسی "کاوه" که در آن زمان بوسیله سوسیال دموکرا تها مها جرا ایرانی در برلین اداره میشد، به شغل ممحنی بکار رواند میشود. در عین حال اور جمعیت ضد دیکتا توری که بوسیله همین ایرانیان تأسیس شده بود بفعالیت میپردازد. وظیفه اصلی این جمعیت مبارزه علیه دیکتا توری رضا خان بود که در این زمان یعنی پس از کودتای ۲ اسفند ۱۲۹۹ بدت امپریا لیستهای انگلیس تدا رک میشد.

پس از شکست جنبش رهائی بخش خدا مپریا لیستی سالهای ۱۳۰۰ - ۱۲۹۶ میباشد در دارالخلاف حزب کمونیست ایران ، درون احزاب دموکرات و سوسیالیست و بین آنها و سایر گروهها و احزاب جمعیت ها گسترش میباشد. ازانی جوان توانست سمت پیشو و مترقبی روندتا ریختی ابدارستی در باد و در مبارزات داخلی جمعیت ضد دیکتا توری موثر واقع شود. در همه پیچ و خم غا و نشیب و فرازهای بعدی تاریخ او هیچ کاه از این سمت آتیه ساز منحرف نگردید. ازانی بدفع از مسافع و آمال رحمتکشان و مستضعفان کمر بست ، به حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران پیوست و به همراه خود بسیاری از دموکرات های رادیکال و انقلابی را برآهانترنا سیو. نالیستی طبقه کارگر ایران آورد. برخلاف معاوضیتی که فعالیت ازانی را بطور کلی "یکطرفة" ، "محدد بده قلمرو تئوریک" و درنتیجه عقیم و نا قلمداد میکند، (۱) او از همان عنفوان جوانی بفعالیت عملی سیاسی و سازماندهی دست میزند، با گروههای متفرقی دانشجویان ایرانی مقیم دیگر کشورهای اروپا تماش میگیرد و بموازات تحصیل وسیس کار علمی و آموزشی بفعالیت وسیع اجتماعی و سیاسی میپردازد.

رضا خان که ابتدا (بعد از کودتای ۱۲۹۹) برای جلب نیروهای متفرقی اجتماعی خود را طرفدا رژیم جمهوری قلمداد میکرد، پس از تهمیه زمینه بکمک مستقیم امپریا لیست انگلیس ، در سال ۱۳۰۴ خود را شاه اعلام کرد، حمله به سازمانهای کمونیستی و کارگری ایران را گسترش داد و تعقیب و ترور شخصیت ها و گروه های متفرقی و مبارز را تشديک کرد. لیکن (دو سال بعد) کنگره

(۱) اسناد تاریخی جنبش کارگری و کمونیستی ایران . جلد ۲ . ص ۲۱

دوم حزب که به‌کنگره ارومیه معروف است توانست فعالیت سازمانی و تبلیغاتی حزب را به درداخ کشور و چه در مهاجرت تقویت کند. ابتدا مجله " ستاد سرخ " ارگان تئوریک کمیته مرکزی حزب وسپس روزنامه‌های " پیکار " ، " نهضت " و " بیرق انقلاب " ( سال ۱۳۱۵ ) منتشر شدند. ارانی تا زمان مراجعتش با ایران یکی از توبیست‌گان و گرداشتگان دوروزنامه اخیر بود.

سالها شیکه ارانی درداشکده فلسفه‌دانشگاه برلین تحصیل می‌کرد و فقط استعداد فوق العاده در فعالیت اجتماعی و سیاسی بلکه در عین حال هوش‌سرشا روقاً بلیت کم نظریه خود را در مورط‌تری و پژوهش‌های علمی بمنتهٔ ظهور رساند. او در عین حال در رشته‌های شیمی، فلسفه و خاورشناسی کار می‌کرد. هنگام میکه رساله دکترا خود ( خواص احیاء کننده جوهر هیپوفیزیک ) را در رشته شیمی ( ۱۳۰۶ ) با موفقیت دفاع کرد، چندین اثر علمی گران‌بهای نظریه کتاب فیزیک ( صوت، نور، الکتروسیتی ) و کتاب " پسیکولوژی " ( روان‌شناسی ) او که بخششان از " سلسله‌امول علوم دقيقه " را تشکیل میداده، بچاپ رسید. در مقدمه‌ای که او به جلد اول کتاب فیزیک نوشته متذکر می‌شده " سلسله‌امول علوم دقيقه " مسائل عمده‌دانش‌های فیزیک، شیمی، بیولوژی، پسیکولوژی و اجتماعی را از نقطه نظرما تریا لیسم دیا لکتیک مورد بررسی قرار میدهد. این پدیده‌ای نو در تاریخ کهن‌ال و پرمفون علوم در ایران بود. نخستین با رویداده جهان بینی ما رکسیم - لنتینیسم در ایران بمثابه یک متداول‌وژی پژوهش‌های علمی در رشته‌دانشی طبیعی و اجتماعی بکار می‌برفت. کتب عدیده و مقاالت ارانی نظریه " عرفان و امول مادی " ، " بشر از نظر ما دی " وغیره که چند سال بعد در دوره اول مجله " دنیا " به چاپ رسیدند نمونه‌های جالبی از این کاربرد متداول‌وژی علمی ما رکسیم - لنتینیسم در رشته‌های مختلف علوم طبیعی و اجتماعی بود. این روند تاریخی بوسیله همزمان و شاگردانش بعد از گسترش بافت و نمونه‌های برجسته تری ببار آورد.

پس از شیل بدرجۀ دکترا درداش شیمی، ارانی که بزبان‌های عربی، فارسی، ترکی تسلط کامل داشت و در رشته‌خاورشناسی پژوهش‌های کرده بود بکار استادی در این رشته در داشکده‌خاورشناسی داشتگاه برلین پرداخت. او درجه بیشتر آشنا کردن جهان با میراث تمدن و دستاوردهای فرهنگ ایران کارهای پرازشی انجام داد. دستنویسه‌های آثار داشتمدانتی چون حکیم عمر خیام، ناصرخسرو قبادیانی و دیگران را که تا آن‌زمان بجا از نرسید و درسترس عا مقرراً نگرفته بود را ای طبع و نشر آماده کرد و بعد از بتدریج به چاپ رساند. از این ردیف بوبیزه باید از " رساله فی شرح ما اشکل من مصادرات کتاب اقلیدس للحکیم عمر بن ابراهم الخیا می " نام برد که ارانی از روی دستنویس کتاب بخانه‌ای پیزیک برای چاپ آماده کرد و پس از مراجعت به ایران آنرا بچاپ رساند. همچنین کتاب " وجه دین " اثر ناصرخسرو قبادیانی را منتشر نمود. فعالیت ادبی و خاورشناسی اونظرداشتمدان شرقستان اروپا را بخود جلب کرد.

ارانی یکی از برجسته‌ترین و بارورترین داشتمدان ایران بود. فعالیت علمی او به تألیف وطبع کتاب و مقاله محدود نمی‌شد. او عده‌کثیری شاگردان، پیروان و همزمانی داشت که اغلب توانستند بآشیانی پرچم افراسته اش را بپیش برسند.

هنگامیکه ارانی به ایران بازگشت معاذف با دورانی بود که رضاخان این آلت دست امپریالیسم انگلیس و سپس فاشیسم آلمان، با حملات مکرر وی در پی به جنبش کارگری و

کمونیستی ایران توانسته بود لطفات جدی بآن وارد سازد. عده زیادی کا درهای فعال حزب و اتحادیه‌های کارگری را بقتل رسانده، زندانی گرده، مطبوعات حزبی را بسته بود. بدنبال تور و تعقیب فعالین جنبش کارگری و کمونیستی، دیگر رجال و گروههای دموکرات، میهن دوست و مترقبی را نیز تحت فشار قرارداده، مجلس شورای ملی را به آلت بی ارده خود مبدل کرده بود. در همین زمان (سال ۱۳۱۵) بودکه او، بگفتارانی در محکمه ۵۳ تنفر، "قانون سیاه" ضد کمونیستی را از مجلس گذرانده، در راه تحکیم پایه‌های دیکتاتوری جیا روخونخوا رخداد بتدربیج به فاشیسم آلمان که در حال گسترش بود متکی میگردید. بر جستگی شخصیت دکترا رانی در این بودکه در شرایطی که در جهان (ایتالیا، آلمان، اسپانیا...) فاشیسم پروردۀ امپریالیسم و در ایران خودکامکی رضاخان قدر مقلدا شیم، روز بیرونز بیشتر جان میگرفت، او تو است مرکز فعالیتی در کشور بربار کندکه در واقع حلقة واسطه پیوند تاریخی آن روند پیش روی اجتماعی شدکه مروز پس از چهل سال از شها دتش حقانیت خود را با فداکاری بی نظیر توده‌های مردم، بربری امام خمینی با ثبات رساند.

ارانی انقلابی ای بودا شمندو دا شمندو بودا نقلابی، که جان شیرین را بر سر ترویج اندیشه‌های علمی انقلاب اجتماعی گذاشت. او مروج دان اوبا ایمان جهان بینی علمی طبقه کارگر، یعنی ما رکسیسم-لینینیسم بود. بطوریکه یکی از هم‌زمان مطلع شمینویسد: "دکترا رانی قبل از مرآ جمع به ایران طرح کار انقلابی خود را بیخته بود. او مصمم بودیا استفاده از کلیه امکانات علمی، به نشر افکار و عقاید مارکسیستی بپردازد و بایاستفاده از شیوه کار مخفی در احیاء سازمانهای حزب کمونیست ایران که در آن دوره بکلی از هم متنلاشی شده بودند، فعالیت نماید. او قبل از مرآ جمع، با مرکز حزب کمونیست ایران در مهاجرت تماس گرفته و قرار رکار در ایران را گذاشته بود." (۲)

پس از مرآ جمع به میهن، ارانی ابتدا به تدریس علوم فیزیک و شیمی در دبیرستانهای تهران پرداخت و از تختین روزهای تماش با داشت آموزان و دانشجویان، این معلم‌جوان محبت قلی و احترام عمیق آنها را بخود جلب کرد. سپس او را برپای استاداره تعلیمات منصب کردند که تا روز توقیف در این سمت باقی بود. در عین حال او متأثراً از نشر مجله "دنیا" را گرفته، بباری عده‌ای از هم‌زمانش به انتشار آن پرداخت. در این مجله بودکه آثار بر ارزش ارانی نظری "ماتریالیسم دیالکتیک"، "عرفان و اصول مادی"، "بشر از نظر مادی"، "جبروا اختیار"، "زنگدگی و روح هم‌مادی است" وغیره بجا پ میرسید.

مجله "دنیا" اهمیت خاصی در جنبش کارگری و کمونیستی ایران داشت. تقریباً پس از ده سال که از تعطیل ارکانهای مطبوعاتی حزب کمونیست و اتحادیه‌های کارگری در ایران میگذشت، این اولین با ریودکه مجله‌ای علمی برای ترویج جهان بینی علمی انقلابی در تهران منتشر میشد. روی جلد این مجله نوشته شده بودکه "مسائل علمی، ادبی، اجتماعی، سیاسی وغیره را از نقطه نظر ماتریالیسم دیالکتیک برسی میکند". لیکن "دنیا" تنها یک ارگان مطبوعاتی ترویج اندیشه‌های ما رکسیستی نبود، بلکه در عین حال شمع تابانی بودکه در محیط اختناق آن زمان ایران، توانست در مدت عمر کوتاهش (تا اواسط سال ۱۳۱۴ رو به مرغتۀ ۱۲ شماره آن منتشر شد) بکانون تجمع و مرکز سازمانی نیروهای مترقبی و انقلابی کشود مبدل شود.

(۲) مجله "دنیا" دوره دوم، سال چهارم، شماره ۳، پائیز ۱۳۴۲، ص ۴۲

حدود پنجم ها سال پیش از انتشار " دنیا " نخستین آشنایی ایرانیان با اندیشه های سوسیالیسم معاصر آغاز شده بود . (۳) اگر دوره قبل از انقلاب مشروطیت و تکوین سوسیال - دموکراتی ایران را دروازه " دوره ما قبل تاریخ " ترویج افکار مارکسیستی - لنینیستی ، دوره بین انقلاب مشروطیت تا اوج جنبش رهائی بخش خدا مپریا لیستی پس از جنگ اول جهانی و تشکیل حزب کمونیست ایران را دوره نفوذ اندیشه های ما رکسیستی - لنینیستی و دوره فعالیت حزب کمونیست ایران را دوره ترویج و انتشار این جهان بینی در ایران بدانیم ، دوره انتشار " دنیا " و فعالیت اراضی و همزمانش بخش نوینی از یمندورة اخیر است .

بافعالیت اودر ایران، جهان بینی مارکسیسم - لینینیسم در سطح "با لاتر نظری، با عمق پیشتر علمی و درگستره وسیعتری از شکل‌های مختلف شعوراً جتماً عی ترویج می‌شود. اگر در مرحله نخست از دوره‌های نامبرده دربارا لا بیشتر درباره سوسیالیسم و کمونیسم صحبت می‌شید، آنهم به نحوی بسیار استادی، اگردر آن دوره هنوز افکار سوسیالیسم علمی از سوسیا-لیسم تخیلی، سوسیالیسم پرولتاری از سوسیالیسم غیرپرولتاری هنوز تشخیص داده نمی‌شد، در دوره دوم می‌بینیم که با استناد به آثار مشهور مارکس، انگلیس، لینین اندیشه‌های سوسیالیسم علمی بطور من شخص و در ارتباط با زندگی روزانه و فعالیت انقلابی توده‌ها ترویج می‌شود. (۴) اما از دوره سوم است که با شکیل حزب کمونیست ایران جهان بینی مارکسیسم - لینینیسم در سه بخش عمده‌اش (فلسفه مارکسیستی - لینینیستی، اقتدار سیاسی و سوسیالیسم علمی) به نحوی منظم تراشاً عده می‌یابد. یکی دیگر از مشخصات عمده فعالیت دوره اول "دنیا اینست که دادره ترویج مارکسیسم - لینینیسم بتدریج همه شکل‌های شعور اجتماعی را فرا می‌گیرد و این روند فرازینده، تابا مروز در تکامل و گسترش است.

روز دهم میتواند مدعی مدنیت باشد و این روز در ایران در مهاره ششم به بعد از این روز مدعی مدنیت نباشد. این مدعی مدنیت میتواند در کشور تشكیل میشود، اکثر آنها عضویت سنتفری و ما مسیحیان روش فکران و محصلین است. طبق تصریح همین مرکز رهبری است که مجله "دنیا" (از شماره ششم به بعد) ارکان رسمی حزب کمونیست ایران میشود و معاشریت منظم سازمانیش گسترش مییابد.

درنتیجه فعالیت خستگی ناپذیردکتر رانی و برهبری او ویاراش درسالهای ۱۳۱۳-۱۳۱۴ چندین اعتراض در داشتکده های شهران روی داد که محیط اختناق و ترور رضاخانی را تکان داد.

تا بستان سال ۱۳۱۴ وزارت فرهنگ بقصد ممانعت از انتشار مجله "دیبا" با یک بخشش‌مه، کارمندان دولت را از حق استشارة مطبوعات محروم کرد. لیکن فعالیت ارانی و همزما شقطع شدی شود. در عین حال و تحت تاثیر مبارزه آنها نهضت علمی دانشجوئی بطور کلی کسترش می‌بافت. پلیس رغایخان که بر تلاش خود علیه مبارزه دانشجویان افزوده بود، اوایل سال ۱۳۱۵ عده‌ای را دستگیر و زندانی کرد و با لآخره توانست (با استفاده از ضعف چندتفر) ارانی و عده‌زیادی از بار اسرا را توقيف کند. اما آنها در زندان هم‌بین رازه خود علیه استئما رواسته‌اند، علیه دیکتا توری رضا خان و سلطان امیریالیسم و فاشیسم بر این

(۳) برای تفصیل بیشتر رجوع کنید به "دنباله دوره دوم، سال دهم، شماره ۲

(۴) "دنبیا" دوره دوم، سال سوم، شماره ۶ و شماره ۷

ادا مداد دند. شاعرا نقلایی و دموکرات، رجل برجسته اجتماعی ایران، فرخی یزدی دروصفت اعلام گرستگی که با بتکار این رزمندگان راه آزادی، استقلال و ترقی ایران و بهمراهی دیگر زندانیان سیاسی سازمانداشده بودنشت:

صدمرد چو شیرعهدوبیمان گردند اعلام گرستگی بزندان گردند.

رضا خان که میخواست "گروه ۵۲ نفر" را نیز مانندخیلی از گروهها و شخصیتهای سیاسی دیگر بدون محکمه در زندان نگهدا رده در مقابل اعتراض آنها در زندان و فشار افکار عمومی در خارج از زندان، مجبور شدبا مطلاع "دادگاهی" تشکیل دهد. لیکن این بیدا دگاه که در آبانماه ۱۳۱۷ تشکیل شد در حقیقت به دادگاهی علیه رژیم ترور و اختناق پهلوی مبدل گردید. دکترا رانی در دادگاهی شش ساعت بآشنا شد و صادقت خاص خودتنه تنها داغ ننگ بر پیشانی رژیم خودکامه و مزدور صفت زد، بلکه بدفاع از اندیشه‌های سوسیالیسم برخاست. او با اشاره به قانون منع تبلیغات کمونیستی گفت:

"انصاف بدھید، آیا اشخاص میکه قانون سیاه را وضع کرده‌اند مصلاحیت اینکا را داشته ویا راجع به افکاریکه قیدگن کرده‌اند کوچکترین رساله‌ای هم مطالعه کرده‌اند. بطوریقین نه و امیر تکب این جنایت نمیشند. من بدون اینکه بخواهیم از عقیده مخصوصی طرفداری کنم، میخواهم با کمال انصاف بنت آزادی عقايدنکات ذیل را تذکردهم. چطور میتوان عقايدی را قدغن کرده‌ریشه علمی آن با آغاز جامعه بشرشروع شده، در جمیع شعب زندگی فردی و اجتماعی از روی اصول و پایه‌های کاملاً علمی و منطقی اطهار رنظر مینماید، هیچ عقیده اجتماعی و مذهبی در تاریخ بشروجند را درکه در مدت کوتاه حیات خود باندازه سوسیالیسم و کمونیسم راجع به آن کتاب تالیف و با این کثرت انتشار ایافت میباشد و این نشریات از مشکلترین موضوعات متأفیزیک و منطق گرفته تا عملی ترین و تازه‌ترین مطالب زندگی را در معرض انتقاد و بررسی قرار میدهد. چطور میتوان بدون مطالعه کوچکترین ورق از این کتابخانه‌ها داشتن یک عقیده را بایک قانون ارتقا عی قیدغن کرد؟ واقعاً شرم‌آور است که تمام بروندۀ‌های متهمین این دسته برای از سؤالاتی که آیا شما فلان کتاب را خوانده یا ترجمه کرده‌یا امامت داده یا فلان بحث علمی را کرده‌اید. اگر کشوری فقط از خس و میمون ودد و دام هم مسکون بوده باشد این اعمال را بفرض مسلم بودن، برای احمد جرم نمیشمارد... مخالفت با موازین اخلاقی و نوامیس مقدسه بشر بقدره مورث و قیح بخود گرفته است که عقیده‌ایکه از آزادی و صلح و جلوگیری از فقر و فساد و فحشاء و خوشنیزی صحبت میکنندیا مجازات ده سال حبس تعقیب میشود و جوقدر برای یک جا معه ننگین است که طرفداری رنجبران و حفظ حقوق آنان در آن اینقدر سخت مجازات میشود".

درباره مجله "دنیا" و نقش آن در جامعه نزدیکی ایران، رانی گفت:

"این مجله‌که بین مطبوعات ایران بدان مفترایم، چنانکه از روزا ول اظهار شده علمی است و افکار فلسفی را چنانکه پشت جلد آنهم چاپ شده از نظر ما دی بحث مینماید... شما مندرجات مجله "دنیا" را (که من وجا معه ایران درا بن دوره فقر مطبوعات بوجود آن مفترایم) بدقت بخوانید، اگر برخلاف وجودنا و انصاف خود در آن موضوعی دیدیم و توانستیدن بست کنید که واقعاً در آن چیزی برخلاف منافع تودها برا ن مندرج است، مرا به معاوض اشدم مجازات سیاست کنید و اگر انصاف داده که انتشار آن جز خدمت و تحصیل افتخار برای جامعه ایرانی چیز دیگری نبوده تمام ادعای را باطل دانسته بیش از این مرتبه جنایت نشود".

اما دستگاه حاکمه مستکبرین مرتكب جناحت گردید، ارانی و پارانش را بمدت های مختلف تا دهسال بزندان محکوم کرد. رژیم رضاخان بدین هم اکتفا نکردو بودست مختاری (رئیس شهربانی) و احمدی (پرشک زندان) مرتكب یکی از بزرگترین جنایات خود شد. دکتر ارانی را بعد به سلولی که جنازه بیمار تیفوسی را از آن خارج کرده بودند اداختند. سپس داروی مالاریا به مریض تیفوسی دادند، بطوریکه جسد معیف و نحیف اوراحتی مادرش نبیشناخت. اورانی سرومدابخاک سپردهند تا گمنامش کنند. اما "ارانی" نامی نبود که از دلها زدوده شود. پس از سه سال توده های مردم حقشنا در ۱۴ بهمن ۱۳۲۱ آرا مکانی ابدی فداشی شهید خویش را در دسته های گل غرق کردند. و این در زمانی بود که رضاخان، این جنایتکار مزدور امپریا لیسم<sup>۱</sup> به ترک ایران مجبور شده بود. همزمان ارانی که به همراه دیگر مبارزان راه آزادی، استقلال و ترقی از زندان آزاد شده و پارا خارج از زندان به فعالیت خود را مدد بودند، حزب توده ایران - حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران را بنتیا دنها دند و کارپرافتخار ارانی را بی گرفتند.

راه ارانی، راه حزب او، راه طبقه کارگر ایران، راه همه مبارزان پیشروی فد استشمار و ضد استعمار، راه تحول بنیادی جا ممکن کهنه و سازندگی جا ممکن، راه خلاق علم و عمل است. راه ارانی راهیست آینده نگر و آتیه ساز و نام او نامی است جا و بدان.



**الگای بزرگ مالکی نیاز مبرم انقلاب است،**

**ضربهای است به امپریالیسم توطئه گر،**

**خدمتی است به رونق اقتصاد کشاورزی**

**و خواست مبرم دهقانان زحمتکش است**

## ★ درست پس از چهل سال

(اندیشه‌هایی درباره یک عکس)



درست پس از چهل سال  
از دیدن عکس رنگپریده اش تکان خوردم  
ارانی است !  
آری خود اوست !  
مردی که چهل سال پیش  
به " فرمان جهاننمطاع شاهنشاه "  
به گناه عشق بمردم، عشق به داشت  
نایبود شد .  
و یعنی پس از انقلاب پیروزمند مردم  
و سرنگونی شاهنشاهی

هنوز، حتی بن بست محققی، بنام او نیست.

ما مردمانی به عدالت باورمندیم  
و با اطمینان می تزلزل میدانیم  
که ستمهای تاریخ، بهر شکل که باشد، گذراست  
ولی از کسانی هم بپرسید  
که بار این ستم را سالیان دراز بدش میکشیدند.  
از بازماندگان بپرسید  
که سراسر یلدای استبداد لرزیدند.  
از خونین کفنان بپرسید  
که بدنیال ارانی رفتند.

آری خود اوست خود اوست  
یک معلم ،  
انسانی از میان انسانها  
کسی که قهرمان بود  
ولی لحظه ای به قهرمانی خود نمی اندیشید  
کسی که در روزگاری انباشته از هراس  
در دادگاه جنائی دولت شاهنشاهی  
در محاصرهٔ کارآگاهان "تا مینات"  
در محاصرهٔ قراولان تفک بدش  
در محاصرهٔ داورانی با ردای سیاه  
( و با روح سیاه )  
در محاصرهٔ تما و پیر فتحعلیشاه و دهها فرزندش  
با ژرفای یک فیلسوف  
با دلوری یک پهلوان  
با وظیفهٔ شناسی یک سرباز  
سخن گفت .  
سخنی که طبیعت هنوز دیوارهای عمر ما را می لرزاند.

این ، در زمستان ۱۳۱۸  
درست چهل سال پیش بود  
و او آن دفاع جاوید را بر زبان راند  
و سه مانند سقراط شوکران خود را نوشید  
و هنوز هم گوش با مال و بی نشان است  
و خبر این شهادت در راه مردم را  
بگوش مردم نرسانده است.

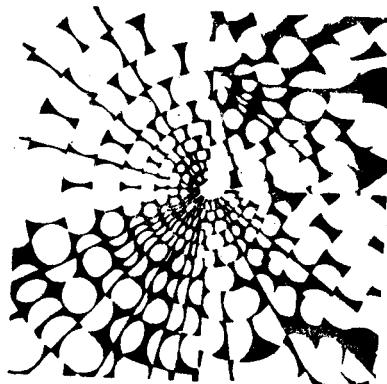
(۱۵۹)

واپسین دیدار او را بخاطر دارم  
گفت؛ شما عزیزان، از خود دفاع کنید  
که وظیفه من دفاع جمعی است  
و به بی آمد، بی اعتنا هستم.  
و هنگامیکه پس از سختان خود نشست  
رئیس دادگاه آهسته در گوش همکارش گفت:  
"این مرد دل شیر دارد!"

و ارانی بار سنگین دفاع را تا امروز میکشد  
و همه، کسانی که از حقیقت میترسند  
با ارانی دشمنند  
و این شیخ بزرگ که در گمنامی دفن شد  
هنوز کسانی را به دشتم و امیدارد  
"آه! چرا این شیخ چنین ترس آور است؟"  
ای همه کسانی که از آن میترسید  
به پرسش کوچکم پاسخ دهید!

- ولی، ای ساده دل، آنها دوبار میترسند:  
هم از شیخ او  
هم از پرسش تو.

۱۳۵۸ . ۱ . ط



## ★ من می‌زایم، توبکش ...

هوشنگ اسدی

بریده‌ای از یک رمان

＊ کوچه‌ما ... \*

کوچه‌ما باندازه‌یک" زو" (۱) است. درست همانجا که نفس می‌گیرد و تمام زورت را در ریه‌ها میدمی که صدایت خا موش نشود، کوچه تاب بر میدارد. همانجا خوی با ریک آب می‌خند و لجن‌ها سد می‌شوند. چهار، پنج قدم بالاتر، صد که به پت پت افتاد، کوچه تمام می‌شود. ته کوچه دیوار بلند خانه "حاج جورابچی" است. از سرکوهه، از توی روی که نکاه کنی، کوچه کور است. اما خیلی سال است که دعوای نزهت السادات بنداندار، ماحب خانه، دنکال دست‌جی و "حاج جورابچی" سر همان نیم متر ملک وسط دوخته، کوچه را از کوری شفا داده. این با ریکه راه که به یمن مالکیت شخصی به کوچه، با ریک دیگری دهان بازمی‌کنندوار آنچا کوچه به کوچه، به کوچه، آشیار میرسد و از آن‌جا به عین الدوله و شهر از می‌رود، اسمش را به کوچه، ما داده "کوچه دردار". کوچه ما که در همان ساریکه راه باشد، درست وسط کوچه، آشیار است و اکبر مشدی، بالاتر از آب منگل، غیراز خانه، "حاج جورابچی" که ارث پدری است و دیوارش را با آجر بهمنی از تو ساخته اندوری درش یک لامپ فانوسی می‌سورد و یک تابلوی خوش خط "نصر من الله وفتح قربی" دارد، بقیه خانه‌ها دنکال است: ۷ ناخانه، غیر از خانه، "استادرضا" نام‌نای محله‌که در آهنی دارد و روی یک لینکه اش عکس شیری را با آهن ساخته‌اند، بقیه درها چوبی است، با زینک و کوبه، هم در است و هم پشتیش پرده.

هر کوچه‌شا هست احتمالی نامها و رویدادها با اساسی و محله‌ای مشخص کاملاً تصادفی است.

بجزخانه " آقای تولّمی" که با لآخره تولّبی درآمد که دو طبقه و نیم است و اولین با می است که با لایش آن تن تلویزیون دیده، بقیه خانه ها یک طبقه است، همه با آجرهای قدیمی، هزاری ۷ تومن.

کوچه همین است دیگر، با موسیقی نا و داشنا وقتی که باران می‌آید و رقص با دیدادک ها، بردوسیم برقی که اوریب کوچه را بریده‌اند. همه داستان ما در این کوچه گذشته است.

### \* خانه ما ... \*

خانه ما، یعنی خانه‌ای که ما توانی آن می‌نشینیم، درست‌تیری تاب کوچه است. یک لش اینورکوچه بازمی‌شود، رو به ری، یک لش روبه‌خانه " حاج جورابچی". پشت دو پرده چرکتابی است از کتان. پرده‌را که پس بزندی هشتی سوری است. دست راست پله می‌خورد و می‌برود روی بام، پیشوای زکبوترها. زیر پله‌ها آشپرخانه است، کف هشتی موza نیک است. موza ائیک‌های بزرگ زمخت با خطاهای ماربیج. وقتی پدرم مردو ما اثاث کشی کردیم ماربیج‌های موza ائیک‌ها سبز و آبی بودند. حالا خاکستری شده‌اند. ماربیج‌ها دهان باز می‌کنند و اتاق " جوا آقا " را می‌بلعد. سینه هشتی بد دوست پله میرسد. پله‌ها توی شکم حیاط کوچکی بازمی‌شود. وسط حیاط یک حوض گرد است از سیمان. با چهار انگشت پا شویه. تبریزی لاغری کنار شیرآب قدکشیده و ترا روی با م رفت. روی روی شیرآب تلمبه است. آب تلمبه مال مستراح رفتن و رخت و ظرف شستن است. آب شیربرای خوردن و غذا بختن، حوض هما ز آب تلمبه پر می‌شود تا دو ما هی جاق سرخ در آتن بزندند. گوش راست حیاط مستراح است. گوشه چپ یک اتفاک دنگال؛ اتاق ما. من و مادرم. جوا آقا، خانه را درست اجاره کرده و این اتفاک را اجاره داده‌دما. مادرم رخشور است، من زمستانها محصلم. تا بستا نهایا کارگر، آلاسکا فروش، شاگرد قهوه‌چی، پا دو...

( ۱ )

ها جرمیآ مدمومی نشست. سینه‌کش آفتا ب روی پله‌ها می‌نشست. روسوی اش را زیر گلوبیش گره می‌زد. دامن ش را کیپ می‌کشید روی زانوها یش. زانوها بش گرد و سفید بود. دستها بش تندوتنده کار می‌کرد. گلوله‌خن، زیر آفتا ب مثل بجه‌گربه‌ای تنش را کش میداد. گلوله به رنگ آجر خام، زیر آفتا ب بازمی‌شد، می‌چرخید و باما زمیند. نخ گلوله را می‌جرخاند و میدوید. از زیرا نگشت‌های بلندها جرمی‌گذشت، توی میل گره می‌شد. روی رویش می‌نشست و نگاه می‌کرد. دستها بش را نگاه می‌کرد. دستها بش سفید و بلند بود. کرک نرمی روی گوشت ترد دستش سایه می‌نداخت. به گلوله‌خن نگاه می‌کرد. به ها جرنیا ه می‌کرد. به دستهای ها جر، به میل ها، به بافتی. نخ هادرهم میرفتند و شکلشان عوض می‌شد. تویشان کل می‌فتاد. خط می‌افتد. گاه می‌شده دستهای ها جرمی ایستاد. ها جرگره‌های روی میل را می‌شمرد. بعد بعد دستهای بش مثل قطاری که پدرم را برد و دیگر برترکرداند نرم نرمک راه‌می‌افتاد. بعد تنده می‌شد.

ها جرگاه نگاه می‌کرد. پلک‌های بلندش بهم می‌خورد. ته‌چشمها بش چیز غریبی بود، دل آدم را گرم می‌کرد. دل آدم را می‌کیراند. مثل تلاوت قرآن در حرم خلوت بود، صدا با بوی کلاب پیچ میزد. توی آینه‌ها هرا رتکه می‌شد، میریخت و دوباره بهم می‌جسید. نگاهش

آدم را میترساند. نگاهش زورداشت. نگاهش آفتایی بود. ته مردمکها بیش چیزی بال هال میزد. چیزی مثل "چتری" سفید اصغر، وقتی که توی سینه آسمان پر میکشید و میرفت تایک نخود میشد.  
 ها جرمیگفت: ها دی ...  
 میگفت: چیه ها جرخانم؟  
 میگفت: میدونی زور چیه؟  
 نگاهش میکرد. حرف نمیزدم.  
 میگفت: میدونی شکنجه چیه؟  
 نگاهش میکرد. حرف نمیزدم.  
 میگفت: میدونی اصغر کجاست?  
 میگفت: زندونه. همونجا که شما می رید ملاقا تی.  
 ها جرمیگفت: تو باید یا دیگیری مثل اصغر باشی.  
 میگفت: اصغر آقا خیلی بزرگه.  
 ها جرمیگفت: هر کی با زور بجنگه بزرگه.  
 بعدفا طمه خانم می آمد. سلام میکرد. مهربا ان بود. میگفت:  
 - سلام پسرم

وقتی کوچکتر بودم فاطمه خانم دستی بسرم میکشید. گاهی "پولکی" (۲) میدادبه من. وقتی با ما درم سرگشیدن آب حوض، سروشتن مستراج، سروشن بودن بر ق دعوا میکرد، با زهم با من مهربا ان بود. وقتی سرما درم دادمیزد، کزمیکردم و می چسبیدم به ما درم. ما درم دسته ما پیش را که از آب ما بون پیرشده بود بصورتم می کشید. انگشت هایش روی صورتم میلرزید. دوتائی سرهم دادمیزدند. بعدما درم میرفت توی اتفاق. فاطمه خانم چند دور حبایط را مترا میکردو بعد میرفت.

شب که میشد، درمیزدند. در را که با زمیکردم، ها جربود. توی دستش ظرفی بود، آشی، اشکنهای، پلوشی ... میگفت:

- ما درم سلام رسوند. قابل شما رونداره ...  
 ما درم میگفت: ما حبشه قابل داره ...

ته دلم آفتاب میشد. دوباره آشی میشد.

فاطمه خانم میآدموی نشست. یک طرف بزرگ با قلا را میکذاشت جلویش. دستها بیش فسرزو چا بک کار میکرد. دم سیز با قلا را میگرفت، آنرا خم میکرد، میکشید، نخ با ریک سبزی سینه با قلا را از هم با زمیکرد. بعدبا یک فشا رپوست سبز با قلا با زمیشودانه های درشت ترسش بیرون میپرید. دانه ها بوستشان سبزکم رنگ بود. پرگوشت و تازه. من آنها را بر میداشتم غلاف رویشان را میدریدم و مخزشو شرک دانه را در میا وردم.

روزهای جمعه، آن روزهای آفتایی پا ثیز که گرمی خورشید جان را نوازش میکرد، آن روزها که تنها بودم و ما درم با زهم میرفت تا رختهای شمال شهریها را چنگ بزند، مثل گیا هک کوچکی در مزرعه مهربا نی ها جروم درش قد میکشیدم.

فاطمه خانم برا یمان حرف میزد. همانطور که دستش تندوتند در کار بود، همانطور که ها جر تندوتند میل میزد، برا یمان از گذشته ها میگفت. از وقتی روسها مشهد را گرفتند سودند میگفت. از پدرش که مثل رستم بود و نتوی ده، "زه رخوش کرده بودند" میگفت. از فرا رش

به تهران می‌گفت. از "جوادآقا" می‌گفت که آن روزها کتنا رخیا با ن کفش تعمیر می‌کرد و هنوز کارگر کارخانه نشده بود. واصله می‌گفت. اسم اصغر که می‌آمد، دستهایش می‌ایستاد. سرش را بلند می‌گردید. میدیدم نگاه سبزش بر سینه تبریزی توی حیاط میدودو آن بالا، در خط شاخه‌ها وبا م، بردا یره کوچک آسمان خیره می‌شود. بعددا نهای درشت اشک، مثل شرابه‌های باران از گوشش چشمی با نین میدوید، یک آن روی برجستگی گونه می‌ایستاد و بعد فرو می‌فتاد. فاطمه خاتم سرش را پائین می‌آورد. لبخندی میزد و می‌گفت:

- خدا یا تورا شکر ...

اصغر را هیچ وقت ندیده بودم، اما اورا خوب می‌شناختم. عکس بزرگش روی دیوار بود. عکس ها جربود. اگرها جرچشمها یش را کمی تنگ می‌گردید، اگرسبیل با ریکی می‌گذاشت و موها یش را آنقدر کوتاه می‌گردکه سینه سیخ شود، عین اصغر می‌شد.

عباس که از همه کوچکتر بود، بیشتر از همه از اصغر تعریف می‌گردید، توراه مدرسه که بر می‌گشتم. وقتی خوب دنبال هم می‌گردیدم و خسته می‌شدیم، عباس از اصغر تعریف می‌گردید.

سینه اش را جلو میداد، اسم داداش را که می‌پرورد با دمی‌گردید. می‌گفت:

- داداش میخواست شاه را بکشه - داداش اصغر هفت تیرداشت.

می‌گفت:

- حال هر وقت میریم ملاقا تی داداش اصغر قدش از همه بلندتره.

\* \* \*

انقلاب را ها جربه خانه می‌آورد. انقلاب را مثل نورین مان تقسیم کرد. مثل صدای خوش اذان در غروب، مثل بوی حلوای سحری بین ما تقسیم کرد، تازه مدرسه ها تعطیل شده بود. هوا بدجوری گرم بود. روی پشت با م پشه بند زده بودیم و همینکه خورشید میرفت، می دویدیم میرفتیم پشت با م. با هم "لیس پس لیس" (۳) میزدیم. بعضی شبها فانوس هوا می‌گردیدم. فاطمه خاتم می‌گفت: خجالت بکشد، شما مرد شده اید دیگه ما شاهله. پشت لبها یتان سبز شده... ما از حرفهای فاطمه خاتم خجالت می‌گشیدیم. بهمنگا می‌گردیدم. یکی میزدیم زیر خنده و کارمان را دنبال می‌گردیدم. بعد میرفتیم و روی شکهای خنگ غلت میزدیم. بعد ها جر می‌آمد و با ما حرف میزد. شروع کرده بود به مالغتهای گنده گنده درس دادن. وقتی از دیکتا تورا حرف میزد من می‌ترسیدم. رعب برم میداشت. هر شب خواب یک دیوبزرگ را میدیدم که از ته کوجه دارد می‌آید. از دندا نهای یش خون می‌چکید. به هر ترا خشن هزار تا نعش آ ویزان بود. همه تشنع ها شکل اصغر بودند. می آ مدوبزرگ می‌شد. همه کوجه را برمی‌گردید. قدش دراز می‌شد. از خانه ها با لامیزد. بعد دست دراز می‌گردید. محله را برمی‌گردید. بعدبا دمی‌گردید، همه نشسته ایران را برمی‌گردید. تشن هزا رهرا رتا سوراخ داشت. سوراخها میله داشت. از پشت میله ها صدای چیخ می‌آمد. صدای خنده های حیوانی می‌آمد. روی تشن یک گورستان بزرگ بود. پرا زقیر، روی قبرها فانوس نبود. اسم نبود. عکس آدمها بود، با سرهای خونی، با چشمهای خونی و لبهای خندان... از دیکتا تورا می‌ترسیدم. به ها جر می‌گفتیم.

- ها جر می‌گفت: ترسم داره، اون غولیه که با خون جوونتا زنده اس.

می‌گفتیم: میشه و نوگشت؟ اینجور که زور داره رستم نمی‌توونه.

ها جر می‌خندید. می‌گفت: میشه. چرا نشه؟ اگر ما بخواهیم میشه.

بعضی وقتها فاطمه خاتم هم می‌آمد. بیمدا می‌نشست و هما نظرور که دستش به کاری بندیده گوش میداد.

آن شب ها جراز همیشه دیرتر آمد. وقتی آمدستها بیش بر ازانقلاب بود. فاطمه خانم هم آمد. بیمدا آمد و نشست. حا لاستگین راه میرفت. چندماه بود آبستن شده بود. شکمش مثل یک طبل بود. صورتش با دکرده بود. دیده بودم گاهی وقتها گل میخورد. ها جرم را جمع کرد دور خودش، گفت: گوش کنید بچه ها. وقت کشتن دیو رسیده. عبا س گفت: یعنی ما باید دیکتا تور را بکشیم؟ من گفتم: ما که زورمان نمیرسیم. ها جرم گفت: همه شهرآما دهشدن دیورا بکشند. گوش کنید. صدای مردم را میشنوید؟

\* \* \*

تازه درست کردن "کوک" (۴) را یادگرفته بودیم که اصغر آزاد شد. حالا همه جا پر از سرباز بود. خیلی وقت بود که ترسمان ریخته بود. شب اول که شروع کردیم تنها بودیم. بعد زیاد شدیم. زیاد شدیم. حالا توی شلوغی کم میشدم. توی این چندماه حسایی بزرگ شده بودم. باندازه چندسال قدکشیده بودم. از خیلی چیزها سودرمی آوردم. حالا میدانستم دیکتا تور کیست. حالا میدانستم خود دیکتا تور از سرما یه داره دستور میگیرد. حالا میدانستم زور مردم به دیکتا تور میرسد. اصغر راه آزاد کرده بودیم. مردم آزاد کرده بودند. میدانستم آن زنها و مرد ها که دسته دسته توی آب منگل، زاله و سرچشم کشته شدند اصغر هزار تازه دنی سیاسی را آزاد کرده اند. اصغر که آزاد شد چند روزی بود حکومت نظامی شده بود. اصغر که آمد چند روزی بود داشتیم درست کردن "کوک" را یاد میگرفتیم.

\* \* \*

هنوز ساعت حکومت نظامی شده بود که ها حررا آوردند. خیس خون بود. با عبا س توی راه پله ها داشتیم" کوک درست میکردیم که در زدند. یک مشت ما بون رنده شده ریختم توی بطری و دویم. پله ها را دوتایی رفتم. بوی گندھایون میدام. از لای در گفتم: کیه؟ صدائی گفت: با زکن. زودباش.

صدای اصغر بود. دلم ریخت. صدایش طعم خون میداد. کلون را کشیدم. دزکه با زشنگا هم قفل شد به چشمها ها جر. شادی لجوی توی مردمکهای سیاهش بال بال میزد. خون از پیشانی اش فرو میریخت، پشت ابرو هاراه کج میکرد و توی شیار گویند اش جاری میشد. حرفی نزدم. اصغر زیر بغلش را گرفته بود. تا بخلش کردم، خیس شدم. مایع لزحی توی تنم راه باز کرد. بردمش توی اتاق. خواباندمش روی زمین. چادرش خیس خون بود. آن شادی همیشگی توی نگاهش بال میزد. اصغر صدایم کرد. رفت بیرون. کش را عوض کرد. کت خونی را دادیه من. گفت:

- سرآبشا رزدنش. بیشرفا از توی به حیپ زدن.

گفتم: میبردیش مریض خونه. با زرگانی که نزدیکه.

گفت: مگه یادت رفته؟ ما در قبیه ها میرون توی بیمارستان و مریضا را تری تخت...

گفتم: خوب، حالا چیکار میکنی؟

گفت: میرم سراغ دکتر. شاید قبیل از حکومت نظامی بیارمش. دکتر رفیقش بود. با هم حبس سودند. تارفتم توی اتاق باز درزدند. تنند تندر میزدند. دویم پشت در.

برسیدم: کیه؟

صدا کفت: با زکن...

کلون را کشیدم . فاطمه خانم بود . نگاه سیزش دودومیزد . عین برق آمدتو . در را بست .

برسید : چی شده ؟

گفت : جطور مگه ؟

گفت : از سرکوچه ردخون روی خاک پیدا شد . از سرکوچه تادرخونه ما .

گفت : تیر خورده .

گفت : ها جر ؟

\* \* \*

منتظر دکتر بودیم . بیست دقیقه به هشت بود . صدای زنجیر تانکها توی خانه ها راه بازمیکرد . کسی در دور دست گلنگدن میزد . همه آمده بودند . فاطمه خانم دست ها جر را توی دست گرفته بود .

میگفت : هی داره سرد میشه .

خون ، مثل جو بیاری از زیر شب موہای ها جر میجوشد . تکان نمیخورد . فقط چشمها یعنی زنده بود . چشمها یعنی میدرخشید . جوا آقا چپش را جا کرده بود و گوشه اتاق دود میکرد . بجهه ها با لا داشتند " کوک " درست میکردند . جوا آقا گاه بلند میشد . تقهای به چپش میزد . دود تنندی میگرفت و میآمد با لای سرها جرمی ایستاد . نگاهش میکرد ، می نشست . دست روی پیشانی خون آلودش میگذاشت . لحظه ای صبر میکرد . انگشتها خوبی اش را بسر میداشت . به لب میگذاشت . به فاطمه خانم نگاه میکرد . لبها یعنی زیر سبیل های قطعه های خاکستری اش تکان میخورد . انگار چیزی میگفت که فقط خودش می شنید . در که زدند درست ساعت هشت بود . دویدم پشت در . در را با زکردم . دکتر برا اصرار آمده بود . دکتر دویدم تو . رفت توان اتاق . فاطمه خانم بلند شد . همه جمع شدند . دکتر گوشی اش را درآورد . گذاشت روی قلب ها جر . کمی گوش داد . چهره و نگاه هش هیچ احساسی را منعکس نمیکرد . سنگ بود . گوشی را برداشت . دست گذاشت روی پیشانی ها جر . موہا را کنار زد . درست با لای گوش سوراخی را ندازه دهشای بود . خون کنار ش دلمه بسته بود . دکتر بلند شد . گوشی را گذاشت تویی کیف ، نگاهش ساکت بود . از اتاق آمد بیرون . دنبالش آمد بیرون . فاطمه خانم هم آمد . جوا آقا هم آمد . دکتر کنار پله های سیکاری گیراند . چهره اش سنگ بود . همه نگاهش میکردند . دکتر گفت : به شهید دیگه .

جرقه سبزی از جسم فاطمه خانم جهید . گفت : یعنی ... ؟

دکتر گفت : آره مادر .

جوا آقا پاک تنندی زد ، گفت : خیلی دیر شده ؟

دکتر گفت : اگر همون اولم آمده بودم دیر بود .

فاطمه خانم گفت : یعنی ... ؟ یعنی که ... ؟

دکتر گفت : تیر به سرخورده . عجیبه که تا حال زنده مونده . عجیبه .

برگشتم توان اتاق . از تویی کوچه صدای پوتین های نظا می میآمد . فاطمه خانم رفت با لای سرها جر . دستش را اگرفت . لبها های حرتکان خورد . مثل بربنده ای بود که پریتکاند . فاطمه خانم دستش را خیس کرد و مالید به لبها های ها جر . نگاهش هما نظروریا ل بال میزد . لبها یعنی باز شد ، گفت : آب - آب ... آب ...

بنفس گلویم را اگرفت . سرش را برگرداندم . دکتر پشت سرم بود . چشمها یعنی را اشک پرده کشیده بود . جوا آقا راه میرفت و حیق دود میکرد . سرد بود . نفت نداشتیم . امروز نوبت ما ننشده

بود. برق هم رفت. اعتنای کارگران برق از امنیت شروع میشد.  
شمع و اروشن کردم. از کوچه صدای دویدان میآمد. از دور صدای گذشتند تانک میآمد. از  
پشت با مهادای الله اکبر بلند شد. عباس آمد تو. گفت: ما حاضریم.

گفتم: همین حالا میریم.  
عباس رفت بالای سرها جر. نشست. بوی صابون و بنزین میداد. خم شد. بیشانی خونیان  
ها جر را بوسید. بلند شد. گفت: برمیدیگه.

صدای با بوی تندرست آمد تو: سلام علیکم خواهر. مشدی مراد بود. همه گفتند:  
سلام برادر بیا تو.

مشدی مراد گفت:

شنیدم ها جر تیرخورده.

کسی جواب نداد. مشدی مراد دوباره گفت:

زنم صفراء میگفت امروز نوبت شما نشده. اما مانفت گیرا وردیم،<sup>۴</sup> لیترنفت گرفتیم.  
وقتی شنیدیم ها جر تیرخورده، صفراء گفت اونا بیشتر به نفت احتیاج دارن.  
دکتر گفت: خدا خیرت بده مشدی.

مشدی مراد گفت: این حرفها چیه؟

"جواد آقا" سکوت شد. دست در دنکنه برادر، اما صفراء که خودش مریضه...  
مشدی مراد گفت: ما پیروپاتال ها پا مون لب گوره، امروز نشد، فردا. مرگ برای ما عین  
آرزویه. اما شما ها... شما ها جوون زیاده اریدواید با این بیشرفها بجنگید. برای همین  
بود که با مام مدم. کسی حرف نزد. سکوت شد. مشدی مراد سپور بود. زیر زمین  
احترام خانم می نشست. ته کوچه. مشدی مراد رفت و نفت را ریخت توی علاء الدین. کبریت  
کشید و آن را روش کرد.

رفتم بالای سرها جر. نگاهش مثل شمع در تاریکی پر پر میزد. ناگهان از دور صدای رگبار  
آمد ولبهای ها جر پر پر میزد: حلا... حلا...

گفت: خدا حافظ ها جر.

گفت: برو... برو... ب...

به فاطمه خانم نگاه کرد. دستش را گذاشت بود روی شکمش. شاید در داداشت. شاید چه لگد  
انداخت. چهره فاطمه خانم مثل سنگ بود، مثل سنگی بود. گفت: برو. بچه ها تنها  
هستن.

\* \* \*

سحر میشکه برگشتیم. آن شب نوبت شعا رنویسی من و عباس بود. تا صبح نوشته بودیم:  
گوشمان برآزشعا روصدای گلوله بود. من سطل رنگ را میبردم و عباس مینوشت. تا اکبر مشدی  
همه کوچه ها را پرشعا رکردیم. از پس کوچه ها برگشتیم. وقتی رسیدیم بخانه، یک جیپ سر-  
کوچه ایستاده بود. نشستیم روی زمین. عباس گفت: بخواب؛ هردو خواه بیدیم روی زمین. شب  
هالیا سیاه می پوشیدیم. نورافکن از بالای سرمان گذشت و رد شد.  
هنوز صدای تیر میآمد. از خیلی دور صدای میآمد. ستاره ها از آسمان میریخت. در زدیم. در  
با زد. رفتیم تو. تما مشب فکرها جربودم. از کوچه ها که میگذشتیم نگاه ها جر در ذهنم میجرخد.  
بال بال میزد. مردمکها پیش درشت میشد. بال زمیند. دیوار میشد. رویش هزا رتا شعا رداشت.  
دیوار میریخت. خیا بان میشد. ها جر میدوید. در مردمکش میدوید. میدویدو شعا رمیداد. چا در ش

را به کمر بسته بود . دویدیم . سربا زها میا مدنده و میدویدیم . صدای تیر میا مدنده و میدویدیم . یکی بزمین میافتا دومی دویدیم . دستمان را با خوشن حقا میبستیم و میدویدیم . خیا بان بن بست میشد . توی مردمک راه پله بود . ها جزا نوزده بود و ما بون رنده میکرد . میخدید و ما بون رنده میکرد .

برای نوشتن شعارکه می ایستادم ، شعارها روی دیوا رنگا ها جرمیشد . عبا س روی تما دیوا رهانگاه ها جررا میکشید . نگاهش را میکشید . مردمکها بش را میکشید . با بال زدن شا دی را در نگاه هش میکشید و رنگها ریخت . میریخت ، اینها جربود . خیس خون بسود . از کنار پیشا نی اش راه با زکرده بود . نگاهش بال بال میزد . نگاهش میسوخت . صدای تیر میا مدنده اهارجوبا من بود . ها جرمیدویدوا عالمیه پخش میکرد . میدویدویده دیوا را عالمیه می چسباند .

تارفتیم تو ، پرسیدم : ها جر ؟

جواد آقا گفت : هنوز ... نه ...

دویدم توی اتاق . اتاق گرم شده بود . دستهایم از سرما لبوبود . رفتم بالی سرها جر . همه جمع شده بودند دورش . زیر نور شمع ، مردمکها بش هنوز بال میکشید . دراعماق مرد - مکها بش کبوتر بال میزد ، بال میزد و دور میشود بال میزد . میرفت . چیزی میپرداش . کبوتر را میپرداش . کبوتر میرفت لبها بش باز شد : رفتیم ... رفتی ... رف ...

گفت : آره

صدای از اعماق جانش میا مدنده ، از چا هی خنک ، مثل زمزمه ستاره ها در شب : نوش ... نوش ... نوش ... نوش ...

عباس نشست . دستش را گرفت . گفت : آره ... آره ... یه عالمه شعا رنوشتیم .

عباس شانه هایش لرزداشت . به من نگاه کرد . نفرت از پشت مردمکها بش قد میکشید . اصغر زانو زد . دست گذاشت روی پیشانی ها جر . حرف نمیزد . دست چپش را مشت کرده بود . بخودش فشار میا ورد . ها جر چشمها بش را باز کرد . پلکها بش خوی بود . کبوتر را دیدم ، از چا شد و از انتهای زمان ، از پشت افق مردمکها بال بال زنان میا مدنده . بالها بش خوی بود . دهان باز کرد . نوکش خوی بود . صدای ها جر را می شنیدم . مثل ریزش ستاره ها در سحرگاه بود :

هر شب ... هر ... بنوی ... بنویسین ... مرگ ... بر ... ش ... ا ... هر شب را برگرداند . روبه پنجه . نگاه کرد . پنجه ها سفید میشند . کبوتر رفت . پرید . نبود . پلکها فروافتاد . سحر بود . صدای خوش اذان مثل عطرنا زک شب بو توی اتاق میریخت . فاطمه خانم دست ها جراول کرد . خمشد . لبها بش میلزدید ، گفت بلا الله لا لله ، الله لا کبر ... منتظر صبح بود ...

خمترشد . پیشانی شهید را بوسید . دستش را درخون ها جر ترکرد . بغض اتاق ترکید . صدای گریه میا مدنده ، اتاق پراز سمفونی مرگ بود . از دور صدای رگبار میا مدنده ، با بانگ اذان درهم می پیچید و با هق هق گریه در همتا ب میخورد . فاطمه خانم مثل نورا فکن سیزی گشت . باز نگاه بش نگاه هی برق همه معاون فیروزه نیشا بور در نگاهش بود . ناگهان قطره ای فروجست ، فروجست و تا در گودی گلوفوبیا فتد ، فاطمه خانم سرش را با لاکرفت . قطره را روفت . با دست خونین مسح کشید . ردخون از روی موہای نرم پیشانی در خطوط موازی تا گودی زنخستان کشیده شد . در خط فاصل خون نگاهش را دیدم . سنگ بود . سنگربود . آن پرنده ، آن پرنده با بالهای خوین ، در نگاه هش ب پریمیزد . بال میکشید و میا مدنده . بال میکشید و میا مدنده . از بال هایش خون میریخت .

(۲)

ازری که نگاه کنی ، درتاب کوچه پرچم سیا هی درباد میلرزد . این چادرها جراست . فاطمه خانم با خون ها جر برآن نوشته است : شهید . سرکوچه عکسها ها جرا چسباده است . ها جرا یستاده و به هرسونگاه میکند . چارقدش را زیرگلو گره زده و آن پرندۀ خونین با ل اکنون ایستاده ، بال خونینش از رفت بازمانده و بخایان می نگرد . به روزه خشمگین سربازان . به عبور کا میونها وجیب ها . به سرنیو ها . به زنانی که آرام میگذرند وزیرجا درها یشان اعلامیه های " آقا " را میبرند . به مردانی که در خورجین های ترک بند دوچرخه خودبسته بسته صابون می برند . به جوانها که دنبال بینزین و روغن سیا و رنگ میروند . دیروز هفته ها جربود . رفته بهشت زهرا . اوحا لازیز هفت من خاک را میگذرد . روى قبرش چوبی زده است . رویش با خون نوشته است : نوجوان شهید . رفته ایم و دور قبرش جمع شده ایم . هیچکس گریه نکرده است . مردم آمده اند و جمع شده است . تک تک صورت فاطمه خانم را بوسیده اند : مبارک است ...

اصغر خم شده است روی قبر . با سنگ کوچکی خاک را تراشیده و گفته است : ای خواهرم شها دست مبارک . مردم جمع شده اند و شعار داده اند : ای خواه هر شهیدم را هت ادا مهدارد . چندیما رخواسته ام گریه کنم ، اما خجالت کشیده ام . قاله درقا فله شهیدان ازما در میگذرند . این بیا بان بزرگ ، هزاران دهان گشوده دارد . به قبرها نگاه کرده ام . روی همه نوشته اند :

- شهید ...
- سرباز شهید
- نوجوان شهید
- استاد شهید

- شهید ... شهید ... شهید ...

مردم دسته دسته می آیند و روی گورم مل میگذازند . شهیدان از گوربر میخیزند و صلامیدهند :

- راه مارا ادا مدهید .

برودرختهای عربان گورستان ، جامه های خونین شهدا تاب میخوردوا زگردش با در آنها طنین سرو دیر میخیزد . این ارواح شعله ور شهداست که فرمان حمله میدهد . این دهان خونین آنهاست که در آتش نبردمی دمد :

- گرسنگان به پیش
- بر هنگان به پیش

هوا سردتر شده است . با عباس از داشنگاه بر میگردیم . از صبح رفته ایم و سرو گوش آب داده ایم همه شهر بر از سرباز است . غلنله است . سرسراه امین حضور ، همینکه ما میرسم جندتا کا میون میرسد و سربازها پائین میریزند . با آهنگ ریزی میدوند . مسلسلها را دست فتنگ کرده اند . اوریب سرسراه می ایستند و دورا هر را بندمی آورند . به کمرشان چند دیف فشنگ بسته اند . به فا نویسه ها قمفعه و نارنجک و هفت تیر بسته اند . روی سرشان کلاه خود است . رنگ سریتندی دارد . از کناره های کلاه خود ، رشته های طناب پائین میریزد و صورشان را میپو شند . از پشت رشته های تورو صورشان معلوم است . خیلی جوان هستند . با چشمان نا باور اطراف رانگاه میکنند . ریش های یشان را از تزدیده اند . فیا فدا شان شهری نیست .

چشمانشان ترس دودومیزند . فرمانده دادمیزند : نیزه ... فنک ... سربازها مثل عروسک کوکی پای راست را به زمین می کویند : حرق . صدا مثل بمب منفجر

میشود . بای راست را عقب میبرند . بای چپ را خم میکنند . مسلسلها را با این میا ورند . به موازات شکمثان و رویه جلومیگیرند . فرمانده خپله است . دادمیزند : قدم...ورو... سربازان راه می افتدند . جرق . جرق . یک . دو . سه . جرق . جرق . بیوتین های نظامی اسفالت را می کوبند . جلومیا یندو ما می دویم . عبا میگوید : با یدخبری شده باشد ... سررا همان مغازه دارها کرکره را با این میکشند و میروند مردم جمع میشوند . بچچه اوج میگیرد . سرکوچه آبشا ردوتا کما میون دیگرا زراه میرسند . اینها آبی پوشند . کاسکت سفید دارند . جلوی کلاهشان بجای تورشیده دارد . دست چپشان یک سیربلندشیشه ای است . دست راستشان یک باطوم بلند . خیابان را می بندند . ۳ ردیف پشت سرهم . منظم <sup>و</sup> آرام جلومی آیند . پشت سرثان کامیونها حرکت میکنند . مردم حسابی جمع شده اند . روی بام ها پراز آدم است . مردم از بالکنها و پنجره ها سرک میکشند . توی خیابان غلغله است .

اصغر سرکوچه ایستاده است . تامارا می بیند میآید طرفمان . میپرسد : چه خبر ؟ ما می برسیم : چی شده ؟ راه می افتیم طرف خانه . میرویم تو . در را می بندیم و میرویم توی راه پله ها . فاطمه خاتم . جوادقا و عبا ن نشسته اندو "کوک" درست میکنند . چیزها بی راکه دیده . ایم تعریف میکنیم . اصغر میگوید : محله را محاصره کرده اند . مثل موروملخ سرباز ریخته .

جوادقا میگوید : میکن دنبال جا بخونه اعلامیه های " آقا " میگردن . فاطمه خاتم میگوید : انگار دنبال اسلحه هستن .

اصغر میگوید : میخوان خونه ها را دونه به دونه بگردن . نباید بذاریم . همه چیز مخبر دارن . چند دقیقه بعد توی کوچه هستیم . بطریهای " کوک " را توی جیبمان قایم کرده ایم . هر کدام دو تا داریم . میرویم سرکوچه . خیابان پرازدود است . تا ما برویم و برگردیم مزدم لاستیکها را آتش زده اند و آخوند و سطخ خیابان . لاستیکها دود میکند . سربازها از پشت دود میباشند . قدم به قدم نزدیک میشوند . چندتا از بجهها رفته اند روی پشت باها . افسری جلوی بقیه حرکت میکند . قدبلنده سیاه تو است . یک دستش باطوم است . یک دستش بیسم . تسوی بیسم تند و تند حرف میزنند و قدم به قدم جلومیاید . گروهیان جاقی پشت افسر راه میروند و مدام توی بلندگوی دستی میگوید : همشهربان عزیزا بخانه ها برگردید ... صدای رگداش توی خیابان می ریزد و در صدای توفانی مردم کم میشود . مردم هو میکنند . کسی محلش نمیگذاشد . مردم چند قدم میروند و جلو . صدای هو به شعار تبدیل میشود : - سرباز توبیگنا هی

مردها میگویند .

- آلت دست شاھی

زن ها جواب میدهند .

مردها وزشها با همشوار میدهند : سرباز تومال مائی افسر جلومیاید . سربازها خیابان را می رویند و جلومیایند . کروهیان پشت بلندکوعسو عو میکند : اگر به خانه ها بر نگردید شلیک میکنیم ... مردم چند قدم جلومیرونند . افسر دستش را بلند میکند . سربازها از نتو میزند . مردم شمار میدهند : بگو . مرگ بر شاه . بگو . مرگ بر شاه مردم در هم تاب میخورند و جلو میروند . بهم فشرده میشوند و جلو میروند . تن هایشان یکی میشود . صدایشان یکی میشود . مثا ، دیوار میمانند . اصغر آنوار است . من اینورم . دستم

(۱۲۰)

روی بطری است . صدای خشک گلنگدن زدن یک لحظه مردم را متوقف میکند . صداها خاموش میشود . لحظه‌ای سکوت . چندنفر فراز میکنند . مردها زنها را هول میدهند عقب . مردها دور زنها حصار میکشند . سکوت تکه تکه میشود .

- اللهواکبر ، اللهواکبر

صدای مردم توفان میکند :

- مرگ برشا ه

بطری را درمی‌آورم . میگذارم وسط پاهایم . می‌نشیشم . تکانش میدهم . بطری توی دستم داغ میشود . یک . دو . سه . هرچه زوردارم توی بازویم میدهم و بطری را پرت میکنم . می خوایم روی زمین . صدای رگبار می‌آید . خمیده و ماپیچ میدوم . کنارم مردم میدوند . چیزهاشی کنارگوش سوت میکشند و میگذرد . خودمرات توی جوی میاندازم . آب جوی خونی است . صدای جیغ و شعا رمی‌آید . صدای رگبار می‌آید . صدای تک شیر می‌آید . بطری بعدی را می‌آورم . سرم را بلند میکنم . خیابان پرازجا دروکفش است . چندنفراینجا و آنجا افتاده‌اند . سربازان میدونند . خیابان داردخالی میشود . کسی می‌آید و کنارم زمین میخورد . مغزش خیابان را فرش میکند . دودهمه جاراگرفته . سایه‌هاشی ازبیشت دودنzedیک میشوند . هول شده‌ام . دست و پایم را کم کرده‌ام . ترسیده‌ام . دستم را با لامیاًورم و بطری را پرت میکنم . بلند میشوم و میدوم . آدمها و گلوله‌ها از کنارم میگذرند . صدای شعار نمی‌شnom . فقط صدای رگبار است . درهای کوچه باز است . مردم خود را پرت میکنند توتی درها . چندنفر توی تاب کوچه میدوند . ازبیشت سر صدای پا می‌آید . تا میرسم به در ، فاطمه خانم و اصغر می‌یندیرون . توی دستشان بطری است . فاطمه خانم دادمیزند : بیشرا ... جلا ... .

اصغر یک بطری میگذارد توی دستم . دادمیزند : دارن میان ...

بطری را بالامیگیرم خودم را پرت میکنم روی زمین . سرم را که بلند میکنم ، پشت کوه دود ، چندنفر را می‌بینم که میدوندوشلیک میکنند . کوچه خلوت شده است . وسط کوچه کسی زانو زده و شکمش را در دست گرفته . بطری را پرت میکنم . درخشش آذربخش . صدای فریاد . سکوت . دستم را می‌کشند . بر میخیزم . تا روی زانوبلندشوم ، افسری بالای سرمان سیزده . فاطمه خانم چسبیده به درونگا میکند . اصغر دادمیزند : ما در برو تو ... .

افسر سیاه تو چشمها یعنی از غضب می‌درخشد . چکمه‌ها یعنی خونی است . دستش خونی است . درجه‌ها یعنی خونی است . دستش را بالامیبرد . چشمها یعنی مثل دوکاهون است . فقط دوده‌فت . تیرش را می‌بینم . زیورگا هم اصغر حرم میشود . زانومیزند . ازدها نش کلافی خون بیرون میبریزد . پیشانی اش سوراخ است . تاب بر میدارد ، تابه مهمانی خاک ببرود ، تا سرش به خاک فرود بیاید ، صدایش در کوچه می‌ترکد :

- مرگ ... بر ... شاه ... .

محکم زمین میخورد . خونش به دیوار میپاشد . سکوت .

سرم را بالامیگیرم . هیچ حسی ندارم . تمام اعماق را قیچی کرده‌اند . لخت ولختم ، در خلاء پرمیکشم . وزن ندارم . دور و برم هیچ چیز نیست . قلب نمی‌طبد . هوانیست . منتظرم . منتظرم هفت تیرش دود کند . منتظرم بگویم : مرگ برشا ... منتظرم . منتظرم . صدای رگبار می‌آید . باز سکوت . حس‌هایم بر میگردد . صدای طبش قلبم را می‌شnom . زانویم می‌لرزد . در لحظه‌ای جهان چندبا رمیگردد . تابا غهای بیهش میروم و بر میگردم . از کرما گرمی میگیرم . خورشید توی کاسه سرم میسوزد . افسر دستش را می‌اندازد . سرد میشود . لرزه .

لرز . منجمد شده‌ام . برای ابدیخ بسته‌ام . افسریخ بسته‌است . دوم جسمه . دوستگ . چند سر باز  
دوان دوان میرسند . پشت افسرمی ایستند . لوله مسلسل هایشان را بطرف ما میکیرند .  
افسر جمود گیاه و سنگ و هوا را مشکند :

— بردید تو . برید کم شید . ما در قحبه‌ها .

فاطمه خانم زیرنگا هم می‌آید جلو . من میروم عقب . با هایم تاب نگاهداری مرا ندارند .  
دارند خدم میشوند . خشک شده‌اند . می‌لرزند . فاطمه خانم میرود جلو . چشمها پیش را نمیبینم .  
اما صدای بال زدن آن پرنده خوبین بال را درنگاهش می‌شون . سایه بالاها پیش را میبینم .  
برخونیتیش را تکان میدهد . فاطمه خانم خم میشود روی اصغر . سرش را بر میگرداند . خونش  
خاک کوچه را نش زده است . فاطمه خانم دستش را توی خون اصرم میزند . افسرمی‌آید جلو . کلت  
را با لامیبرد . رویه فاطمه خانم میگوید : برو گمشو .

فاطمه خانم بلند میشود . شکمش باندازه یک طبل جلو است . چادرش را دور کمر گره زده . از سرش  
لغزیده و روی شانه‌ها پیش درهوا موج میخورد . افسرمی‌آید جلوتر . سربازها پشت سرش . سینه به  
سینه می‌ایستند . افسرداد میزند : برو گمشو .

فاطمه خانم دست خونی اش را می‌آورد بالا . مثل آینه جلوی افسرمیگیرد . کوچه در لحظه‌ای پر  
از آدم شده . این صدای فاطمه خانم است :

— می‌بینی ...؟ خونه . خون . کشتنی ... کشتنی ...

افسرداد میزند : برو .

فاطمه خانم تف میکنند برویش . تف خونی است . تفدهان افسر را می‌بوشند . افسر با خشم  
آستین فرنجش را میکشد و تف را پاک میکند . میگوید : یک گلوله حرام میکنم ، زنکه ...  
فاطمه خانم داد میزند : جlad... دژخیم ... بدیخت ... بکش . اگر نکشی دیویشی . اگر نزنی  
مرد نیستی .

افسر آشکار است میشود . خودش را از تک و تانی اندازد : برو گمشو ، زنیکه .

فاطمه خانم میگوید : بزن ... اگر مردی بزن ... بزن تا درجه بکیری ... بزن تا اون فرمانده  
جلاد خوشحال بشه .

گونه‌های افسرینگ می‌باشد . داد میزند ، اما صدای پیش لرزد اراده : حیف که آبستنی ... حیف ...  
فاطمه خانم دست خونی اش را با لامیاً ورد . داد میزند : این خون اصرمن است ...

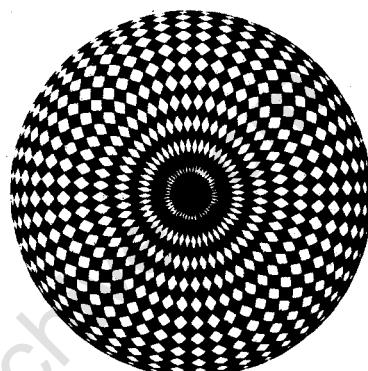
بعد دستش را میمالد به شکمش . از دور صدای رگبار می‌آید . فاطمه خانم بانگ میزند . صدای پیش  
استوار و خشک است : هفت پیش یکیشان را شاهید کردید . امروز یکیشان را ... بر میگرد و جناره  
اصل فرانتشان میدهد . بعد شکمش را میدهد جلو . صدای پیش آذربخش است . شکمش را نشان میدهد :  
— هی افسر ... هی جlad... توکه تخم پدرت نیستی ... بکی هم این توست . اونها را کشته .  
این بکش . من می‌زایم توبکش . من می‌زایم توبکش . باز هم می‌زایم توبکش . باز هم  
می‌زایم توبکش . آخربیکی رومیزایم که تورا بکشد ...

دست افسرمیلرزد . میلرزد و پایین می‌افتد . سرش را می‌اندازد پایین و عقب عقب میرود .

سرپازها می‌ریزند و فاطمه خانم را میکیرند . دینما ۱۳۵۸

توضیحات : ۱- زو — صدایی که بجهه‌ها هنگام بازی الک . دولک از گلودر می‌ورند . متراست برای  
اندازه گیری ، به نسبت نفس هرگز . ۲- پولکی — نوعی شکلات که در امفعهای میسا زند . ۳- لیس  
پیس لیس — نوعی بازی با سکه . ۴- کوک = مخفف کوکتل مولتف ، برای آسانی و مخفی کاری  
کنایه به " کوک " که مخفف کوکاکولا است .

# گاهنامه انقلاب ایران



اسدی

هزاران نفر در قم برای اعتراض به مقاله‌های آهانت آمیز عليه آیت‌الله خمینی که در جراید انتشاریا فته بود تظاهرات کردند. در حمله‌ما موران شاه به تظاهرکنندگان دهها نفر کشته شدند.

۱۹ دی ۱۳۵۶

هر مراسم چهل مسجدی قم از تبریز بیش از ۴۰۰ نفر شهید شدند.

۱۰ فروردین ۱۳۵۷

بدنبال تظاهرات وسیع در اصفهان، در این شهر حکومت نظام می‌اعلام شد.

۲۲ مرداد ۱۳۵۷

آیت‌الله خمینی در نجف کشتار مردم را محکوم و از شهداء تجلیل کرد.

۲۶ مرداد ۱۳۵۷

رژیم سینما رکس آبادان را آتش زد. ۸۳۱ نفر در آتش خاکستر شدند.

۲۷ مرداد ۱۳۵۷

تظاهرات وسیع در تهران، قم، تبریز و شهرهای دیگر، دولت آموزگار را بروکنا رکرد.

۳ شهریور ۱۳۵۷

دولت آشتی ملی "مهندس شریف‌اما می روی کارآمد. تاریخ شاهنشاهی لغو شد.

۵ شهریور ۱۳۵۷

۱۳ شهریور ۱۳۵۷

اولین تظاهرات میلیونی در تهران برگزار شد. هزاران زن در راه پیمایی بزرگ این روز برای اولین بار شعار دادند "ای بیشوف حیا کن، سلطنت را رها کن" در شهرهای دیگر هم راه پیمایی - های وسیع برگزار شد.

۱۷ شهریور ۱۳۵۷

در تهران و ۱۱ شهر دیگر حکومت نظامی اعلام شد. بستور اویسی فرماندا رنظامی تهران، مردم تهران را به رگبار کلوله بستند. این روز جمهوری سیاه نام گرفت.

۱۸ شهریور ۱۳۵۷

هویدا از وزارت دربار برکنار شد.  
شاه از سفر به خارج کشور منصرف شد.

۱۹ شهریور ۱۳۵۷

مجلس فرما یشی به دولت شریف امامی رای اعتماد داد.  
زلزله طبس را در هم کویید.

۲۰ شهریور ۱۳۵۷

مدارس باز شد و داشن آموزان به تظاهرات خیابانی پرداختند.

۲۱ مهر ۱۳۵۷

دولت عراق برای اقامت آیت الله خمینی محدودیت قائل شد.

۲۲ مهر ۱۳۵۷

حزب رستاخیز رسم " منحل شد.

۲۳ مهر ۱۳۵۷

دکتر علیقلی اردلان وزیر دربار شد.

۲۴ مهر ۱۳۵۷

اعتراض کارگران پالایشگاه جزیره خارک و سازمان آب و راه آهن تهران شروع شد. اعتنایات در شهرها گشتر شیافت.

۲۵ مهر ۱۳۵۷

آیت الله خمینی پس از آنکه کویت با اقامه متش در آنها موافقت نکرد، به پاریس رفت.

۲۶ مهر ۱۳۵۷

معلمان سراسر کشور اعتراض کردند.  
دانشکده ها باز شد و داشجوانیان به تظاهرات هر کنندگان پیوستند.

۲۷ مهر ۱۳۵۷

کارکران ذوب آهن مفهایان، کمرک خلفا و بسدرشا هپورا اعتنای کردند.

۲۸ مهر ۱۳۵۷

روزنامه های کشور اعتراض کردند. کارکران کارخانه ها اعتنای کردند.

(۱۷۴)

تطا هرات خونین در تهران ، ساوه و شهرهای دیگر بربا شد .

با اعلامیه رسمی دولت سا نسور مطبوعات لغو گردید و روزنامه ها منتشر شدند .

۲۱ مهر ۱۳۵۷

۲۲ مهر ۱۳۵۷

کارگران پا لایشگا هشیرا ز ، نطا میزشکی و نساجی بیزدا اعتراض کردند .

۲۳ مهر ۱۳۵۷

کارگران پا لایشگا آبادان ، نفت اهواز و گروه صنعتی به شهر و کارکنان نفت آبادان اعتراض کردند .

۲۴ مهر ۱۳۵۷

در تهران مواد سوختی کمیاب شد .

۲۵ مهر ۱۳۵۷

۸۰۰ داشجو در دانشگاه تهران اعتراض غذا کردند .

۲۶ آبان ۱۳۵۷

معاون وزیر دفاع آمریکا به ایران آمد .

۲۷ آبان ۱۳۵۷

مردم رشت به ساختهای ساواک و حزب رستاخیز حمله کردند .

۲۸ آبان ۱۳۵۷

آیت الله طالقانی ، آیت الله متظری ، صفر قهرمانی و افسر توده‌ای همراه هزار زندانی سیاسی آزاد شدند . فرماندار نظامی و رئیس شهریا نی شیراز شرور شدند . مردم معاون شهریانی به همان راستگاران کردند .

۲۹ آبان ۱۳۵۷

اولین مصاحبه تلویزیونی آیت الله خمینی از تلویزیون فرانسه پخش شد .

۳۰ آبان ۱۳۵۷

در دانشگاه تهران هفته همبستگی اعلام شد . مردم به دانشگاه هیا ن پیوستند .

۳۱ آبان ۱۳۵۷

در صایع نفت ، بانک سپه ، سازمان آب و بسیاری سازمانهای دولتی و بخش خصوصی اعتراض شد .

۳۲ آبان ۱۳۵۷

پروپرث استی از معاویت ساواک برگزار شد .

۳۳ آبان ۱۳۵۷

هزاران سفر از مردم تهران به دیدار آیت الله طالقانی رفتند . کارکنان هواپیمایی ملی اعتراض کردند و پروازهای هماقطع شد .

۳۴ آبان ۱۳۵۷

کارسرای شاه اعلام پشتیوانی کامل کرد . ماموران به کارمندان

۳۵ آبان ۱۳۵۷

(۱۷۵)

وزارت دارائی حمله کردند.  
تفنگداران سلاح اف دست به کشتار مردم پاوه زدند.

۱۲ آبان ۱۳۵۷

ما موران حکومت نظامی به دانشگاه تهران حمله کردند.  
ساواک بسیاری از ساختمانهای مهم تهران را آتش زد.

۱۳ آبان ۱۳۵۷

ما موران به خانه‌های کارگران نفت حمله کردند و عده‌ای بشهادت  
و سیدند.

۱۴ آبان ۱۳۵۷

کابینه شریف امامی سقوط کرد.  
شاه در یک نطق را دیووتلوبیزیونی به اشتباهات خود اعتراف کرد.  
از هاری ما مور تشکیل کابینه نظارتی شد. پس از روی کار آمدن وی  
مدادس، دانشگاهها و مطبوعات تعطیل شدند.

۱۵ آبان ۱۳۵۷

چماق بستان درسا ری به مردم حمله کردند.

۱۶ آبان ۱۳۵۷

رهبر دولت شوروی هشدار داد که اتحاد شوروی "با هرگونه مداخله در  
امور داخلی ایران از جانب هر کس، به شکل و تحت هر عنوان که  
باشد، مخالف است" و برآن است که "رخدادهای ایران جنبه  
کاملاً" داخلی دارد و مسائل مربوط به آین رخدادها را خود مردم  
ایران باید حل و فصل کنند."

۱۷ آبان ۱۳۵۷

آیت الله خمینی گفت: "شاه بزوی می‌رود".  
در شیراز ماموران به بیمه و ستان سعدی حمله کردند.

۱ آذر ۱۳۵۷

نزدیک به نیم میلیون نفر در مشهد راهپیمایی کردند.

۲ آذر ۱۳۵۷

در گرگان، تهران و بایل مردم را کشتار کردند.  
خاوشیهای برق در تهران آغاز شد.

۳ آذر ۱۳۵۷

صورت اسا می ۱۷۸ انفر که ظرف دو ماه بیشتر از ۵/۳ میلیون تومان ارز از  
کشور خارج کرده بودند بوسیله کارکنان بانک مرکزی منتشر شد.  
مردم به مناسبت آغاز ماه محرم به بیان رفتند و صلحی الله اکبر  
سردا دند.

۴ آذر ۱۳۵۷

ما موران نظمی دست به کشتار رشناک مردم زدند. دهها نفر در این شب  
شهید شدند.

۵ آذر ۱۳۵۷

در تظاهرات خونین تهران دهها نفر شهید شدند.

۶ آذر ۱۳۵۷

(۱۷۶)

آیت الله خمینی گفت " سربازان پا دکانها را ترک کنند و بدم  
مردم بپیوتدند "

۱۲ ذر ۱۳۵۷

تظاهرات خونین و گسترده در تهران، آباده، جهرم و زنجان روی  
داد.

۱۳ ذر ۱۳۵۷

میلیونها سفر در روز تا سواع را همیا ثی کردند.  
میلیونها نفر در سراسر ایران را همیا ثی کردند. در این روز-  
ها همه یک شماره میدادند " مرگ بر شاه ".  
یک سروان ، یک ستوان و سه سرباز در راه رخوری پا دکان لویزان  
۲۷ افسر را به رگبار گلوله بستند و خودشان شهید شدند.

۱۴ ذر ۱۳۵۷

آیت الله خمینی مردم را به ادا معا عتصابها دعوت کرد.

۱۵ ذر ۱۳۵۷

رژیم در شهرهای بیزد، کرمانشاه، خوشا رو همدان دست به کشتار  
مردم زد.

۱۶ ذر ۱۳۵۷

بعلت کمبود نفت و سردشدن هوا ، صفهای طویل نفت برای خرید  
نفت در تهران و شهرستانها تشکیل شد.

۱۷ ذر ۱۳۵۷

استادان برای بازگشائی دانشگاه تحصن کردند.

۱۸ ذر ۱۳۵۷

دانش آموزان به سفارت آمریکا حمله کردند. ماموران دست به  
کشتار آنها زدند.  
مدارس بعد از یک روز بازبودن مجدداً تعطیل شد.

۱۹ ذر ۱۳۵۷

کامران نجات الهی استاد دانشکده پلی تکنیک شهید شد.  
در تهران و رضائیه مردم را کشتار کردند.  
صدور نفت به خارج از کشور کما " قطع شد.

۲۰ دی ۱۳۵۷

تظاهرات خونین در شیراز، نهاوند، شاهزاد، مشهد و سنتندج  
روی داد.

۲۱ دی ۱۳۵۷

تانک ها قزوین را در هم کوبیدند، بیشتر از ۱۵۰ نفر شهید شدند.

۲۲ دی ۱۳۵۷

آخرین افراد خانواده شاه به آمریکا رفتند.

۲۳ دی ۱۳۵۷

(۱۷۷)

درتظاهرات مشهدیش از ۲۰۵ نفر کشته شدند.

۹ دی ۱۳۵۷

تانک ها مشهد را به شهر حنگ زده تبدیل کردند. صدها نفر شهید شدند.

۱۰ دی ۱۳۵۷

ماموران درشت، کرمانشاه، مشهد، تهران، بحثورد، بندر عباس و اراک دست به کشتن روزدند.

۱۱ دی ۱۳۵۷

ارتشید قره با غی رئیس ستاد رئیس شد.  
گروهی از زندانیان سیاسی آزاد شدند.

۱۲ دی ۱۳۵۷

ارتشید اویسی از ایران فرار کرد.

۱۳ دی ۱۳۵۷

بختیار رئیس وزیر شد. او هنگام معرفی کابینه گفت: "ساواک و چندوزارتخانه منحل میشود". در همین روز اعلام شد شاه برای استراحت به خارج میرود. امام در پیا می از پاریس از مطبوعات خواست به اعتساب پایان دهدند.

۱۴ دی ۱۳۵۷

امام خمینی از اعتساب کنندگان خواست به اعتساب ادامه دهدند.  
شاه گفت: "اگر برای استراحت به خارج بروم، شورای سلطنت تشکیل میشود، دولت بختیار اعلام کرد که زندانیان سیاسی تا یک هفته دیگر آزاد میشوند.تظاهرات وسیع علیه بختیار آغاز شد.  
در چند شهر مردم راه پیمایی کردند. ده ها نفر شهید شدند. مراسم سالروز تختی با تیراندازی و زد خوردهای پایان گرفت.

۱۵ دی ۱۳۵۷

بدنبال اعلام قبلی امام خمینی به مناسبت عزای عمومی، در هفته شهدا، سراسر کشور تعطیل شد. در چند شهر زد خور در روی داد. امام به ارتضیان پیام داد.  
ترکیب شورای سلطنت تعیین شد. آیات عظام قم در اعلامیه ای گفتند: "مبارزه ناسقوط دیکتاتوری ادامه می یابد".  
اویسی تقاضای بازنگشتگی کرد.

۱۶ دی ۱۳۵۷

در تهران و تعدادی از شهرها عزای عمومی به تظاهرات خونین تبدیل شد. ده ها نفر در تهران و شهرستانها شهید شدند. ارتشید جسم از وزارت جنگ استعفاء کرد.  
خسرو داد گفت: "اگر بختیار مانع خروج اعلیحضرت نشود، قبر خودش را گنده است".  
سازمان ملی دانشگاه های اعلام کرد "دانشگاه های تایک هفت-

۱۷ دی ۱۳۵۷

(۱۷۸)

بعدبا زمیشود .  
سازمان امنیت اعلام کرد " مجرمان ساواک " محاکمه میشوند .

امام در پیا می از پیاریس گفت : " مردم با کودتا مقابله خواهند کرد ."

بختیار گفت : " خروج شاه قطعی است " تظاهرات در دهه شاه برگزراشد .  
رادیولیندن درباره تغییر سیاست آمریکا نسبت به شاه گزارش داد .

۱۳۵۷ دی ۲۰

امام خمینی اعلام کرد " سفرشاه بدون کناره گیری وضع را تغییر نمیدهد ."

اعتراض وسیع کارکنان برق آغاز شد و از ساعت ۹ شب برق قطع شد .

۱۳۵۷ دی ۲۱

بختیار برنامه خود را برای پایان دادن به اعتراضات و انجام انتخابات آزاد در کشور اعلام کرد . او گفت : " از حمایت ارتش اطمینان دارم ."

امام خمینی شورای انقلاب اسلامی را تشکیل داد .  
مردم داشتگاهها را باز کردند .

اسا می اعضا شورای سلطنت اعلام شد .  
آمریکا خواستار خروج شاه از ایران شد .  
رئیس شهریانی بازنیسته شد .

به آذین از زندان آزاد شد .  
اعلام شد ایستگاههای رادار آمریکا در مرزاپرانته شوروی برچیده میشود .

۱۳۵۷ دی ۲۲

شاه کودتا را رد کرد .

تظاهرات مردم از داشتگاهها به خیابانها کشیده شد . مردم به لوله مسلسلها کل آویختند .  
تظاهرات و راهپیمایی دردهه شهرا نجا شد .

۱۳۵۷ دی ۲۴

امام اعضا شورای دولت مؤقت اسلامی را تعیین کرد . امام گفت : " مردم با تظاهرات ، دولت فعلی را ساقط میکنند .  
ارتشبد قره با غی اعلام کرد : " پس از رفتن شاه ، ارتش کودتا نمیکند ."

۱۳۵۷ دی ۲۵

---

۱۳۵۷ دی

(۱۷۹)

شاه از ایران فرار کرد، روزنامه‌ها با تیتر درشت "شاه رفت" منتشر شدند، شاه در آخرين لحظه مصاحبه مطبوعاتي را لغو کرد و در حال يكه ميگریست از کشور برای همیشه گريخت. بعد از پخش خبر فرار شاه مردم به خپا با نها ریختند. تهران و دیگر شهرها بکجا رژه شا دی و شادمانی شدند. مردم در همین روز در حال يكه فریا دمیزدند "بعد از شاه نوبت آمریکاست" مجسمه‌های طاغوت را پا ثیئن کشیدند.

امام خمیني اعلام کرد: "ما رکسیست‌ها در ایران عقیده‌زا دند".

---

۱۳۵۷ دی ۲۷

امام خمیني اعلام کرد: "بیروزی هنوز کامل نیست."

اموال شاه ملی اعلام شد.

زلزله خراسان صدها نفر را کشت.

---

۱۳۵۷ دی ۲۸

امام خمیني خواستا را استعفای وزرا، شد.

رئیس شورای سلطنت به پاریس رفت.

نانک‌ها و چماق بدستها به اهواز و ذوق‌فول حمله کردند. دهها نفر

در این حمله شهید شدند.

کردها به پاسگاه ژاندارمی حمله کردند.

---

۱۳۵۷ دی ۳۰

راه پیامشی عظیم چند میلیونی در تهران، شهرستانها و حتی

روستاها انجام شد. در قطعنامه راه پیامشی: "ما خواهان

جمهوری آزاد اسلامی هستیم."

بختیار گفت: "باققطون ارشت کودتا می‌کند. حاضر نیستم قدرت

را به آیت الله خمینی واگذار کنم".

---

۱ بهمن ۱۳۵۷

امام گفت: "تا چند روز دیگر در میان شما خواهیم بود، اعلام شد

امام ۵ روز بغایت تهران می‌آید.

شوریی در باره کودتا ادرا ایران هشدار داد.

بختیار گفت: "شاه قانون اساسی را زیر پا گذاشت".

۱۶۲ زندانی سیاسی از جمله رفیق علی خاوری، عفو هیئت سیاسی

کمیته مرکزی حزب توده ایران آزاد شدند.

---

۲ بهمن ۱۳۵۷

اعلام شد نظا میان با بازگشت امام خمینی مخالفت نخواهد کرد،

در برخورد خونین مشکین شهر بکمدن فر شهید شدند.

بختیار گفت: "سنگر را خالی نخواهیم کرد".

سیل جمعیت از شهرها و روستاها برای استقبال از امام بسوی تهران

سرازیر شد.

قوه‌های غی گفت: "کودتا در ارشت مطرح نیست".

ارتشید جم کفت : " آینده ایران تاریک و خونین است . "

رئیس شورای سلطنت استعفای داد . او بعد از غیرقانونی اعلام کردن شورای سلطنت با امام ملاقات کرد . آیت الله طالقانی کفت : " مردم برای دفاع از خود آماده‌اند . " ارشاد برای ورود امام تدبیر امنیتی دید . قوه باغی کفت : " ارشاد یکباره از قانون اساسی دفاع میکند . امام اعلام کرد : " در حکومت اسلامی دیکتاتوری وجود ندارد . ارشاد نباید با شاه نهاد بکشد .

طرفداران قانون اساسی در تهران تظاهرات کردند .

بختیار کلیه فرودگاههای کشور را ۳ روز بست . با زگشت امام خمینی ۲ روز عقب افتاد . بختیار گفت : " اگر آیت الله خمینی اعلام تشکیل شورای ملی اسلامی را به تعویق اندازد ، من پس از انتخابات مجلس موسسان کناره‌گیری میکنم . " اعلام شد امام در هشرا بطي می‌باشد . با زگشت امام برای جلوگیری از توطئه آمریکاست . بختیار گفت : " فکر نکنید با تهدید ، دولت کنار می‌رود . " داشت آموزان اعلام کردند مدارس را بازمیکنند .

اعلام شد بختیار برای ملاقات با امام به پاریس می‌رود . بختیار گفت : " با سفر به پاریس میخواهم در پاریس آینده کشور را آیت الله خمینی کسب نظر کنم . " امام اعلام کرد بختیار را فقط در صورت استعفا می‌پذیرد . با زگشت امام ۴۸ ساعت دیگر به تاخیر افتاد . میلیونها نفر در تظاهرات تهران و شهرستانها در حالیکه شعار می‌دادند " وای اگر امام نیاد " رژه رفتند . دهها نفر در راه یعنی تظاهرات شهید شدند . آیات عظام به ارشاد پیام دادند که بروی هموطنان آتش نگشاید .

بختیار اعلام کرد استعفا نمیدهد . نا آرامی و برخوردگاهی خونین سراسر ایران را فراگرفت . مردم در خیابان‌های تهران سنگریزی کردند . فرودگاههای کشور باز شد . امام گفت : " از دولت اطاعت نکنید . "

امام گفت : " خطر بازگشت را شخما " بر عهده میگیرم .

۱۲۵۷ ۱۲۵۷ ۱۲۵۷

۱۲۵۷ ۱۲۵۷ ۱۲۵۷

۱۲۵۷ ۱۲۵۷ ۱۲۵۷

۱۲۵۷ ۱۲۵۷ ۱۲۵۷

۱۲۵۷ ۱۲۵۷ ۱۲۵۷

۱۲۵۷ ۱۲۵۷ ۱۲۵۷

۱۲۵۷ ۱۲۵۷ ۱۲۵۷

(۱۸۱)

بختیار اعلام کرد: "رژیم ایران میتواند جمهوری شود."

۱۰ بهمن ۱۳۵۷

اعلام شد امام روز بعد به تهران می آید. دولت بختیار با درخواست افراد اس برای فرود در تهران موافقت کرد. ارتضی اعلام کرد تغییر رژیم راجز از راههای قانونی نمیبیند. دستور خروج همه آمریکائیان از ایران صادر شد.

۱۱ بهمن ۱۳۵۷

امام در میان شورو شوق میلیونها استقبال کننده با پیران برگشت. طول جمعیت استقبال کننده ۳۳ کیلومتر بود. امام هنگام ورود گریه میکرد. ۵ هزار جوان مراقبت از جان امام را عهده دار شده بودند. باقطع ناگهانی پخش مستقیم تلویزیون، مردم شهرها تلویزیون را شکستند و به خیابانها ریختند. امام مستقیماً "به بهشت زهرارفت و در آنجا بر مرا رشیدان پیام داد. امام گفت: "تلویزیون این دولت میزند. فقط قدم اول پیروزی را بروداشته‌ایم. اگر تسلیم ملت نشوید، ملت شمارا بجا خود مینشاند". بختیار رگفت: "تنها دولت مرکزی مملکت را اداره خواهد کرد".

۱۲ بهمن ۱۳۵۷

امام اعلام کرد "ملاقات با بختیار را در صورتی می پذیرم که استعفای دهد. اگر موقع جها داشد میتوانیم اسلحه تهیه کنیم". امام از ارتضی خواست هرچه زودتر بشهزاده ملت بپیوتد. با استعفای شهردار تهران، امام مسئول شهرداری تهران را تعیین کرد. امام گفت: "دارندگانی کشته هم می‌باشند که این دولت میزند". بختیار برای تشکیل حکومت وحدت ملی به تکابو افتاد.

۱۳ بهمن ۱۳۵۷

بختیار رگفت: "نه با شاه سازش میکنم و نه با خمینی. به آیت الله خمینی اجازه تشکیل دولت مؤقت را نمیدهم. کسانی را که جنگ داخلی را ببینندارند تیرباران میکنم". فرمادهان ارتضی باندگان امام تماس گرفتند. هوشنگ نهادنی، عبدالجعید مجیدی و عده دیگری ر مقامات سابق بازداشت شدند. امام گفت: "اگر مردم قبول کردند، رژیم جمهوری خواهد بود".

۱۴ بهمن ۱۳۵۷

امام اعلام کرد تظاهرات خیابانی ادامه پیدا کند. گروهی از نظاماً میان به امام اظهار رفاداری کردند. بختیار رگفت "هر کس اکثریت داشت حکومت میکند". ۱۰۰ مقام پیشین بازداشت شدند. تماسهای سیاسی برای جلوگیری از جنگ داخلی آغاز شد.

۱۵ بهمن ۱۳۵۷

(۱۸۲)

امام بازگان را بعنوان نخست وزیر تعیین کردو زملت خواست درباره این دولت نظر بدهند. مردم در تظاهرات وسیع، دولت بازگان را تائید کردند. کابینه بازگان وظایف دولت موقت اعلام شد.

بختیار گفت: "دولت موقت را تا شوخی است می پذیرم."

امام اعلام کرد: "ادامه نهضت یک تکلیف است. مذاکره پشت پرده برای تعیین سرنوشت شاه آغاز شد. ژنرال هویزرا از ایران رفت. به پادگان لویزان از طرف دولت آمده باش داده شد. به نظا میان کفته شد لباس رزم به تن کنند.

میلیونها شفر در راه پیمایی های عظیم دولت بازگان را تائید کردند. هزاران نظامی با رژه دربرابر امام شعار دادند: "ما قطره ای از ارشت توهیمیم". مذاکرات مهم بازگان با بختیار و سران ارتش آغاز شد. بختیار گفت: "نتیجه رفرازند مخالفان را می پذیرم، دربرابر آیت الله خمینی مقاومت میکنم". شریف امامی از ایران فرار کرد.

تانک های لشگرگار دیده نیروی هوائی حمله کرد. همان فرایند مقابله با گارد پرداختند. مردم مسلح به یاری افراد نیروی هوائی رفتند. جنگ و گریز مسلح‌انه عاساعت ادامه داشت. تمام خیابان های اطراف شیریوی هوائی سنگرینی شد. افراد نیروی هوائی با کمک گروههای مسلح مردم حلقه محاره را شکستند و گارد را عقب راندند. دهها نفر در این شرده شهید و صدھا نفرخی شدند. حمله تانکها به نیروی هوائی از نیمه شب حجم ۲۶ غاز شد و ظهر روز ۲۱ بهمن مردم وافراد نیروی هوائی در حالیکه تفنگها را با لگرفته بودند، فربایاد میزدند پیروز شدیم.

بختیار گفت: "اعضاي دولت موقت را با زداشت میکنم". فرمان نداری نظامی از ساعت ۴ بعداً ظهرها علام حکومت نظمی کرد. مردم به فرمان توجه نکرده و به خانه ها نرفتند.

نبردی که بعد از شکست گاردا داده شده بود، به قیام مبدل شد. ساعت ۸/۳۰ صبح اسلحه خانه پا دگان نیروی هوائی توسط مردم تखیر شد. مردان مسلح، برشهر تهران تسلط یافتند. مردم بای کمک هما فرمان مسلح ۷ کلانتری را به تصرف خود درآوردند. تانکهای ارشت به جنگ مردم مسلح آمدند. پیوش مردم به پا دگان-

۱۷ بهمن ۱۳۵۷

۱۸ بهمن ۱۳۵۷

۱۹ بهمن ۱۳۵۷

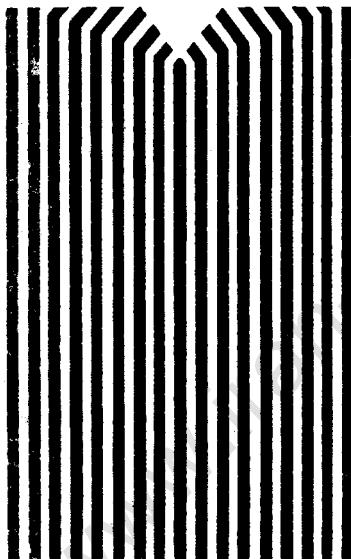
۲۰ بهمن ۱۳۵۷

۲۲ بهمن ۱۳۵۷

ها وکلانتری ها که از شب قبیل آغاز شده بود ادامه یافت . قبل از ظهر پایان نیروی هوائی تسخیر شد ، اندکی بعد از ظهر مردم پایان عشت آیا در افتتاح کردند . ساعت بعد پایان جمشیدیه فتح شد . بعد نوبت به با غشاه رسید .

ساعت ۳ بعد از ظهر شورای ارتش اعلام بیطرفی کرد و ارتش تسلیم شد . ساعت ۶ بعد از ظهر را دیووتوپوزیون آزاد شد . ساعت ۷ بختیار فرا رکرد و استعفای داد .

با شهادت ۱۰۰۰ جنگجو و هزاران مجروح ارتش انقلاب ، شهرها را آزاد کرد و رژیم شاهنشاهی سرنگون شد .



**حزب توده ایران از یک برنامه جامع بنیادی اصلاحات ارضی  
بسود دهقانان بی زمین و کم زمین مصممانه پشتیبانی میکند**

این شعر در جریان انقلاب سروده شد

## \* آن تاج را وارون کنید!

۱۰۵. سایه

ای عاشقان ای عاشقان پیمانه‌ها بُر خون کنید  
وز خون دل ، چون لاله‌ها ، رخساره‌ها گلگون کنید

آمد بکی آتش‌سوار ، بیرون جهید از این حمار  
تا بردمد خورشید نو شب را ز خود بیرون کنید

آن یوسف‌جون ماه را از چاه غم بیرون کشید  
در کلبه احزان چرا این ناله مهزون کنید

از چشم ما آثینه‌ای در پیش آن مهرو نهید  
آن فتنه، فتنه را بر خوبیشن مفتون کنید

دیدم بخواب نیمشب خورشید و مه را لب بلب  
تعییر این خواب عجب ، ای صبح خیزان ، چون کنید ؟

نوری برای دوستان دودی به چشم دشمنان  
من دل بر آتش می‌سهم ، این هیمه را افزون کنید

زین تخت و تاج سرنگون تا کی رود سیلاخون ؟  
این تخت را ویران کنید ، آن تاج را وارون کنید

## ★ با یادبودها و لحظه‌های انقلاب

(در دیداری از آثار دونمایشگاه "موزه هنرهای معاصر تهران")

تاریخ ما مملو از کلمات است . تصویر در آن کمتر بچشم میخورد . در کتابهای فنا و زندگی مردم ما را نوشه اند و از ورای کلمات باید با ذهنی امروزی شکل گذشته را مجسم کرد . ما از چهرهٔ قهرمانان بیشمار خود تصویری درست و مستندنداریم . ما چهرهٔ خلق خودمان را ، فضای زندگی او را درست نمیشاسیم ، چرا که تصویری از گذشته نداریم . عکس‌های تاریک انقلاب مشروطیت هرچند محدودند اما دنیا شی را از آداب و رفتار و اشکال روش میکنند .

با یک عکس خیلی چیزها ثابت و ضبط میشود . از معماری محیط گرفته تا طراحی لباس تا آرایش ، تا میزان فقر ، تا اندازهٔ وابستگی ، تا شیوهٔ زندگی ، تا شکل وسائل ، تا طرز نگاه ، تا آنکه بتوانیم گذشته را خوب ببینیم ، بدون حدس زدن و بدون حاشیه رفتن و بدون انحراف آنرا بهتر ارزیابی کنیم .

عکس ، واقعیت را نشان میدهد . تصویر ، نگاه را تا زوایای درست و دقیق دیدن هدایت میکند . تصویر تاریخی روش است ، سندی زنده است ، زبانی باز و بدون اشاره است و تاریخ ما چنین روشنایی با چنین اسنادی نداشته است .

در موزه هنرهای معاصر تهران در کنار نمایشگاه‌های متعدد دو نمایشگاه اسنادی از واقعیت انقلاب ما را معرفی میکند .

نمایشگاه آثار چهار عکاس :

بهمن جلالی ، محمد صیاد ، عباس عطار و کاوهٔ گلستان .

و نمایشگاه دیوار نوشته‌ها با تماویری از مرتضی ممیز و همکاری علی خسروی نفیسه شهدادی ، امرالله فرهادی ، فرشاد فرهی ، کاوه گلستان و مصطفی ممیز .

\*

نمایشگاه چهار عکاس لحظات پرشکوه ، تکان دهنده و پرهیجان ایام راهپیما شبهاء، مبارزات، جنگ و گریز و مقابله با حکومت شاه مخلوع را زنده و محض کرده است. تصاویری که اسناد قهرمانی خلق ما و اسناد جنایت حکومت واژگون پهلوی است. نمایریست از بیان‌خاستن ملتی ستم کشیده که با دستهای خالیش برج و باروی حکومتی تا دندان مسلح را به آسانی درهم کوبید و درهم ریخت.

\*

نمایشگاه دیوار نوشته‌ها قسمتها متنوع دارد و مجموعه ایست از نگرشاهی متنوعی بر دیوار نوشته‌های ایام انقلاب که هریک میتواند منبعی جهت تحقیق‌ها و بررسی‌های جالب بعدی در احوال و روایات خلق ما باشد.

قسمتها متنوع این نمایشگاه شامل:

۱- تاریخ لحظه به لحظه و روز به روز ایام انقلاب از ورای شعارهایی که بر دیوارها نگاشته شده اند؛

۲- هنر گرافیک انقلابی ایام انقلاب؛

۳- اسمی اماکنی که توسط مردم بجای اسامی گذشته برگزیده شده‌اند.

۴- ادبیات انقلاب شامل شعارها و جملات موزون و شعرگونه سیاسی و انقلابی؛

۵- عکاسی هنرمندانه از دیوارها؛

۶- بررسی و تجزیه و تحلیل کیفیات گوناگون شعارهای انقلاب.

شعارهای ایام انقلاب در محدوده "زمانی اواخر شهریورماه تا آخر اسفند پنجاهم" هفت است و با شعار "مرگ بر شاه" شروع شده است و به شعار "در طلوع آزادی جای شهدا خالی" ختم شده است و عکاسان با عکسبرداری روز بروز شعارها رشد روز بروز انقلاب را از طریق نوشته‌ها و شعارهای روی دیوار نمایش میدهند.

با آنکه آن ایام تصور میشد اختناق و تعطیل در وسائل ارتباط جمعی و خبررسانی باعث رونق دیوار نویسی شده است، اما امروز هم میبینیم این طریق همچنان گرم و جوشان است و علیرغم نشریات گوناگون که آزادانه هر خبر و نکته ای را بازگو میکنند، هیچ از کیفیت و عطش دیوار نویسی کم نشده است.

شاید دیوارها ، مفعه ای برای طبیعی ترین و مردمی ترین اظهار عقاید باشند و همین طبیعی بودن اظهار نظرهاست که توجه پژوهنده را برای یک بررسی عمیقاً نه در نحوه دید و فرهنگ مردم ما جلب میکند.

پژوهش در نحوه انتخاب کلمات ، طرز بیان ، انتخاب وسیله ، شیوه نوشتن ، شکل خطاطی ، حرکت و شتاب و هیجان قلم که از دیدی تصویری ، کلمات را تصویر میکند. انتشار تصاویر این دو نمایشگاه در "دنیا" تجدید خاطره ایست از ایام پرشکوه انقلاب بزرگ ما.

برخی از عکسهای عرضه شده در این صفحات از کتاب اقای بهمن جلالی "روزهای آتش روزهای خون" گرفته شده‌اند.

## ★ بررسی آماری نمایشگاه

نتایج زیر از قسمت بررسی و تجزیه و تحلیل شعارهای نمایشگاه که موضوع تحقیقات دو تن از فارغ التحصیلان داشتکده هنرهاي تزئیني بنا م نفيسيه شهادتي و امرالله فرهادی است، استخراج شده است.

اين پژوهش براساس دوسيت اسلامي تهيه شده است.

- مناطق عکسبرداری: يك درصد شمال شهر، ۷۶/۵ درصد ميان شهر و ۵/۲۲ درصد پائين شهر.
- اماكن عکسبرداری: هشتاد درصد در خيابان، هفت درصد كوجه و سيرده در صدمك نهاي عمومي
- زبان شعارها : نودوهفت درصد شعارها بزبان فارسي، ۴/۲ درصد بزبان انگليسی و ۱/۲ بزبان عربي نوشته شده است.
- هشتاد و هفت درصد شعارها داراي روحيه جدي، ۸/۴ درصد شعارهاي طنزآميزي، ۵/۲ درصد بصورت شعروي و ۵/۵ درصد با محتوي دشمن.
- هفت درصد شعارها خبری، ۲۳ درصد آگاهی دهنده، ۷ درصد هشدار دهنده، ۵/۸ درصد شعارهای اموي، ۴/۲ درصد شعارهای بزرگداشت و ۹/۲ درصد غيري.
- ۳۷ درصد شعارها همراه با آرم سازمانهاي سياسي و ۹۹ درصد شعارها بدون آرم سازمانهاي سياسي است.
- ۲/۲ درصد شعارها همراه با تصویر و ۹۷ درصد شعارها بدون تصویر است.
- پنجاه و سه درصد تصاویر بانا م نوشته است و چهل و شش درصد تصاویر مستقل است.
- يازده درصد از آرمها تکرار شده اند و هشتاد و هشت درصد از آرمها تکرار نشده اند.
- ۱۲/۲ درصد از شعارها با خط نسخ، ۱۰ درصد با خط نستعليق، ۱/۶ درصد دکوراتيو و ۷۱ درصد خط دستنويس عادي.

